

به نام خدا



فصلنامه

# پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۶

این فصلنامه طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی \_ پژوهشی منتشر می شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

مدیر داخلی: اعظم ولی زاده لاریجانی

رشته	درجه علمی	دانشگاه	عضو هیئت تحریریه
حسابداری	استاد	دانشگاه مازندران	احمد احمدپور
حسابداری	استاد	دانشگاه شهید باهنر کرمان	امید پورحیدری
حسابداری	استاد	دانشگاه الزهراء (س)	رضوان حجازی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	سید احمد خلیفه سلطانی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	علی رحمانی
حسابداری	استاد	دانشگاه شهید چمران اهواز	حسین سجادی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	غلامرضا سلیمانی امیری
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	شهناز مشایخ
حسابداری	دانشیار	دانشگاه تهران	بیبا مشایخی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه تهران	ساسان مهرانی

ویراستار علمی: اعظم ولی زاده لاریجانی

ویراستار ادبی: اعظم ولی زاده لاریجانی

ویراستار انگلیسی: الهه ابراهیمی

طراح جلد و لوگو: هدیه تیموریان

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک فرگاهی

کارشناس نشریه: اعظم پاک خصال

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: [jera@alzahra.ac.ir](mailto:jera@alzahra.ac.ir)

## خط مشی انتشار مجله

پژوهش‌های تجربی حسابداری فصلنامه‌ای است با رویکرد علمی- پژوهشی که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی\* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/ آرشویی، آزمایش، بین رشته‌ای/ انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تاکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

### ۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و نمودارها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و نمودار و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون

شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها [www.jera.ir](http://www.jera.ir) ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

## ۲. ساختار مقاله

۲-۱. **صفحه جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛
- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛
- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛
- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحه اول مقاله:** عنوان و چکیده مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کد گذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛
- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛
- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

### ۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

### ۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود. در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آنها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۵ سانتی متر می‌باشد.

## ۵. نمودارها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان نمودارها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آنها درج شود. بهتر است نمودارها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و نمودارها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جداولی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.





## فهرست مطالب

- تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه..... ۱  
جواد نیک کار، الهام حمیدی، اکرم جلیلی
- بررسی اثرات بکارگیری زبان گزارشگری مالی قابل توسعه (XBRL) بر گزارشگری مالی  
شرکت‌های ایرانی..... ۲۹  
اکبر امینی مهر، سیده فروزان نبوی نژاد
- کیفیت افشا و پاداش مدیریت..... ۴۳  
احمد احمدپور، زهره حاجیها، حسن چناری بوکت
- تأثیر وضعیت و کیفیت گزارش حسابرس بر حجم معاملات شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق  
بهادار تهران..... ۶۳  
محمد رضا عباس زاده، سعید سمائی رهنی، علی خلیلیان موحد، فرشته مشتاق
- تحلیل پارادایم پژوهش‌های حوزه حسابداری مدیریت در کشور ایران: شواهدی از سه دهه  
اخیر..... ۸۱  
محمد کاشانی پور، داود محسنی نامقی
- بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود..... ۱۰۳  
مسعود حسنی القار، محمد مرفوع
- تأثیر ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات بر واکنش بازار به اعلان سود..... ۱۳۱  
شهناز مشایخ، فرزانه اکبری
- تأثیر مزایای ایجاد شده در حسابداری بر میزان رضایتمندی با شرط پذیرش سیستم برنامه‌ریزی  
منابع سازمانی..... ۱۵۳  
سحر یوسفی زاده، مهناز ملانظری
- بررسی رابطه اندازه، مدیریت سود و زمان بندی بازار با عملکرد شرکت در زمان افزایش  
سرمایه..... ۱۸۹  
مریم دولو، افسانه پایسته
- بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهار نظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت.. ۲۲۱  
حسن فرج زاده دهکردی، ناهید حیدری



## تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه

جواد نیک‌کار\*، الهام حمیدی\*\*، اکرم جلیلی\*\*\*

تاریخ ۲۰ / ۱۱ / ۹۴

تاریخ ۲۱ / ۰۲ / ۹۵

### چکیده

هدف این تحقیق، بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور پنج فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۱۰۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار برای دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تلفیقی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. نتایج نشان داد که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پدیده چسبندگی هزینه وجود دارد. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داد که نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها، نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش و نسبت مالیات به فروش شرکت به عنوان شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه دارد. همچنین، نتایج مویید آن است که نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها و متغیر توانایی راهبری شرکتی به عنوان شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های ایرانی ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** مسئولیت اجتماعی شرکت، رفاه عمومی، چسبندگی هزینه و عدم تقارن رفتار هزینه.

طبقه بندی موضوعی: G39 , G34

کد DOI: 10.22051/jera.2017.8651.1161

\* دانشجوی دکتری و مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، نویسنده مسئول، (J.Nickar@gmail.com).

\*\* استاد یار دانشگاه غیر انتفاعی خاتم، (HAMIDI.ELHAM@GMAIL.COM).

\*\*\* کارشناس ارشد حسابداری، (akramjalili7@gmail.com).

## مقدمه

امروزه با توجه به پیچیده‌تر شدن ارتباط شرکت‌های موجود در جامعه با یکدیگر و همچنین با دولت و افراد حاضر در جامعه شرایطی به وجود آمده، که شرکت‌ها می‌بایست نه تنها به ذی‌نفعان بلکه به آحاد مردم پاسخگو باشند. علاوه بر این، باید توجه داشت که رشد و توسعه صنایع، کارخانه‌ها و واحدهای تجاری همگام با ایجاد و تکامل نهادهای اجتماعی، تحول در نقش اطلاعات، تحول در تشکیلات دولتی و سرانجام تحول در اخلاق، بتدریج تعهدات و الزاماتی را به عهده واحدهای تجاری بوجود آورده است. مسئولیت اجتماعی شرکت<sup>۱</sup> موضوعی جدید در ادبیات و تحقیقات حسابداری به شمار می‌رود که از جنبه‌های مختلف توسط سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران، مدیران و محققین مورد توجه قرار گرفته است. منظور از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به گونه‌ای است که منافع کلیه ذی‌نفعان شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه، در سیاست‌ها و عملکرد سازمان منعکس شود. به عبارت دیگر، سازمان باید همواره خود را جزئی از اجتماع بداند و نسبت به جامعه احساس مسئولیت داشته باشد و در جهت بهبود رفاه عمومی به گونه‌ای مستقل از منافع مستقیم شرکت، تلاش کند (فروغی و همکاران، ۱۳۸۷).

افزون بر این، امروزه سهامداران خواهان سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که به گونه‌ای مناسب مسئولیت‌های اجتماعی را انجام می‌دهند. لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۴)، ادعا می‌کنند که مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها نه تنها در شرکت‌های بزرگ انجام می‌شود بلکه امروزه برای بسیاری از شرکت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. طرفداران افشای اطلاعات مسئولیت‌های اجتماعی ادعا می‌کنند که شرکت‌ها برای افزایش ثروت سهامداران این اطلاعات را افشا می‌کنند. امروزه سهامداران خواهان سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که به گونه‌ای مناسب مسئولیت‌های اجتماعی را انجام می‌دهند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها موضوع جدال‌آمیز قابل توجهی در ایالات متحده در این چند دهه بوده است. از یک سو، افرادی قرار دارند که استدلال می‌کنند هدف تجارت کسب سود و افزایش ارزش سهام است و بهبود وضع رفاه و سلامت اجتماع به طور کلی وظیفه عوامل مذهبی، اجتماعی و حکومتی است. مقاله کلاسیک میلتون فریدمن (۱۹۷۰) با عنوان «مسئولیت اجتماعی تجارت،

فقط افزایش سود است» به روشنی این دیدگاه را تشریح می‌کند. از سوی دیگر، کسانی که مدعی بودند تجارت تا حد زیادی نسبت به امور رفاهی جامعه متعهد است، قرار دارند که استدلال می‌کنند تجارت دارای دین اجتماعی، مدنی یا اخلاقی برای انجام فعالیت‌های اجتماعی به منظور بهبود رفاه عمومی به وسیله منافع‌اش است.

علاوه بر مطالب مطرح شده در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت، شناخت رفتار هزینه، یکی از مباحث مهم حسابداری بهای تمام شده و حسابداری مدیریت است. در مدل سنتی، رفتار هزینه‌ها متناسب با تغییر محرک هزینه تغییر می‌کند. یعنی میزان تغییر در هزینه‌ها به میزان تغییر در سطح فعالیت بستگی دارد و جهت تغییرات (افزایش و کاهش) در حجم فعالیت، تأثیری روی بزرگی تغییرات در هزینه‌ها ندارد. اما، نتایج پژوهش‌های برخی از پژوهشگران (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳ و کالیجا و همکاران، ۲۰۰۶) بیانگر این موضوع است که میزان افزایش در هزینه‌ها هنگام افزایش در سطح فعالیت، بیشتر از میزان کاهش در هزینه‌ها برای همان مقدار کاهش در حجم فعالیت است. چنین رفتاری را «چسبندگی هزینه<sup>۲</sup>» می‌نامند. پدیده چسبندگی هزینه از دو دیدگاه قابل توضیح است دیدگاه اول؛ نظریه اقتصادی هزینه‌های چسبنده است، طبق این دیدگاه، چسبندگی هزینه ناشی از تصمیم مدیران از استفاده آگاهانه از منابع است. دیدگاه دوم؛ در ارتباط با نظریه نمایندگی از عدم تقارن رفتار هزینه، در ارتباط با ویژگی‌های انگیزه شخصی مدیران برای ایجاد امپراطوری مدیریتی است (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳).

در پژوهش حاضر، با توجه به افزایش اهمیت روزافزون بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و با توجه به اهمیت پیش‌بینی رفتار هزینه‌ها، تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. اکثر تحقیقات انجام شده در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت، به تأثیر آن بر کیفیت سود، هزینه حقوق صاحبان سهام و عملکرد مالی شرکت تأکید داشته‌اند. همچنین، ساختار مقاله تا انتها در برگیرنده، پیشینه نظری و تجربی تحقیق، تدوین فرضیات و روش شناسی پژوهش و در انتها شامل یافته‌های تحقیق به همراه نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها می‌باشد.

## پیشینه پژوهش

### پیشینه نظری

مسئولیت اجتماعی شرکت نشان‌دهنده میزان توجه شرکت به طور فعال در پاسخ به خواسته‌های ذینفعان از جمله سهامداران، کارکنان، تأمین‌کنندگان و جامعه بطور وسیعتر است. به عبارتی دیگر، مسئولیت اجتماعی شرکت اغلب به عنوان یک ابزار مؤثر برای به دست آوردن حمایت از جانب سهامداران، کسب اطمینان از استفاده مؤثر از منابع سازمانی، بدست آوردن حمایت از جانب رسانه‌ها، ارسال سیگنال‌های مشروعیت به جامعه و کاستن از مورد بررسی موشکافانه قرار گرفتن از سوی سرمایه‌گذاران و کارکنان است (اورلیزکی و همکاران، ۲۰۰۳). به طور خلاصه، محرک‌های گزارشگری مسئولیت‌های اجتماعی ریشه در دو منبع قدرت دارد. در واقع شرکت به واسطه فشارهای وارده از سوی نهادهای قانونگذار و سهامداران مسئول به گزارشگری مسئولیت‌های اجتماعی است. از یک سو دخالت دولت از طریق ضوابط قانونی و مجازات‌ها، و از سوی دیگر، توجه سهامداران و ذینفعان به آثار اجتماعی فعالیت شرکت‌ها، آنان را به پاسخگویی در زمینه عملکرد اجتماعی سوق می‌دهد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۴).

افزون بر این، دیدگاه نظری در مورد چسبندگی هزینه‌ها متکی به این تصور است که بسیاری از هزینه‌ها، از جمله سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، ناشی از تصمیم‌گیری عمدی مدیران در پاسخ به کاهش سطح فعالیت است (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳). به عنوان مثال در صنعت خودرو، نسخه هیبریدی خودرو که از لحاظ زیست‌محیطی یک خودروی استاندارد است، ممکن است با توجه به ارزش‌های اجتماعی از لحاظ کاهش آلودگی هوا به قیمتی بیشتر از قیمت بازار به فروش رود. اگر فروش این نوع خودرو به دلیل بحران‌های اقتصادی کاهش یابد، مدیریت، تا زمانی که شوک تقاضا موقتی فرض شود، لزوماً منابع را به همان اندازه که فروش کاهش پیدا کرده رها نمی‌کند یا کاهش نمی‌دهد. در مقابل، وقتی سطح فعالیت‌ها افزایش یابد، مدیران مجبور هستند سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت را افزایش دهند. به عنوان مثال سرمایه‌گذاری اضافی برای حداقل کردن تخریب محیط زیست، که این اقدامات باعث چسبندگی هزینه می‌شود (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳ و بانکر و همکاران، ۲۰۱۳).

بنابراین، انتظار بر این است که شرکت‌ها برای نشان دادن رفتار مسئولیت اجتماعی اشتیاق داشته باشند و به دنبال سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت باشند، که در این خصوص می‌توان به سرمایه‌گذاری‌های در حال انجام در فعالیت‌های تحقیق و توسعه برای کاهش آلودگی و انتشار گازهای گلخانه‌ای، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مرتبط با ترویج بهینه انرژی و تعمیر و نگهداری اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات با متوسط عملکرد زیست محیطی بالا برای صنعت خاص، اشاره کرد. تمام این اقدامات، منعکس‌کننده تصمیمات تعمدی مدیران است و آنها را ملزم به تعدیل هزینه‌ها می‌کند و لذا نمی‌توان به راحتی، هنگام شوک‌های درآمدی، هزینه‌های مربوط را به سمت پایین حرکت داد. در طرف مقابل، شرکت‌هایی که در زمینه بکارگیری مسئولیت اجتماعی شرکت نگرانی دارند، ممکن است که هنگام کاهش فروش، هزینه‌ها را کاهش دهند. برای مثال کاهش نیروی کار که این اقدامات منجر به ویژگی ضدچسبندگی هزینه می‌شود که البته این امر در صنایع حساس می‌تواند سودآوری بلندمدت شرکت را تحت تأثیر منفی قرار داده و از سوی دیگر، اختلافاتی در زمینه آلودگی محیط زیست مانند بحث آلودگی آب و نهایتاً بسته شدن کارخانه از سوی دولت را به دنبال داشته باشد (حبیب و مومنزاحسن، ۲۰۱۵).

علاوه بر این، زمانی که سطوح فعالیت کاهش می‌یابد، ممکن است مدیران به کوچک کردن اندازه منابع مسئولیت اجتماعی مثل همکاری با سازمان‌های خیریه، حمایت برنامه‌های خانه‌سازی و تحصیل و غیره، روی آورند. بنابراین، تا اندازه‌ای که مدیران تعادل ناشی از هزینه‌های تعدیل شده را تشخیص می‌دهند، سرمایه‌گذاری‌های مسئولیت اجتماعی را تا اندازه‌ای کمتری کاهش می‌دهند. این موضوع زمانی رخ می‌دهد که فعالیت کاهش می‌یابد. در صورتی که، سرمایه‌گذاری مسئولیت اجتماعی در زمان افزایش فعالیت به همان نسبت افزایش می‌یابد. در نتیجه، چسبندگی هزینه وجود می‌آید. البته، باید توجه داشت که تمامی سرمایه‌گذاری‌های مسئولیت اجتماعی، مشخصه‌های مشابهی را به اشتراک نمی‌گذارند (حبیب و مومنزاحسن، ۲۰۱۵).

با این وجود، در مطالعات اخیر (مولر و کراسان، ۲۰۱۱؛ فومرون و همکاران، ۲۰۰۰ و استریک و همکاران، ۲۰۰۶) مشاهده شده است که جنبه‌های مثبت و منفی فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت می‌تواند به طور همزمان رخ دهد. بر اساس پژوهش صورت گرفته

توسط حبیب ومونزارحسن (۲۰۱۵)، چسبندگی هزینه در چهار بخش مسئولیت اجتماعی شرکت (شامل محیط زیست، کارکنان، کالا و جامعه) به صورت جداگانه و در مجموع برای آن وجود دارد. از سوی دیگر، در تجزیه و تحلیل مسئولیت اجتماعی شرکت به نقاط ضعف و قوت به این نتیجه رسید که چسبندگی هزینه برای نقاط قوت مسئولیت اجتماعی شرکت بیشتر است.

تانگ و همکاران (۲۰۱۵) مشاهده کردند که درگیری شرکت‌ها در فعالیتهای مسئولیت اجتماعی شرکت، لزوماً به این معنا نیست که رفتارهای غیرمسئولانه آنها کمتر است. بلکه بیشتر احتمال دارد برای جلب توجه ناظران باشد که این جنبه از نظر مفهومی متمایز و پیامدهای متفاوت برای شرکت دارد (گارفری و همکاران ۲۰۰۹؛ استریک و همکاران ۲۰۰۶). با این وجود، جنبه‌های مثبت فعالیتهای مسئولیت اجتماعی شرکت و هزینه‌های مرتبط با آن (به طور مثال هزینه فعالیتهای تحقیق و توسعه برای توسعه تجهیزات محیط زیست، افزایش هزینه‌های آموزشی و...) باعث خاصیت چسبندگی هزینه می‌شود و جنبه‌های منفی به عنوان یک استراتژی مقرون به صرفه در هزینه باعث کاهش ارزش حقوق صاحبان سهام (کاتچن و مون، ۲۰۱۲) و خاصیت ضد چسبندگی هزینه می‌شود (به عنوان مثال شیوه کار استثماری برای کاهش هزینه‌ها).

### پیشینه تجربی پژوهش

هانگ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین عملکرد مالی و عملکرد اجتماعی شرکت پرداخت که نتایج پژوهش او حاکی از وجود رابطه مثبت بین عملکرد مالی و مسئولیت اجتماعی شرکت است. همچنین، چویی و همکاران (۲۰۱۰) پژوهشی در بین ۱۲۲۲ شرکت از کشور کره انجام دادند که نتایج حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار بین عملکرد مالی و مسئولیت اجتماعی بوده است.

کیم و دیگران، (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین کیفیت سود و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. به منظور بررسی کیفیت سود از معیارهای اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود با استفاده از فعالیتهای واقعی پرداختند. معیارهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها شامل مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، انجمن، تنوع، روابط کارمندان، محیط و حقوق انسانی است.



نتایج تحقیق آنان نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها منجر به بهبود کیفیت سود شرکت‌ها خواهد شد.

کاما و ویس (۲۰۱۳) معتقدند که انگیزه‌های دستیابی به سود هدف، در تعدیل منابع و ساختار هزینه تأثیر گذار است. آنان بیان می‌کنند که برخی از تصمیمات آگاهانه مدیران چسبندگی هزینه ایجاد می‌کند. اما، برخی دیگر شدت چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. آنان استدلال کردند، زمانی که مدیران با انگیزه‌های اجتناب از زیان، اجتناب از کاهش سود و رسیدن به سود پیش بینی شده در زمان کاهش فروش مواجه می‌شوند آنها تعدیل رو به پایین منابع استفاده نشده را سرعت می‌بخشند و این تصمیمات آگاهانه سبب کاهش درجه چسبندگی هزینه می‌شود. همچنین، نتایج تحقیق آنها نشان داد در زمان کاهش فروش، مدیران هزینه‌ها را در صورت وجود انگیزه‌های رسیدن به سود هدف در مقابل عدم وجود چنین انگیزه‌هایی، با شدت بیشتری کاهش می‌دهند.

لانیس و ریچاردسون، (۲۰۱۴) تأثیر عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت را بر اجتناب از مالیات بررسی کردند. نمونه‌ی آماری آنان شامل ۴۳۴ شرکت بوده است. نتایج تحقیق آنان نشان داد که عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت سبب کاهش در اجتناب از مالیات شرکت‌ها می‌شود. همچنین، باریوس و همکاران، (۲۰۱۵) تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر مشکلات نمایندگی را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر منفی معناداری بر هزینه‌های نمایندگی شرکت دارد. یعنی شرکت‌هایی که دارای عملکرد مسئولیت اجتماعی قوی‌تری برخوردارند هزینه‌های نمایندگی کمتری تقبل می‌کنند.

بانکر و همکاران (۲۰۱۵)، معتقدند با توجه به اینکه تغییرات فروش و همزمانی بازده سهام رابطه مثبتی دارند. بنابراین، تغییرات فروش ممکن است یک متغیر حذف شده در مدل استاندارد محافظه کاری به وجود آورد. هنگامی که هزینه‌ها چسبنده است، این متغیر حذف شده، اثر نامتقارن بر سود دارد که برای کاهش فروش نسبت به افزایش فروش قوی‌تر است. بنابراین آنان استدلال کردند، به دلیل اینکه تغییرات فروش رابطه مثبتی با بازده سهام دارد، ارتباط میان سود و بازده سهام باید برای بازده منفی نسبت به بازده مثبت، حتی در صورت نبود محافظه کاری، قوی‌تر باشد. بنابراین، برآورد رابطه خطی میان سود و بازده سهام در مدل استاندارد نه تنها عدم تقارن کمتری را شناسایی می‌کند؛ بلکه حتی اثر نامتقارن مخدوش‌کننده

چسبندگی هزینه را نیز لحاظ می‌کند. زیرا، هر دو نوع عمل عدم تقارن در جهت مشابه است و چسبندگی هزینه می‌تواند منجر به یک تعصب رو به بالا در میانگین عدم تقارن زمانی در برآورد مدل استاندارد شود.

حیب و مونزارحسن (۲۰۱۵)، تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که هزینه‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت سبب افزایش عدم تقارن رفتار هزینه در زمان کاهش فروش می‌شود. بنابراین، آنان وجود رابطه مثبت و معنادار میان مسئولیت اجتماعی شرکت و چسبندگی هزینه را تایید کردند.

نمازی و همکاران (۱۳۹۱) وجود رفتار چسبنده‌ی هزینه‌های اداری عمومی و فروش، بهای تمام شده و مجموع بهای تمام شده و هزینه‌های اداری عمومی و فروش را تایید کردند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد هزینه‌های عمومی اداری و فروش برای تغییرات بیش از ۳۰ درصد در درآمد فروش، بهای تمام شده برای تغییرات کم‌تر از ۱۰ درصد و بیش‌تر از ۳۰ درصد در درآمد فروش، از خود رفتار چسبنده نشان می‌دهد.

خواجه‌وی و دیگران، (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین مدیریت سود و مسئولیت‌های اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین مسئولیت پذیری اجتماعی و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد. همچنین، حاجی‌ها و سرفراز، (۱۳۹۳) رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها و هزینه حقوق صاحبان سهام را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که مسئولیت پذیری اجتماعی در سطح ۹۰ درصد رابطه معنادار و معکوسی با هزینه حقوق صاحبان سهام دارد.

جلیلی و قیصری، (۱۳۹۳) ارتباط میان کیفیت سود و مسئولیت اجتماعی شرکت را بررسی کردند. نتایج تحقیق نشان داد که در مدل اقلام تعهدی اختیاری و مدل هزینه‌های غیر عادی، بین مسئولیت‌های اجتماعی شرکت و مدیریت سود رابطه مثبت غیر معنادار وجود داشته و در مدل وجوه نقد عملیاتی غیر عادی و مدل هزینه‌های اختیاری غیر عادی بین مسئولیت‌های اجتماعی شرکت و کیفیت سود رابطه معناداری وجود دارد.

سجادی و همکاران، (۱۳۹۳) معتقدند چسبندگی رفتار هزینه‌ها بر عدم تقارن ارتباط میان سود و بازده تأثیر گذار بوده و باعث عدم تقارن زمانی شناسایی سود می‌شود. افزون بر این،

نتایج تحقیق آنان نشان داد در شرکت‌های دارای چسبندگی هزینه‌ها، سود اخبار منفی را با سرعت بیشتری منعکس می‌کند. همچنین، شرکت‌هایی با چسبندگی هزینه نسبت به دیگر شرکت‌ها دارای محافظه کاری شرطی بیشتری هستند.

سپاسی و همکاران، (۱۳۹۳) معتقدند که شدت افزایش در هر سه سطح هزینه (بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی) به ازای افزایش یکسان ۱ درصد در سطح فعالیت، بزرگتر از شدت کاهش هر سه سطح هزینه به ازای کاهش ۱ درصد در سطح فعالیت است. بدین ترتیب بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی در شرکت‌های مورد بررسی دارای رفتار چسبندگی هزینه است.

### روش‌شناسی پژوهش

#### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و تحقیقات پیشین، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌های شرکت تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه‌های شرکت دارد.

فرضیه دوم: نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه‌های شرکت دارد.

فرضیه سوم: نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه‌های شرکت دارد.

فرضیه چهارم: توانایی راهبری شرکتی تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه‌های شرکت دارد.

فرضیه پنجم: نسبت مالیات به کل فروش شرکت تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه‌های شرکت دارد.

### روش پژوهش

این تحقیق با توجه به عدم امکان کنترل کلیه متغیرهای مربوط نمی‌تواند از نوع تحقیقات تجربی محض باشد اما، با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته، این تحقیق از نوع تحقیقات نیمه تجربی است. همچنین، با توجه به اینکه نتایج بدست آمده از تحقیق به حل یک مشکل یا موضوع خاص می‌پردازد، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش نیز از نوع تجزیه و تحلیل همبستگی با رویکرد رگرسیونی است.

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ بوده است. در این تحقیق، برای تعیین نمونه آماری از روش انتخاب نمونه به صورت حذفی استفاده شد؛ بدین صورت که در هر مرحله از بین کلیه شرکت‌های موجود در ابتدای سال ۱۳۸۴، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شدند و شرکت‌های باقیمانده برای انجام آزمون انتخاب شدند:

۱. شرکت‌ها باید در طول دوره‌ی مورد بررسی در بورس تداوم فعالیت داشته باشند.

۲. نمونه آماری شامل شرکت‌های تولیدی و صنعتی باشد.

۳. شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها به انتهای اسفند ماه ختم می‌شود.

در نهایت، پس از طی مراحل مزبور، تعداد ۱۰۵ شرکت برای انجام آزمون فرضیه‌های تحقیق انتخاب شدند.

### روش گردآوری داده‌ها

در این تحقیق گردآوری اطلاعات در دو مرحله انجام شده است. در مرحله‌ی اول برای تدوین مبانی نظری تحقیق از روش کتابخانه‌ای و در مرحله‌ی دوم، برای گردآوری داده‌های مورد نظر از ماهنامه‌های بورس و سایت‌های بورس و بانک مرکزی و نرم افزارهای اطلاعات مالی شرکت‌ها استفاده شده است. سپس، برای آماده سازی اطلاعات از نرم افزار اکسل استفاده شده است، به این ترتیب که پس از استخراج اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد بررسی از منابع ذکر شده، این اطلاعات در کاربرگ‌های ایجاد شده در محیط این نرم افزار

وارد شده و سپس، محاسبات لازم برای دستیابی به متغیرهای مورد بررسی انجام شده است و در نهایت نیز به منظور آزمون فرضیه‌ها از نرم افزار ایویز (eviews) نسخه ۹ استفاده شده است.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین، میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار و برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی استفاده شده است. برای انتخاب از بین روش‌های الگوهای رگرسیونی ترکیبی<sup>۳</sup> و پانل<sup>۴</sup> از آزمون F لیمر استفاده شده است. به این معنی اگر در آزمون F لیمر روش داده‌های ترکیبی انتخاب شود، کار تمام است اما اگر روش داده‌های تابلویی انتخاب شد، لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می‌شود (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹).

همچنین، قبل از برازش الگو و با توجه به اینکه شرکت‌های مورد استفاده در این تحقیق مربوط به صنایع مختلف بوده و همچنین در این تحقیق از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است، در نتیجه، امکان وجود ناهمسانی واریانس وجود دارد که برای رفع این مشکل از روش رگرسیون کم‌ترین مربعات تعمیم یافته برای برازش الگو استفاده شد. همچنین، پس از برازش الگو به منظور بررسی عدم وجود خودهمبستگی در باقی‌مانده‌های الگو از آماره‌ی دوربین واتسون استفاده شده است.

### الگوها و متغیرهای پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه‌ی تحقیق، الگوی تحقیق از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، مدل‌های زیر برای آزمون فرضیه‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود (حبیب و موزنارحسین، ۲۰۱۵).

#### الگوی (۱)

$$\log \left[ \frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \beta_2 D_{i,t} \times \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t}$$

## الگوی (۲)

$$\begin{aligned} \log \left[ \frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = & \beta_0 + \beta_1 \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \beta_2 D_{i,t} \times \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \beta_3 EINT_{i,t} \times D_{i,t} \times \\ & \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \beta_4 \frac{R \& D}{Sales_{i,t}} \times D_{i,t} \times \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \beta_5 PPE_{i,t} \times D_{i,t} \times \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \\ & \beta_6 GINDEX_{i,t} \times D_{i,t} \times \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \beta_7 TAX_{i,t} \times D_{i,t} \times \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \\ & \beta_8 AINT_{i,t} \times D_{i,t} \times \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \beta_9 Size_{i,t} \times D_{i,t} \times \log \left[ \frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

## متغیرهای وابسته و ابسته‌ی تحقیق

هزینه عمومی، اداری و فروش ( $SGA_{i,t}$ ): برابر با جمع هزینه‌های عمومی، اداری و فروش است که از صورت سود و زیان شرکت استخراج می‌شود (بانکر و همکاران، ۲۰۱۵).

## متغیرهای مستقل تحقیق

در این تحقیق متغیرهای مستقل به شرح زیر هستند:

فروش ( $Sales$ ): برابر با جمع فروش شرکت است که از صورت سود و زیان شرکت استخراج می‌شود (بانکر و همکاران، ۲۰۱۵).

$D_{i,t}$ : متغیر موهومی است به طوری که اگر مبلغ فروش نسبت به سال قبل کاهش یابد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است (بانکر و همکاران، ۲۰۱۵).

نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها ( $EINT_{i,t}$ ): برابر با نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌های شرکت است. به صورت کلی این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که کارکنان بیشتری داشته باشند نقش بیشتری در ایجاد اشتغال در جامعه داشته که نشان دهنده نوعی مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت در کاهش نرخ بیکاری است (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۴).

نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش ( $\frac{R \& D}{Sales_{i,t}}$ ): برابر با نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش است به صورت کلی این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که مخارج بیشتری برای تحقیق و توسعه هزینه می‌کنند به دو دلیل سبب ایفا نقش مسئولیت اجتماعی می‌شوند اول، با تحقیق و توسعه از تجهیزات و تکنولوژی بروزتری برای تولیدات استفاده کرده که سبب آسیب رسانی کمتری به محیط زیست می‌شوند دوم، با انجام تحقیق و توسعه محصولات با کیفیت تری در اختیار عموم قرار داده و سبب رضایت عمومی جامعه و افزایش سطح رفاه اجتماعی می‌شوند (جلیلی و قیصری، ۱۳۹۳).

نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها ( $PPE_{i,t}$ ): برابر با نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها است (به عنوان معیار محیطی) در ارتباط با تأثیر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت به عنوان متغیر محیطی این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که دارای سرمایه‌گذاری بیشتری در این بخش باشند از تجهیزات و امکانات بروزتری استفاده کرده و آلاینده‌گی کمتری برای محیط زیست دارد (جلیلی و قیصری، ۱۳۹۳).

شاخص توانایی حاکمیت شرکتی ( $GINDEX_{i,t}$ ): لانسو و ریچاردسون (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند شرکت‌هایی که توانایی راهبری بالاتری دارند به مسائل زیست محیطی و اجتماعی جامعه بیشتر توجه داشته و سرمایه‌گذاری بیشتری برای این بخش انجام می‌دهند. برای اندازه‌گیری شاخص توانایی حاکمیت شرکتی از معیارهای زیر استفاده شده است.

الف) مالکیت نهادی: در صد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

ب) تمرکز مالکیت: در صد مالکیت سهام پنج سهامدار عمده شرکت است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد..

ج) مالکیت مدیریت: در صد مالکیت سهام در اختیار مدیریت شرکت است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

د) استقلال هیات مدیره: این متغیر نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره تعریف شده است به طوری که اگر بیشتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

در نهایت پس از تعیین عدد برای هر سال شرکت، توانایی حاکمیت شرکتی به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$GINDEX = \frac{\sum_{j=1}^m d_j}{\sum_{j=1}^n H_j}$$

در این رابطه،  $\sum d_j$  بیانگر کلیه اقلامی است که امتیاز یک گرفته اند و  $\sum H_j$  بیانگر کلیه اقلامی است که ارزش‌های صفر یا یک در مورد آنها لحاظ شده است. به این ترتیب، در مورد هر شرکت شاخص توانایی حاکمیت اندازه‌گیری شده و در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد (نیکومرام و محمدزاده، ۱۳۸۹).

نسبت مالیات به کل فروش ( $TAX_{i,t}$ ): برابر با نسبت مالیات به کل فروش شرکت است به صورت کلی این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که مبالغ بالاتری نسبت به فروش خود برای مالیات پرداخت می‌کنند و فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی کمتری دارند نسبت به مسائل اجتماعی جامعه توجه بیشتری داشته چرا که این مبالغ توسط دولت‌ها وصول شده و باید در مسیر رفاه اجتماعی جامعه هزینه شود بنابراین، شرکت‌هایی که مبالغ بالاتری پرداخت می‌کنند نقش بیشتری در ایجاد رفاه اجتماعی جامعه دارند.

### متغیرهای کنترل تحقیق

متغیرهای کنترل تحقیق به شرح زیر هستند:

شدت دارایی‌ها ( $AIN_{i,t}$ ): برابر با نسبت کل دارایی‌ها به کل فروش شرکت است (بانکر و همکاران، ۲۰۱۵).

اندازه‌ی شرکت ( $Size_{i,t}$ ): برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت است (بانکر و همکاران، ۲۰۱۵).



## یافته‌های پژوهش

## آمار توصیفی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره‌ی (۱) نشان داده شده است.

نگاره‌ی (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
نسبت هزینه اداری عمومی و فروش سال جاری به سال قبل	۱/۲۳۱	۱/۱۴۸	۰/۵۶۰	۴/۸۲۶	۰/۲۲۲
نسبت فروش سال جاری به فروش سال قبل شرکت	۱/۲۰۵	۱/۱۴۸	۰/۵۷۹	۱۱/۸۷۲	۰/۰۵۱
نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹۵	۰/۰۰۰۱۳
نسبت هزینه تحقیق و توسعه به فروش	۰/۰۷۳	۰/۰۶۱	۰/۰۵۷	۰/۲۵۶	۰/۰۰۵
نسبت دارایی ثابت به کل دارایی‌ها	۰/۲۷۲	۰/۲۰۸	۰/۵۳۰	۰/۸۸۸	۰/۰۰۷
شاخص توانایی راهبری شرکتی	۰/۴۹۱	۰/۵	۱/۱۵۱	۱	۰
نسبت مالیات به فروش شرکت	۰/۰۲۲	۰/۰۱۳	۰/۰۲۵	۰/۱۲۱	۰
نسبت کل دارایی‌ها به کل فروش شرکت	۱/۸۶۱	۱/۳۰۸	۱/۲۸۴	۱۵/۶۹۴	۰/۲۵۶
اندازه‌ی شرکت	۵/۵۶۶	۵/۴۷۹	۰/۶۳۶	۷/۶۰۵	۴/۰۶۲

\* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج بدست آمده از آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق و نزدیک به هم بودن میانگین و میانه در بیشتر متغیرهای تحقیق، می‌توان بیان کرد که کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند. افزون بر این، آماره‌های انحراف معیار، ضریب کشیدگی و چولگی نیز به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها بکار گرفته می‌شوند (کلر و واراکی، ۲۰۰۳). با بررسی معیارهای مذکور می‌توان اظهار داشت که داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته از توزیع نرمال برخوردار هستند زیرا، متغیرها دارای حداقل فاصله از ارزش ارایه شده برای کشیدگی می‌باشند. علاوه بر این، با توجه به میانگین و میانه شاخص توانایی راهبری شرکتی

که تقریباً برابر ۰/۵ است می‌توان ادعا کرد که تقریباً نیمی از شرکت‌ها دارای توانایی راهبری قوی و نیمی دارای توانایی راهبری ضعیف هستند. همچنین، با توجه به نسبت هزینه اداری عمومی و فروش سال جاری به سال قبل و نسبت فروش سال جاری به فروش سال قبل که دارای میانگین تقریبی ۱/۲ است می‌توان گفت که به صورت میانگین دارای رشد تقریبی ۲۰ درصد در سال می‌باشند.

### آمار استنباطی

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در همین راستا، با توجه به مبانی نظری مطرح شده پنج فرضیه تدوین و در ادامه به بررسی و آزمون آن‌ها پرداخته شده است. برای این منظور، لازم است مدل تحقیق مورد آزمون قرار گیرد. البته لازم است، قبل از برازش الگوهای تحقیق، آزمون چاو به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای نمونه‌ی تحقیق انجام شود. نتایج حاصل از آزمون چاو برای الگوی تحقیق در نگاره‌ی (۲) نشان داده شده است. فرضیات این آزمون به صورت زیر است:

$H_0$ : روش داده‌های تلفیقی

$H_1$ : روش اثرات ثابت

نتایج حاصل از آزمون چاو در نگاره‌ی (۲) نمایش داده شده است.

### تکراهی (۲): نتایج آزمون F لیمر برای الگوهای تحقیق

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی شماره (۱)	۰/۴۴۹	۰/۸۲۱	الگوی داده‌های تلفیقی
الگوی شماره (۲)	۰/۴۲۳	۰/۸۵۶	الگوی داده‌های تلفیقی

\* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون چاو برای تمامی الگوها، همانطور که در نگاره‌ی (۲) نیز قابل مشاهده است، نتایج حاکی از عدم رد فرض  $H_0$  بوده، در نتیجه الگوی داده‌های

تلفیقی روش ارجح است. حال در ادامه نتایج تخمین الگوی شماره (۱) پژوهش در نگاره‌ی (۳) با روش داده‌های تلفیقی نشان داده شده است.

### نگاره‌ی (۳): نتایج تخمین الگوی تحقیق\*

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	۰/۷۸۸	۱۷/۵۶۲	۰/۰۰۰
لگاریتم فروش سال جاری به سال قبل	۰/۳۳۸	۹/۶۴۱	۰/۰۰۰
متغیر کاهش فروش در لگاریتم فروش سال جاری به سال قبل	-۰/۰۴۳	-۲/۱۲۴	۰/۰۳۵
ضریب تعیین		۰/۳۶۵	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۴۳	
آماره‌ی دوربین-واتسون		۲/۳۵۹	
آماره‌ی F		۷۹/۹۴۰	
احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰	

\* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره‌ی (۳) و با توجه آماره‌ی F بدست آمده (۷۹/۹۴۰) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۳۴ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل تحقیق بیش از ۳۴ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین واتسون که برابر ۲/۳۵۹ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه‌ی اول میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد. از سوی دیگر، نتیجه اولیه بدست آمده نشان داد که ضریب متغیر کاهش فروش در لگاریتم فروش سال جاری به سال قبل (-۰/۰۴۳) منفی و معنادار بوده که نشان از وجود رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

افزون بر این، برای بررسی فرضیات تحقیق از الگوی (۲) استفاده شده است. نتایج تخمین الگوی شماره (۲) با روش داده‌های تلفیقی، در نگاره‌ی (۴) ارائه شده است.

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره‌ی (۴) و با توجه آماره‌ی F بدست آمده (۲۰/۲۳۶) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۳۷ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل تحقیق بیش از ۳۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین واتسون که برابر ۲/۳۵۸ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه‌ی اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد.

### نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی اول

در این فرضیه به بررسی تأثیر نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که دارای تعداد کارکنان بیشتری هستند با توجه به ایجاد اشتغال بیشتر در جامعه، مسئولیت اجتماعی خود در قبال جامعه را در سطح بالاتری ایفا کرده‌اند. علاوه بر این، مطابق مبانی نظری، مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبتی بر رفتار چسبندگی هزینه دارد. بنابراین، انتظار بر این است که فرضیه اول در صورتی تایید شود که ضریب منفی متغیر نسبت

نگاره‌ی (۴): نتایج تخمین الگوی تحقیق\*

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	۰/۷۸۰	۱۷/۵۱۵	۰/۰۰۰
نسبت فروش سال جاری به سال قبل	۰/۳۴۲	۹/۸۲۸	۰/۰۰۰
متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل	-۰/۰۸۹	-۲/۹۲۹	۰/۰۰۳
نسبت تعداد کارکنان به دارایی‌ها در کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل	-۱۸/۰۲۹	-۲/۵۹۸	۰/۰۰۸
نسبت هزینه تحقیق و توسعه در کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل	-۱/۴۳۷	-۳/۱۳۲	۰/۰۰۱
نسبت دارایی ثابت به کل دارایی‌ها در کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل	-۰/۱۰۳	-۰/۹۱۱	۰/۳۶۲
راهبری شرکتی به کل دارایی‌ها در کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل	۰/۰۱۹	-۱/۶۳۵	۰/۰۹۵

سطح خطا	آماره تی	ضریب متغیر	متغیر
۰/۰۰۲	-۲/۹۸۳	-۰/۷۸۵	نسبت مالیات به فروش در کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل
۰/۱۳۱	-۱/۵۱۰	-۰/۱۲۲	نسبت کل دارایی به فروش در کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل
۰/۰۰۸	۲/۶۴۱	۰/۱۰۴	اندازه‌ی شرکت در کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل
	۰/۳۸۳		ضریب تعیین
	۰/۳۷۵		ضریب تعیین تعدیل شده
	۲/۳۵۸		آماره‌ی دوربین-واتسون
	۲۰/۲۳۶		آماره‌ی F
	۰/۰۰۰		احتمال آماره‌ی F

\* منبع: یافته‌های تحقیق

تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها بیشتر از ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل باشد. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره‌ی (۴)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها بر رفتار چسبندگی هزینه، برابر ۰/۰۰۸ است که کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود. در نتیجه، با توجه به ضریب بدست آمده (۱۸/۰۲۹-) که بیشتر از ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل (۰/۰۸۹-) و سطح خطای آن که برابر (۰/۰۰۸) است می‌توان ادعا کرد که نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها سبب افزایش چسبندگی هزینه به سبب افزایش در ضریب منفی شده است که به طبع سبب افزایش عدم تقارن رفتار هزینه در شرکت‌های ایرانی شده است. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد، نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های ایرانی دارد، بنابراین فرضیه اول تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود (نتایج این فرضیه مطابق با تحقیق حبیب و مونزارحسن، ۲۰۱۵ است).

### نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی دوم

در این فرضیه به بررسی تأثیر نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که دارای هزینه تحقیق و توسعه بیشتری هستند با انجام آزمایشات و تحمل مخارج تحقیق و توسعه بیشتر به دنبال تولید محصولات با ارزش ایجاد شده بیشتری برای مشتری هستند. یکی از این ارزش‌ها برای مشتری تولید محصولی با آلاینده‌ی زیست محیطی کمتری است. بنابراین، این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که در مخارج تحقیق و توسعه بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند، مسئولیت اجتماعی خود در قبال جامعه را در سطح بالاتری ایفا می‌کنند. علاوه بر این، مطابق مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبتی بر رفتار چسبندگی هزینه دارد. بنابراین، انتظار بر این است که فرضیه دوم در صورتی تایید شود که ضریب منفی متغیر نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش بیشتر از ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل باشد. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره‌ی شماره (۴)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش بر رفتار چسبندگی هزینه، برابر  $0/001$  است که کوچکتر از  $0/05$  است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای  $5$  درصد پذیرفته می‌شود. در نتیجه، با توجه به ضریب بدست آمده ( $-1/437$ ) که بیشتر از ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل ( $-0/089$ ) و سطح خطای آن که برابر  $(0/001)$  است می‌توان ادعا کرد که نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش سبب افزایش چسبندگی هزینه به سبب افزایش در ضریب منفی شده است که به طبع سبب افزایش عدم تقارن رفتار هزینه در شرکت‌های ایرانی شده است. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد، نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های ایرانی دارد، بنابراین فرضیه دوم تحقیق در سطح اطمینان  $95$  درصد تایید می‌شود (نتایج این فرضیه مطابق با تحقیق حبیب و موزارحسین،  $2015$  است).

### نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی سوم

در این فرضیه به بررسی تأثیر نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که دارای دارایی‌های ثابت بیشتری هستند سرمایه‌گذاری بیشتری در ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی داشته‌اند و این ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی از بروزترین دستگاه‌های تولیدی است و آلاینده‌های محیط زیستی کمتری تولید می‌کند (به عنوان یک معیار محیطی). بنابراین، این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که در دارایی‌های ثابت بیشتری سرمایه‌گذاری می‌کنند، مسئولیت اجتماعی خود در قبال جامعه را، در سطح بالاتری ایفا می‌کنند. علاوه بر این، مطابق مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبتی بر رفتار چسبندگی هزینه دارد. بنابراین، انتظار بر این است که فرضیه سوم در صورتی تایید شود که ضریب منفی متغیر نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها بیشتر از ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل باشد. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره‌ی شماره (۴)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها بر رفتار چسبندگی هزینه، برابر  $0/362$  است که بزرگ‌تر از  $0/05$  است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. در نتیجه، با توجه به ضریب بدست آمده  $(-0/103)$  که بیشتر از ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل  $(-0/089)$  و سطح خطای آن که برابر  $(0/362)$  است می‌توان ادعا کرد که نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها سبب افزایش چسبندگی هزینه به سبب افزایش در ضریب منفی شده است که به طبع سبب افزایش عدم تقارن رفتار هزینه در شرکت‌های ایرانی شده است اما این تأثیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد، نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها تأثیر مثبت غیر معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های ایرانی دارد، بنابراین فرضیه سوم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

### نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی چهارم

در این فرضیه به بررسی تأثیر توانایی راهبری شرکتی بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که دارای توانایی راهبری شرکتی بیشتری هستند به دنبال رعایت مسائل زیست محیطی بیشتری باشند و سعی می‌کنند محصولات تولیدی خود را مطابق استانداردهای بین‌المللی تولید کنند که دارای آسیب‌رسانی کمتری به اجتماع و محیط زیست است. بنابراین، این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که دارای توانایی راهبری شرکتی قوی‌تری هستند، مسئولیت اجتماعی خود در قبال جامعه را در سطح بالاتری ایفا کنند. علاوه بر این، مطابق مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبتی بر رفتار چسبندگی هزینه دارد. بنابراین، انتظار بر این است که فرضیه چهارم در صورتی تایید شود که ضریب منفی متغیر توانایی راهبری شرکتی بیشتر از ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل باشد. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره‌ی (۴)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، توانایی راهبری شرکتی بر رفتار چسبندگی هزینه، برابر ۰/۰۹۵ است که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. در نتیجه، با توجه به ضریب بدست آمده (۰/۰۱۹) که نسبت به ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل (۰/۰۸۹-) افزایش یافته است (مثبت شده است) می‌توان ادعا کرد که توانایی راهبری شرکتی سبب کاهش چسبندگی هزینه به سبب ضریب مثبت متغیر شده است که به طبع، سبب کاهش عدم تقارن رفتار هزینه در شرکت‌های ایرانی است. با توجه به این نتیجه شاید بتوان گفت دلیل احتمالی این نتیجه به سبب آن باشد که در شرکت‌های ایرانی نیروهای نظارتی با فرض اینکه چسبندگی هزینه به دلیل تصمیمات ناشی از منافع نمایندگی مدیریت است و نه از نوع حفظ ارزش شرکت، سبب کاهش شدت چسبندگی هزینه شده‌اند. به عبارت دیگر، با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان ادعا کرد، توانایی راهبری شرکتی تأثیر منفی غیر معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های ایرانی دارد، بنابراین فرضیه چهارم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.



### نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی پنجم

در این فرضیه به بررسی تأثیر نسبت مالیات به فروش شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که مالیات بیشتری پرداخت می‌کنند در ایجاد رفاه جامعه نقش بیشتری دارند. بنابراین این استدلال وجود دارد شرکت‌هایی که مالیات بیشتری پرداخت می‌کنند، مسئولیت اجتماعی خود در قبال جامعه را در سطح بالاتری ایفا می‌کنند. علاوه بر این، مطابق مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبتی بر رفتار چسبندگی هزینه دارد. بنابراین، انتظار بر این است که فرضیه پنجم در صورتی تایید شود که ضریب منفی متغیر نسبت مالیات به فروش شرکت بیشتر از ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل باشد. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره‌ی (۴)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، نسبت مالیات به فروش شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه، برابر  $0/002$  است که کوچکتر از  $0/05$  است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود. در نتیجه، با توجه به ضریب بدست آمده ( $-0/785$ ) که بیشتر از ضریب منفی متغیر کاهش فروش در نسبت فروش سال جاری به سال قبل ( $-0/089$ ) و سطح خطای آن که برابر  $(0/002)$  است می‌توان ادعا کرد که نسبت مالیات به فروش شرکت سبب افزایش چسبندگی هزینه به سبب افزایش در ضریب منفی شده است که به طبع سبب افزایش عدم تقارن رفتار هزینه در شرکت‌های ایرانی شده است. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد، نسبت مالیات به فروش شرکت تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های ایرانی دارد. بنابراین، فرضیه پنجم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود (نتایج این فرضیه مطابق با تحقیق حبیب و مونزارحسن، ۲۰۱۵ است).

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. بدین منظور فرضیه‌هایی برای بررسی این موضوع تدوین و با استفاده از اطلاعات در دسترس به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شد. به طور کلی، این استدلال وجود دارد که بسیاری از هزینه‌ها، از جمله

سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، ناشی از تصمیم‌گیری تعمدی مدیران در پاسخ به کاهش سطح فعالیت است. به عنوان مثال در صنعت خودرو، نسخه هیبریدی خودرو که از لحاظ زیست‌محیطی یک خودروی استاندارد است، ممکن است با توجه به ارزش‌های اجتماعی از لحاظ کاهش آلودگی هوا به قیمتی بیشتر از قیمت بازار به فروش رود. اگر فروش این نوع خودرو به دلیل بحران‌های اقتصادی کاهش یابد، مدیریت لزوماً منابع را به همان اندازه که فروش کاهش پیدا کرده رها نمی‌کند یا کاهش نمی‌دهد، تا زمانی که شوک تقاضا موقتی فرض شود. در مقابل، وقتی سطح فعالیت‌ها افزایش یابد، مدیران مجبور هستند سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت را افزایش دهند. به عنوان مثال سرمایه‌گذاری اضافی برای حداقل کردن تخریب محیط زیست، که این اقدامات باعث چسبندگی هزینه می‌شود. افزون بر این، وقتی سطوح فعالیت کاهش می‌یابد، ممکن است مدیران به کوچک کردن اندازه‌ی منابع مسئولیت اجتماعی مثل همکاری با سازمان‌های خیریه، حمایت برنامه‌های خانه‌سازی و تحصیل و غیره روی آورند. بنابراین، تا اندازه‌ای که مدیران تعادل ناشی از هزینه‌های تعدیل شده را تشخیص می‌دهند سرمایه‌گذاری‌های مسئولیت اجتماعی را تا اندازه‌ی کمتری کاهش می‌دهند این زمانی رخ می‌دهد که فعالیت کاهش می‌یابد. در صورتی که، سرمایه‌گذاری مسئولیت اجتماعی در زمان افزایش فعالیت به همان نسبت افزایش می‌یابد. در نتیجه، چسبندگی هزینه وجود می‌آید. البته، باید توجه داشت که تمامی سرمایه‌گذاری‌های مسئولیت اجتماعی مشخصه‌های مشابهی را به اشتراک نمی‌گذارند. مطابق با این استدلال‌ها نتایج نشان داد که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پدیده چسبندگی هزینه وجود دارد (مطابق با نتایج تحقیقات ویس، ۲۰۱۰)، بانکر و همکاران، (۲۰۱۵) و سجادی و همکاران (۱۳۹۳). علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داد که نسبت تعداد کارکنان به کل دارایی‌ها، نسبت هزینه تحقیق، توسعه و تبلیغات به فروش و نسبت مالیات به فروش شرکت به عنوان شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبت معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه دارد (نتایج این فرضیات مطابق با تحقیق حبیب و موزنارحسین، ۲۰۱۵ است). همچنین، نتایج مویده آن است که نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها و متغیر توانایی راهبری شرکتی به عنوان شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر معناداری بر رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های ایرانی ندارد.

### پیشنهاد‌های تحقیق

با توجه به نتایج تحقیق، مدیران شرکت‌ها می‌توانند تأثیرات چسبندگی هزینه را شناسایی و کنترل کنند. آنان می‌توانند از طریق انعقاد قراردادهای مناسب برای اجاره‌ی دارایی‌های عملیاتی و استخدام کارکنان (به عنوان مثال انعقاد قراردادهای کوتاه‌مدت) میزان تعدیلات لازم برای کاهش سطح دارایی‌های عملیاتی خود در دوره‌های کاهش تقاضا و سطح فروش، را کمتر کنند و شدت چسبندگی هزینه‌ها را کاهش دهند. همچنین، مدیران با در نظر گرفتن چسبندگی هزینه در بودجه بندی، می‌توانند در سال‌هایی که انتظار کاهش فروش وجود دارد، برآوردهای منطقی‌تری ارائه کنند (برآوردهای مرتبط با سود پیش‌بینی شده). افزون بر این، با توجه به تأثیر شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت بر رفتار چسبندگی هزینه به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود در ارتباط با سرمایه‌گذاری در زمینه مسائل مربوط به پیامدهای اجتماعی فعالیت‌های شرکت (نظیر سرمایه‌گذاری در مسائل زیست محیطی، استخدام کارکنان و...) به چگونگی برخورد با این سرمایه‌گذاری‌ها در زمان کاهش فروش توجه کنند و آنان را در پیش‌بینی‌های خود لحاظ کنند. از سوی دیگر، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در تحلیل‌های مالی برای شرکت‌هایی که انتظار می‌رود در آینده با کاهش فروش مواجه شوند موضوع چسبندگی هزینه، سرمایه‌گذاری شرکت در رفاه اجتماعی و انگیزه‌های متفاوت نمایندگی برای رسیدن به سود هدف را برای تجزیه و تحلیل سودهای آتی مدنظر قرار دهند. و معیارهای کنترلی لازم برای محدود کردن انگیزه‌های نمایندگی را در شرکت تقویت کنند.

از سوی دیگر، با انجام هر تحقیق، راه به سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه‌ی راه مستلزم انجام تحقیق‌های دیگری است. بنابراین، انجام تحقیق‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- بررسی مقایسه‌ای تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر شدت چسبندگی هزینه در صنایع متفاوت.
- بررسی تأثیر عوامل کلان اقتصادی، از جمله تورم و نرخ رشد ناخالص ملی بر چسبندگی هزینه‌ها.
- بررسی و آزمون رفتار چسبندگی هزینه شرکت‌ها در شرایط متفاوت و متغیر اقتصادی.

- بررسی تأثیر استفاده از اختیارات مدیران در تصمیم گیری‌های موثر بر رفتار چسبندگی هزینه شرکت‌ها.
- بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی شرکت بر پدیده چسبندگی هزینه‌ها.

### پی‌نوشت

- |                                   |               |
|-----------------------------------|---------------|
| ۱ Corporate Social Responsibility | ۲ Cost Sticky |
| ۳ Pooled Data                     | ۴ Panel Data  |

### منابع

- Aflaton, A & Nikbakht, L. (2010). Application of econometrics in accounting research, Financial Management and Economic Sciences, Tehran, Publications Terme, printed.
- Anderson, M., R. Banker, & S. Janakiraman. (2003). Are selling, general and administrative costs “sticky”? *Journal of Accounting Research*, 41 (1): 47–63.
- Banker, R. D., Byzalov, D., & Chen, L. T. (2013). Employment protection legislation, adjustment costs and cross-country differences in cost behavior. *Journal of Accounting and Economics*, 55 (1) , 111-127.
- Banker, R., Basu, S., Byzalov, D & Chen, J, Y. (2015). The Confounding Effect of Cost Stickiness on Conservatism Estimates, <http://ssrn.com/abstract=2130897>.
- Barrios, J, M, Fasen, M & Nanda, D. (2015). Is Corporate Social Responsibility an Agency Problem? Evidence from CEO Turnovers, .
- Calleja K, Stelarios M, Thomas D.C. (2006). A Note on Cost Stickiness: Some International Comparisons. *Management Accounting Research* 2006; 17 (2): 127- 140.
- Chen, C. L.; H. LU; AND T. Sougiannis. (2012). The Agency Problem, Corporate Governance, and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs, ? *Journal of Accounting Research*, 29 (2012): 252–82.
- Chen, C.X., Gores, T., Nasev, J., (2013). Managerial overconfidence and cost stickiness. Working paper.
- Choi, Jong-Seo; Kwak, Young-Ming; Choe, CHongwoo. (2010). Corporate social responsibility and corporate financial performance: Evidence from Korea. *Australian Journal of Management*, 53 (3) , 291-311

- Fombrun, C.J., Gardberg, N.A., & Barnett, M.L. (2000). Opportunity platforms and safety nets: Corporate citizenship and reputational risk. *Business and Society Review* 105 (1) , 85-106.
- Foroughi, D, Mir Shams Shahshahani, M & Hossein Pour, S. (2009). Managers attitudes about disclosure of social accounting information companies listed in the Tehran Stock Exchange, *Review of Accounting and Auditing*, No. 52, pp. 57-70.
- Friedman, M. (1970). The social responsibility of business is to increase its profits. *New York Times Magazine*, 13, September, 32–33.
- Godfrey, P.C., Merrill, C.B., & Hansen, J.M. (2009). The relationship between corporate social responsibility and shareholder value: An empirical test of the risk management hypothesis. *Strategic Management Journal* 30 (4) , 425-445.
- Habib, A and Monzur Hasan, M. (2015). Corporate social responsibility and cost stickiness, [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
- Hajiha, Z & Sarafraz, B. (2014). The relationship between corporate social responsibility and cost of equity in the companies listed in the Tehran Stock Exchange, *Empirical Research in Accounting*, Issue 14, Winter 2014, pp. 105-123.
- Huang, Chi-Jui. (2010). Corporate governance, corporate social responsibility and corporate performance. *Journal of Management and Organization*, 16 (5) , 641-655.
- Jalili, S & Kaiser, F. (2014). The relationship between earnings quality and corporate social responsibility listed in the Tehran Stock Exchange, *Knowledge Audit*, Issue 57, Winter 2014, pp. 147-170.
- Kama, I., and D. Weiss. ) 2013 (. Do earnings targets and managerial incentives affect sticky costs? *Journal of Accounting Research*, 51 (3) , 201-224.
- Keller, G., & Warrack, B. (2003). *Statistics for management and economics* (6th ed.). Pacific Grove, CA: Duxbury Press.
- Khajavi, S & Ibrahim, M. (2012). The effect of product market power on the liquidity of stocks listed on the Tehran Stock Exchange, *view financial management*, (5) , 41-55.
- Kim, Y., & Statman, M. 2012. Do corporations invest enough in environmental responsibility? *Journal of Business Ethics*, 105 (1) , 115-129.
- Kotchen, M., & Moon, J. J. (2012). Corporate social responsibility for irresponsibility. *The BE Journal of Economic Analysis & Policy*, 12 (1).
- Lanis, R & Richardson, G. (2014). Is Corporate Social Responsibility Performance Associated with Tax Avoidance?, *J Bus Ethics* (2015) 127:439–457.

- Mehrani S., Karami, GH, Seid Hoseini, M, & Jahromy, M. (2014). Accounting Theory, Volume II, Knowledge View Publications, printing.
- Muller, A., & Kräussl, R. (2011). Doing good deeds in times of need: a strategic perspective on corporate disaster donations. *Strategic Management Journal*, 32 (9) , 911-929.
- Namazy, M, Ghaffari, MJ and Fereidoni., M. (2012). Fundamental analysis sticky behavior of costs and cost of the range of variation in the Tehran Stock Exchange. *Advances in Accounting*, Volume IV, Issue II, Winter 2012, pp. 151-177.
- Nykvmmram, H, & Mohammad Zadeh, H. (2010). Relationship between corporate governance and earnings management, *management beyond*, Issue 15, Winter 2010, pp. 187-210.
- Orlitzky, M., Schmidt, F.L., & Rynes, S.L. (2003). Corporate social and financial performance: A meta-analysis. *Organization studies* 24 (3) , 403-441.
- Sajadi, H, Hajizadeh, S, & Nikkar, J. (2014). Cost stickiness effect on the asymmetry time to profit with an emphasis on the relationship between stickiness cost and conditional conservatism, *knowledge of accounting*, Issue 16, Spring 2014, pp. 81-99.
- Sepasi, S., Fathi, Z & Shaybah, S. (2014). Experimental test Cost Sticky: Evidence from Tehran Stock Exchange, *Empirical Research in Accounting*, Issue 12, Summer 2014, pp. 163-177.
- Strike, V. M., Gao, J., & Bansal, P. (2006). Being good while being bad: Social responsibility and the international diversification of US firms. *Journal of International Business Studies*, 37 (6) , 850-862.
- Tang, Y., Qian, C., Chen, G., & Shen, R. (2015). How CEO hubris affects corporate social (ir) responsibility. *Strategic Management Journal*, 36, 1338-1357
- Weiss, D. ) 2010 (. Cost behavior and analysts' earnings forecasts. *The Accounting Review* 85 (4): 1441-1471.

## بررسی اثرات بکارگیری زبان گزارشگری مالی قابل توسعه (XBRL) بر گزارشگری مالی شرکت‌های ایرانی

اکبر امینی مهر\*، سیده فروزان نبوی نژاد\*\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۷

### چکیده

امروزه دگرگونی‌های شگرفی در زمینه فناوری اطلاعات در حوزه فعالیت‌های مالی و حسابداری رخ داده و بکارگیری آن بسیار فراگیر گردیده است. از این رو بکارگیری XBRL رو به رشد است. هدف این پژوهش بررسی اثرات بکارگیری زبان گزارشگری مالی قابل توسعه (XBRL) بر گزارشگری مالی شرکت‌های ایرانی می‌باشد. در پژوهش حاضر کلیه مدیران شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اساتید دانشگاه‌ها و حسابداران رسمی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران در حیطه جامعه آماری می‌باشند. تعداد نمونه پژوهش بر اساس روش کوکران انتخاب شده و پرسش‌نامه‌ای شامل ۲۵ سوال استنباطی و هفت سوال توصیفی از پرسش‌شوندگان پرسیده شد. بعد از جمع‌آوری داده‌ها از روش کای-دو همبستگی رتبه جهت بررسی ارتباط XBRL با شاخص‌های مورد پژوهش استفاده گردید. بیشترین ارتباط معنی‌دار از میان شاخص‌ها، بین XBRL و شاخص زمان دسترسی به اطلاعات بود. با توجه به نتایج این تحقیق، XBRL میتواند باعث بالا بردن قدرت برنامه‌ریزی مدیران، بالا بردن سرعت انجام کارها، دسترسی سریع به اطلاعات و کاهش هزینه نهایی گزارش‌های مالی گردد.

**واژه‌های کلیدی:** زبان‌های نشانه‌گذاری، زبان گزارشگری مالی قابل توسعه، سیستم‌های اطلاعاتی،

گزارشگری مالی، حسابداری تحت وب.

طبقه‌بندی موضوعی: G30, G39

### مقدمه

جهانی شدن، بین‌المللی شدن، عصر اطلاعات، نزدیکی بین سیستم‌ها، برتری در مدیریت، حقوق بشر، از میان برخاستن مرزهای بین کشورها، سازمان و مدیریت پنداشت، مدیریت کیفیت مجموعه ای و مباحثی از این دست، از مهمترین تحولاتی هستند که بر روی ساخت‌دهی و عملکرد سازمان‌ها تغییراتی به وجود آورده که می‌تواند ریشه‌ای به شمار آید (کبیری، ۱۳۸۴). با توجه به توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان سرمایه‌گذاری و انجام تبادلات مالی سرمایه‌گذاران، شرکت‌های بورسی و دیگر بخش‌های بازار سرمایه در فراسوی مرزها فراهم شده و بازارهای مالی سراسر جهان به هم مرتبط گشته‌اند. پیشرفت‌های تکنولوژیک با از میان برداشتن موانع موجود، سرمایه‌گذاری موسسات کوچک و بزرگ در آن سوی مرزها را ممکن ساخته است. همزمان با جهانی شدن سرمایه‌گذاری، نیاز سرمایه‌گذاران به اطلاعات مالی درست و قابل اعتماد شرکت‌ها بیشتر می‌شود (موسوپاندین، ۲۰۰۵).

از طرفی ویژگی سازمان‌های امروزی پویایی و پیچیدگی، ابهام و سنت‌گریزی است و دائماً از محیط اطراف خود تأثیر می‌پذیرند و تغییر را به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر پذیرفته‌اند. با درک این موضوع که تغییرات جزء لاینفک و ذات سازمانهای هزاره سوم شده است قدرت سازگاری و انطباق با تحولات اخیر در عرصه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی افزایش یافته و برای تمام کسانی که به دهکده جهانی می‌اندیشند لازم الاجراست. تغییرات چند دهه اخیر به نحوی پیچیده و سریع بوده است که در تمامی بخش‌های سازمان‌ها، تحولات شگرفی را به وجود آورده است (موسوپاندین، ۲۰۰۵).

مدل‌های گزارشگری الکترونیک در حوزه دانش ITC متنوع هستند، اما طرح مدل گزارشگری تجاری توسعه یافته که در ادبیات حسابداری از آن تحت عنوان "XBRL" نام برده می‌شود توانسته بخش مهمی از این خواسته‌ها را برآورده سازد (بویر، ۲۰۰۶).

بنابراین گزارشگری مالی در طول زمان دارای تغییرات و پیشرفت‌های گوناگونی بوده است. گزارشگری مالی پس از گذر از تبادل شفاهی اطلاعات و استفاده از ابزارهایی مانند سنگ، لوح‌های گلی، پاپیروس، پوست و در نهایت کاغذ به استفاده از وسایل الکترونیک مانند ورد،



اکسل، پی دی اف (سند قابل حمل)، HTML (زبان نشانه‌گذاری ابر متن)، فرمت برنامه‌های گوناگون و سایر برنامه‌های کاربردی که بطور جزئی یا یکپارچه به گزارشگری مالی یا EDI (تبادل الکترونیکی داده‌ها) می‌پردازند و در نهایت استاندارد XBRL (زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر) که جدیدترین راه برای گزارشگری تجاری است، می‌رسد (بالدوین، ۲۰۰۶).

زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر باعث کاهش هزینه تولید و دسترسی به اطلاعات جهت تولیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی می‌گردد. از مزایای دیگر این سیستم گزارشگری می‌توان به افزایش ویژگی کیفی مربوط بودن اطلاعات، کاهش میزان خطا در اطلاعات، دسترسی سریع و ارزان تر به اطلاعات اشاره نمود. نظر به اهمیت و فواید قابل توجه این سیستم گزارشگری است که رئیس SEC از آن به عنوان "گزارشگری (داده‌های) تعاملی" یاد کرده و آن را به عنوان آینده گزارشگری مالی معرفی می‌کند (بویر، ۲۰۰۶).

سیستم گزارشگری XBRL به عنوان ابزار کارای تهیه، تبادل و تحلیل اطلاعات در بازارهای مهم سرمایه دنیا به شکل اجباری و اختیاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سیستم گزارشگری می‌تواند به تحقق سیاست‌های دولت در امر تعامل با بازارهای سرمایه دنیا و جذب سرمایه‌گذاران خارجی کمک نماید (شکاری، ۱۳۸۹).

در شرایطی که هیچ استاندارد واحدی برای تبادل اطلاعات میان سیستم‌های داخل و خارج سازمانی وجود نداشته باشد بیشتر توان و انرژی نیروی انسانی سازمان صرف یکپارچه نمودن و انسجام این حجم وسیع اطلاعات می‌شود. بنابراین نیاز به پیاده‌سازی و اجرای یک زبان بین‌المللی و قابل کاربرد برای همه شرکت‌ها جهت صرفه‌جویی در وقت و هزینه و قابلیت توسعه هر چه بیشتر گریزناپذیر است. با توجه به این دلایل بکارگیری و استفاده از XBRL دارای یک روند رو به رشد در دنیا است و به عنوان آینده گزارشگری مالی محسوب می‌شود. از طرفی پیاده‌سازی و اجرای این زبان یک پروژه جامع و وسیع است که نیاز به همکاری مدیران کسب و کار و متخصصین فناوری اطلاعات دارد. متأسفانه با آنکه شروع یکپارچه‌سازی گزارشگری‌ها مالی در دنیا به بیش از یک دهه قبل برمی‌گردد و شرکت‌های کشورهای توسعه یافته قسمت اعظم گزارشگری‌های خود را با این شیوه به انجام می‌رسانند، در کشور ما این زبان آنگونه که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته و مدیریت اکثر شرکت‌های داخلی استفاده

از گزارشگری‌های سنتی را ترجیح می‌دهند. در این پژوهش هدف بررسی میزان ارتباط استفاده از این زبان و توسعه شرکت‌ها و همچنین میزان تأثیرگذاری این زبان بر صرفه‌جویی در وقت و هزینه از راه‌های مختلف مانند کاهش اشتباه و تبادل سرعت اطلاعات است. بر این اساس می‌توان از اهداف این پژوهش بررسی مزایای بکارگیری XBRL برای استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان گزارشگری مالی در ایران، تشریح و ارائه نحوه عملکرد XBRL و تحلیل مزایای و معایب XBRL را نام برد. بنابراین پژوهش حاضر در راستای بررسی تأثیر بکارگیری زبان گزارشگری مالی قابل توسعه بر هزینه‌های شرکت جهت گزارشگری مالی، تأثیر بکارگیری زبان گزارشگری مالی قابل توسعه بر افزایش شفافیت اطلاعات مالی، تأثیر بکارگیری زبان گزارشگری مالی قابل توسعه بر کاهش اشتباهات انسانی، تأثیر بکارگیری زبان گزارشگری مالی قابل توسعه بر سرعت دسترسی به اطلاعات مالی و غیر مالی و همچنین تأثیر بکارگیری زبان گزارشگری مالی قابل توسعه بر کاهش زمان تهیه اطلاعات مالی انجام گرفته است.

### مروری بر پیشینه

تحقیقات مختلفی بر کارایی و توانایی گسترش این زبان در کشورهای توسعه یافته انجام گرفته ولی متأسفانه نمونه این تحقیقات کاربردی در کشور کم است. با این حال جهت بررسی ارتباط XBRL با هر یک از متغیرهای مربوط بودن، قابل اعتماد و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، شکاری (۱۳۸۹) پژوهشی را اجرا نمود. نتایج این پژوهش مبین تأیید ارتباط XBRL با هر یک از متغیرهای مربوط بودن، قابل اعتماد و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری بود (شکاری، ۱۳۸۹). خیری نشان داد که از نظر کل جامعه پاسخ‌دهندگان، عدم اطلاع از وجود XBRL و نداشتن دانش کافی برای بکارگیری XBRL، از دلایل عدم بکارگیری XBRL در شرکت‌های داخلی هستند. در حالیکه عدم تناسب این زبان با شرایط ایران و ناکارا بودن و کفایت شیوه گزارشگری موجود از جمله دلایل عدم بکارگیری این زبان در ایران بشمار نمی‌روند (خیری، ۱۳۸۷). فریورلیلان در تحقیق خود اعلام کرد که رابطه معنی‌داری بین XBRL و کاهش هزینه و زمان حسابرسی و در دسترس بودن اطلاعات پیدا کرد (فریورلیلان، ۱۳۸۶). عرب مازار و آرین‌پور اعلام کردند که گزارشگری مالی توسعه یافته یک موضوع تحقیقاتی جدید و گسترده است که هر روز بر وسعت دامنه آن افزوده می‌شود.

آنان اضافه کردند که در هر حال، باید توجه داشت که عوامل بسیاری از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی، سازمانی و قانونی می‌توانند پذیرش اینترنت جهت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهند (عرب مازیار و آراین پور، ۱۳۸۷).

چیمامانوئل و همکارانش در سال ۲۰۱۵ میلادی در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر XBRL بر گزارشگری مالی" به بررسی ارتباط XBRL بر گزارشات مالی پرداخته‌اند. هدف این پژوهش بحث در مورد، اثرمورد انتظار XBRL بر گزارشگری مالی و همچنین استفاده‌کنندگان از این اطلاعات و نیز تبعات بکارگیری XBRL بر سرمایه‌گذاران و حسابداران می‌باشد. متدولوژی این مطالعه بصورت بررسی پشت میزی است. در این پژوهش به نقش مثبت XBRL بر افزایش تجارت، کنترل اطلاعات، دسترسی آسان به اطلاعات صرف نظر از هرگونه مقرراتی، صرفه جویی در هزینه‌ها، کارایی بیشتر و دقت بهبود یافته و قابلیت اتکا اطلاعات اشاره گردیده است.

همچنین سان ون چوآن و چانگ از کشور چین در سال ۲۰۱۴ میلادی به بررسی طبقه بندی واژگان XBRL برای صنایع مختلف به منظور بسط واژگان صنایع در تئوری و در عمل، طی تحقیقی با عنوان "کیفیت اطلاعات حسابداری براساس واژگان XBRL" پرداخته‌اند.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از جهت هدف کاربردی، از جهت طرح، پیمایشی و از جهت روش استنتاج، استقرایی (توصیفی-تحلیلی) است که اطلاعات مربوط به بخش نظری این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و جمع‌آوری داده‌های موردنظر محقق به روش میدانی و به کمک پرسشنامه‌ای به شرح ذیل گردآوری گردیده است:

قسمت اول پرسشنامه با هفت پرسش تشکیل دهنده اطلاعات عمومی پرسشنامه به نحوی است که حاوی اطلاعات درمورد: جنسیت، سابقه کار، سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، آشنایی با XBRL، نحوه آشنایی با این زبان و همچنین میزان آشنایی با این زبان می‌باشد. بخش دوم این تحقیق در برگیرنده ۲۵ سوال اختصاصی در مورد فرض‌های تحقیق بوده که هر پنج سوال به عنوان شاخص نماینده یکی از فرض‌ها در نظر گرفته شده و هر پرسش در این پرسشنامه به صورت پنج گزینه‌ای طیف لیکرت در نظر گرفته شده است. تمامی پرسش‌ها دارای

ارزش مثبت است تا جایی که برای گزینه خیلی کم عدد ۱، کم عدد ۲، متوسط عدد ۳، زیاد عدد ۴ و خیلی زیاد عدد ۵، در نظر گرفته شده است. جهت محاسبه میزان اعتبار پرسش نامه برای ۲۰ نفر، تعداد ۴۰ مورد پرسش نامه به روش احتمالی و بصورت تصادفی ساده بدون جایگزینی، توزیع گشت که از این میان ۲۰ مورد مدیران مالی که اعلام آگاهی از این علم را کرده بودند، جهت سنجش آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفتند. همچنین علاوه بر روش آلفای کرونباخ، پرسش های پرسش نامه توسط استایید مجرب و آگاه به این زمینه مورد تایید قرار گرفت. بعد از اطمینان از اعتبار پرسشنامه و در جهت تحلیل داده باید سقف نمونه آماری از جامعه آماری مورد نظر انتخاب می گردید. در این پژوهش کلیه مدیران مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداران رسمی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و مدرسین موسسات آموزش عالی در حیطه جامعه آماری می باشند. ۳۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۳، اساتید دانشگاه های تهران و حسابداران رسمی جامعه حسابداران رسمی ایران در حیطه جامعه آماری این پژوهش قرار گرفته اند. بر این اساس با استفاده از روش کوکران حجم نمونه جهت بررسی آماری تعیین گردید. میزان خطا برابر ۱۰ درصد و میزان سطح احتمال نیز برابر ۹۵ درصد ( $Z=1/96$ ) در نظر گرفته شد. در نهایت تعداد نمونه به صورت زیر محاسبه گردید:

$$n = \frac{z^2 p q}{d^2} = 96$$

به اساس فرمول کوکران حجم نمونه به تعداد ۹۶ می رسید بر همین اساس تعداد ۹۶ مورد بطور احتمالی و به روش تصادفی ساده " بدون جایگزین " انتخاب شدند.

در نهایت تجزیه و تحلیل داده ها شامل دو قسمت است، بخش اول شامل اطلاعات توصیفی پژوهش و در بردارنده مطالبی همچون جنسیت، تحصیلات، رشته تحصیلی، آشنایی با XBRL، میزان و نحوه این آشنایی و نیز اطلاعاتی در زمینه میانگین، میانه، واریانس، انحراف معیار، کمینه و بیشینه مربوط به هر فرضیه می باشد. بخش دوم نیز مربوط به تحلیل استنباطی فرضیه ها است. در این بخش از مجموع نمرات مربوط به هر پنج سوالی که مربوط به یک شاخص ویژه بودند به عنوان نماینده شاخص استفاده گردید. سپس این نمرات به پنج طیف به صورت ۹-۵ (خیلی کم)، ۱۳-۹ (کم)، ۱۷-۱۳ (متوسط)، ۲۱-۱۷ (زیاد) و ۲۵-۲۱ (خیلی

زیاد) تقسیم‌بندی گردید. رابطه بین شاخص مربوط به فرض‌های مربوطه و XBRL با استفاده از شاخص آماری کای-دو بررسی گردید. این شاخص بر اساس نگاره توافقی دو طرفه و محاسبه میزان فراوانی پیش‌بینی شده (Fei) و مقایسه آن با مقادیر مشاهده شده (Foi) مطابق فرمول زیر عمل می‌کند.

$$\chi^2 = \frac{\sum_{i=1}^N (Foi - Fei)^2}{Fei}$$

در نهایت نگاره توافقی دو طرفه و همچنین میزان همبستگی رتبه با استفاده از نرم‌افزار SPSS-22 محاسبه گردید.

### یافته‌های پژوهش

از میان ۹۶ پاسخ دهنده مربوط به جامعه مورد بررسی، حدود ۳۱ درصد زن و حدود ۶۹ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. از میان این تعداد پرسش‌شونده ۹/۳۸ درصد با مدرک دکترا و بقیه را افراد با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد تشکیل داده‌اند که سهم آن‌ها نیز به ترتیب ۴۲/۷۱ و ۴۷/۹۲ درصد است. همچنین حدود ۵۷ درصد این افراد رشته حسابداری، تقریباً ۲۱ درصد رشته مدیریت، تقریباً ۸ درصد اقتصاد و حدود ۱۴ درصد سایر رشته‌ها را به عنوان رشته تحصیلی خود انتخاب نمودند. درصد افراد با سابقه کار صفر تا ۵ سال، ۶ تا ۱۰ سال، ۱۱ تا ۱۵ سال و بیشتر از ۱۵ سال به ترتیب برابر ۳۱/۲۵، ۲۷/۰۸۳، ۲۱/۸۷ و ۱۹/۷۹ درصد بود. تعداد افراد آشنا با زبان گزارشگری مالی توسعه یافته برابر ۳۳/۳۳ و افراد ناآشنا برابر ۶۶/۶۷ بوده است. از میان افراد آشنا به این زبان ۴ درصد آشنایی خود را به وسیله معرفی، ۱۳ درصد به وسیله محل کار، ۹ درصد به وسیله مطالعه، ۴ درصد از طریق دانشگاه و ۶ درصد نیز از طریق سایر مراکز آموزشی بدست آورده بودند. میزان آشنایی افراد مورد مطالعه نیز به عنوان مهم‌ترین شاخص در نگاره ۱ آورده شده است.

جهت استنباط‌های آماری در ارتباط با فرض‌های تحقیق و بررسی درستی بودن فرض‌ها از روش کای-دو و همبستگی رتبه استفاده گردید. در این راستا فرض اول مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین زبان گزارشگری مالی قابل توسعه XBRL و کاهش هزینه‌های شرکت جهت گزارشگری مالی مورد آزمون قرار گرفت. در این فرضیه، فرض  $H_0$  نشان دهنده استقلال دو

متغیر زبان گزار شگری مالی قابل توسعه (XBRL) و شاخص هزینه‌های شرکت و فرض H۱ نشان دهنده ارتباط این دو متغیر خواهد بود.

**نگاره (۱): توزیع فراوانی میزان آشنایی افراد پرسش شونده با XBRL**

میزان آشنایی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
نا آشنا	۶۴	۶۶/۶۷	۶۶/۶۷
خیلی کم	۳	۳/۱۳	۶۹/۷۹
کم	۹	۹/۳۸	۷۹/۱۷
متوسط	۱۳	۱۳/۵۴	۹۲/۷۱
زیاد	۵	۵/۲۱	۹۷/۹۲
خیلی زیاد	۲	۲/۰۸	۱۰۰
جمع	۹۶	۱۰۰	

نگاره ۲ نشان دهنده نگاره توافقی دو طرفه بین XBRL و شاخص هزینه‌های شرکت جهت بررسی ارتباط بین این دو متغیر با روش غیر پارامتریک کای-دو است. در این نگاره مقادیر مورد انتظار و مشاهده شده نشان داده شده است. بر اساس نتایج نهایی بدست آمده از بررسی ارتباط بین XBRL و شاخص هزینه‌های شرکت (نگاره ۲) مشخص می‌گردد که ارتباط معنی داری بین این دو عامل در سطح خطای پنج درصد آماری وجود دارد.

**نگاره (۱): نگاره توافقی دو طرفه رابطه بین XBRL و شاخص هزینه‌های شرکت جهت بررسی میزان ارتباط بین این دو عامل**

مجموع	میزان آشنایی با XBRL						مشاهده شده	مجموع	شاخص هزینه‌های شرکت
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نا آشنا			
۱	۳	۰	۰	۱	۱	۰	مشاهده شده	کم	
۲/۴	۳/۶	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۴۸	۰/۳۶	۰/۱۲	مورد انتظار		
۲۱	۳۳	۰	۱	۶	۴	۱	مشاهده شده	متوسط	
۲۰/۸	۳۱/۱	۰/۷۳	۱/۳۵۲	۴/۴۸	۲/۸۰۸	۱/۰۴	مورد انتظار		
۳۶	۴۸	۱	۳	۴	۳	۱	مشاهده شده	زیاد	
۳۴/۵	۵۱/۷۵	۱/۱۵	۲/۳	۷/۴۷۵	۴/۶	۱/۷۲	مورد انتظار		
۶	۱۲	۱	۰	۳	۱	۱	مشاهده شده	خیلی زیاد	
۶/۴	۹/۶	۰/۲۴	۰/۴	۱/۳۶	۰/۸۸	۰/۳۲	مورد انتظار		
۹۶	۲	۴	۱۴	۹	۳	۶۴	مجموع		
میزان احتمال = ۰/۰۳۲۳				درجه = ۱۵ آزادی			کای-دو = ۲۵/۷۰۰		

جهت بررسی بهتر ارتباط بین این دو عامل، از آنجا که شاخص محاسبه شده برای فرض مورد نظر از طریق پنج سوال مورد پرسش به یک شاخص عددی با اعداد اعشاری تبدیل شده است، پس این شاخص از حالت ناپارامتریک خارج گردیده و تا حدودی می‌توان از روش‌های پارامتریک برای آن استفاده نمود. با این حال متغیر XBRL همچنان ناپارامتریک است، بنابراین می‌توان از ضریب همبستگی اسپیرمن (یا همبستگی رتبه) به عنوان روش تکمیلی بررسی ارتباط استفاده نمود. میزان همبستگی رتبه (اسپیرمن) بین این دو متغیر برابر ۰/۴۶ محاسبه گردید. با توجه به میزان احتمال کمتر از ۰/۰۵ این همبستگی مشخص می‌شود که ارتباط معنی‌داری بین این متغیر وجود دارد. میزان این همبستگی مثبت برآورد گردید که نشان دهنده ارتباط مثبت این دو عامل با هم است.

فرضیه دوم مبنی بر وجود ارتباط معنی‌دار بین زبان گزارشگری مالی قابل توسعه XBRL و افزایش شفافیت اطلاعات مالی نیز به همین ترتیب مورد آزمون قرار گرفت. در این فرضیه، فرض H<sub>0</sub> نشان دهنده استقلال دو متغیر زبان گزارشگری مالی قابل توسعه (XBRL) و شاخص شفافیت و فرض H<sub>1</sub> نشان دهنده ارتباط این دو متغیر است. نگاره ۳ نشان دهنده مقادیر مورد انتظار و مشاهده شده مربوط به نگاره توافقی دو طرفه رابطه بین XBRL و شاخص شفافیت جهت بررسی رابطه بین این دو متغیر است. بر اساس نتایج نهایی بدست آمده از بررسی ارتباط بین XBRL و شاخص شفافیت (نگاره ۳) مشخص می‌گردد که ارتباط معنی‌داری بین این دو عامل در سطح خطای پنج درصد آماری موجود است. میزان همبستگی رتبه بین این دو عامل برابر ۰/۴۶ و میزان احتمال آن برابر ۰/۰۱۹ است که تاییدکننده نتایج کای-دو است.

فرضیه سوم نیز مبنی بر وجود ارتباط بین زبان گزارشگری مالی قابل توسعه XBRL و کاهش اشتباهات انسانی با استفاده از شاخص‌های آماری کای-دو ضریب همبستگی رتبه مورد بررسی قرار گرفت. در این فرضیه، فرض H<sub>0</sub> نشان دهنده استقلال دو متغیر زبان گزارشگری مالی قابل توسعه (XBRL) و شاخص اشتباهات انسانی و فرض H<sub>1</sub> نشان دهنده ارتباط این دو متغیر است. نگاره ۴ نشان دهنده مقادیر مورد انتظار و مشاهده شده در ارتباط با نگاره توافقی دو طرفه رابطه بین XBRL و شاخص کاهش اشتباهات انسانی جهت بررسی ارتباط بین این دو متغیر با روش کای-دو است.

**تکانه (۱): تکانه توافقی دو طرفه رابطه بین XBRL و شاخص شفافیت جهت بررسی میزان ارتباط بین این دو عامل**

مجموع	میزان آشنایی با XBRL						مشاهده شده	موردانتظار	کمی
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	ناآشنا			
۱	۲	۱	۰	۰	۰	۰	مشاهده شده	کم	تکانه توافقی دو طرفه
۱/۶	۲/۴	۰/۰۵	۰/۱۰۸	۰/۳۴۸	۰/۲۱۶	۰/۰۸۴	موردانتظار	کم	
۲۸	۳۷	۰	۱	۳	۴	۱	مشاهده شده	متوسط	
۲۳/۶	۳۵/۳۶	۰/۷۹	۱/۵۷۰	۵/۱۰۶۴	۳/۱۴۰۸	۱/۱۷۵۲	موردانتظار	متوسط	
۳۰	۴۶	۱	۲	۸	۴	۱	مشاهده شده	زیاد	
۳۲/۹	۴۹/۴۵	۱/۱۰	۲/۱۹۶	۷/۱۴۱۵	۴/۳۹۳	۱/۶۴۴۵	موردانتظار	زیاد	
۵	۱۱	۰	۱	۳	۱	۱	مشاهده شده	خیلی زیاد	
۵/۸۶	۸/۸	۰/۱۹	۰/۳۹۲	۱/۲۷۲	۰/۷۸۴	۰/۲۹۶	موردانتظار	خیلی زیاد	
۹۶	۲	۴	۱۴	۹	۳	۶۴	مجموع	مجموع	
میزان احتمال = ۰/۰۱۶			درجه آزادی = ۱۵			کای-دو = ۲۸/۹۵۱			

بر اساس نتایج مربوط به این قسمت مشخص می گردد که ارتباط معنی داری به این این دو عامل در سطح خطای پنج درصد آماری موجود است. ضریب همبستگی رتبه بین این دو متغیر برابر ۰/۵۴ و میزان احتمال آن برابر ۰/۱۱ بدست آمد که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم و معنادار بین این دو متغیر است.

**تکانه (۲): تکانه توافقی دو طرفه رابطه بین XBRL و شاخص کاهش اشتباهات انسانی جهت بررسی میزان ارتباط بین این دو عامل**

مجموع	میزان آشنایی با XBRL						مشاهده شده	موردانتظار	کمی
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	ناآشنا			
۰	۳	۰	۱	۱	۱	۰	مشاهده شده	کم	تکانه کاهش اشتباهات انسانی
۲/۴	۳/۶	۰/۰۸	۰/۱۵۶	۰/۵۱	۲/۳۲۴	۰/۱۲	موردانتظار	کم	
۱۷	۲۴	۱	۰	۴	۲	۰	مشاهده شده	متوسط	
۱۴/۵۶	۲۱/۸۴	۰/۴۹	۰/۹۶۷	۳/۱۵	۱/۹۴۴۸	۰/۷۲۸	موردانتظار	متوسط	
۳۹	۵۵	۱	۳	۷	۳	۲	مشاهده شده	زیاد	
۳۹/۸۷	۵۹/۸	۱/۳۳	۲/۶۵۶	۸/۶۴	۵/۳۱۳	۱/۹۸۹۵	موردانتظار	زیاد	
۸	۱۴	۰	۰	۲	۳	۱	مشاهده شده	خیلی زیاد	
۷/۴۶۴	۱۱/۱۹۲	۰/۲۵	۰/۴۹۶	۱/۶۷	۰/۹۹۲	۰/۳۷۶	موردانتظار	خیلی زیاد	
۹۶	۲	۴	۱۴	۹	۳	۶۴	مجموع	مجموع	
میزان احتمال = ۰/۰۳۷۵			درجه آزادی = ۱۵			کای-دو = ۲۶/۶۶			



فرضیه چهارم عبارت است از وجود ارتباط بین زبان گزارشگری مالی قابل توسعه XBRL و سرعت دسترسی به اطلاعات مالی و غیر مالی. در این فرضیه، فرض  $H_0$  نشان دهنده استقلال دو متغیر زبان گزارشگری مالی قابل توسعه (XBRL) و شاخص سرعت دسترسی به اطلاعات و فرض  $H_1$  نشان دهنده ارتباط این دو متغیر است. بر اساس نتایج نهایی بدست آمده از بررسی ارتباط بین XBRL و شاخص سرعت دسترسی به اطلاعات (نگاره ۵) مشخص می‌گردد که ارتباط معنی‌داری بین این دو عامل در سطح خطای پنج درصد آماری موجود است. میزان ضریب همبستگی رتبه بین این دو متغیر برابر  $0/23$  است مشخص می‌گردد که ارتباط معنی‌دار در سطح یک درصد وجود دارد.

**نگاره (۳): نگاره توافقی دو طرفه ارتباط بین XBRL و شاخص سرعت دسترسی به اطلاعات جهت بررسی میزان ارتباط بین این دو عامل**

مجموع	میزان آشنایی با XBRL						مشاهده شده	موردانتظار	مجموع
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	ناآشنا			
۲	۱	۰	۱	۰	۰	۰	مشاهده شده	کم	شاخص سرعت دسترسی به اطلاعات
۲/۴	۰	۰/۱۲	۰/۳۶	۰/۲۴	۰/۱۲	۱/۵۶	موردانتظار	متوسط	
۲۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱۹	مشاهده شده	زیاد	
۱۷/۷۸۴	۰/۴۱۶	۰/۸۳۲	۲/۶	۱/۵۶	۰/۶۲۴	۱۱/۷۵۲	موردانتظار	خیلی زیاد	
۴۹	۱	۳	۵	۵	۲	۳۳	مشاهده شده	مجموع	
۵۲/۷۵۸	۱/۱۵	۲/۳	۷/۵۹	۴/۷۱۵	۱/۷۲۵	۳۵/۳۰۵	موردانتظار		
۲۵	۰	۱	۷	۴	۱	۱۲	مشاهده شده		
۲۳	۰/۴۸	۰/۸۸	۳/۸۸	۲/۷۶	۰/۶۴	۱۳/۳۶	موردانتظار		
۹۶	۲	۴	۱۴	۹	۳	۶۴			
میزان احتمال = $0/0009$		درجه آزادی = ۱۵				کای-دو = $31/25$			

در نهایت فرضیه پنجم نیز با استفاده از روش‌های آماری ناپارامتریک کای-دو و همبستگی رتبه مورد آزمون قرار گرفت. بر اساس این فرضیه رابطه معنی‌داری بین زبان گزارشگری مالی قابل توسعه XBRL و زمان تهیه اطلاعات مالی رابطه معنادار وجود دارد. در این فرضیه، فرض  $H_0$  نشان دهنده استقلال دو متغیر زبان گزارشگری مالی قابل توسعه (XBRL) و شاخص زمان تهیه اطلاعات و فرض  $H_1$  نشان دهنده ارتباط این دو متغیر است. بر اساس نتایج نهایی

بدست آمده از بررسی ارتباط بین XBRL و شاخص زمان تهیه اطلاعات (نگاره ۶) مشخص می‌گردد که ارتباط معنی‌داری بین این دو عامل در سطح خطای پنج درصد آماری موجود است. میزان ضریب همبستگی بین این متغیر برابر ۰/۴ و ضریب احتمال آن برابر ۰/۰۳۲ برآورد گردید که نشان دهنده معنی‌دار بودن رابطه در سطح احتمال پنج درصد است.

**نگاره (۴): نگاره توافقی دو طرفه رابطه بین XBRL و شاخص زمان تهیه اطلاعات جهت بررسی میزان ارتباط بین این دو عامل**

مجموع	میزان آشنایی با XBRL									
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	ناآشنا				
۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	مشاهده شده	کم	شاخص زمان تهیه اطلاعات	
۱/۱۸۸	۰/۰۲۴	۰/۰۴۸	۰/۱۶۸	۰/۱۰۸	۰/۰۳۶	۰/۸۰۴	موردانتظار			
۱۹	۱	۱	۲	۰	۰	۱۵	مشاهده شده	متوسط		
۱۶/۶۴	۰/۳۷۴۴	۰/۷۳۸۴	۲/۴۰۲۴	۱/۴۷۶۸	۰/۵۵۱۲	۱۱/۰۹۶۸	موردانتظار			
۵۴	۱	۳	۵	۶	۲	۳۷	مشاهده شده	زیاد		
۵۹/۴۵	۱/۲۹۹۵	۲/۶۱۰۵	۸/۴۷۵۵	۵/۲۰۹۵	۲/۷۵۵	۳۹/۱	موردانتظار			
۲۲	۰	۰	۶	۳	۱	۱۲	مشاهده شده	خیلی		
۱۸/۶۰۸	۱/۳۹۲	۰/۷۸۴	۲/۵۴۴	۱/۵۶۸	۰/۵۸۴	۱۱/۷۳۶	موردانتظار	زیاد		
۹۶	۴	۱۴	۹	۳	۶۴	۶۰		مجموع		
میزان احتمال = ۰/۰۳۲			درجه آزادی = ۱۵			کای-دو = ۲۱/۱۴				

### نتیجه‌گیری

با توجه به موارد بررسی شده توسط آماره‌های کای-اسکویر، و همچنین ضریب همبستگی رتبه، رابطه بین میزان آشنایی با XBRL و شاخص‌های مورد بررسی وجود دارد. اکثر فرضیه‌های این تحقیق در سطح احتمال پنج درصد مورد قبول واقع گردید. بیشترین ارتباط معنی‌دار از میان شاخص‌ها، بین XBRL و شاخص زمان دسترسی به اطلاعات بود. بنابر نتایج حاصل از نمونه مورد رسیدگی، بکارگیری زبان گزارشگری مالی قابل توسعه می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های شرکت جهت گزارشگری مالی، افزایش شفافیت، کاهش اشتباهات انسانی، افزایش سرعت دسترسی به اطلاعات و همچنین کاهش زمان تهیه اطلاعات جهت گزارشگری مالی گردد. در ارتباط با کاهش هزینه‌های شرکت جهت گزارشگری مالی باید به این نکته

توجه کرد که در ابتدا پیاده سازی این زیر ساخت و آشنا نمودن کارمندان مالی شرکت‌ها با این زبان ممکن است تا حدودی هزینه داشته باشد، ولی بعد از پیاده سازی آن باعث کاهش هزینه‌ها به صورت چشم گیری خواهد شد. زبان XBRL در صورت شناخته شدن توسط مدیران می تواند تا حدود زیادی مشکلات ناشی از پیچیده شدن گزارشات مالی و گاهی اوقات عدم درک صحیح آن‌ها را کاهش داده و باعث افزایش شفافیت در گزارشات مالی گردد. با توجه به اینکه بعضاً دیده می شود که مدیران مختلف استفاده از روش‌های متفاوتی را جهت انجام گزارشات خود برمی‌گزینند و ممکن است این فرایندها تا حدودی وقت گیر و غیر ضروری باشد و از طرفی زبان XBRL با توجه به همه زمینه‌های گزارشگری مالی توسط افراد متخصص و با تجربه ایجاد گردیده، بکارگیری این زبان به صورت صحیح موجب کاهش زمان تهیه اطلاعات جهت گزارشگری مالی خواهد شد. در این زبان چون کار اصلی به عهده ماشین بوده و با استفاده از هوش مصنوعی انجام می‌گردد، بنابراین تا حدود زیادی عاری از خطاها و اشتباهاتی انسانی در حین کار بوده و موجب افزایش قابلیت اتکا و صحت اطلاعات خواهد شد. همچنین سرعت دسترسی به اطلاعات نیز در این شرایط افزایش خواهد یافت. بنابراین نتایج بدست آمده از این تحقیق در ارتباط با قبول فرض‌ها دور از ذهن نیست زیرا همگام با حرکت بسوی دنیای دیجیتال و ظهور رویکردهای پست مدرن، شیوه و نگرش کند سستی جای خود را به رویکردهای پست مدرنی داده است که در کمتر از چند ثانیه قابلیت واکاوی میلیون‌ها داده را دارند. پر واضح است که سرعت و دقت بالای سیستم‌های حسابداری و گزارشگری جدید همچون XBRL و حسابداری تحت وب به دلیل بهره‌گیری از جدیدترین یافته‌های قرن اخیر، یک امر بدیهی و واضح است و این دقت و سرعت، همان دغدغه مدیران مالی و حسابداران گذشته است که به دلیل درگیری روزانه با اعداد و ارقام، همواره آن را در نظر داشتند. اطلاعاتی که اگر علاوه بر دقت و سرعت، به موقع در اختیار کاربران قرارنگیرند و قدرت قیاس پذیری نداشته باشند و یا قابلیت دسترسی آنها برای هر شخصی سهل نباشد ارزش واقعی خود را در جهانی که سرعت به روزرسانی داده‌ها از سال و ماه به دقیقه و ثانیه رسیده است، از دست خواهد داد. زبان گزارشگری مالی قابل توسعه با بالا بردن سرعت انجام کار و افزایش دقت، منجر به از بین رفتن ناامنی داده‌ها شده و منتج به برنامه ریزی، ارزیابی رویدادها و برآورد انتظارات و نیازهای مالی گشته و ابهام و سردرگمی در تصمیم‌گیری مدیران مالی را

کاهش می‌دهد. این زبان با ارائه اطلاعات عاری از تمایلات جانبدارانه، کامل و جامع که دارای رجحان محتوا نیز می‌باشد، قابلیت اعتماد به داده‌ها را افزایش داده و به علت ثبات رویه، شفافیت و هماهنگی با دیگر رویکردها، قدرت قیاس پذیری اطلاعات حسابداری را فزونی می‌بخشد.

### منابع

- Arab maziar, M & Arian pour, A, (2008) , Information Systems and Technology, Financial reporting online, *Accounting*, p76-86:199 (in persian)
- Azizkhani, M, (2008) , The proposed report on the implementation of XBRL in Iran, management, *development and organization of Islamic Studies at Tehran Stock Exchange*. (in persian)
- Baldwin, A.A., Brown, C.E., and Trinkle, B.S. (2006). XBRL: An impacts framework and research challenge. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, 3 (1): 97-116
- Boyer-Wright, K., Summers, G., and Kottemann, J. (2010). XBRL: Is it Time. *Issues in Informing Science and Information Technology*, 7: 509-518.
- Farivar leylan, F, (2007) , Evaluation of the factors contributing to the auditor in Environment XBRL, *Azad University, Tehran*. (in persian)
- Kabiri, A, (2005) , Organization and management approache (Outlook postmodern) , publications Negahe danesh. (in persian)
- kheyri, M, (2008) The reasons for non-adoption of XBRL by Iranian companies, *University of Tehran, Tehran*. (in persian)
- Muthupandian, K. (2005). XBRL-A Global Financial Reporting Standard. *Chartered accountant new-delhi*, 54 (1): 164-76.
- shekari, N, (2010) Xbrl connection with the qualitative characteristics of accounting information From the perspective of senior executives of listed companies on the stock exchange, *University of Science and Research in Tehran*. (in persian)

## کیفیت افشا و پاداش مدیریت

احمد احمدپور\*، زهره حاجیها\*\*، حسن چناری بوکت\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۴

### چکیده

در این پژوهش با استفاده از داده‌های تاریخی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۳ مربوط به هفتاد و پنج شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ارتباط کیفیت افشا و پاداش مدیریت مورد مطالعه قرار گرفت. شواهد تجربی سایر کشورها نشان می‌دهد بین کیفیت افشا و پاداش مدیران ارتباطی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. با توجه به این که افشای به موقع و مربوط به ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌های آن‌ها می‌تواند کمک کند و هم‌چنین در این راستا که پاداش مدیران ارشد می‌تواند مرتبط با افشا باشد یا خیر، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به قانون‌گذاران و استفاده‌کنندگان در مورد کیفیت افشای موجود در گزارش‌گری مالی رهنمون دهد. یافته‌های حاصل از فرضیه‌ی اول پژوهش بیان می‌کند که بین کیفیت افشا و پاداش نقدی پرداختی ارتباط معنی‌دار و معکوس وجود دارد. هم‌چنین یافته‌های حاصل از فرضیه‌ی دوم پژوهش بیان می‌کند که بین کیفیت افشا و پاداش غیرنقدی ارتباط معنی‌دار و معکوس وجود دارد. یافته‌های حاصل از فرضیه‌های پژوهش فرضیه‌ی خطر اخلاقی را مبنی بر احتمال سوء مدیریت برای دریافت پاداش بیشتر تأیید می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** پاداش مدیریت، پاداش نقدی، پاداش غیرنقدی، خطر اخلاقی، کیفیت افشا

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G32, G19

کد DOI: 10.22051/jera.2017.7534.1073

\* استاد گروه حسابداری دانشگاه مازندران، (ahmadpour@umz.ac.ir)

\*\* دانشیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق، تهران، ایران، (z\_hajiha@yahoo.com)

\*\*\* کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران، نویسنده مسئول، (ha\_chenari@yahoo.com)

## مقدمه

سهامداران مالک اصلی واحدهای تجاری هستند و هدف اصلی واحدهای تجاری به حداکثر رسانیدن ثروت سهامداران است و این ثروت برای آن‌ها تنها در نتیجه‌ی عملکرد مطلوب واحد تجاری حاصل خواهد شد. ثروت سهامداران در دنیای واقعی مالی حایز اهمیت بسیار می‌باشد و طی سالیان اخیر افزایش قابل ملاحظه‌ای در مورد شرکت‌هایی رخ داده است که اصلی‌ترین هدف خود یا یکی از اصولی‌ترین اهداف خود را در حداکثرسازی ثروت سهامداران پایه‌گذاری کرده‌اند. مدیریت موفقیت‌آمیز با رویکرد ارزش‌آفرینی برای سهامداران مستلزم آگاهی از متغیرهای حیاتی درباره‌ی ثروت سهامداران می‌باشد و این که چگونه می‌توان آن‌ها را به کار گرفت. سهامداران خواستار حداقل نرخ بازده مناسب روی سرمایه‌گذاری‌های خود می‌باشند و در واقع می‌خواهند بازده خود را به حداکثر برسانند (جهانخانی و ظریف‌فرد، ۱۳۷۵). طبق نظریه‌ی نمایندگی، زمانی بین مدیر و مالک رابطه ایجاد می‌شود که قسمتی از اختیارات مالک به مدیر تفویض شود تا مدیر بتواند جهت انجام امور شرکت به نمایندگی از مالک تصمیم‌های لازم را اتخاذ کند. با توجه به وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان، اگرچه صاحبکار از طریق ایجاد سیستم‌های کنترلی مانند انتخاب هیات‌مدیره به‌عنوان قایم مقام خود و یا انجام حسابرسی توسط یک شخص مستقل از منافع خود محافظت می‌کند ولی پژوهش‌های تجربی صورت پذیرفته نشان می‌دهد که همسو کردن دیدگاه و عملکرد مدیران با منافع سهامداران مقرون به صرفه‌تر و دارای ارزش بیشتری نسبت به سیستم‌های کنترلی است (حاجیها و چناری، ۱۳۹۲). مدیران ارشد شرکت‌ها در حالت کلی مسئول سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها، معاملات و داد و ستدهای شرکت با مشتریان خود می‌باشند. در این راستا سرمایه‌گذاران فقط با یکی از مدیران ارشد که عمدتاً مدیر عامل یا مدیر اجرایی شرکت است در ارتباط می‌باشند و در مورد موارد مهمی مانند توسعه‌ی راهبردها و برنامه‌های شرکت، فعالیت‌ها، خطی‌مشی‌های سرمایه‌گذاری و به تبع آن جریان‌های نقدی و ارزش شرکت مشورت و راهنمایی می‌کنند. با عنایت به مسئولیت فوق، از مدیران شرکت‌ها انتظار می‌رود که با افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی اقدام به شفاف‌سازی عملکرد خود و در نهایت عملکرد شرکت کنند. مدیران شرکت‌ها نیز در قبال عملکرد خود که در راستای ارتقای شرکت و افزایش بازدهی شرکت می‌باشد انتظار دارند که پاداش متناسبی با میزان عملکرد خود دریافت کنند. با توجه به پژوهش‌های

تجربی صورت پذیرفته سوال این است که آیا پاداش مدیران ارشد می‌تواند منتهی به ارایی‌ی گزارش‌های مالی شفاف و با کیفیت از سوی مدیران شود؟ از طرفی می‌توان چنین بیان کرد که افشای به موقع و شفاف اطلاعات مالی در رابطه با عملکرد شرکت می‌تواند منتهی به افزایش معامله‌ی سهام شرکت، افزایش نقد شوندگی و در نهایت سودآوری و افزایش پاداش مدیران شرکت را به دنبال داشته باشد. با این حال کیفیت اطلاعات ارایی شده ذهنی و وابسته به بسیاری از عوامل موثر در اقتصاد کشور است. برای ایجاد انگیزه در مدیران در راستای افشای اطلاعات مالی در سطح ایده‌آل و افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی لازم است که عملکرد مدیران مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرد. برای مثال اگر مدیریت اقدام به پیش‌بینی سود با توجه به اطلاعات محرمانه‌ای که در اختیار دارد، کند و این پیش‌بینی از صحت و دقت لازم برخوردار باشد، بایستی مدیر شرکت از لحاظ پرداخت پاداش نقدی یا از طریق پاداش غیرنقدی مورد تشویق قرار گیرد که با این روش، دقت مدیران در پیش‌بینی سود در هر مرحله به مراتب افزایش خواهد یافت (هوی و ماتسونگا، ۲۰۱۵). بر مبنای ماده‌ی ۱۳۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورتی که در اساس‌نامه پیش‌بینی شده باشد، مجمع عمومی می‌تواند مطابق با ماده‌ی ۲۴۱ همین قانون، نسبت معینی از سود خالص سالیانه‌ی شرکت را به‌عنوان پاداش به اعضای هیأت‌مدیره تخصیص دهد؛ با این شرط که میزان پاداش در نظر گرفته شده برای مدیران نباید در شرکت‌های سهامی عام از ۵ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ۱۰ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود، تجاوز کند. هم‌چنین اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره حق ندارند به‌جز آن‌چه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق‌الزحمه و جهایی از شرکت دریافت کنند (قانون تجارت، ۱۳۴۷؛ سجادی و زارع‌زاده، ۱۳۹۰). با عنایت به این که سرمایه‌گذاران هم‌اکنون بر اساس افشایات صورت پذیرفته توسط شرکت‌ها انجام می‌شود و هم‌چنین تبیین عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی و درون‌سازمانی و احتمال سوء استفاده‌ی مدیران در راستای دریافت پاداش بیشتر لازم است بررسی دقیقی در این رابطه انجام شود که می‌توان جزء اهمیت و ضرورت انجام پژوهش دانست.

هدف اصلی پژوهش مطالعه‌ی تأثیر کیفیت افشای اطلاعات مالی بر پاداش مدیران ارشد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در ادامه این مقاله ابتدا مبانی نظری و تبیین فرضیه‌های مطالعه حاضر، پیشینه‌ی پژوهش، روش‌شناسی پژوهش، آمار توصیفی متغیرها و آزمون فرضیه‌ها و در انتهای مقاله نیز بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادهای حاصل از یافته‌های پژوهش ارائه خواهد شد.

### پیشینه‌ی پژوهش

هوی و ماتسونوگا (۲۰۱۵) در پژوهشی به مطالعه‌ی ارتباط پاداش مدیران ارشد و کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار هنگ کنگ در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش آن‌ها بیان‌گر این است که تغییرات سالیانه پاداش نقدی و غیرنقدی برای مدیران ارشد ارتباطی مثبت با تغییرات کیفیت افشا در گزارش‌های مالی دارد. به عبارت بهتر با افزایش میزان پاداش، کیفیت افشای اطلاعات مالی نیز افزایش می‌یابد. هم‌چنین آن‌ها در یافته‌اند که این ارتباط در شرکت‌های بزرگ‌تر و با رشد و توسعه‌ی بیشتر و در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی مناسب، قوی‌تر است. دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به مطالعه‌ی تأثیر افشا پاداش پرداختی بر مبنای عملکرد پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش آن‌ها بیان‌گر این است که بین افشا و پاداش بر مبنای عملکرد ارتباطی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. به عبارت بهتر با بهبود عملکرد شرکت و هم‌چنین افشای کامل و مناسب اطلاعات مالی که منتهی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان برون و درون سازمانی می‌شود، وجود دارد. شالو و همکاران (۲۰۱۱) به نقل از نیکومرام و پازوکی (۱۳۹۴) تأثیر ساختار پاداش مدیران بر ارزش جاری شرکت‌های کسب شده در ادغام شرکت‌ها را بررسی کردند. آن‌ها بیان کردند که سطح پاداش مدیران ممکن است ارزیابی و افشای آن‌ها در رابطه با دارایی‌ها و بدهی‌های غیرپولی را تغییر دهد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ساختار پاداش مدیران یک تعیین‌کننده‌ی با اهمیت در ارزش‌گذاری سرفق‌لی کسب شده می‌باشد زیرا که سرفق‌لی موجود در شرکت‌های خریداری شده عامل مهمی در سودهای آتی مورد انتظار بوده و می‌تواند پاداش جاری و آتی مدیران را تحت تأثیر قرار دهد. لی (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی اثر رقابت بازار بر کیفیت افشای داوطلبانه‌ی اطلاعات، در یافت رقابت موجب افزایش کیفیت افشای داوطلبانه‌ی اطلاعات می‌شود. هم‌چنین یافته‌های پژوهش وی نشان داد که شرکت‌های بزرگ در مقابل



شرکت‌های کوچک که توان رقابتی بالایی دارند، کیفیت افشای کم‌تری در مقایسه با شرکت‌های کوچک دارند. بنابراین شرکت‌های کوچک توان رقابت بازار بیشتر و کیفیت افشای بالاتری دارند و ممکن است یکی از دلایل پاداش کمتر مدیران در شرکت‌های کوچک همین کیفیت بالاتر افشا باشد. ناگار و همکاران (۲۰۰۳) بهبود کیفیت افشا را عاملی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و به تبع آن کاهش هزینه‌های نمایندگی میان سهام‌داران و مدیران می‌دانند. آن‌ها در پژوهشی دریافتند که هر گاه پاداش مدیران بر پایه‌ی قیمت سهام تعیین شود، میان پاداش مدیران و کیفیت افشا رابطه‌ی مثبت وجود دارد.

در رابطه با پیشینه‌ی پژوهش داخل کشور لازم به ذکر است که پژوهشی مرتبط یا شبیه به پژوهش مولفان صورت پذیرفته است و موارد مطرح شده در راستای ابعاد کیفیت افشا و پاداش بوده است و این خود دلیلی بر نوآوری و تکرناپذیر بودن موضوع پژوهش است.

حاجیها و چناری (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی افزایش ثروت سهامداران در طول دوره تصدی مدیران ارشد شرکت پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش بیان‌گر آن است که بین پاداش مدیران ارشد و ارزش افزوده‌ی سهامدار (مجموع تغییرات ارزش بازار و سود نقدی پرداخت شده)، (بازده سهام غیرعادی انباشته)، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. از اینرو می‌توان نتیجه گرفت که تخصیص پاداش در طول دوره تصدی مدیران ارشد شرکت‌های ایرانی موثر نبوده است. حاجیها و چناری (۱۳۹۲) تاثیر انگیزه‌ی مدیران ارشد بر خلق ثروت (ارزش آفرینی) برای سهامداران را در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش بیان‌گر آن است که بین میزان حساسیت پرداخت بابت عملکرد و ارزش افزوده‌ی سهامدار ارتباط معنی‌داری وجود دارد ولی بین میزان حساسیت پرداخت بابت عملکرد و کارایی پرداخت به مدیران ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. نتیجه‌ی کلی این است گرچه پرداخت پاداش مدیران شرکت‌های ایرانی منجر به خلق ارزش افزوده برای سهامداران شده است اما پرداخت‌ها از کارایی لازم برخوردار نبوده است. ستایش و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه‌ی سرمایه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش آن‌ها بیان کرد که بین اندازه‌ی شرکت و نقدشوندگی جاری و آتی سهام ارتباطی مثبت و معنی‌دار وجود دارد اما رابطه‌ی معنی‌داری بین کیفیت افشا و نقدشوندگی جاری و آتی سهام وجود ندارد. افزون بر

این رابطه‌ی منفی و معنی‌دار بین کیفیت افشا و هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی جاری و آتی شرکت وجود دارد. هم‌چنین شواهدی دال بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین اندازه‌ی شرکت و هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی جاری و آتی آن مشاهده نشد.

مسئولیت مهم و کلیدی هیأت‌مدیره در طول سالیان اخیر فراهم نمودن انگیزه‌ی کافی برای مدیران در راستای عملکرد موثر در شرکت می‌باشد. هم‌چنین پژوهش‌گران نیز در رابطه با عملکرد مدیران ارشد و پاداش دریافتی آن‌ها و این‌که آیا پاداش‌های پرداخت شده به مدیران مطابق با منافع سهامداران هست یا خیر، پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند (جونگ، ۲۰۱۱). به‌منظور کاهش مشکلات نمایندگی ناشی از احتمال عدم همسویی منافع بین مدیران و سهامداران، بایستی بر تابع مطلوبیت هر یک از دو طرف و نحوه‌ی تسهیم منافع و مخاطره، بین آنان تمرکز نمود. بدین طریق، می‌توان مدیران را در به‌کارگیری توانایی‌ها و مهارت‌هایشان در راستای منافع مالکان ترغیب نمود و در آن‌ها ایجاد انگیزه کرد. پرداخت پاداش به مدیران به‌عنوان جزئی از حق‌الزحمه‌ی آن‌ها، یکی از روش‌های مطرح جهت انگیزش مدیران و یکی از ابزارهای رایج به‌منظور همسو نمودن دیدگاه‌ها و عملکرد مدیران در راستای افزایش ثروت سهامداران است. حقوق و مزایای مدیران شرکت‌ها شامل حقوق ثابت، پاداش نقدی عملکرد و مزایای غیرنقدی است. از بعد تئوریک انتظار بر آن است که پاداش نقدی پرداختی به مدیران، مبتنی بر عملکرد آن‌ها باشد؛ بدین معنی که همسویی عملکرد مدیران با منافع حاصله برای سهامداران، منجر به تشویق آن‌ها و بهره‌مندی از پاداش گردد (نمازی و مرادی، ۱۳۸۴). نتایج اکثر پژوهش‌های تجربی صورت پذیرفته بیان‌گر آن است که طرح‌های پاداش بلندمدت که به نحوی سهام مدیران در مالکیت شرکت را به‌طور واقعی و یا به‌طور شبیه‌سازی در بر دارد باعث افزایش ثروت سهامداران می‌شود. اما همواره این سوال مطرح است که چه میزان پاداش برای مدیران مناسب است که از یک سو باعث انگیزش مدیران و از سوی دیگر باعث تلاش بیشتر آن‌ها برای افزایش ثروت سهامداران شود. واقعیت این است که دیدگاه سرمایه‌داری همواره بر افزایش ثروت سهامداران و سرمایه‌گذاران تاکید دارد، از اینرو، بایستی همواره به این موضوع توجه داشت که کارایی و اثربخشی مدیران بنگاه‌های اقتصادی حائز اهمیت است و با تشویق مدیران موفق، می‌توان افزایش ثروت سهامداران را تسهیل و سرعت بخشید (شیخ‌الاسلامی، ۲۰۰۱؛ سجادی و زارع زاده‌ی مهریزی، ۱۳۹۰). موضوع نظریه‌ی

نمایندگی، مطالعه‌ی تعارض بین صاحبکار و عامل (کارگزار و کارگزار) که از تفکیک مالکیت از مدیریت ناشی می‌شود، می‌باشد. این تضاد ناشی از متفاوت بودن اهداف آن‌ها می‌باشد به گونه‌ای که در رابطه‌ی نمایندگی فرض بر این است که هر یک از طرفین سعی در حداکثر و بهینه کردن منافع خویش دارند (هوی و ماتسونانگا، ۲۰۱۵).

افشا به‌عنوان یکی از اصول حسابداری مطرح است و بر اساس این اصل بایستی کلیه‌ی اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شرکت به‌نحو مناسب و به‌موقع در اختیار گروه‌های مختلف استفاده‌کننده قرار گیرد. در واقع هدف اصلی از افشا عبارت است از کمک به استفاده‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری، تفسیر وضعیت مالی شرکت‌ها، ارزیابی عملکرد مدیریت، پیش‌بینی جریان‌های وجوه نقد آتی. در این راستا بایستی کلیه‌ی واقعیت‌های با اهمیت واحد اقتصادی به گونه‌ای مناسب و کامل افشا شوند تا امکان تصمیم مناسب فراهم گردد و از سردرگمی جلوگیری به‌عمل آید. افشا بایستی از طریق گزارش‌های قانونی شامل صورت‌های مالی اساسی که حاوی کلیه‌ی اطلاعات با اهمیت، مربوط و به‌موقع باشد و این اطلاعات به گونه‌ای قابل فهم و حتی الامکان کامل ارائه گردد تا امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان فراهم سازد (بنی‌مهد و محسنی‌شریف، ۱۳۸۹). افشا در حالت کلی به معنی انعکاس اطلاعات است. اما حسابداران از این واژه معنی محدودتری را در نظر می‌گیرند و آن‌را به معنی انعکاس اطلاعات مالی واحد تجاری در قالب گزارش‌های مالی می‌دانند که معمولاً به‌صورت سالیانه ارائه می‌شود (هندریکسن و ون‌بردا، ۱۳۸۷). بلکویی افشا را شامل اطلاعاتی می‌داند که برای سرمایه‌گذار معمولی مفید واقع شود و موجب گمراهی خواننده نشود. به عبارتی واضح‌تر اصل افشا بدین معنی است که هیچ اطلاعات مهم مورد توجه و علاقه‌ی سرمایه‌گذار معمولی نبایستی حذف یا پنهان شود (بلکویی، ۱۳۹۳). ولک و همکاران افشا را در برگیرنده‌ی اطلاعات مالی مربوط اعم از اطلاعات داخل و خارج از صورت‌های مالی می‌دانند. هم‌چنین افشای اطلاعات بودجه‌ای را به‌عنوان یکی از موارد افشای خارج از متن صورت‌های مالی معرفی می‌کنند (شباهنگ، ۱۳۸۹).

عوامل تعیین‌کننده‌ی کیفیت افشای اطلاعات حسابداری متعدد هستند. پانان و لین (۲۰۰۹) کیفیت افشای اطلاعات حسابداری را تابعی از عوامل مختلف مانند ساختار سرمایه، نوع مالکیت، رشد فروش، اندازه‌ی شرکت و هم‌چنین وضعیت سهام شرکت در بازار سرمایه تلقی

می‌کنند. پنمن (۲۰۰۳) کیفیت افشای اطلاعات را ناشی از کیفیت استانداردهای حسابداری، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود می‌داند. تونا و همکاران (۲۰۰۶) کیفیت افشا را در اثرگذاری به موقع اطلاعات حسابداری بر شاخص‌های بازار مانند قیمت و بازده سهام می‌دانند. هم‌چنین آن‌ها یکی از ویژگی‌های کیفیت افشا را تأیید پیش‌بینی‌های پیشین می‌شناسند.

### تبیین فرضیه‌های پژوهش

مدیران برای بهبود در میزان پاداش و ثروت خود و یا بهبود در جنبه‌های مالی شرکت ممکن است اقدام به بیش‌نمایی دارایی‌ها و سودها و کم‌نمایی بدهی‌ها کنند (رحیمیان و ابراهیمی، ۱۳۹۲). افشای با کیفیت، اطلاعاتی در رابطه با رفتار مدیریت، تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های شرکت فراهم می‌کند و در نتیجه به استفاده‌کنندگان در پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. افشای با کیفیت عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و امکان دست‌کاری سود توسط مدیریت و به تبع آن دریافت پاداش‌های غیرمتعارف کاهش می‌یابد (جانگک و همکاران، ۲۰۰۶).

شواهد تجربی نشان می‌دهد مدیران شرکت‌هایی که قراردادهای بدهی دارند برای اجتناب از افزایش هزینه‌ی سرمایه و فسخ قراردادهای بدهی اقدام به دست‌کاری سود می‌کنند. استفاده‌ی سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران از اطلاعات حسابداری نیز مدیران را تشویق می‌کند تا برای دست‌یابی به سود تحلیل‌گران، سود را رو به بالا مدیریت نمایند. بر همین رویه آن‌ها برای افزایش پاداش مبتنی بر سود خود نیز اقدام به مدیریت سود می‌کنند. برای نمونه اگر سود دوره‌ی جاری مناسب باشد هزینه‌ی دوره‌ی جاری به دوره‌ی آتی منتقل می‌کنند تا سود جاری و به تبع آن پاداش خود را افزایش دهند و اگر سود دوره‌ی جاری ناچیز باشد هزینه‌های دوره‌های آتی را به دوره‌ی جاری منتقل می‌کنند تا سود و پاداش سال آتی افزایش یابد (خلیفه سلطانی و برزگر، ۱۳۹۵). بنابراین زمانی که مدیران برای پنهان کردن عملکرد نامناسب، افزایش پاداش خود و جلوگیری از نقض قرارداد بدهی مدیریت سود انجام دهند مدیریت سود با رویکرد فرصت‌طلبانه تلقی می‌شود که در حوزه‌ی مخاطرات اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌ی اصلی پژوهش به شرح زیر هست:

بین کیفیت افشا و پاداش مدیران ارشد ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی به شرح زیر هستند:

فرضیه ۱: بین کیفیت افشا و پاداش نقدی پرداختی به مدیران ارشد ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین کیفیت افشا و پاداش غیرنقدی به مدیران ارشد ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌های قیاسی - استقرایی صورت می‌پذیرد، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش از راه کتابخانه‌ای، مجلات و سایر سایت‌های معتبر در قالب قیاسی، و گردآوری داده‌ها برای تأیید و رد فرضیه‌ها از راه استقرایی صورت می‌پذیرد. به دلیل نوع داده‌های مورد مطالعه، مقایسه‌ی هم‌زمان داده‌های مقطعی و طولی از روش الگوهای داده‌های ترکیبی (پانل دیتا) برای برآورد ضرایب و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. ابتدا برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آن‌ها از آزمون چاو استفاده شده است. فرضیه‌های آماری این آزمون به شرح زیر است:

$$H_0 = \text{Pooled Data}$$

$$H_1 = \text{Panel Data}$$

در این آزمون فرض صفر مبنی بر همگن بودن داده‌هاست و در صورت تأیید، می‌بایست کلیه داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و به وسیله‌ی یک رگرسیون کلاسیک تخمین پارامترها را انجام داد، در غیراین صورت داده‌ها را به صورت داده‌های پانلی در نظر گرفت. در صورتی که نتایج این آزمون مبنی بر به کارگیری داده‌ها به صورت داده‌های پانلی شود، می‌بایست برای تخمین مدل پژوهش از یکی از مدل‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شود. برای انتخاب یکی از دو مدل باید آزمون هاسمن اجرا شود. فرض صفر آزمون هاسمن مبنی بر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل‌های رگرسیونی داده‌های تابلویی است.

جامعه‌ی آماری این پژوهش در برگیرنده‌ی کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره‌ی زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۳ در نظر گرفته شده است. هم‌چنین در این پژوهش نمونه‌ای به حجم ۷۵ شرکت براساس معیارهای زیر از جامعه‌ی آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است:

الف) با توجه به دوره‌ی زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۳-۱۳۸۹)، شرکت قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۳ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد؛

ب) به‌منظور افزایش توان هم‌سنجی و هم‌سان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفند ماه هر سال منتهی شود؛

پ) به‌دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند؛

ت) شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها برای محاسبه‌ی متغیرهای اولیه‌ی صورت‌های مالی ناقص بوده‌اند از نمونه حذف شده‌اند؛

ث) شرکت‌ها نباید توقف فعالیت داشته و دوره‌ی فعالیت خود را تغییر داده باشند.

### متغیرها و مدل‌های پژوهش

در این پژوهش کیفیت افشا به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است (هوی و ماتسونوگا، ۲۰۱۵). شاخص کیفیت در پژوهش فوق، امتیازهای تعلق گرفته به هر شرکت است که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار و از طریق اطلاعیه‌ی رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب منتشر می‌شود. امتیاز اطلاع‌رسانی ناشران بر اساس زمان‌آرایی اطلاعات مربوط به پیش‌بینی سود هر سهم، صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای سه، شش و نه ماهه، اظهار نظر حسابرس نسبت به پیش‌بینی سود اولیه‌ی هر سهم و شش ماهه محاسبه شده است. مزایا و دلایل استفاده از این معیار سنجش کیفیت افشا عبارتند از:

۱. امتیازهای کیفیت افشای شرکت‌ها توسط سازمان بورس و اوراق بهادار و بر اساس شاخص‌های دقیق و عینی مانند زمان‌آرایی اطلاعات مربوط و تفاوت پیش‌بینی‌ها با نتایج

واقعی محاسبه شده است. بنابراین معیار مورد استفاده از عینیت و قابلیت اتکای کافی برخوردار است.

۲. بر خلاف بیشتر پژوهش‌های صورت پذیرفته در زمینه‌ی کیفیت افشا در بورس، معیار یاد شده فقط به کمیت افشا توجه نمی‌کند و معیارهای به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشا شده را نیز مد نظر قرار می‌دهد (ستایش و همکاران، ۱۳۹۱؛ خدای‌پور و بزرای، ۱۳۹۲).

متغیرهای وابسته: در این پژوهش پاداش مدیران به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده است (هوی و ماتسونگا، ۲۰۱۵). پاداش مدیران به دو بخش تقسیم می‌شود (جایارامان و میلیورن، ۲۰۱۲؛ سجادی و زارع‌زاده‌ی مهریزی، ۱۳۹۰).

- مزایای نقدی هیأت مدیره که از نسبت مجموع مزایای نقدی هیات مدیره به کل حقوق و مزایای سالانه کارکنان برای این متغیر استفاده شده است.

- مزایای غیر نقدی هیأت مدیره که برای این متغیر از درصد مالکیت سهام هیات مدیره به کل سهام استفاده شده است.

متغیرهای کنترلی: در این پژوهش متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است (هوی و ماتسونگا، ۲۰۱۵):

اندازه‌ی شرکت: از طریق لگاریتم میزان کل دارایی‌های شرکت حاصل می‌شود.

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار: این معیار از طریق نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار محاسبه می‌شود.

نرخ بازده دارایی: از نسبت دارایی بر حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید.

اهرم مالی: از نسبت کل بدهی بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

درصد سهام دار نهادی: منظور از سهامداران نهادی، سهامداران حقوقی می‌باشند که واسطه‌ی بین افراد و شرکت‌ها بوده و از طرف افراد اقدام به تهیه‌ی پرتفوی سهام می‌نمایند. این متغیر از طریق درصد کل سهام تملک شده توسط سهامداران نهادی به کل سهام سرمایه اندازه‌گیری می‌شود (نوری‌فرد و چناری، ۱۳۹۳).

با توجه به متغیرهای پژوهش مدل پژوهش به صورت زیر است:

$$\text{Cash Comp}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Disclosure}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{BM}_{it} + \beta_4 \text{ROA}_{it} + \beta_5 \text{Lev}_{it} + \beta_6 \text{Insown}_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه ۱)

$$\text{Manage Stock}_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 \text{Disclosure}_{it} + \lambda_2 \text{Size}_{it} + \lambda_3 \text{BM}_{it} + \lambda_4 \text{ROA}_{it} + \lambda_5 \text{Lev}_{it} + \lambda_6 \text{Insown}_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه ۲)

در این مدل‌ها:

Cash Comp<sub>it</sub>: پاداش نقدی؛ Manage Stock<sub>it</sub>: پاداش غیرنقدی؛ Disclosure<sub>it</sub>:

کیفیت افشا؛ Size<sub>it</sub>: اندازه‌ی شرکت؛ BM<sub>it</sub>: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار؛ ROA<sub>it</sub>:

نرخ بازده دارایی؛ Lev<sub>it</sub>: اهرم مالی؛ Insown<sub>it</sub>: درصد سهام‌داران نهادی

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی

در نگاره ۱ توصیف داده‌های پژوهش ارائه شده است:

نگاره ۱: آمار توصیفی داده‌های پژوهش

عنوان	نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	چولگی	کشیدگی
وابسته	پاداش نقدی	۰/۰۲۴۳۶	۰/۱۴۷۴۱۷	۰/۰۰۰	۲/۹۵	۱۹/۴۵۰	۳۸۶/۷۱۱
	پاداش غیرنقدی	۳/۹۹۰۴۵۶	۰/۸۵۲۷۴۴	۱/۰۱۱	۴/۹۷۸	-۱/۶۰۶	۲/۴۶۹
مستقل	کیفیت افشا	۵۲/۴۴۶۹	۲۳/۸۱۵۹۶۸	۰/۰۰۰	۹۸	-۰/۶۴۱	-۰/۸۹۸
کنترل	اندازه‌ی شرکت	۵/۵۷۹۳۳	۰/۵۷۳۱۳۸	۴/۳۵	۷/۶۴	۰/۴۶۰	۰/۶۲۸
	ارزش دفتری به ارزش بازار	۰/۴۴۳۸۱۲	۰/۴۲۵۰۲۴	۰/۰۲۶۹	۳/۳۲۸	۲/۷۵۹	۱۲/۰۳۳
	نرخ بازده دارایی	۰/۱۰۱۰۰	۰/۱۲۰۷۸۷	-۰/۳۱۱۷	۰/۷۲۶	۰/۷۲۰	۳/۱۲۷
	اهرم مالی	۰/۶۰۷۷۰۶	۰/۴۰۲۳۵۵	۰/۰۴	۷/۵۶۷	۱۳/۰۱۴	۲۲۶/۸۳۸
	سهام‌داران نهادی	۰/۵۲۵۷۶۹	۰/۱۹۵۶۵۴۴	۰/۰۹۶	۰/۹۱	۰/۰۳۸	-۰/۶۳۶



با توجه به میانگین میزان پاداش هیأت مدیره در نگاره ۱، در می یابیم به طور میانگین ۲/۴ درصد از کل حقوق و مزایای کارکنان، پاداش پرداختی به هیأت مدیره بوده است در حالی که پاداش غیرنقدی فقط ۳/۹۹ درصد سهام شرکت‌ها مربوط به آنها بوده است. میانگین نمره‌ی کیفیت افشا برابر ۵۲/۴۴ است. با توجه به این که سازمان بورس و اوراق بهادار تهران به کیفیت افشا در شرکت‌های نمونه‌ی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به طور میانگین در سطح متوسطی می‌باشد.

### آزمون‌های نقض فرض‌های کلاسیک رگرسیون

در نگاره ۲ یافته‌های حاصل از آزمون‌های نقض فرض‌های کلاسیک رگرسیون ارایه می‌شود:

#### نگاره (۲): یافته‌های حاصل از آزمون‌های نقض فرض‌های کلاسیک رگرسیون

آزمون پایایی متغیرهای وابسته			
فرضیه	آماره‌ی آزمون	سطح معنی داری	نتیجه‌ی آزمون
اول	-۲۰/۶۶۰۰۹	۰/۰۰۰	عدم پذیرش فرضیه‌ی صفر
دوم	-۲۰/۲۱۵۰۵	۰/۰۰۰	عدم پذیرش فرضیه‌ی صفر
آزمون صفر بودن میانگین جمله‌ی خطا			
اول	۱/۶۱E-۱۶	۱/۰۰۰	پذیرش فرضیه‌ی صفر
دوم	۱/۰۹E-۱۵	۱/۰۰۰	پذیرش فرضیه‌ی صفر
آزمون ثابت بودن واریانس جمله‌ی خطا			
اول	۱/۸۷۶۶۸۲	۰/۰۸۳۶	پذیرش فرضیه‌ی صفر
دوم	۰/۵۹۵۱۵۱	۰/۷۳۷۴	پذیرش فرضیه‌ی صفر
آزمون هم‌جمع‌ی (هم‌انباشتگی)			
اول	-۴/۸۱۴۴۶	۰/۰۰۰	عدم پذیرش فرضیه‌ی صفر
دوم	-۱۶/۳۳۰۵۹	۰/۰۰۰	عدم پذیرش فرضیه‌ی صفر
آزمون والد			
اول	-۱۵/۵۸۲۵۵	۰/۰۰۰	عدم پذیرش فرضیه‌ی صفر
دوم	-۸۷/۹۶۷۰۷	۰/۰۰۰	عدم پذیرش فرضیه‌ی صفر

مطابق یافته‌ی حاصل از آزمون پایایی، به دلیل این که سطح معنی داری کمتر از ۵٪ است، می توان گفت این متغیرها طی دوره‌ی پژوهش در سطح پایا بوده است. پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس (پراکندگی) متغیرهای پژوهش در طول زمان ثابت بوده است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون صفر بودن میانگین و ثابت بودن واریانس جمله‌ی خطا (پسماندها)، آماره‌ی آزمون و سطح معنی داری مربوطه، فرضیه‌ی صفر مبنی بر صفر بودن میانگین و ثابت بودن واریانس پسماندها پذیرفته می شود.

با توجه به آماره‌ی آزمون هم جمع‌ی و احتمال مربوط به آن می توان وجود هم جمع‌ی را در مدل پذیرفت. به بیانی دیگر فرضیه‌ی صفر مدل که بیان گر عدم وجود هم جمع‌ی است پذیرفته نمی شود. بنابراین می توان گفت بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل رابطه‌ی بلندمدت وجود دارد.

با توجه به آماره‌ی آزمون والد و احتمال مربوط به آن می توان بیان کرد که فرضیه‌ی صفر مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در سطح خطای ۵ درصد می شود که نشان می دهد تمام متغیرهای مستقل و کنترل ضریب غیر صفر داشته و بر متغیر وابسته موثر هستند.

### آزمون فرضیه‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

## نگاره (۳): یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ی دوم		فرضیه‌ی اول		متغیرهای پژوهش
سطح معنی داری	آماره‌ی آزمون	سطح معنی داری	آماره‌ی آزمون	
۰/۰۰۰۱	۳/۸۹۲۰۰۵	۰/۰۰۰	-۱۲/۲۳۵۷۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۱۳/۷۵۲۴۱	۰/۰۴۵۰	-۲/۴۶۰۱۵۴	کیفیت افشا
۰/۰۰۰	-۵/۶۳۳۹۱۸	۰/۰۰۰	۱۱/۹۷۸۵۲	اندازه‌ی شرکت
۰/۰۰۰	۸/۱۱۰۳۳۴	۰/۰۰۰	۶/۳۱۸۳۸۲	ارزش دفتری به ارزش بازار
۰/۰۰۰	۵/۳۰۹۳۱۴	۰/۰۰۰	-۸/۶۵۰۱۵۵	نرخ بازده دارایی
۰/۰۰۰	۱۶/۷۱۲	۰/۰۶۵۵	-۱/۸۴۶۷۵۵	اهرم مالی
۰/۰۰۰۱	-۳/۹۱۴۹۷۱	۰/۰۰۰	۸/۵۳۳۰۱۶	سهام‌داران نهادی
۰/۰۰۰	۸۲/۶۱۵۸۷	۰/۰۰۰	۷۶/۶۹۲۳۹	RESID (-1)
ضریب تبیین: ۰/۷۴۵۰۳۲ ضریب تبیین تعدیل شده: ۰/۷۴۴۰۶۳ : ۰۵۴۵/۰۹۷۵ آماره‌ی F سطح معنی داری: ۰/۰۰۰۰۰۰ آماره‌ی دوربین - واتسون: ۲/۰۶۲۱۴ آماره‌ی آزمون چاو: ۵۶/۳۷۲۴۲۳ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰ آماره‌ی آزمون هاسمن: ۴۶/۳۶۱۹۶۸ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰		ضریب تبیین: ۰/۶۳۶۷۷۱ ضریب تبیین تعدیل شده: ۰/۶۳۵۶۵۶ : ۰۲۴۶۱/۰۸۴۰ آماره‌ی F سطح معنی داری: ۰/۰۰۰۰۰۰ آماره‌ی دوربین - واتسون: ۱/۹۶۵۰۹۵ آماره‌ی آزمون چاو: ۳۴/۰۰۰۹۹۵ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰ آماره‌ی آزمون هاسمن: ۲۶/۸۰۴۶۵۱ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰		

## یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول و دوم پژوهش

سطح معنی داری برای تک تک متغیرها و هم‌چنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تبیین تعدیل شده‌ی مدل برازش شده می‌توان ادعا کرد که حدود ۷۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده

می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره‌ی دورین-واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره‌ی دورین-واتسون محاسبه شده (۱/۹۶۵ و ۲/۰۶۲) که بین ۲/۵-۱/۵ می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نگاره ۳ مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آماره‌ی  $t$  برای متغیر کیفیت افشا از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است، بنابراین وجود رابطه‌ی معنی‌داری بین کیفیت افشا و پاداش نقدی و غیرنقدی تأیید می‌شود و فرضیه‌ی اول و دوم پژوهش پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترل اهرم مالی بدون ارتباط با پاداش نقدی است و سایر متغیرهای کنترل دارای ارتباط معنی‌داری می‌باشند طوری که نرخ بازده دارایی دارای ارتباطی معکوس و سایر متغیرها دارای ارتباطی مستقیم می‌باشند. هم‌چنین در فرضیه‌ی دوم همه‌ی متغیرهای کنترل دارای ارتباط معنی‌داری می‌باشند طوری که اندازه‌ی شرکت و سهام‌داران نهادی دارای ارتباطی معکوس و سایر متغیرهای کنترل دارای ارتباطی مستقیم می‌باشند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طبق نظریه‌ی علامت‌دهی شرکت‌ها برای دست‌یابی به منابع محدود سرمایه با هم در رقابت هستند. اگر شرکت به لحاظ گزارش‌گری مالی خوشنام باشد و اعتماد سرمایه‌گذاران را به خود جلب کند، در جذب سرمایه موفق‌تر خواهد بود. گزارش‌های قابل اتکا و به‌موقع باعث می‌شود که افراد بتوانند به درستی چشم‌اندازهای آتی خود شرکت را ارزیابی کنند. این امر باعث کاهش مخاطره‌ی سرمایه‌گذاری و هم‌چنین نرخ بازده مورد انتظار و به‌تبع آن کاهش هزینه‌ی سرمایه‌شود. افشای داوطلبانه‌ی اطلاعات باعث می‌شود عدم تقارن اطلاعات بین شرکت و بازار کاهش می‌یابد و در نتیجه تعداد بیشتری از سهام شرکت مورد معامله قرار گیرد. بنابراین با افزایش تقاضا قیمت سهام و ارزش بازار شرکت و به‌تبع آن سودآوری شرکت و پاداش مدیران افزایش می‌یابد (کلینچ، ۲۰۱۳). در این پژوهش ارتباط بین پاداش مدیریت و کیفیت افشا در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۳ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. طبق مبانی نظری بهبود کیفیت افشا عاملی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و به‌تبع آن کاهش هزینه‌های نمایندگی میان سهام‌داران و مدیران می‌باشد. هم‌چنین هر گاه پاداش مدیران بر پایه‌ی قیمت سهام تعیین شود، میان کیفیت افشا و پاداش

مدیران رابطه‌ای مثبت وجود دارد. یافته‌های حاصل از فرضیه‌های پژوهش بیان‌گر آن است که بین کیفیت افشا و پاداش مدیران ارشد اعم از پاداش نقدی و غیرنقدی ارتباطی معکوس و معنی‌دار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های ماتسونوگا (۲۰۱۵)، بانکر و همکاران (۲۰۱۳)، دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۳) و ناگار و همکاران (۲۰۰۳) مغایر است. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار اقدام‌هایی را در راستای تجدیدنظر نسبت به نحوه‌ی محاسبه‌ی امتیاز کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی شرکت‌ها انجام دهد، طوری که علاوه بر در نظر گرفتن ویژگی‌های قابلیت اتکا و به موقع بودن، سایر موارد مانند کیفیت اقلام صورت‌های مالی، ساختار مالکیت، میزان سهام شناور آزاد و... را مورد توجه قرار دهد. چرا که به نظر می‌رسد معیارهای موجود برای امتیاز افشا انگیزه‌ی مدیران را بالاتر نبرده زیرا امتیاز کیفیت افشا بر اساس این معیارها ارتباطی معکوس با پاداش آنان دارد؛ بنابراین باید معیارهایی که با منافع مدیران بیشتر گره خورده باشد در آن‌ها موجود باشد تا مدیران ترغیب شوند برای افزایش پاداش خود افشای با کیفیت‌تری ارائه نمایند.

در راستای فرضیه‌های پژوهش به مجمع عمومی صاحبان سهام پیشنهاد می‌شود که برای کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی مدیران برای دریافت پاداش تمهیدات لازم را مانند نظارت بر عملکرد مدیران در نظر داشته باشند. به عنوان مثال در تصویب مبلغ و مزایای مربوط به پاداش مدیریت به رتبه و امتیازات کیفیت افشا نیز توجه کنند به طوری که مانند کشورهای پیشرفته مدیران برای افشای با کیفیت، پاداش دریافت نمایند.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود مباحث زیر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد:

- الف- ارتباط افشای داوطلبانه‌ی اطلاعات و پاداش مدیریت
- ب- ارتباط افشای به موقع اطلاعات و پاداش مدیریت
- پ- ارتباط کیفیت افشا قبل و بعد از تدوین استانداردهای حسابداری ایران و پاداش مدیریت
- ت- ارتباط مربوط بودن افشای به موقع اطلاعات و پاداش مدیریت

## منابع

- Banimahd, B., Mohseni-Sharif, M., (2015). An Investigation of effective factors on ranking of firm disclosure quality and timeliness Tehran stock exchange, *Management Accounting*, 3 (4): 51-63. (In Persian)
- Banker, R. D., M. N. Darrough., R. Huang., J. M. Plehn-Dujowich., (2013). The relation between CEO compensation and past performance. *The Accounting Review* 88 (1): 1-30.
- Chang, M., D' Anna, G., Watson, I., & Wee, M. (2006). Do investor relations affect information asymmetry? Evidence from Australia. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=947191>.
- De Franco, G., O.K. Hope., S. Larocque., (2013). The effect of disclosure on the pay-performance relation. *Journal of Accounting and Public Policy* 32 (5): 319-341.
- Ebrahimi Maimand, M., Rahimian, N., (2013). Relation between disclosures quality and conditional and unconditional conservatism, *Empirical Research in Accounting*, 2 (4): 1-19. (In Persian)
- Gong, J. J., (2011). Examining Shareholder Value Creation over CEO Tenure: A New Approach to Testing Effectiveness of Executive Compensation. *Journal of Management Accounting Research* 23 (1): 1-28.
- Hajiha, Z., Chenari Bouket, H., (2013). The study of the effect of motivation on the senior managers of wealth creation for Shareholders, *Investment Knowledge*, 2 (1): 81-98. (In Persian)
- Hajiha, Z., Chenari Bouket, H., (2015). Shareholders Wealth and Top Executives Compensation: A New Approach to Test Effectiveness of Executive Compensation, *Empirical Research in Accounting*, 5 (2): 29-54. (In Persian)
- Hui, Kai Wai., Matsunaga, Steven R., (2015). Are CEOs and CFOs Rewarded for Disclosure Quality? *The Accounting Review* 90 (3): 1013-1047.
- Jahankhani, A., Zariffard, A., (1996). The Methods of Motivating Managers to Create Value, *Financial Research*, 3 (2): 5-36. (In Persian)
- Khalife Soltani, A., Barzegar, Gh., (2016). Moral Hazard and Earnings Management, *Accounting Knowledge*, 3 (7): 67-90. (In Persian)
- Li Xi., (2010). The impact of product market competition on the quantity and quality of voluntary disclosure, *Review of Accounting studies* 15 (3): 663-711.
- Nagar, V., D. Nanda., P. Wysocki.. (2003). Discretionary disclosure and stock-based incentives. *Journal of Accounting and Economics* 34 (1-3): 283-309.
- Namazi, M., Moradi, J., (2005). An Empirical Investigation of Determinants of Board of Directors' Bonuses of The Firms Accepted in

- Tehran Stock-Exchange (TSE) , *Empirical Studies in Financial Accounting*, 3 (10): 73-101. (In Persian)
- Nikoomaram, H., Pazooki, P., (2015). Management bonus and earning persistence, *Management Accounting*, 8 (24): 61-71. (In Persian)
- Paananen, M., Lin, H., (2009). The Development of Accounting quality of IAS and IFRS over Time: the case of Germany, *Journal of International Accounting Research* 8 (1): 31-55.
- Parsayian, A., (2008). *Accounting Theory*, Termeh Pub, Tehran, Iran. (In Persian)
- Parsayian, A., (2012). *Accounting Theory*, Termeh Pub, Tehran, Iran. (In Persian)
- Penman Stephen H., (2003). *Financial statement Analysis and Security Valuation*, MC Graw Hill.
- Saghafi, A., Moradi-Joz, M., Sohrabi, H., (2014). Relationship between Earnings Management and Information Asymmetry in the Condition of Environmental Uncertainty, *Accounting Knowledge*, 5 (17): 7-180. (In Persian)
- Sajadi, S.H., Zarezadeh Mehrizi, M.H., (2011). Investigation of the Relationship between Management Compensation and Economics Measuresâ Performance Assessment of Companies listed in Tehran Security Exchange, *Financial Accounting Researches*, 3 (3): 41-54. (In Persian)
- Setayesh, M.H., Kazemneghad, M., Zolfaghari, M., (2011). Investigating the Effects of Disclosure Quality on Stock Liquidity and Cost of Capital of the Companies Listed in Tehran Stock Exchange, *Financial Accounting Researches*, 3 (3): 55-74. (In Persian)
- Shabahang, R., (2010). *Accounting Theory*, Center for professional Accounting and Auditing Studies Audit Organization, Tehran, Iran. (In Persian)
- Sheikholeslami, M., (2001). EVA, MVA, and CEO Compensation, *American Business Review* 19 (1): 13-17.
- Tuna Irem, Ng. Jeffrey., Verdi Rodrigo., (2006). Management Forecasts Disclosure Quality and Market Efficiency" Regulations, [http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=930697](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=930697)





## تأثیر وضعیت و کیفیت گزارش حسابرسی بر حجم معاملات شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران

محمدرضا عباس زاده\*، سعید سمائی رهنی\*\*، علی خلیلیان موحد\*\*\*، فرشته مشتاق\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۱۴

### چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر وضعیت و کیفیت گزارش حسابرسی بر رفتار سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه می‌پردازد. بدین منظور از متغیر نوع اظهار نظر حسابرسی به عنوان شاخص وضعیت گزارش و متغیر میزان اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی استفاده شد. همچنین از متغیر حجم مبادلات سهام شرکت به عنوان شاخص اندازه‌گیری رفتار سرمایه‌گذاران بهره گرفته شده است. نمونه تحقیق شامل ۱۲۱ شرکت در یک دوره زمانی ۸ ساله از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۲ می‌باشد و جهت برآزش مدل پژوهش از مدل رگرسیونی داده‌های پانلی، با استفاده از نرم افزار Eviews8 استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها هیچ‌گونه رابطه‌ای را میان کیفیت گزارش حسابرسی و حجم معاملات بازار سرمایه نشان نمی‌دهد اما وجود رابطه‌ای مثبت میان وضعیت گزارش حسابرسی و حجم معاملات مورد تأیید واقع شد، بدین معنی که هرچه بندهای شرط گزارش حسابرسی افزایش یابد بدلیل شفافیت وضعیت شرکت، تمایل به سرمایه‌گذاری در سهام شرکت افزایش می‌یابد.

**واژه‌های کلیدی:** وضعیت گزارش حسابرسی، کیفیت حسابرسی، حجم معاملات سهام، اقلام تعهدی اختیاری.

طبقه بندی موضوعی: M40, M42, M41, F17.

کد DOI: 10.22051/jera.2017.2841

\* دانشیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول، (abbas33@um.ac.ir)،

\*\* کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، (saedsamaei@gmail.com)،

\*\*\* کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، (khalilian.movahed@yahoo.com)،

\*\*\*\* کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، (moshtagh\_990@yahoo.com).

### مقدمه

اهمیت شفافیت گزارش شگری مالی مسأله‌ای است که قریب به اتفاق صاحب‌نظران و اعضای حرفه به آن اذعان دارند، زیرا سهام‌داران و اعتباردهندگان تصمیمات با اهمیت سرمایه‌گذاری خود را بر مبنای اطلاعات مالی بنا می‌نهند (طالب‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰). آن‌ها خواستار اطلاعاتی شفاف و مطمئن درباره عملکرد هستند. شفافیت در ارائه اطلاعات، مانند عدم تحریف عمدی اطلاعات، پنهان نکردن اطلاعات و الزام به افشای کلیه اطلاعات مربوط در فرایند تصمیم‌گیری می‌تواند تا حدی عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد (تجویدی، ۱۳۸۷) حاصل چنین وضعیتی می‌تواند تصمیم‌گیری صحیح‌تر، آگاهانه‌تر و باریسک‌کمتر را بدنبال داشته باشد (حقیقت و علوی، ۱۳۹۲). بنابراین شفافیت در گزارش شگری مالی یکی از مهمترین عواملی است که موجب جذابیت شرکت از دیدگاه سرمایه‌گذاران می‌شود و می‌تواند اعتماد جامعه سرمایه‌گذاران را افزایش دهد (یوسفی اصل، ملانظری و سلیمانی امیری، ۱۳۹۳). حسابرس فردی آگاه و دارای صلاحیت علمی، تخصصی و حرفه‌ای است، لذا گزارش وی نیز حاوی مطالب مفید و سودمندی برای استفاده‌کنندگان است و انتظار می‌رود که فعالیت حسابرس، به استفاده‌کننده در مورد ارزیابی کیفیت اطلاعات دریافت شده کمک کرده و در نهایت بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان در تخصیص بهینه منابع اقتصادی در بخش‌های مختلف تأثیرگذار باشد (عظیمی و فروزنده، ۱۳۸۹). آن‌چه که در اینجا ایجاد مسئله می‌نماید این است که آیا گزارش حسابرس در ایران بر تصمیمات سرمایه‌گذاران بازار سرمایه موثر است؟ با توجه به هزینه‌های بالایی که واحد تجاری جهت اعتباردهی به اطلاعات و صورت‌های مالی ارائه شده متحمل می‌شود، آیا واحد تجاری بازخورد لازم را از این اعتباردهی به اطلاعات، دریافت می‌نماید؟ و این هزینه برای شرکت ارزش افزوده لازم را به دنبال دارد؟ در کل اینکه آیا وضعیت و کیفیت گزارش حسابرس برای سرمایه‌گذاران بازار سهام اهمیت دارد؟ بررسی جایگاه گزارش حسابرس در تصمیمات سرمایه‌گذاران، به بهبود جنبه‌های اعتباردهی گزارش‌های مالی و اطلاعات ارائه شده توسط شرکت، برای استفاده سرمایه‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان عرصه‌های مختلف تجاری و بعضاً کلان اقتصاد کمک شایانی می‌کند. لذا در این تحقیق اثرپذیری سرمایه‌گذاران از محتوای اطلاعاتی گزارش حسابرس بررسی شده است.

## مبانی نظری

صورت‌های مالی به عنوان مهم‌ترین مجموعه اطلاعات مالی محسوب می‌شود. اما مسئله مهم، تردید در مورد قابلیت اتکای اطلاعات صورت‌های مزبور است که از تضاد منافع سرچشمه می‌گیرد. علاوه بر تضاد منافع مسائل دیگری از قبیل عدم دسترسی مستقیم استفاده‌کنندگان به اطلاعات موجب تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل شده است. در واقع یکی از نقش‌های حسابرسی، ارزیابی کیفیت اطلاعات برای استفاده‌کنندگان است (عباس‌زاده، کدیور و خرمی، ۱۳۹۲). گزارش حسابرس مستقل معیاری برای انطباق گزارش‌های مالی با استانداردهای حسابداری است، در واقع حسابرس از گزارش حسابرسی برای ارائه اظهارنظر خود در باب قابلیت اعتماد صورت‌های مالی به ذینفعان استفاده می‌کند (التونیت، خامس و ال‌فایومی، ۲۰۰۸). گزارش حسابرس به ارزش و اعتبار صورت‌های مالی می‌افزاید، زیرا اظهارنظر مستقل و بی‌طرفانه حسابرسان را نسبت به ارائه منصفانه صورت‌های مالی، منعکس می‌سازد (انصافی، ۱۳۹۴). اظهارنظر حسابرس ممکن است تعدیل نشده یا تعدیل شده باشد. اظهارنظر تعدیل نشده در مواردی توسط حسابرس اظهار می‌شود که وی به این نتیجه رسیده است صورت‌های مالی، از تمام جنبه‌های بااهمیت، طبق استانداردهای حسابداری به نحو مطلوب تهیه شده است (استانداردهای حسابرسی ایران شماره ۷۰۰، ۱۳۸۹). اگر حسابرس براساس شواهد حسابرسی کسب شده به این نتیجه برسد که، صورت‌های مالی عاری از تحریف بااهمیت نیست و یا قادر به کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب برای نتیجه‌گیری درباره نبود تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی نباشد، باید اظهارنظر خود را در گزارش حسابرسی تعدیل کند (استانداردهای حسابرسی ایران شماره ۷۰۰، ۱۳۸۹). طبق استانداردهای حسابرسی، سه نوع اظهارنظر تعدیل شده با عناوین نظر مشروط، مردود و عدم اظهارنظر وجود دارد. مبانی تعدیل اظهارنظر حسابرس که شامل تحریف و محدودیت بااهمیت و همچنین ابهام بااهمیت و فراگیر است؛ پیش از بند اظهارنظر در گزارش حسابرسی درج می‌شود (آزاد و کاظمی، ۱۳۹۲). ارزش کیفیت حسابرسی برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی که علاقه‌مند به نظرات و گزارشات وکلای حرفه‌ای، حسابرسان مستقل، بازرسان قانونی و کارشناسان رسمی دادگستری هستند، مورد توجه فراوان قرار می‌گیرد. یکی از متداول‌ترین تعریف‌ها درباره کیفیت حسابرسی، تعریفی است که توسط دی‌آنجلو (۱۹۸۱) ارائه شده است.

او کیفیت حسابرسی را شامل دو احتمال تعریف می‌کند: اول اینکه حسابرس ایرادهای سامانه حسابداری را کشف کند و دوم اینکه آن ایرادها را گزارش کند. احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند به شایستگی حسابرس، و احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به استقلال حسابرس بستگی دارد. تیمن و ترومن (۱۹۸۶) کیفیت حسابرسی را صحت اطلاعاتی که حسابرس به سرمایه‌گذار ارائه می‌دهد، تعریف کردند. پا و یو (۲۰۰۰) سیستم کنترل داخلی را از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت اظهار نظر حسابرس می‌دانند. شلتون (۱۹۹۹) تجربه حسابرس در جمع‌آوری شواهد مربوط و غیر مربوط را، باعث تأثیر در کیفیت اظهار نظر وی می‌دانند. دیویدسون و نیو (۱۹۹۳) کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرس در کشف و حذف تحریفات با اهمیت و نیز کشف دستکاری انجام شده در سود خالص می‌دانند. پالمروز (۱۹۸۸) کیفیت حسابرسی را بر حسب میزان اعتباردهی حسابرس تعریف می‌کند. از آن‌جا که هدف حسابرس، ایجاد اطمینان نسبت به صورت‌های مالی است، لذا، کیفیت حسابرسی به معنی عاری بودن صورت‌های مالی حسابرسی شده از تحریفات با اهمیت است. این تعریف بر نتایج حسابرسی تأکید می‌ورزد. از آن‌جا که کیفیت واقعی حسابرسی قبل از انجام حسابرسی و یا در حین حسابرسی قابلیت مشاهده ندارد، نیاز به متغیرهایی است تا بر اساس آن بتوان کیفیت واقعی حسابرسی را ارزیابی کرد. به عنوان مثال پالمروز (۱۹۸۸) در رابطه با اندازه‌گیری کیفیت واقعی حسابرسی از میزان دعاوی حقوقی علیه حسابرسان استفاده می‌کند، دیویدسون و نیو (۱۹۹۳) مقیاس اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی را تفاوت بین سود پیش‌بینی شده و سود گزارش شده قرار داده و تفاوت بیشتر به معنی کیفیت حسابرسی بیشتر قلمداد می‌گردد. لویز (۲۰۰۷) در تحقیقش بیان می‌کند، کیفیت سود می‌تواند به عنوان معیاری برای سنجش کیفیت حسابرسی و میزان قابل اعتماد بودن صورت‌های مالی حسابرسی شده به کار رود زیرا حسابرسی‌های با کیفیت بالا، از تصمیمات جانب‌دارانه مدیریت در گزارشگری مالی می‌کاهد. وی معیار اندازه‌گیری کیفیت سود و به تبع آن کیفیت حسابرسی را میزان اقلام تعهدی اختیاری در نظر گرفت.

### پیشینه تحقیق

فیث (۱۹۷۸) در تحقیق خود به بررسی تأثیر گزارش‌های مشروط حسابرسی بر قیمت‌های سهام در تاریخ انتشار گزارش و تأثیر آن‌ها بر تصمیمات سرمایه‌گذار پرداخته است. وی

پژوهش خود را بر روی نمونه‌ای متشکل از ۲۴۷ شرکت که دارای گزارش حسابرسی مشروط می‌باشند، انجام داد. نتایج گویای این بود که در بازار سهام انگلستان، بندهای شرط عدم تداوم فعالیت و ارزش‌های دارایی‌ها در گزارش حسابرس منجر به کاهش شدید قیمت سهام شرکت‌ها می‌شود. بال و همکاران (۱۹۷۹) در تحقیقی تحت عنوان کیفیت حسابرسی و قیمت سهام به این نتیجه دست یافتند که بندهای شرط مربوط به استهلاک ساختمان‌ها منجر به تعدیلات مثبت قیمت سهام در بازار سهام استرالیا می‌شود. اگرچه آن‌ها تصدیق می‌کنند که قیمت سهام تحت تأثیر هرگونه اطلاعات واقع می‌شود اما معتقدند این جهت‌گیری شفاف نیست. نتیجه تحقیق چاو و رایس (۱۹۸۲) بر اساس نمونه متشکل از ۹۰ شرکت مشابه از نظر نوع صنعت و اندازه فروش که به دو گروه شرکت‌های دارای بندهای شرط و فاقد آن، تقسیم شده بودند، نشان داد که قیمت سهام گروه اول بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و میزان این کاهش به نوع بندهای شرط بستگی دارد. سلطانی (۲۰۰۰)، ۵۴۳ اظهارنظر مشروط را طی سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۹۵ برای شرکت‌های ثبت شده در بازار سهام پاریس بررسی کرد. نتایج مبین این بود که در اکثر موارد، انواع مختلف بندهای شرط حسابرسی و اظهارنظرهای مشروط، بازده‌های منفی غیرعادی با اهمیتی حول تاریخ‌های مورد انتظار در پی دارد. علاوه بر این، نتایج، بازده‌های غیرعادی مهمی را برای شرکت‌های دریافت‌کننده اظهارنظرهای مقبول، نشان داد. این نتایج مشخص کرد که استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابرسی ممکن است، اساساً به محتوای اطلاعاتی گزارش حسابرسی، بصورت یک مجموعه در مقایسه با فقط بند اظهارنظر حسابرسی علاقه‌مند باشند. لین و همکاران (۲۰۰۳) واکنش استفاده‌کنندگان در برابر گزارش‌های حسابرسی مشروط را در کشور چین مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که هیچ تفاوت با اهمیتی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در مورد شرکت‌های منتخب در حالتی که صورت‌های مالی آن‌ها دارای گزارش مقبول بودند، در مقایسه با حالتی که صورت‌های مالی آن‌ها دارای گزارش مشروط بودند، مشاهده نشد. این پژوهشگران معتقدند که استفاده از گزارش‌های حسابرسی با شکل و کلمات مشخص، محتوای اطلاعاتی گزارش حسابرسی را محدود می‌کند و باعث می‌شود این گزارش‌ها منطبق با فضای حاکم بر جامعه مورد استفاده نباشد. چان و لویز (۲۰۰۶)، رابطه اقلام تعهدی را با بازده آتی سهام بررسی کردند و نشان دادند که با افزایش حجم اقلام تعهدی، بازده سهام شرکت‌ها در دوره‌های پس

از گزارشگری اطلاعات مالی کاهش می‌یابد. این یافته نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاران زمانی که به کیفیت پایین سود شرکت در نتیجه حجم زیاد اقلام تعهدی پی می‌برند، قیمت سهام آن را متناسب با این موضوع تعدیل می‌کنند. تاهیناکیس و همکاران (۲۰۱۰)، به بررسی گزارش‌های حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سهام آتن، طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ پرداختند. با استفاده از مدل بازار و محاسبه بازده، تأثیر گزارش حسابرسی بر قیمت سهام مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که گزارش حسابرسی، محتوای اطلاعاتی محدودی برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده و بخشی از فرایند تصمیم‌گیری آن‌ها را تشکیل نمی‌دهد. آن‌ها نتیجه‌گیری کردند که این ممکن است به علت عدم درک محتوا، اهمیت و ارزش چنین گزارش‌هایی باشد.

دارایی و رضایی (۱۳۹۱) تأثیر بندهای گزارش حسابرس بر شفافیت صورت‌های مالی شرکت‌های خودرو و ساخت قطعات را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بندهای گزارش حسابرس مستقل باعث شفافیت گزارش‌های مالی در صنعت خودرو و ساخت قطعات می‌شود. عظیمی و فروزنده (۱۳۸۹)، در تحقیقی به بررسی تأثیر گزارش مشروط حسابرس بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن بود که گزارش مشروط حسابرس در ایران محتوای اطلاعاتی نداشته و بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تأثیر ندارد. نتایج تحقیق خاتمی (۱۳۷۶) با عنوان تأثیر شروط حسابرسی بر قیمت سهام و بر تحلیل صورت‌های مالی سالانه توسط کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران، نشان داد که میانگین ضریب پاسخ سود برای شرکت‌های با تعداد بند شرط کمتر در گزارش حسابرسی برابر ۲۴٫۸۲ و برای شرکت‌های با شروط سنگین تر ۵٫۸۳ یعنی بیش از چهار برابر بود. با توجه به ادبیات تحقیق و پیشینه پژوهش در مورد تأثیر پذیری سرمایه‌گذاران از گزارش حسابرس، در راستای بررسی اثر بندهای گزارش حسابرس و کیفیت حسابرسی بر تصمیم سرمایه‌گذاران بازار بورس اوراق بهادار تهران فرضیه‌های زیر در این پژوهش تدوین شد:

$H_0$ : وضعیت گزارش حسابرس با رفتار انفرادی سرمایه‌گذاران بازار سرمایه رابطه معناداری دارد.

$H_1$ : کیفیت حسابرسی با رفتار انفرادی سرمایه‌گذاران بازار سرمایه رابطه معناداری دارد.

## روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۸ ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ می‌باشد که اطلاعات آن‌ها بصورت مستمر در دوره تحقیق به عموم عرضه شده باشد. از بین شرکت‌های واجد شرایط با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، نمونه‌ای به حجم ۱۲۱ شرکت انتخاب و مدل پژوهش با استفاده از اطلاعات آن‌ها برآورد گردید.

$$n = \frac{N Z_{\alpha}^2 pq}{\epsilon^2 (N) + \frac{Z_{\alpha}^2 pq}{2}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

داده‌های این پژوهش با استفاده از داده‌های ارائه شده توسط شرکت در قالب گزارش حسابرس مستقل و نرم افزارها و لوح‌های فشرده مربوط به داده‌های صورت‌های مالی که توسط سازمان و شرکت بورس اوراق بهادار تهران عرضه شده است، جمع آوری و با بهره‌گیری از نرم افزارهای Excel و Eviews8 پردازش شده است.

## متغیرهای تحقیق

اقلام تعهدی اختیاری: مجموع اقلام تعهدی به دو گروه اختیاری و غیراختیاری تقسیم می‌شود. در فرآیند گزارشگری مالی بنگاه اقتصادی، مدیران می‌توانند با دستکاری اقلام تعهدی اختیاری مدیریت سود را اعمال نمایند. بنابراین جزء اختیاری اقلام تعهدی به عنوان شاخصی در جهت کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری، در مطالعات حسابداری به کار گرفته شده است (بهارمقدم و حسینی فرد، ۱۳۸۹؛ مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴). مطابق با تحقیقات قبلی، در این تحقیق از اقلام تعهدی اختیاری برای تعیین و محاسبه کیفیت سود و به تبع آن ارزیابی میزان کیفیت حسابرسی استفاده شده است (می‌یر، می‌یر و آمر، ۲۰۰۳؛ لویز، ۲۰۰۷؛ پورحیدری و بدری، ۱۳۹۲؛ پیری، شیخ‌محمدی و جوادی، ۱۳۹۲). برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری (برای سنجش کیفیت حسابرسی) از مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است. جمع اقلام تعهدی از دو روش ترازنامه‌ای و صورت جریان وجوه نقد قابل محاسبه است. در این پژوهش جمع اقلام تعهدی از طریق صورت جریان وجوه نقد به شرح زیر محاسبه شده است:

$$TAC_{it} = (NI_{it} - CFO_{it}) \quad \text{رابطه (۲)}$$

که TAC: جمع اقلام تعهدی در سال t برای شرکت i، NI: سود قبل از اقلام غیر مترقبه، CFO: وجوه نقد عملیاتی (جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی) می‌باشد.

سپس مدل زیر در مورد کل اقلام تعهدی برازش شده است به منظور کوچک تر شدن اعداد و ارقام و سهولت محاسبات دو طرف معادله بر دارایی‌های اول دوره تقسیم شده است.

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{i(t-1)}} = \alpha_1 \left( \frac{1}{TA_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left( \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{TA_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left( \frac{PPE_{it}}{TA_{i(t-1)}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در این مدل،  $\Delta REV$ : تغییر در درآمد سالانه (مبلغ درآمد فروش در سال جاری منهای مبلغ درآمدهای سال قبل برای شرکت i)،  $\Delta REC$ : تغییر در حساب‌های دریافتی (تفاوت حساب‌های دریافتی پایان هر سال با حساب‌های دریافتی ابتدای همان سال) در سال t برای شرکت i است. PPE: اموال و ماشین آلات همان سال (مبلغ خالص دارایی‌های ثابت در سال t برای شرکت i. TA: جمع دارایی در سال t-1 برای شرکت i و  $\varepsilon$ : باقیمانده و خطای مدل است.  $\alpha_0$  و  $\alpha_1$  و  $\alpha_2$  ضرایب مدل می‌باشد که پس از برازش مدل فوق در محاسبه اقلام تعهدی غیراختیاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اقلام تعهدی غیراختیاری (NDA) به شرح زیر محاسبه شده است:

$$\frac{NDA_{it}}{TA_{i(t-1)}} = \alpha_1 \left( \frac{1}{TA_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left( \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{TA_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left( \frac{PPE_{it}}{TA_{i(t-1)}} \right) \quad \text{رابطه (۴)}$$

از تفاضل جمع اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیراختیاری، اقلام تعهدی اختیاری به شرح زیر بدست می‌آید:

$$DA_{it} = \frac{TCA_{it}}{TA_{i(t-1)}} - \frac{NDA_{it}}{TA_{i(t-1)}} \quad \text{رابطه (۵)}$$



مقدار قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری (DA) بیانگر کیفیت سود است بدین صورت که هر چه سطح اقلام تعهدی اختیاری بیشتر باشد کیفیت سود کمتر و در نتیجه کیفیت حسابرسی کمتر است و بر عکس هر چه سطح اقلام اختیاری کمتر باشد کیفیت سود بیشتر و به تبع آن کیفیت حسابرسی بیشتر است.

وضعیت گزارش حسابرسی: این متغیر نشان‌دهنده وضعیت گزارش حسابرسی است و اینگونه محاسبه می‌شود که به گزارش مقبول عدد ۱، مشروط با یک بند عدد ۲، مشروط با دو بند عدد ۳ و الی آخر. بدلیل این که گزارش‌های مشروط نمونه تحقیق حداکثر ۱۲ بند دارند و با توجه به اینکه عدم اظهار نظر و مردود در گزارشات نمونه وجود ندارند، لذا بزرگترین عدد تعلق گرفته حداکثر ۱۳ می‌باشد. در انتها لازم به ذکر است که به دلیل سنجش واکنش رفتاری سرمایه‌گذاران به وضعیت حسابرسی شرکت، جهت ارزیابی اثر وضعیت گزارش حسابرسی بر سال  $t$  از اطلاعات وضعیت سال  $t-1$  برای ارزیابی حجم معاملات سال  $t$  استفاده شده است.

سود هر سهم: یک عامل بسیار مهم که تصمیمات سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد عامل بازده سرمایه‌گذاری است (قالیباف اصل و کلبری، ۱۳۸۸). سود هر سهم به عنوان یکی از معیارهای بازده سرمایه‌گذاری در این پژوهش تحت کنترل قرار گرفت.

سود باقیمانده: ما به تفاوت سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم است. سود تقسیمی به طور کلی عایدی حاصل از سرمایه‌گذاری است و نشان‌دهنده میزان وجوه نقد یا غیرنقد توزیع شده شرکت، بین سهام‌داران است. که به شدت تحت تأثیر سیاست کلی شرکت در تقسیم سود و دوره‌ای که شرکت در آن وجود دارد (رشد یا بلوغ) قرار می‌گیرد (رئیس، نوریخس و کیهان، ۱۳۹۲). سرمایه‌گذاران هنگام ارزیابی شرکت‌ها، به سود نقدی و نقدشوندگی در بازار توجه دارند (پاستور و استمباگ، ۲۰۰۳). از آن جا که میزان سود باقیمانده و عایدی مربوط به تقسیم سود بین سرمایه‌گذاران و سهام‌داران شرکت می‌تواند در تعیین نرخ مورد انتظار سرمایه‌گذاران و تعیین ارزش شرکت مؤثر باشد (کانسلر و همکاران، ۲۰۱۲) این متغیر در پژوهش حاضر کنترل گردید.

بازده سهام: از جمله مهم‌ترین معیارهای اندازه‌گیری عملکرد مالی و ارزیابی عملکرد واحدهای تجاری است، که به تنهایی دارای محتوای اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران بوده که به

طور قابل ملاحظه‌ای در تصمیم‌گیری‌های آن‌ها اثرگذار است (قاضی، نوروزی و جوهری‌نیا، ۱۳۹۲). این متغیر نیز به عنوان متغیر کنترلی مدنظر قرار گرفت.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های زیر استفاده شده است. مدل فرضیه اول بدین صورت تعریف می‌شود:

$$\text{Volume}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LRep}_{it-1} + \alpha_2 \text{FSto}_{it} + \alpha_3 \text{MPrice}_{it} + \alpha_4 \text{RET}_{it} + \alpha_5 \text{EPS}_{it-1} + \alpha_6 \text{ED}_{it-1} + \alpha_7 \text{IND} \quad (۶)$$

Volume = حجم معاملات سهام شرکت i در دوره t

LRep = وضعیت گزارش حسابرسان، (سطوح مختلف اظهار نظر حسابرسان مستقل)

FSto = درصد سهام شناور شرکت می‌باشد که به درصدی از کل سرمایه شرکت اطلاق می‌شود که جهت معامله در بازار سهام در دسترس باشد.

MPrice = میانگین قیمت هر سهم

RET = بازده سهام شرکت

EPS = سود هر سهم

ED = تفاضل سود هر سهم و سود تقسیمی

IND = متغیر صنعت

مدل آزمون فرضیه دوم، بصورت ذیل بیان می‌شود:

$$\text{Volume}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{DA}_{it-1} + \alpha_2 \text{FSto}_{it} + \alpha_3 \text{MPrice}_{it} + \alpha_4 \text{RET}_{it} + \alpha_5 \text{EPS}_{it-1} + \alpha_6 \text{ED}_{it-1} + \alpha_7 \text{IND} \quad (۷)$$

DA = اقلام تعهدی اختیاری

### یافته‌های تحقیق

خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل در نگاره ۱ ارائه شده است.

## تکانه (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

بیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانگین	N	Variable متغیر
۷۵۵۳۵۳۲۷۲۴	۹۷۵	۴۵۷۲۴۰۶۱۶/۸	۱۱۶۲۱۸۴۴۴	۸۸۰	Volume (حجم معاملات)
۱۳	۱	۲/۰۹۰۶	۲/۵۸۱	۸۸۰	LRep (وضعیت گزارش سال قبل)
۰/۰۰۰۰۲	۶۴/۰۶۸	۲/۲۲۰۹	۰/۳۴۹	۸۸۰	DA (کیفیت حسابرسی سال قبل)
۶۱/۰۴	۱/۸۶	۱۲/۶۴	۲۳/۳۶۱	۸۸۰	FSto (درصد سهام شناور)
۶۰۳۷۲/۶۶	۱۵۰	۶۷۲۸/۸۵	۵۳۲۱/۳۱۱	۸۸۰	Mprice (میانگین قیمت سهام)
۸۵۹/۴۹۸	-۷۹/۵۱۸	۱۰۳/۱۷۲	۵۰۲۷۷	۸۸۰	RET (بازده سهام)
۹۵۴۹	-۳۸۹۱	۱۲۲۴/۰۸۴	۸۴۵/۷۱۰	۸۸۰	EPS (سود هر سهم سال قبل)
۷۴۶۷	-۳۸۹۱	۵۳۹/۲۳۱	۱۷۹/۰۵۴	۸۸۰	ED (سود باقیمانده سال قبل)

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که میانگین حجم معاملات برابر ۱۱۶،۲۱۸،۴۴۴ می‌باشد. همچنین نگاره نشان می‌دهد که به صورت میانگین تنها ۲۳ درصد سهام شرکت‌ها به عنوان سهام شناور در بازار بورس اوراق بهادار مورد معامله قرار می‌گیرد. آمار توصیفی سود هر سهم و سود باقیمانده سال قبل نیز نشان می‌دهد که سود هر سهم به صورت میانگین معادل ۸۴۶ ریال بوده است که ۶۴۷ ریال آن به صورت سود سهام به سهام‌داران پرداخت شده و ۱۷۹ ریال آن باقی مانده است.

از آنجا که مقیاس متغیرهای پژوهش، با هم تفاوت دارند و همگن نیستند. برای حل این مشکل از استاندارد سازی متغیرها استفاده شد (خواجوری، سلیمی فرد و ربیع، ۱۳۸۴). روش‌های مختلفی برای استاندارد سازی وجود دارد یکی از مهمترین روش‌های استاندارد سازی که در این پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفته است، روش خطی است که بر فاصله میان نقاط حداقل و حداکثر تاکید دارد (منهاج، ۱۳۸۴). دلیل انتخاب این روش این است که در این تحقیق داده‌ها در تحلیل رگرسیونی استفاده شده‌اند و در این روش ارتباط بین مقادیر داده‌های اولیه حفظ می‌شود و تنها به مجموعه جدیدی تبدیل می‌شوند که همه مقادیر بین ۰ و ۱ قرار می‌گیرند (هان، کمبر و پی، ۲۰۱۱). برای این منظور از فرمول زیر استفاده شد:

$$z_i = \frac{x_i - x_{\min}}{x_{\max} - x_{\min}} \quad \text{رابطه (۸)}$$

که در آن مقدار استاندارد شده،  $X_i$  مقدار هر یک از داده‌ها،  $X_{\min}$  حداقل مقدار داده‌ها و  $X_{\max}$  حداکثر مقدار داده‌ها می‌باشد.

برای بررسی نوع آزمون مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون F لیمر (چاو) و هاسمن استفاده شده است.

### تکانه (۲): نتایج آزمون تعیین مدل

مدل	آزمون	آماره	Prob	نتیجه آزمون
مدل فرضیه اول	چاو	۴/۵۸۷	۰/۰۰۰	روش پانلی نسبت به ols ارجح تر است.
	هاسمن	۳۲/۱۱	۰/۰۰۰	برتری الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی
مدل فرضیه دوم	چاو	۵/۰۱۴	۰/۰۰۰	روش پانلی نسبت به ols ارجح تر است.
	هاسمن	۳۵/۱۰	۰/۰۰۰	برتری الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی

آماره آزمون چاو در هر دو مدل در سطح ۱ درصد معنادار می‌باشد و باید از مدل پانل برای آزمون مدل‌های تحقیق استفاده کرد. نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد روش اثرات ثابت برای برآورد مدل‌های تحقیق ارجح تر است.

نتایج آزمون فرضیه اول:

### تکانه (۳): نتایج آزمون معناداری مدل فرضیه اول

Variable	متغیر	ضرایب	آماره t	معناداری (Prob)
C	ضریب ثابت	۰/۰۳۷۹۶۹	۲/۲۶۶۹۸۰	۰/۰۲۳۶
LRep	وضعیت گزارش سال قبل	۰/۰۴۳۳۳۹	۳/۷۳۰۰۹۵	۰/۰۰۰۲
FSto	درصد سهام شناور	۰/۰۰۹۱۳۵	۰/۹۳۱۵۷۴	۰/۳۵۱۸
MPrice	میانگین قیمت سهام	-۰/۰۸۹۰۷۴	-۲/۸۷۹۵۸۹	۰/۰۰۴۱
RET	بازده سهام	۰/۰۲۹۴۳۵	۱/۴۰۰۱۰۳	۰/۱۶۱۸
EPS	سود هر سهم سال قبل	۰/۰۸۲۶۹۱	۱/۹۱۹۷۷۷	۰/۰۵۵۲
ED	سود باقیمانده سال قبل	-۰/۰۸۹۰۹۳	-۱/۶۲۱۴۵۸	۰/۱۰۴۳
IND	متغیر تصنعی صنعت	-۰/۰۰۱۷۸۷	-۵/۴۰۶۳۸۴	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۱۱۴۲۱۳	معناداری مدل	۰/۰۰۰
F آماره		۷/۹۶۶۶۲۷	دوربین واتسون	۱/۵۲۸۱۳۸

نتایج نشان می‌دهد که رگرسیون برازش داده شده از نظر آماری در سطح ۱ درصد معنادار می‌باشد. ضریب تعیین ۰/۱۱۴۲ بیان می‌نماید که تقریباً ۱۱/۴ درصد تغییرات به وجود آمده در متغیر حجم معاملات با وجود متغیرهای توضیحی مدل برآورد می‌گردد. ضریب ۰/۰۴۳۳۳۹ نشان از همبستگی مثبت بین وضعیت گزارش حسابرس و حجم معاملات دارد. با توجه به نتایج می‌توان ادعا نمود که در سطح معناداری ۱ درصد ( $0/0002 > 0/01$ )، بین این دو متغیر رابطه مثبت معناداری وجود دارد، به این معنی که با افزایش بندهای شرط گزارش حجم معاملات نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه اول این پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. این رابطه موید این است که بندهای شرط در واقع ایرادهای بااهمیت و نه اساسی را نشان می‌دهند از این بابت با کشف این ایرادات بااهمیت توسط حسابرس این آگاهی در سرمایه‌گذاران ایجاد شده است که شرکت فاقد ابهام اساسی است و بنابراین سرمایه‌گذاران می‌توانند با اطمینان بیشتری در این سهام سرمایه‌گذاری کنند و بنابراین حجم بیشتری از این سهام مورد معامله قرار می‌گیرد، در واقع می‌توان گفت که گزارش حسابرس با بندهای شرط شفافیت بیشتری را برای سرمایه‌گذار موجب شده است. نتایج نگاره نشان می‌دهد که بین میانگین قیمت سهام و حجم معاملات رابطه منفی معناداری وجود دارد یعنی با افزایش میانگین قیمت سهام حجم معاملات کاهش یافته است. همچنین نتایج موید این واقعیت است که در بازار بورس حجم معاملات به شدت به صنعت شرکت مربوطه وابسته می‌باشد.

آماره دوربین واتسون مدل برابر ۱/۵۲۸۱۳۸ می‌باشد. این مقدار بین ۱/۵ تا ۲/۵ است و نشان دهنده عدم خود همبستگی بین متغیرهاست (سپاسی و عبدلی، ۱۳۹۴ و طالب‌نیا، ۱۳۹۵).

آزمون فرضیه دوم:

نتایج نگاره ۴ که در زیر ارائه شده است نشان می‌دهد که رگرسیون برازش داده شده از نظر آماری در سطح ۱ درصد معنادار می‌باشد. همچنین ضریب تعیین ۰/۱۰۲۹ بیان می‌نماید که تقریباً ۱۰/۲ درصد تغییرات به وجود آمده در متغیر حجم معاملات با وجود متغیرهای توضیحی مدل برآورد می‌گردد. با توجه به آماره معناداری متغیر کیفیت حسابرسی که برابر است با ۰/۸۳۸۲ می‌توان گفت بین کیفیت حسابرسی و حجم معاملات رابطه معناداری وجود ندارد و بنابراین فرضیه دوم این پژوهش مورد پذیرش واقع نمی‌شود.

## تکانه (۴): نتایج آزمون معناداری مدل فرضیه اول

معناداری (Prob)	آماره t	ضرایب	متغیر	Variable
۰/۰۰۲۱	۳/۰۷۹۶۴۳	۰/۰۵۱۰۴۱	ضریب ثابت	C
۰/۸۳۸۲	۰/۲۰۴۲۴۷	۰/۰۱۱۵۶۸	کیفیت حسابرسی سال قبل	DA
۰/۱۴۸۰	۱/۴۴۸۰۵۴	۰/۰۱۳۹۸۵	درصد سهام شناور	FSto
۰/۰۰۲۱	-۳/۰۸۱۲۵۱	-۰/۰۹۵۵۵۸	میانگین قیمت سهام	MPrice
۰/۱۷۲۱	۱/۳۶۶۷۲۹	۰/۰۲۸۷۳۶	بازده سهام	RET
۰/۰۷۳۷	۱/۷۹۰۶۷۸	۰/۰۷۷۴۵۳	سود هر سهم سال قبل	EPS
۰/۰۶۶۶	-۱/۸۳۶۸۸۱	-۰/۱۰۱۰۲۷	سود باقیمانده سال قبل	ED
۰/۰۰۰	-۵/۹۴۱۳۱۱	-۰/۰۰۱۹۵۰	متغیر تصنعی صنعت	IND
۰/۰۰۰	معناداری مدل		۰/۱۰۲۸۵۷	ضریب تعیین
۱/۵۲۸۰۹۳	دوربین واتسون		۷/۱۹۸۳۵۱	آماره F

## بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق، به منظور ارزیابی محتوای اطلاعاتی گزارش حسابرس در بازار بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر کیفیت حسابرسی و وضعیت گزارش حسابرس بر حجم معاملات سهام (که در پژوهش‌های مختلف به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری رفتار سرمایه‌گذاران استفاده شده است) مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج این تحقیق رابطه معناداری بین کیفیت گزارش حسابرسی و حجم معاملات سهام شرکت‌ها در بازار بورس مشاهده نشد. این نتیجه با تحقیق بال و همکاران (۱۹۷۹) و چان و لویز (۲۰۰۶)، مطابقت ندارد، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاران در رابطه با پایین یا بالا بودن کیفیت حسابرسی واکنش نشان می‌دهند و نسبت به میزان کیفیت حسابرسی حساس هستند. دلیل این عدم تطابق نتیجه می‌تواند شرایط مکانی و زمانی متفاوت پژوهش‌ها باشد. نتیجه آزمون فرضیه دیگر این پژوهش نشان دهنده رابطه مثبت معنادار بین وضعیت گزارش حسابرس با حجم معاملات است، بدین معنی که با افزایش تعداد بندهای شرط گزارش حجم معاملات نیز افزایش یافته است. دلیلی که می‌توان برای این رابطه عنوان کرد این است که بندهای شرط در واقع ایرادهای بااهمیت و نه اساسی را نشان می‌دهند از این بابت با کشف این ایرادات بااهمیت توسط حسابرس این آگاهی در سرمایه‌گذاران ایجاد شده است که شرکت فاقد ابهام اساسی است که خود شفافیت بیشتر را برای سرمایه‌گذاران

ایجاد می‌کند (مطابق با پژوهش دارابی و رضایی (۱۳۹۱) که به این نتیجه رسیدند که بندهای گزارش حسابرس باعث شفافیت بیشتر گزارشگری می‌شود) و بنابراین سرمایه‌گذاران می‌توانند با اطمینان بیشتری در این سهام سرمایه‌گذاری کنند و حجم بیشتری از این سهام مورد معامله قرار می‌گیرد. نتایج آزمون این فرضیه با تحقیق لین و همکاران (۲۰۰۳) و تاهیناکیس و همکاران (۲۰۱۰)، مطابقت ندارد، چرا که آن‌ها رابطه معناداری را بین وضعیت گزارش حسابرس و حجم معاملات مشاهده نکردند، از دید کلی تر این نتیجه از نظر جهت واکنش بازار با نتایج فیرث (۱۹۷۸)، چاو و رایس (۱۹۸۲)، سلطانی (۲۰۰۰) و خاتمی (۱۳۷۶) مخالف می‌باشد. آن‌ها طی مشاهدات خود به این نتیجه رسیدند که واکنش بازار در تغییر گزارش مقبول به مشروط منفی بوده و در نتیجه قیمت سهام روند نزولی پیدا می‌کند. از آزمون فرضیه‌های این پژوهش نتایج دیگری نیز حاصل شد. اول اینکه با توجه به آماره‌های متغیر صنعت می‌توان گفت در بازار سرمایه ایران، صنعت شرکت مورد معامله به شدت بر حجم معاملات موثر است. دوم این که در سطح اطمینان ۹۰ درصد بین سود باقی‌مانده سال قبل و حجم معاملات رابطه منفی معناداری وجود دارد، بدین معنی که سهام‌داران و سرمایه‌گذاران بیشتر خواهان تقسیم سود هستند، در واقع کشف این رابطه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران بازار سرمایه ایران با انگیزه کوتاه مدت در بازار بورس سرمایه‌گذاری می‌کنند و تمایلی به باقی‌ماندن سود در شرکت ندارند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود فعالیت سازمان بورس و اوراق بهادار در جهت نظارت بر اظهارنظرهای حسابرسی و شفافیت اطلاعاتی بمنظور انعکاس و ارائه هر چه بهتر اظهار نظر گزارش‌های حسابرسی به سهامداران، افزایش یابد. آموزش‌های لازم از طرف سازمان‌های ذی‌ربط خصوصاً سازمان بورس و اوراق بهادار برای سهامداران و علاقه‌مندان در جهت افزایش آگاهی عمومی و استفاده مطلوب‌تر از گزارش حسابرس و اظهار نظر آن‌ها صورت گیرد. بررسی سایر ویژگی‌های حسابرس مانند تخصص، دوره تصدی و اندازه حسابرس بر معاملات سهام شرکت و همچنین بررسی اثر بندهای تاکید بر مطالب خاص بر معاملات سهام به عنوان موضوعات مرتبط برای انجام پژوهش‌های آتی به محققین پیشنهاد می‌شود. لازم به ذکر است که در این پژوهش شرایط سیاسی و فرهنگی و... که خارج از اختیار محقق بوده و ممکن است بر نتایج تحقیق موثر باشند کنترل نشده است.

## منابع

- Abbas zadeh, MR., Kadivar, H., Khorami, S. (2013). Density audit and audit quality. Eleventh National Conference on Accounting Iran, Mashhad, Ferdowsi University, October. (in Persian)
- Al-Thuneibat, A; Khamees, A, B; Al-Fayoumi, N, A. (2008). The Effect of Qualified Auditors' Opinions on Share Prices: Evidence From Jordan. *Managerial Auditing Journal*. V (23) , No (1) , 84-101.
- Azad, A., Kazemi, M. (2013). The relationship between the paragraphs following the statement in the auditor's report and financial statements restatements. *Eleventh National Conference on Accounting Iran*, Mashhad, Ferdowsi University, October. (in Persian)
- Azimi, M., Forozandeh, J. (2010). The effect of qualified audit reports on the decisions of users of financial statements. *Journal of Accounting Research*, 21, 18-23. (in Persian)
- Bahar moghadam, M., Hosseini Fard, H. (2010). The relationship between real financial events and earnings management in firms listed in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, No. 6, 136-159. (in Persian)
- Ball, R, J; Walker, R; Whittred, G. (1979). Audit qualifications and share prices. *ABACUS*, 15 (1) , 23-34.
- Chan, K; Louis, K. (2006). Earning Quality and Stock return. *Journal of Business*, 79 (3) , 193-228.
- Chow, C, W; Rice, S, J. (1982). Qualified Audit Opinions and Share Price—An Investigation Auditing. *Journal of Practice & Theory*, Vol (1) , 35-53.
- Consler, J; Greg, M. L; Havranek, S. F. (2012). Earnings Per Share Versus Cash Flow Per Share as Predictor of Dividends Per Share. *Managerial Finance*, 37 (5) , 482-488.
- Darabi, R., Rezaei Jafari, A. (2012). The effect of paragraphs independent auditor's report on the transparency of financial reports. *Journal of Management Accounting*, 13, 79-96. (in Persian)
- Davidson, A; Neu, D. (1993). A note on the association between audit firm size and audit quality. *Contemporary Accounting Research*, 9 (2) , 479-488.
- De Angelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and economics*, 3 (3) , 189-199.**
- Ensafi, Z. (2015). The managerial ability on audit fees and auditor's report. Master's Thesis (Supervisor: Nasirzadeh, F. Advisor: Salehi, M.). Accounting, Ferdowsi University of Mashhad. (in Persian)
- Firth, M. (1978). Qualified audit reports: their impact on investment decisions. *The Accounting Review*, 53 (3) , 642-662.



- Ghalibaf Asl, H., kelberi, S. (2009). Effects of dependent on the size and volume of transactions on stock returns and volatility in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Research*, Volume 11, No 27, 81-96. (in Persian)
- Ghazi, Davod,. Norouzi, M., Joharinia, A. (2013). Evaluate the accuracy of earnings per share and cash flow per share on a forecast dividend per share of listed companies in Tehran Stock Exchange. Eleventh National Conference on Accounting Iran, *Mashhad, Ferdowsi University*, October. (in Persian)
- Haghighat, H., Alavi, S M. (2013). The relationship between accounting transparency and abnormal stock returns of companies listed in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 15, 1-12. (in Persian)
- Han, J; Kamber, M; Pei, J. (2011). Data Mining: Concepts and Techniques, *3rd Edition. Imprint: Morgan Kaufmann*. 744 Pages.
- Iran Auditing Standard No. 700. (2010). Reporting on the financial statements, *The committee developing standards*, auditing organization. (in Persian)
- Khajavi, Sh., Salimifard, Ali., Rabie, M. (2005). Application of DEA. *Journal of Humanities and Social Sciences (accounting developments)* , Shiraz University, Volume 22, Issue 2, 75-89. (in Persian)
- Khatami, M A. (1997). The impact of audit qualification paragraphs on stock price and analysis of financial statements brokers Tehran Stock Exchange. PhD thesis, accounting, *Tehran Science and Research Branch of Islamic Azad University*. (in Persian)
- Lin, J; Tang, Q; Xiao, J. (2003). An Experimental Study of Users Responses to Qualified Audit Reports in China. *Journal of International Accounting & Taxation*, 12 (1) , 1-22.
- Lopez, D, A. (2007). *Audit quality: an analysis of management, auditor, and environmental factors*. University of Arkansas, 168 p.
- Mashayekhi, B., Mehrani, S., Mehrani, K., Karami, Gh. (2005). The role of discretionary accruals in earnings management of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of accounting and auditing*, No 42, 61-74. (in Persian)
- Menhaj, Mb. (2005). Principles of Neural Networks (Computational Intelligence, Vol 1) , Tehran: *Publication Center Professor*. (in Persian)
- Myers, J. N; Myers, L. A; Omer, C. T. (2003). Exploring the Term of the Auditor-client relationship and the quality of Earnings: A case for Mandatory Auditor rotation?. *The Accounting Review*, 78 (3) , 779-799.
- Pae, S; Yoo, S-W. (2000). Strategic Interaction in Auditing: An Analysis of Auditors' Legal Liability, Internal Control System Quality and Audit Effort. *The Accounting Review*, 76 (3) , 333-356.

- Palmrose, Z. (1988). An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality. *The Accounting Review*, 64 (1) , 55-73.
- Pastor, L. and Stambaugh, R.F. (2003). Liquidity Risk and Expected Stock Returns. *Journal of Political Economy*, 111, 642-685.
- Piri, P., Sheykh Mohammadi, A., Javadi, N. (2013). The relationship between auditor size and the number of clients audit with audit quality. *Auditing Journal*, 51, 5-24. (in Persian)
- Pourheydari, O., Badri kheyreh masjedi, A. (2013). The relationship between the rotation audit with quality audit and annual adjustments. *Advances in Accounting Journal*, 5 (2) , 1-24. (in Persian)
- Raeisi Zndbaba, S., Noorbakhsh Langroodi, M., Maham, k. (2013). Dividend policy and stock price volatility, Eleventh National Conference on Accounting Iran, *Mashhad, Ferdowsi University*, October. (in Persian)
- Sepasi, S., Abdoli, L. (2015). The effect of women's presence in board on the corporate value and financial performance. *Research in financial accounting and auditing*. No 29, 39-58. (in Persian)
- Shelton, S, W. (1999). The Effect of Experience in Auditor Judgment. *The Accounting Review*, 74 (2) , 217-224.
- Soltani, B. (2000). Some Emprical Evidence to Support the Relationship between audit Reports and Stock Prices: The French Case. *International Journal of Auditing*, 4 (3) , 269-291.
- Tahinakis, P; Mylonakis, J; Daskalopoulou, E. (2010). An Appraisal of the Impact of Audit Qualifications on Firms Stock Exchange Price Fluctuations. *Enterprise Risk Management*, 2 (1) , 86-99.
- Tajvidi, E. (2008). Transparency and efficiency of capital markets. *Official Accountants Journal*, No. 196, 34-43. (in Persian)
- Talebnia, Gh. (2016). The effect of accounting transparency on the risk of the bankruptcy of the companies listed in the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 30, 1-19. (in Persian)
- Talebnia, Gh., Vakili fard, HR., Arabmazar, A., Samadi Lorgany, M. (2011). The effect of tax reporting on the transparency of financial reporting in Iran. *Journal of Financial Accounting*, 3 (9) , 67-83. (in Persian)
- Titman, S; Trueman, B. (1986). Information quality and the valuation of new issues. *Accounting & Economics*, 8 (2) , 159-621.
- Yosefi Asl, F., Mollanazari, M., Soleimani Amiri, Gh. (2014). Explaining the transparency of financial reporting. *Journal of Empirical Accounting Research*, 14, 1-38. (in Persian).

## تحلیل پارادایم پژوهش‌های حوزه حسابداری مدیریت در کشور ایران: شواهدی از سه دهه اخیر

محمد کاشانی پور\*، داود محسنی نامقی\*\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۳۱

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی و تحلیل پارادایم مقاله‌های انتشار یافته حوزه حسابداری مدیریت در مجله‌های علمی و پژوهشی تخصصی و غیر تخصصی در سه دهه اخیر می‌باشد. پژوهش جاری با بهره‌گیری از تکنیک فرا تحلیل محتوا از نوع کمی و تجزیه و تحلیل آماری و اقتصادسنجی، پارادایم مقاله‌ها را در چهار حوزه موضوع، روش، بافت (محیط) و تئوری در بیست مجله علمی پژوهشی حسابداری و مالی از سال ۱۳۷۱ تا تابستان سال ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار می‌دهد. به منظور دستیابی به اهداف این پژوهش، دوره زمانی به دو دوره فرعی قبل و بعد از ظهور مجله تخصصی حسابداری مدیریت طبقه بندی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تفاوت معناداری در روش پژوهش و تئوری مورد استفاده بین مجله‌های تخصصی با غیر تخصصی و مجله‌های حرفه‌ای با دانشگاهی وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش، تفاوت معناداری در دو حوزه تئوری و بافت پژوهش را بین دو مجله تخصصی حسابداری مدیریت مورد تأیید قرار می‌دهد. از طرفی دیگر هیچ تفاوت معناداری بین اجزای پارادایم مقاله‌ها در دو دوره فرعی پژوهش مشاهده نمی‌گردد. بهره‌گیری پژوهشگران از نتایج این پژوهش می‌تواند کمک مساعدی به دانش‌افزایی بهتر مقاله‌های انتشار یافته آتی در هر یک از چهار حوزه مورد اشاره پارادایم، داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل پارادایم، مجله‌های تخصصی، مجله‌های غیر تخصصی، مجله‌های حرفه‌ای،

مجله‌های دانشگاهی.

طبقه بندی موضوعی: G30, G39

کد DOI: 10.22051/jera.2017.9049.1199

\* دانشیار حسابداری دانشگاه تهران (kashanipour@ut.ac.ir)

\*\* دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)، (dmohseni@ut.ac.ir).

## مقدمه

در حوزه علوم رفتاری انتخاب رویکرد در انجام پژوهش بر پایه جهان بینی و نوع پارادایمی است که پژوهشگر انتخاب می‌کند. منظور از پارادایم مجموعه‌ای از مفروضه‌ها، مفاهیم یا گزاره‌هاست که از نظر منطقی به طور انعطاف پذیری به هم مرتبط بوده و جهت فکری و پژوهشی را هدایت می‌کند (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶). کوهن (۱۹۷۰) نیز جهان‌بینی موجود که در قالب آن نظریه‌های علمی شکل گرفته و همه کاربردهایی که از آن منتج می‌شود را پارادایم می‌نامد. یکی از مهمترین وظایف جامعه دانشگاهی حسابداری، کمک به احیای پژوهش در حوزه‌های مختلف می‌باشد. از مهمترین تلاشهایی که جهت احیای پژوهش‌های داخلی حوزه حسابداری مدیریت انجام شده، راه‌اندازی مجله‌های تخصصی است. نقد و تحلیل پارادایم پژوهش‌های انجام گرفته نیز روشی موثر در جهت احیای پژوهش‌های حسابداری مدیریت و کمک به جهت دهی آتی پژوهش در این حوزه است. با توجه به اینکه تا کنون پژوهش داخلی جامعی در ارتباط با تحلیل پارادایم در حسابداری به صورت عام و حسابداری مدیریت به صورت خاص انجام نگرفته، پژوهش‌های انجام شده قبلی نمی‌توانند زمینه‌ساز پیشرفت پژوهشی حوزه حسابداری مدیریت را خصوصاً به لحاظ روش یا تئوری فراهم سازند. پژوهش جاری با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل پارادایم ضمن نقد و ارزیابی مقاله‌های پژوهشی حسابداری مدیریت در سه دهه اخیر، می‌تواند زمینه ساز ظهور قلمروهای جدیدی از موضوع، روش، بافت و تئوری فراروی پژوهش‌های آتی این حوزه باشد.

هدف از انجام این پژوهش نقد و تحلیل پارادایم مقاله‌های انتشار یافته حوزه حسابداری مدیریت در مجله‌های علمی پژوهشی سه دهه اخیر در چهار حیطه پارادایم شامل موضوع، روش، بافت (وضعیت) و تئوری می‌باشد. همچنین این پژوهش به دنبال بررسی تفاوت‌های معنادار بین این چهار حیطه از پارادایم مقاله‌ها در مجله‌های تخصصی و غیر تخصصی، حرفه‌ای و دانشگاهی، مقاله‌های چاپ شده دوره فرعی اول (قبل از انتشار مجله حسابداری مدیریت) و دوره فرعی دوم (پس از انتشار مجله حسابداری مدیریت) و مقاله‌های انتشار یافته در دو مجله تخصصی حسابداری مدیریت می‌باشد.

با بهره‌گیری از نتایج این پژوهش می‌توان تأثیر ظهور مجله‌های تخصصی حسابداری مدیریت را بر پارادایم پژوهش‌های این حوزه بررسی نمود و این موضوع را مورد کنکاش قرار

داد که آیا تنوع و کیفیت پژوهش‌های حسابداری مدیریت، می‌تواند تحت تأثیر ظهور مجله‌های تخصصی قرار گیرد. نتایج این پژوهش می‌تواند تأثیر نوع علائق هیات تحریریه مجله‌ها را بر پارادایم مقاله‌های انتشار یافته نشان داده و به ایجاد خط‌مشی فکری برای پژوهش‌های آتی کمک نماید. طبقه‌بندی مقالات-مجله‌ها، طرح استفاده شده در شمول این مجله‌ها و عوامل بکار گرفته شده در تحلیل پارادایم می‌تواند چارچوب قابل‌اجرائی را برای دستیابی به اهداف پژوهش نشان دهد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سیر توسعه و تکامل علوم بشری با بهره‌گیری از مؤلفه‌ها و عوامل گوناگونی صورت می‌گیرد که کسب شناخت کافی درباره آن علم و نقد منصفانه آن یکی از عوامل مهم در این خصوص می‌باشد. برای کسب شناخت درباره یک علم، بنظر می‌رسد باید وارد مقوله «چیستی» آن شد و آن را از رهگذر فلسفه علم مورد کنکاش قرار داد (ریتزر، ۱۹۷۵). یکی از مهمترین روش‌های نقد و ارزیابی در چارچوب فلسفه علم، تحلیل پارادایم است. تحلیل پارادایم می‌تواند مطالعه حسابداری را نظام‌مند نموده، نقاط قوت و ضعف تئوری‌ها را برجسته ساخته و ارتباط آنها را با روش‌ها مورد بررسی قرار داده و جهت‌گیری پژوهش‌های حسابداری را نمایان سازد (چن و همکاران، ۲۰۱۲). در کشور ایران تا کنون پژوهشی در خصوص تحلیل پارادایم‌ها در حوزه حسابداری انجام نشده است، لیکن چند نمونه از پژوهش‌هایی که بی‌شبهت به پژوهش جاری نیست ارائه می‌گردد. ساعی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی و تحلیل محتوای تحقیقات علمی پژوهشی حسابرسی از سال ۱۳۷۸ الی ۱۳۹۱ پرداخته و با استفاده از طبقه‌بندی لسج و وچلر ۱۱۸ مقاله از ۱۶ مجله علمی پژوهشی را در طبقات اصلی و حوزه‌های فرعی طبقه‌بندی نمودند. نتایج آنها نشان داد پژوهش لسج و وچلر در قیاس با مطالعات داخلی از تنوع بالاتری برخوردار بوده است. رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۳) با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل محتوا به بررسی تحلیل موضوعی نشریه‌های علمی پژوهشی حوزه مالی و حسابداری در ایران و مقایسه آن با نشریه فاینانس آمریکا پرداختند. نتایج آنها نشان داد در نشریه‌های حسابداری ایران رابطه معنادار ضعیفی بین تعداد مقاله‌های انتشار یافته و موضوع‌های حسابداری وجود دارد، در حالی که این ارتباط در خصوص نشریه‌های مالی (تعداد مقالات و موضوع‌های مالی) معنادارتر است. گرامی‌راد و همکاران (۱۳۹۳) به تحلیل محتوای مقالات مجله‌های علمی پژوهشی

حسابداری و مالی انتشار یافته بین سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج یافته‌های پژوهش آنها نشان داد ۴۸ درصد از نگارنده‌گان مقاله‌های علمی پژوهشی دارای مدرک تحصیلی دکتری و ۳۶ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد بوده‌اند، همچنین از نظر مرتبه علمی ۳۱ درصد مقاله‌ها متعلق به استادیاران و ۱۲ درصد متعلق به دانشیاران بوده، از نظر گرایش موضوعی مقاله‌ها ۵۳ درصد در حوزه حسابداری مالی بوده و علوم مالی با ۲۷ درصد و حسابرسی با ۸ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱) پژوهش‌های حسابداری مدیریت ایران و استرالیا را مورد تحلیل قرار دادند. آنها همبستگی معناداری بین رویکردهای تحقیقاتی ایران و استرالیا را تأیید نمودند، هر چند که میزان تنوع تحقیقاتی در حوزه‌های فرعی در قیاس با کشور استرالیا کمتر می‌باشد. رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۱) با هدف مشخص نمودن رویکرد محتوایی، به تحلیل محتوای نشریه‌های علمی پژوهشی کشور ایران از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد تنها ۲۲ درصد پژوهش‌ها به موضوعات حسابداری مدیریت اختصاص یافته است. نمازی و ناظمی (۱۳۸۴) به بررسی و تحلیل محتوای مطالعات انجام شده در بازار سرمایه از سال ۱۳۷۰ الی سال ۱۳۸۲ پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان داد از بین مطالعات انجام شده در طی دوره پژوهش، تنها ۴/۲ درصد به موضوعات حسابداری مدیریت اختصاص یافته است.

چن و همکاران (۲۰۱۲) در طی یک دوره ۱۰ ساله از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۰ مقالات چاپ شده در حوزه حسابداری مدیریت را در هشت مجله پیشرو حسابداری آمریکای شمالی و بین‌المللی مورد بررسی قرار دادند. آنها پارادایم ۵۸۰ مقاله حسابداری مدیریت را در چهار حوزه موضوعات، روش‌ها، بافت و تئوری‌های پژوهش در دو دوره فرعی قبل از ظهور مجله‌های تخصصی حسابداری مدیریت (سال ۱۹۹۱ تا سال ۱۹۹۵) و بعد از ظهور (سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۰) در سه مجله تخصصی حسابداری مدیریت شامل مجله پیشرفتهای حسابداری مدیریت، مجله پژوهش حسابداری مدیریت و مجله تحقیقات حسابداری مدیریت به همراه پنج مجله غیر تخصصی شامل مجله بررسی‌های حسابداری، مجله تحقیقات حسابداری، مجله اقتصاد و حسابداری، مجله تحقیقات حسابداری معاصرو مجله حسابداری، سازمان‌ها و جامعه مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد بالاترین فراوانی در حوزه موضوعات پژوهشی حسابداری مدیریت متعلق به سیستم‌های کنترل مدیریت (معادل ۴۱/۴ درصد مقالات)، در

حوزه روش‌های پژوهشی متعلق به روش پیمایشی (معادل ۲۱ درصد مقالات)، در حوزه بافت و محیط پژوهش متعلق به فعالیت‌ها و صنایع خاص (معادل ۳۴/۸ درصد مقالات) و در حوزه تئوری‌های پژوهش متعلق به تئوری اقتصادی (معادل ۴۰ درصد مقالات) می‌باشد. نتایج نشان داد کمترین فراوانی در حوزه موضوعات پژوهشی حسابداری مدیریت متعلق به مقالاتی که بیش از یک موضوع را پوشش داده (معادل ۲/۱ درصد مقالات)، در حوزه روش‌های پژوهشی متعلق به روش شبیه‌سازی رفتاری (معادل ۰/۰۰۷ مقالات)، در حوزه بافت پژوهش متعلق به صنایع خدماتی (معادل ۳/۸ درصد مقالات) و در حوزه تئوری‌های پژوهش متعلق به تئوری تاریخی (معادل ۲/۹ درصد مقالات) می‌باشد. نتایج پژوهش آنها نشان داد، در مقایسه پارادایم مقالات حسابداری مدیریت چاپ شده در مجلات آمریکای شمالی و بین‌المللی، معناداری تفاوت در هر چهار حوزه موضوعات، روش‌ها، بافت و تئوری‌های پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. شیلدز (۱۹۹۷) در پژوهشی تحقیقات حسابداری مدیریت را در آمریکای شمالی در دهه ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار داد. تحلیل‌های وی در چهار حوزه موضوعات، روش‌ها، بافت و تئوری‌های پژوهش انجام شد. نتایج کلی این پژوهش نشان داد که ظهور مجلات تخصصی حسابداری مدیریت، ممکن است بر تنوع و کیفیت مقالات چاپ شده حسابداری مدیریت اثر گذار باشد. هر چند هیچ شاخصی وجود ندارد که نشان دهد کیفیت پژوهش‌های حسابداری مدیریت در طی دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته باشد.

### تحلیل پارادایم

بر اساس ایده کوهن (۱۹۷۰)، پارادایم آن چیزی است که اعضای یک جامعه علمی با هم و هر کدام به تنهایی در آن سهم هستند. مجموعه‌ای از مفروضات، مفاهیم، ارزش‌ها و تجربیات که روشی را برای مشاهده واقعیت جامعه‌ای که در آن سهم هستند ارائه می‌کند. بر اساس این ایده پارادایم اصطلاح فراگیری است که همه پذیرفته‌های کارگزاران یک رشته علمی را دربر می‌گیرد و چارچوبی را فراهم می‌سازد که دانشمندان برای حل مسائل علمی در آن محدوده استدلال کنند. بررسی پارادایم‌ها در هر علمی ضروری است. بلکویی (۱۹۹۳) معتقد است حسابداری فاقد یک پارادایم یا الگوی مسلط و غالب است و یک رشته علمی چند الگویی است و هر یک از این الگوهای غالب حسابداری تلاش می‌کنند در درون رشته علمی تفوق و برتری جویند. کوهن (۱۹۷۰) معتقد است پارادایم می‌تواند به عنوان مبنایی برای حل معماهای

موجود در هر رشته علمی مطرح گردد. پارادایم‌ها یا الگوهای غالب برای همیشه ثابت نمی‌مانند. کوهن (۱۹۷۰) معتقد است بر اساس پارادایم در هر حوزه علمی باید بتوان مشخص کرد یک داده چیست، برای بدست آوردن آن از چه ابزارهایی باید استفاده کرد و چه مفاهیمی برای تغییر آن مطرح هستند. ریتزر (۱۹۷۵) اجزای اصلی یک پارادایم را شامل یک نمونه برای کسانی که در محدوده الگوی غالب کار می‌کنند، یک تصویر از موضوع، روش‌ها و تئوری‌ها می‌داند. شیلدز (۱۹۹۷) پارادایم را در حوزه پژوهش‌های حسابداری مدیریت شامل موضوعات، روش‌ها، بافت (محیط)، تئوری‌ها و نتایج طبقه‌بندی نموده است. چن و همکاران (۲۰۱۲) پارادایم را در چهار حوزه موضوعات، روش‌ها، بافت (محیط) و تئوری‌ها طبقه‌بندی می‌کنند. در تحلیل پارادایم پژوهش‌های حوزه حسابداری مدیریت، در پژوهش جاری از تحلیل پارادایم چن و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. در نگاره (۱) بررسی تطبیقی پارادایم پژوهشی شیلدز (۱۹۹۷) و چن و همکاران (۲۰۱۲) و ریز اجزای پارادایم در هر حوزه به همراه کدبندی مربوطه منعکس گردیده است.

#### نگاره (۱): طبقه‌بندی پژوهش‌های حسابداری مدیریت شیلدز (۱۹۹۷)، تعدیل شده چن و

##### همکاران (۲۰۱۲) و پذیرش آن در پژوهش جاری

طبقه بندی شیلدز (۱۹۹۷)	طبقه بندی تعدیل شده چن و همکاران (۲۰۱۲)	طبقه بندی شیلدز (۱۹۹۷)	طبقه بندی تعدیل شده چن و همکاران (۲۰۱۲)
موضوع پژوهش‌های حسابداری مدیریت (الف)	روش‌های مورد استفاده در پژوهش‌های حسابداری مدیریت (ب)	A: سیستم‌های کنترل مدیریتی	تحلیلی بندی تعدیل شده چن و همکاران (۲۰۱۲)
A: سیستم‌های کنترل مدیریتی	تحلیلی	سیستم‌های کنترل مدیریتی (کد ۱)	تحلیلی (کد ۱)
انگیزش و محرک‌ها	آرشیوی، کتابخانه‌ای (کد ۳)	سیستم‌های کنترل مدیریتی	آرشیوی، کتابخانه‌ای (کد ۳)
بودجه‌ها و بودجه بندی	مطالعات زمینه ای - موردی (کد ۶)	سیستم‌های کنترل مدیریتی	مطالعات زمینه ای - موردی (کد ۶)
ارزیابی عملکرد	مطالعات تجربی کتابخانه ای	سیستم‌های کنترل مدیریتی	مطالعات تجربی، نیمه آزمایشگاهی (کد ۴)
قیمت گذاری انتقالی	E: شبیه سازی رفتاری	سیستم‌های کنترل مدیریتی	شبیه سازی رفتاری (کد ۷)
حسابداری مسئولیت	F: بررسی پیشینه و ادبیات	سیستم‌های کنترل مدیریتی	بررسی پیشینه و ادبیات (کد ۵) و قیاسی (کد ۸)
کنترل‌های داخلی	G: پیمایشی	سیستم‌های کنترل مدیریتی	پیمایشی (کد ۲)
B: حسابداری بها	H: روش‌های تحقیقی چندگانه	حسابداری بها (کد ۲)	روش‌های تحقیقی چندگانه (کد ۹)
حسابداری بها در حالت کلی	بافت و محیط پژوهش‌های حسابداری مدیریت (ج)	حسابداری بها	



تخصیص بها	حسابداری بها	A: عمومی (چکیده، طراحی با یک شبکه خاص، ساده شده)	عمومی و دولتی (کد ۴)
هزینه یابی بر مبنای فعالیت	حسابداری بها	B: بیمارستانها، نهادهای غیر انتفاعی و دولت	بیمارستانها و نهادهای غیر انتفاعی (کد ۳)
بهایابی محصول	حسابداری بها	C: فعالیتها یا صنایع خاص	فعالیتها یا صنایع خاص
انحراف بها	حسابداری بها	تولیدی	فعالیتها یا صنایع خاص
C: مدیریت بها	مدیریت بها (کد ۳)	خرده فروشی و بازاریابی	فعالیتها یا صنایع خاص
کیفیت	مدیریت بها	تحقیق و توسعه	فعالیتها یا صنایع خاص
به موقع بودن	مدیریت بها	حمل و نقل	فعالیتها یا صنایع خاص
استفاده از بها برای تصمیم گیری	مدیریت بها	سایر	فعالیتها یا صنایع خاص (کد ۱)
الگو برداری	مدیریت بها	D: فعالیتها و صنایع چندگانه	فعالیتها و صنایع چندگانه (کد ۲)
تاریخ	مدیریت بها	E: صنایع خدماتی	صنایع خدماتی (کد ۵)
D: محرکهای بها	محرکهای بها (کد ۴)	F: بین سازمانی	بین سازمانی (کد ۶)
E: حسابداری مدیریت، سیستمها و اطلاعات	حسابداری مدیریت، سیستمها و اطلاعات (کد ۵)	G: عدم وجود یا یک وضعیت و بافت دیگر	وضعیت و بافت دیگر (کد ۷)
F: روشهای تحقیق و تئوریها	روشهای تحقیق و تئوریها (کد ۶)		
G: بودجه بندی سرمایه‌ای و تصمیمات سرمایه‌گذاری	بودجه بندی سرمایه‌ای و تصمیمات سرمایه‌گذاری (کد ۷) و پژوهشهایی که بیش از یک موضوع را پوشش می‌دهد (کد ۸)		
تئوری‌های پژوهش‌های حسابداری مدیریت (د)			
طبقه بندی شیلدز (۱۹۹۷)	طبقه بندی تعدیل شده چن و همکاران (۲۰۱۲)	طبقه بندی شیلدز (۱۹۹۷)	طبقه بندی تعدیل شده چن و همکاران (۲۰۱۲)
A: اقتصادی	اقتصادی، نمایندگی و مالی (کد ۱)	E: جامعه شناسی	جامعه شناسی و تاریخ (کد ۵)
B: رفتار سازمانی	رفتار سازمانی (کد ۲)	F: مدیریت استراتژیک	مدیریت استراتژیک (کد ۶)
C: مدیریت عملیات-محصول	مدیریت عملیات-محصول (کد ۴)	H: بین رشته ای	استفاده از تئوری‌های چندگانه (کد ۷)
D: روانشناسی	روانشناسی (کد ۳)		عدم وجود تئوری (کد ۸)

## روش شناسی پژوهش

روش شناسی پژوهش یک فرایند تصمیم‌گیری است که با تعریف هدف پژوهش آغاز و با استراتژی پژوهش و شیوه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها ادامه می‌یابد (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۲). روش مورد استفاده در پژوهش جاری بهره‌گیری از تکنیک فرا تحلیل محتوا از نوع کمی و تجزیه و تحلیل آماری و اقتصادسنجی است. تجزیه و تحلیل محتوا یکی از کاربردی‌ترین روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی است و روش‌شناسی استاندارد برای مطالعه محتوای مطالب به شمار می‌رود. تحلیل محتوا طبقه‌ای از تحلیل‌های نوع شناسی است که به وسیله آن مشخصات خاص پیام به طور روشمند و دقیق جهت استنباط علمی شناسایی می‌شود (همان منبع). پس از بیان آمار توصیفی، در بخش آمار استنباطی پژوهش جهت پاسخگویی به سوال‌های پژوهش و آزمون معناداری تفاوت در اجزای پارادایم، بطور همزمان از آزمون کای‌دو و آزمون دقیق فیشر استفاده شده است. نتیجه آزمون کای دوی مربوط به یک نگاره توافقی در صورتی قابل اطمینان است که حداکثر ۲۵٪ سلول‌های نگاره دارای فراوانی مورد انتظار کمتر از ۵ باشند. چنانچه این مهم نقض گردد نتایج آزمون کای‌دو معتبر نیست (شاهکار، ۱۳۸۳). بنابراین در این موارد از نتیجه آزمون دقیق فیشر جهت تجزیه و تحلیل استفاده شده است.

### جامعه آماری و محدوده زمانی پژوهش

دوره زمانی این پژوهش از سال ۱۳۷۱ الی تابستان ۱۳۹۴ می‌باشد. به منظور تأثیرگذاری ظهور مجله تخصصی حسابداری مدیریت بر پارادایم مقاله‌های حوزه حسابداری مدیریت، دوره زمانی پژوهش به دو دوره قبل از ظهور مجله تخصصی حسابداری مدیریت و بعد از ظهور طبقه‌بندی شده است. دوره اول این پژوهش از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۸۷، انتشار اولین شماره مجله حسابداری مدیریت را در بر می‌گیرد. تمام مقاله‌های حوزه حسابداری مدیریت در دوره اول در مجله‌های غیر تخصصی به چاپ رسیده است. دوره دوم پژوهش از انتشار اولین شماره مجله حسابداری مدیریت تا تابستان ۱۳۹۴ را شامل می‌شود. در این دوره مقاله‌های حوزه حسابداری مدیریت در هر دو دسته مجله‌های تخصصی و غیر تخصصی به چاپ رسیده است.

## یافته‌های پژوهش

### یافته‌های توصیفی

مقاله‌های حوزه حسابداری مدیریت در بیست مجله علمی پژوهشی شامل دو مجله تخصصی حسابداری مدیریت و ۱۸ مجله غیر تخصصی مورد تحلیل قرار گرفته است. در طی دوره پژوهش در مجموع ۳۷۶ مقاله در این حوزه به چاپ رسیده است. مجله‌های علمی پژوهشی مورد بررسی به همراه آمار مقاله‌های چاپ شده در دوره پژوهش، در نگاره شماره (۲) منعکس شده است. در دوره اول پژوهش ۵۷ مقاله شامل ۴۲ مقاله در مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۴ مقاله در مجله پیشرفت‌های حسابداری، ۱ مقاله در مجله بورس و اوراق بهادار، ۳ مقاله در مجله تحقیقات مالی و ۷ مقاله در مجله دانش حسابرسی به چاپ رسیده است. در دوره دوم پژوهش نیز جمعاً ۳۱۹ مقاله شامل ۲۵ مقاله در مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۶ مقاله در مجله پیشرفت‌های حسابداری، ۳ مقاله در مجله بورس و اوراق بهادار، ۵ مقاله در مجله تحقیقات مالی، ۱۳ مقاله در مجله دانش حسابرسی، ۹۵ مقاله در مجله حسابداری مدیریت، ۳۷ مقاله در مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸ مقاله در مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۳ مقاله در مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۵ مقاله در مجله حسابداری مالی، ۱۳ مقاله در مجله دانش حسابداری، ۶ مقاله در مجله چشم انداز حسابداری و مدیریت مالی، ۴ مقاله در مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۰ مقاله در مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱ مقاله در مجله دانش سرمایه‌گذاری، ۵ مقاله در مجله دانش حسابداری مالی، ۲۲ مقاله در مجله حسابداری سلامت، ۱۳ مقاله در مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۴ مقاله در مجله پژوهشنامه حسابداری و حسابرسی و ۱۱ مقاله در مجله پژوهش‌های حسابداری مالی به چاپ رسیده است.

## تکانه (۲): نام مجله‌های علمی پژوهشی و آمار مقاله‌های چاپ شده در طی دوره پژوهش

نام مجله	وابستگی سازمانی	حوزه پژوهشی اصلی	آمار مقاله‌ها	
			تعداد	درصد
مجلات تخصصی حسابداری مدیریت				
مجله حسابداری مدیریت	دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران	حسابداری مدیریت	۹۵	۰/۲۵۳
مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت	انجمن حسابداری مدیریت ایران	حسابداری مدیریت، حسابرسی مدیریت	۳۷	۰/۰۹۸
مجلات غیر تخصصی حسابداری مدیریت				
مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی	دانشگاه تهران	حسابداری و زیر شاخه‌ها	۶۷	۰/۱۷۸
مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی	انجمن حسابداری ایران	حسابداری و زیر شاخه‌ها	۱۳	۰/۰۳۵
مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری	دانشگاه الزهراء (س)	حسابداری و زیر شاخه‌ها	۱۳	۰/۰۳۵
مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی	دانشگاه علامه طباطبایی	حسابداری مالی	۸	۰/۰۲۱
مجله پژوهش‌های حسابداری مالی	دانشگاه اصفهان	حسابداری مالی	۱۱	۰/۰۲۹
مجله پیشرفت‌های حسابداری	دانشگاه شیراز	حسابداری و زیر شاخه‌ها	۱۰	۰/۰۲۷
مجله چشم انداز حسابداری و مدیریت مالی	دانشگاه شهید بهشتی	حسابداری و زیر شاخه‌ها، مدیریت مالی	۶	۰/۰۱۶
مجله حسابداری سلامت	دانشگاه شیراز	حسابداری و زیر شاخه‌ها در حوزه سلامت	۲۲	۰/۰۵۹
مجله حسابداری مالی	دانشگاه آزاد واحد مبارکه	حسابداری مالی	۱۵	۰/۰۴۰
مجله دانش حسابداری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	حسابداری و زیر شاخه‌ها	۱۳	۰/۰۳۵
مجله دانش حسابداری مالی	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین	حسابداری مالی	۵	۰/۰۱۳
مجله دانش حسابرسی	دیوان محاسبات کشور	حسابرسی	۲۰	۰/۰۵۳
مجله دانش سرمایه‌گذاری	انجمن مهندسی مالی	حوزه مالی	۱	۰/۰۰۲
مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار	دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران	حوزه مالی	۱۰	۰/۰۲۷
مجله بورس و اوراق بهادار	سازمان بورس	حوزه مالی	۴	۰/۰۱۰
مجله تحقیقات مالی	دانشگاه تهران	حوزه مالی	۸	۰/۰۲۱
مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار	دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز	حوزه مالی	۴	۰/۰۱۰
پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی	دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز	حسابداری مالی، حسابرسی	۱۴	۰/۰۳۸
کل			۳۷۶	۱

## یافته‌های استنباطی

### مجله‌های تخصصی در برابر مجله‌های غیر تخصصی

مجله‌های حسابداری مدیریت و دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت در طبقه مجله‌های تخصصی و هیجده مجله دیگر در طبقه مجله‌های غیر تخصصی طبقه‌بندی شده‌اند. در مجموع در طی دوره پژوهش ۱۳۲ مقاله در مجله‌های تخصصی و ۲۴۴ مقاله دیگر در مجله‌های غیر تخصصی به چاپ رسیده است. در نگاره شماره ۵ پارادایم پژوهشی مجله‌های تخصصی و غیر تخصصی مورد مقایسه قرار گرفته است. این مقایسه در چهار حوزه موضوع، روش، بافت (محیط) و تئوری انجام شده است. یافته‌های استنباطی پژوهش در خصوص مقایسه اجزای پارادایم مجله‌های تخصصی و غیر تخصصی در نگاره شماره ۳ انعکاس یافته است.

#### نگاره (۳): نتایج مقایسه پارادایم مجله‌های تخصصی و غیر تخصصی

پارادایم	آماره کای دو	مقدار احتمال کای دو	مقدار احتمال دقیق فیشر	نتیجه آزمون
موضوعات	۶/۲۷۰	۰/۵۰۹	۰/۵۱۸	رد
روش‌ها	۱۱/۶۲۱	۰/۰۷۱	۰/۰۶۹	تایید
بافت و محیط	۵/۹۲۱	۰/۲۰۵	۰/۲۰۵	رد
تئوری‌ها	۱۹/۷۴۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	تایید

همانطور که نتایج موجود در نگاره ۳ نشان می‌دهد در سطح خطای ۱۰ درصد هیچ‌گونه تفاوت معناداری بین موضوعات و بافت پژوهشی در دو دسته مجله‌های تخصصی و غیر تخصصی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد، در حالی که این تفاوت در ارتباط با روش‌ها و تئوری‌های پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### مجله‌های حرفه‌ای در برابر مجله‌های دانشگاهی

مجله‌های دانش حسابرسی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دانش سرمایه‌گذاری، بورس و اوراق بهادار و مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت متعلق به نهادهای حرفه‌ای و پانزده مجله دیگر متعلق به دانشگاه‌ها می‌باشد. در طی دوره پژوهش ۷۵ مقاله در مجله‌های حرفه‌ای و ۳۰۱ مقاله در مجله‌های دانشگاهی به چاپ رسیده است. در نگاره (۵) پارادایم

پژوهشی مجله‌های دانشگاهی در برابر مجله‌های حرفه‌ای در چهار حوزه موضوع، روش، بافت (محیط) و تئوری مقایسه شده است.

نتایج کلی آزمون مقایسه تفاوت در اجزای پارادایم پژوهشی مجله‌های حرفه‌ای در مقایسه با مجله‌های دانشگاهی در نگاره (۴) انعکاس یافته است.

#### نگاره (۴): نتایج مقایسه پارادایم‌های مجله‌های حرفه‌ای و دانشگاهی

پارادایم	آماره کای دو	مقدار احتمال کای دو	مقدار احتمال دقیق فیشر	نتیجه آزمون
موضوعات	۱۰/۰۰۲	۰/۱۸۸	۰/۱۸۲	رد
روش‌ها	۱۱/۹۲۸	۰/۰۶۴	۰/۰۶۲	تایید
بافت و محیط	۳/۴۰۰	۰/۴۹۳	۰/۴۹۵	رد
تئوری‌ها	۱۳/۵۰	۰/۰۶۱	۰/۰۶۰	تایید

نتایج آزمون‌های آماری منعکس در نگاره ۴ نشان می‌دهد در سطح خطای ۱۰ درصد وجود تفاوت معنادار در روش‌های پژوهش و تئوری‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد در حالی که این تفاوت در ارتباط با موضوعات و بافت پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

#### نگاره (۵): بررسی و مقایسه پارادایم مجله‌های تخصصی با مجله‌های غیر تخصصی و مجله‌های

##### دانشگاهی با مجله‌های حرفه‌ای

کد- نگاره ۱	کل	مجله‌های تخصصی		مجله‌های غیر تخصصی		مجله‌های حرفه‌ای		مجله‌های دانشگاهی	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
پانل الف: موضوعات									
۱	۱۸۸	۶۱	۰/۴۶	۱۲۷	۰/۵۲	۳۳	۰/۴۴	۱۵۵	۰/۵۱
۲	۷۱	۲۳	۰/۱۷	۴۸	۰/۲۰	۱۴	۰/۱۹	۵۷	۰/۱۹
۳	۳۱	۱۱	۰/۰۸	۲۰	۰/۰۹	۹	۰/۱۲	۲۲	۰/۰۷
۴	۶	۴	۰/۰۳	۲	۰/۰۰۸	۰	۰	۶	۰/۰۲
۵	۵۱	۲۱	۰/۱۶	۳۰	۰/۱۲۲	۱۲	۰/۱۶	۳۹	۰/۱۳
۶	۵	۲	۰/۰۲	۳	۰/۰۱	۰	۰	۵	۰/۰۲
۷	۱۴	۶	۰/۰۵	۸	۰/۰۳	۴	۰/۰۵	۱۰	۰/۰۳
۸	۱۰	۴	۰/۰۳	۶	۰/۰۲	۳	۰/۰۴	۷	۰/۰۳
کل	۳۷۶	۱۳۲	۱	۲۴۴	۱	۷۵	۱	۳۰۱	۱

پانل ب: روش‌ها									
۱	۲۲	۸	۰/۰۶	۱۴	۰/۰۶	۴	۰/۰۵	۱۸	۰/۰۶
۲	۱۳۴	۴۳	۰/۳۲	۹۱	۰/۳۷	۳۰	۰/۴۰	۱۰۴	۰/۳۵
۳	۴۹	۸	۰/۰۶	۴۱	۰/۱۷	۱۰	۰/۱۳	۳۹	۰/۱۳
۴	۵۱	۲۳	۰/۱۷	۲۸	۰/۱۱	۹	۰/۱۲	۴۲	۰/۱۴
۵	۲۱	۱۱	۰/۰۹	۱۰	۰/۰۴	۱	۰/۰۱	۲۰	۰/۰۷
۶	۸۸	۳۵	۰/۲۷	۵۳	۰/۲۲	۱۶	۰/۲۲	۷۲	۰/۲۳
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹	۱۱	۴	۰/۰۳	۷	۰/۰۳	۵	۰/۰۷	۶	۰/۰۲
کل	۳۷۶	۱۳۲	۱	۲۴۴	۱	۷۵	۱	۳۰۱	۱
پانل ج: وضعیت و بافت									
۱	۱۰۴	۳۸	۰/۲۹	۶۶	۰/۲۷	۱۵	۰/۲۰	۸۹	۰/۳۰
۲	۱۵۵	۴۹	۰/۳۷	۱۰۶	۰/۴۳	۴۰	۰/۵۳	۱۱۵	۰/۳۸
۳	۴۹	۲۴	۰/۱۸	۲۵	۰/۱۰	۹	۰/۱۲	۴۰	۰/۱۳
۴	۶۱	۱۸	۰/۱۴	۴۳	۰/۱۷	۹	۰/۱۲	۵۲	۰/۱۷
۵	۷	۳	۰/۰۲	۴	۰/۰۳	۲	۰/۰۳	۵	۰/۰۲
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کل	۳۷۶	۱۳۲	۱	۲۴۴	۱	۷۵	۱	۳۰۱	۱
پانل د: تئوری‌ها									
۱	۱۵۳	۵۰	۰/۳۸	۱۰۳	۰/۴۲	۳۰	۰/۴۰	۱۲۳	۰/۴۱
۲	۲۲	۶	۰/۰۵	۱۶	۰/۰۶	۵	۰/۰۷	۱۷	۰/۰۵
۳	۲۶	۱۴	۰/۱۱	۱۲	۰/۰۵	۶	۰/۰۸	۲۰	۰/۰۷
۴	۴۶	۱۵	۰/۱۱	۳۱	۰/۱۳	۱۶	۰/۲۱	۳۰	۰/۱۰
۵	۷	۳	۰/۰۲	۴	۰/۰۲	۱	۰/۰۱	۶	۰/۰۲
۶	۱۰۴	۳۲	۰/۲۴	۷۲	۰/۳۰	۱۷	۰/۲۳	۸۷	۰/۲۹
۷	۱۴	۸	۰/۰۶	۶	۰/۰۲	۰	۰	۱۴	۰/۰۵
۸	۴	۴	۰/۰۳	۰	۰	۰	۰	۴	۰/۰۱
کل	۳۷۶	۱۳۲	۱	۲۴۴	۱	۷۵	۱	۳۰۱	۱

### مقایسه پارادایم پژوهشی دو دوره فرعی پژوهش

در دوره فرعی اول ۵۷ مقاله در حوزه حسابداری مدیریت در مجله‌های غیر تخصصی به چاپ رسیده است. در دوره دوم پژوهش، پس از انتشار مجله حسابداری مدیریت نیز ۳۱۹ مقاله در مجله‌های تخصصی و غیر تخصصی منتشر شده است. در نگاره (۸) پارادایم پژوهشی مقاله‌های چاپ شده در دو دوره فرعی قبل از ظهور و بعد از ظهور مجله تخصصی حسابداری مدیریت مورد مقایسه قرار گرفته است. این مقایسه در چهار حوزه موضوع، روش، بافت (محیط) و تئوری انجام شده است.

نتایج کلی آزمون مقایسه تفاوت در اجزای پارادایم پژوهشی در دوره قبل و بعد از ظهور مجله حسابداری مدیریت در نگاره (۶) انعکاس یافته است.

#### نگاره (۶): نتایج مقایسه پارادایم مقاله‌های قبل و بعد از ظهور مجله حسابداری مدیریت

پارادایم	آماره کای دو	مقدار احتمال کای دو	مقدار احتمال دقیق فیشر	نتیجه آزمون
موضوعات	۸/۸۹۹	۰/۲۶۰	۰/۲۴۷	رد
روش‌ها	۸/۲۱۶	۰/۲۲۳	۰/۲۲۰	رد
بافت و محیط	۱/۳۳۵	۰/۸۵۵	۰/۸۶۰	رد
تئوری‌ها	۷/۱۴۳	۰/۴۱۴	۰/۴۰۷	رد

بر اساس یافته‌های نگاره ۶، نتایج آزمون‌های پژوهش در هیچ یک از سطوح اجزای پارادایم، تفاوت معناداری بین دوره فرعی اول و دوره فرعی دوم پژوهش را تأیید نمی‌کنند.

### مقایسه پارادایم مجله‌های تخصصی

یکی دیگر از اهداف پژوهش بررسی و مقایسه پارادایم مقاله‌های حسابداری مدیریت در دو مجله تخصصی است. در حوزه حسابداری مدیریت، ۳۷ مقاله در مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت و ۹۵ مقاله در مجله حسابداری مدیریت به چاپ رسیده است. نتایج مقایسه پارادایم پژوهشی مقاله‌های چاپ شده در دو مجله تخصصی در چهار حوزه موضوع، روش، بافت (محیط) و تئوری در نگاره (۸) انعکاس یافته است.

نتایج مقایسه تفاوت در اجزای پارادایم مقاله‌های پژوهشی حسابداری مدیریت، چاپ شده در مجله‌های تخصصی نیز در نگاره (۷) منعکس گردیده است.



## نگاره (۷): نتایج مقایسه پارادایم مجله‌های تخصصی حسابداری مدیریت

نتیجه آزمون	مقدار احتمال دقیق فیشر	مقدار احتمال کای دو	آماره کای دو	پارادایم
رد	۰/۷۷۶	۰/۷۴۵	۴/۲۹۸	موضوعات
رد	۰/۱۴۳	۰/۱۴۶	۹/۵۳۰	روش‌ها
تایید	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹	۱۱/۷۶۶	بافت و محیط
تایید	۰/۰۷۰	۰/۰۷۶	۱۲/۸۵۲	تئوری‌ها

یافته‌های استنباطی پژوهش منعکس در نگاره ۷ نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین بافت و تئوری مقاله‌های چاپ شده در دو مجله تخصصی حسابداری مدیریت مورد تأیید قرار می‌گیرد، حال آنکه این تفاوت در ارتباط با موضوعات و روش‌های پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

## نگاره (۸): بررسی و مقایسه پارادایم پژوهشی مجله‌های تخصصی و مقایسه پارادایم پژوهشی

## قبل و بعد از ظهور مجله حسابداری مدیریت

کد- نگاره ۱	کل	قبل از ظهور مجله حسابداری مدیریت		بعد از ظهور مجله حسابداری مدیریت		مجله حسابداری مدیریت		مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
پانل الف: موضوعات									
۱	۱۸۸	۲۳	۰/۴۰	۱۶۵	۰/۵۲	۴۲	۰/۴۴	۱۹	۰/۵۲
۲	۷۱	۸	۰/۱۴	۶۳	۰/۱۹	۱۷	۰/۱۸	۶	۰/۱۶
۳	۳۱	۸	۰/۱۴	۲۳	۰/۰۸	۹	۰/۱۰	۲	۰/۰۵
۴	۶	۲	۰/۰۳۵	۴	۰/۰۱	۴	۰/۰۴	۰	۰
۵	۵۱	۹	۰/۱۵۵	۴۲	۰/۱۳	۱۴	۰/۱۵	۷	۰/۱۹
۶	۵	۲	۰/۰۳۵	۳	۰/۰۱	۲	۰/۰۲	۰	۰
۷	۱۴	۲	۰/۰۳۵	۱۲	۰/۰۴	۴	۰/۰۴	۲	۰/۰۵
۸	۱۰	۳	۰/۰۶	۷	۰/۰۲	۳	۰/۰۳	۱	۰/۰۳
کل	۳۷۶	۵۷	۱	۳۱۹	۱	۹۵	۱	۳۷	۱
پانل ب: روش‌ها									
۱	۲۲	۴	۰/۰۷	۱۸	۰/۰۶	۶	۰/۰۶	۲	۰/۰۵
۲	۱۳۴	۱۶	۰/۲۸	۱۱۸	۰/۳۶	۲۵	۰/۲۶	۱۸	۰/۴۹
۳	۴۹	۴	۰/۰۷	۴۵	۰/۱۴	۷	۰/۰۸	۱	۰/۰۳
۴	۵۱	۷	۰/۱۲	۴۴	۰/۱۴	۱۸	۰/۱۹	۵	۰/۱۳
۵	۲۱	۷	۰/۱۲	۱۴	۰/۰۴	۱۰	۰/۱۱	۱	۰/۰۳
۶	۸۸	۱۶	۰/۲۸	۷۲	۰/۲۳	۲۷	۰/۲۸	۸	۰/۲۲

۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹	۱۱	۳	۰/۰۶	۸	۰/۰۳	۲	۰/۰۲	۲	۰/۰۵
کل	۳۷۶	۵۷	۱	۳۱۹	۱	۹۵	۱	۳۷	۱
پانل ج: وضعیت و بافت									
۱	۱۰۴	۱۸	۰/۳۲	۸۶	۰/۲۷	۲۹	۰/۳۰	۹	۰/۲۳
۲	۱۵۵	۲۲	۰/۳۸۵	۱۳۳	۰/۴۱	۲۸	۰/۳۰	۲۱	۰/۵۶
۳	۴۹	۷	۰/۱۲	۴۲	۰/۱۳	۲۱	۰/۲۲	۳	۰/۰۹
۴	۶۱	۸	۰/۱۴	۵۳	۰/۱۷	۱۵	۰/۱۶	۳	۰/۰۹
۵	۷	۲	۰/۰۳۵	۵	۰/۰۲	۲	۰/۰۲	۱	۰/۰۳
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کل	۳۷۶	۵۷	۱	۳۱۹	۱	۹۵	۱	۳۷	۱
پانل د: تنوری‌ها									
۱	۱۵۳	۲۲	۰/۳۸۵	۱۳۱	۰/۴۱	۳۴	۰/۳۶	۱۶	۰/۴۳
۲	۲۲	۲	۰/۰۳۵	۲۰	۰/۰۷	۴	۰/۰۴	۲	۰/۰۵
۳	۲۶	۵	۰/۰۹	۲۱	۰/۰۷	۱۱	۰/۱۲	۳	۰/۰۹
۴	۴۶	۹	۰/۱۵۵	۳۷	۰/۱۲	۸	۰/۰۹	۷	۰/۱۹
۵	۷	۲	۰/۰۳۵	۵	۰/۰۱	۳	۰/۰۳	۰	۰
۶	۱۰۴	۱۳	۰/۲۳	۹۱	۰/۲۸	۲۴	۰/۲۵	۸	۰/۲۱
۷	۱۴	۴	۰/۰۷	۱۰	۰/۰۳	۷	۰/۰۷	۱	۰/۰۳
۸	۴	۰	۰	۴	۰/۰۱	۴	۰/۰۴	۰	۰
کل	۳۷۶	۵۷	۱	۳۱۹	۱	۹۵	۱	۳۷	۱

### بررسی تطبیقی با سایر یافته‌های پژوهشی

بررسی تطبیقی یافته‌های پژوهش جاری و یافته‌های چن و همکاران (۲۰۱۲) در نگاره (۹)

ارائه شده است.

## تکانه (۹): بررسی تطبیقی یافته‌های پژوهش جاری و چین و همکاران (۲۰۱۲)

بررسی تفاوت در مقاله‌های چاپ شده (مجله‌های تخصصی در مقایسه با مجله‌های غیر تخصصی)						
پژوهش جاری		چین و همکاران (۲۰۱۲)				
فراوانی مقاله‌ها		نتیجه	فراوانی مقاله‌ها		نتیجه	اجزای پارادایم
غیر تخصصی	تخصصی		غیر تخصصی	تخصصی		
۲۴۴	۱۳۲	رد تفاوت	۲۱۲	۳۶۸	تائید تفاوت	موضوع
۲۴۴	۱۳۲	تائید تفاوت	۲۱۲	۳۶۸	تائید تفاوت	روش
۲۴۴	۱۳۲	رد تفاوت	۲۱۲	۳۶۸	رد تفاوت	باقت
۲۴۴	۱۳۲	تائید تفاوت	۲۱۲	۳۶۸	تائید تفاوت	تئوری
تفاوت در مقاله‌های چاپ شده در دوره‌های فرعی اول و دوم پژوهش (قبل و بعد از ظهور مجله‌های تخصصی)						
پژوهش جاری		چین و همکاران (۲۰۱۲)				
فراوانی مقاله‌ها		نتیجه	فراوانی مقاله‌ها		نتیجه	اجزای پارادایم
دوره دوم	دوره اول		دوره دوم	دوره اول		
۳۱۹	۵۷	رد تفاوت	۳۰۳	۲۷۷	رد تفاوت	موضوع
۳۱۹	۵۷	رد تفاوت	۳۰۳	۲۷۷	رد تفاوت	روش
۳۱۹	۵۷	رد تفاوت	۳۰۳	۲۷۷	تائید تفاوت	باقت
۳۱۹	۵۷	رد تفاوت	۳۰۳	۲۷۷	تائید تفاوت	تئوری

همانطور که ملاحظه می‌گردد نمونه مورد بررسی در مطالعه چین و همکاران (۲۰۱۲) ۳۶۸ مقاله در مجله‌های تخصصی و ۲۱۲ مقاله در مجله‌های غیر تخصصی بوده است. این پژوهشگران وجود تفاوت معنادار در موضوع، روش و تئوری را در پژوهش‌های حسابداری مدیریت در دو دسته از مجله‌های تخصصی و غیر تخصصی مورد تائید قرار می‌دهند. در پژوهش جاری ۱۳۲ مقاله در مجله‌های تخصصی و ۲۴۴ مقاله در مجله‌های غیر تخصصی به چاپ رسیده و نتایج پژوهش وجود تفاوت معناداری در روش‌ها و تئوری‌های پژوهش را مورد تائید قرار می‌دهد. در مطالعه چین و همکاران (۲۰۱۲) ۲۷۷ مقاله در دوره قبل از ظهور مجله‌های تخصصی و ۳۰۳ مقاله در دوره بعدی به چاپ رسیده و نتایج، وجود تفاوت معنادار در موضوع و روش‌های پژوهشی حسابداری مدیریت را در دو دوره فرعی مورد تائید قرار نمی‌دهند. در حالی که در پژوهش جاری ۵۷ مقاله در دوره قبل از ظهور مجله تخصصی و ۳۱۹ مقاله در دوره بعدی به چاپ رسیده و نتایج نیز از عدم وجود تفاوت معنادار در اجزای پارادایم، در دو دوره فرعی حمایت می‌کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش جاری به تحلیل پارادایم مقاله‌های حسابداری مدیریت در چهار حوزه موضوع، روش، بافت و تئوری پرداخته شد. اولین نتیجه این پژوهش بیانگر این است که مقاله‌های حسابداری مدیریت چاپ شده در مجله‌های تخصصی به لحاظ روش پژوهش و تئوری مورد استفاده تفاوت معناداری با مجله‌های غیر تخصصی دارند، این در حالی است که این تفاوت به لحاظ موضوع‌ها و بافت پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. با توجه به اینکه بخش قابل ملاحظه‌ای از مقاله‌های مجله‌های غیر تخصصی قدمت طولانی‌تری نسبت به مقاله‌های تخصصی چاپ شده در چند سال اخیر دارند، بنظر می‌رسد تغییر نسبی تأکید پژوهشگران از تئوری‌های اقتصادی و مالی صرف به تئوری‌های رفتاری و روانشناسی و همچنین تغییر نسبی از تأکید بر روش‌های تحلیلی و پیمایشی صرف به آرشیوی کتابخانه‌ای و نیمه تجربی در سالهای بعد از ظهور مجله‌های تخصصی، مبین این تفاوت باشد. بنابراین نتایج از این بحث حمایت می‌کند که مجلات تخصصی در مجموع ابعاد خاصی از تنوع را به روش‌های پژوهش و تئوری‌های مورد استفاده افزوده‌اند. دومین نتیجه این پژوهش بیانگر این است که تفاوت معناداری بین هیچ یک از اجزای پارادایم مقاله‌های چاپ شده حسابداری مدیریت در چهار حوزه موضوع، روش، بافت و تئوری در دوره اول و دوم پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد ظهور مجله تخصصی حسابداری مدیریت در مجموع توانسته است ابعاد خاصی از کیفیت را به پارادایم حوزه پژوهشی حسابداری مدیریت اضافه کند. طولانی‌تر بودن دوره فرعی اول در مقایسه با دوره فرعی دوم و تفاوت قابل ملاحظه در فراوانی مقاله‌های چاپ شده حسابداری مدیریت در دوره فرعی دوم نسبت به دوره فرعی اول، عواملی هستند که می‌توانند نتایج بدست آمده را در این قسمت از پژوهش تحت تأثیر قرار دهند. سومین نتیجه این پژوهش بیانگر این است که مقاله‌های حسابداری مدیریت چاپ شده در مجله‌های حرفه‌ای به لحاظ روش پژوهش و تئوری مورد استفاده تفاوت معناداری با مجله‌های دانشگاهی دارد، این در حالی است که این تفاوت به لحاظ موضوع و بافت پژوهش معنادار نیست. هر چند تشریح دلایل اساسی این قبیل تفاوتها مشکل است، اما یک دلیل این است که این تفاوتها ممکن است از ترجیحاتی ناشی شود که مولفین بر اساس علایق تحقیقاتی و آموزش‌های نظری خود دارند. یک دلیل دیگر در این زمینه می‌تواند تمرکز واضح یا ضمنی هیات تحریریه

مجلات در پذیرش پژوهشهایی با روش‌ها و تئوری‌های خاص باشد. سازگار با خط مشی‌های هیات تحریریه و استراتژی‌های آنها، مجلات دانش‌گاهی نسبت به مجلات حرفه‌ای انعطاف‌پذیرتر به نظر می‌رسند. چهارمین نتیجه پژوهش بیانگر این است که تفاوت معناداری به لحاظ تئوری و بافت پژوهش بین دو مجله تخصصی حسابداری مدیریت تأیید می‌گردد، در حالی که این تفاوت به لحاظ موضوع و روش‌های پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. نتایج از این بحث حمایت می‌کند که ظهور دومین مجله تخصصی در حوزه حسابداری مدیریت، توانسته است ابعاد خاصی از تنوع را به تئوری و بافت پژوهش‌های تخصصی حوزه حسابداری مدیریت افزوده کند.

یکی از مهمترین محدودیت‌های پژوهش جاری این است که در طبقه‌بندی مقاله‌ها، در حوزه‌های فرعی هر بخش از پارادایم، ممکن است هم‌پوشانی رخ دهد. از طرفی دیگر توافق چندان روشنی بین پژوهشگران و صاحب‌نظران در خصوص حوزه‌های اصلی پارادایم و ریز اجزای هر حوزه فرعی از پارادایم وجود ندارد.

### پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به گستردگی موضوعات حوزه حسابداری مدیریت و پژوهش‌های فراوان انجام شده و اندک بودن مجله‌های تخصصی این حوزه، به هیات تحریریه این مجله‌ها پیشنهاد می‌گردد صرفاً مقاله‌های تخصصی این حوزه را پذیرش و انتشار دهند.
۲. بررسی‌ها نشان می‌دهد مجله‌های علمی پژوهشی اقدام به پذیرش و چاپ مقاله‌هایی نموده‌اند که طبق سند راهبردی خود و مجوزهای وزارت علوم خارج از قلمرو موضوعی شان می‌باشد. به هیات تحریریه مجله‌ها پیشنهاد می‌گردد جهت جلوگیری از تداخل موضوعی و کمک به دانش‌افزایی بهتر حوزه‌های تخصصی خود، تنها مقاله‌های مرتبط با قلمرو موضوعی خود را پذیرش و چاپ نمایند.

۳. با توجه به نتایج بررسی‌ها و اندک بودن پژوهش‌های انجام شده مبتنی بر روش‌ها و تئوری‌های چندگانه، به پژوهشگران توصیه می‌شود به انجام پژوهش‌های مبتنی بر روش‌ها و تئوری‌های چندگانه (بین رشته‌ای) مبادرت نمایند.

### منابع

- Chen, nen; hwang, richard and wu, donghui (2012). Has the emergence of the specialized journals affected management accounting research paradigms? *Advances in management accounting*, edited by Epstein, Marc J and Lee, John Y vol 15 pp 164- 189; *published by Elsevier*.
- DianatiDilami, Zahra; Bordbar, Raziye (2013). Comparative study of accounting research methodology inside and outside of Iran. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge* 2 (7) , 1-14. In Persian.
- Eatemadi, hosein; hesarzadeh, reza and bazrafshan, ameneh. (2012). A Review of Iranian and Australian Management Accounting Researches. *Management Accounting Journal* 5 (14) , 37-48. In Persian.
- Geramirad, Fatemeh; Mohamadi, Mahdi and Sarlak, Narges. (2014). Content analysis of scientific journals of accounting and financial published between 2009-2012. *Management Accounting Journal* 7 (23) , 105-122. In Persian.
- Kuhn, s, thomas (1970). *The Structure of Scientific Revolutions*, second edition. *University of Chicago Press*
- Namazi, mohammad; Nazemi, amin. (2005). Analytical review of research in Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*. 9 (19) , 135-166. In Persian.
- Rahnamay roodposhti, fereydoon; Vakilifard, hamidreza; Banitalebi dehkordi, bahareh and Kavyan, Maryam. (2014). Thematic analysis of scientific publications - Research Journal of Finance and Accounting Finance in Iran and comparison with panel data model. *Financial Knowledge of Securities Analysis* 7 (21) , 71-86. In Persian.
- Rahnamay roodposhti, fereydoon; Banitalebi dehkordi, bahareh and Kavyan, Maryam. (2012). Content analysis of publications Rated - Scientific research in the field of accounting in Iran. *Management Accounting Journal* 5 (15) , 121-134. In Persian.
- Riahi Bbelkaoui, ahmed (1993). *Accounting theory*. third edition. *University of illinoist at chicago*,
- Ritzer, George (1975). Sociology: a Multiple –paradigme science, *The American sociologist*. (August 1975) Pp.156-171
- Saei, Mohammad Javad; Lari Dashtbayaz, Mahmoud and Fateh Goush, Hossein. (2015). A review and content analyzing of Iranian auditing

- research: Two recent decades. *The Iranian Accounting and Auditing Review*. 2 (22) , 203-220. In Persian.
- Sarmad, zohre; Bazargan, abbas and Hejazi, elahe. (1997). Research methods in the behavioral sciences. Tehran, *Agah Publication*, p 77. In Persian.
- Shahkar, gholamhosein. (2004). Discrete multivariate methods. Tehran, *Payamnoor Publication*. In Persian.
- Shields, M. D., (1997) , Research inmanagement accounting by NorthAmericans in the 1990s, *Journal of Management Accounting Research* 9, 3-61





## بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود

مسعود حسنی القار\*، محمد مرفوع\*\*

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۵

### چکیده

سیاست تقسیم سود و عوامل تأثیرگذار بر آن، از موضوعات بااهمیتی است که در ادبیات مالی مدرن به طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. محققان در اغلب این پژوهش‌ها به برخی از ویژگی‌های شرکت اشاره کرده‌اند. نتایج پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد یکی از عوامل تعیین‌کننده سیاست تقسیم سود، "توانایی مدیریت" است. در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌هاست که به عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود. برخی محققان توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود است. جامعه آماری پژوهش را ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد. سنجه توانایی مدیریت، بخشی از کارایی شرکت است که تحت تأثیر عوامل ذاتی شرکت قرار نمی‌گیرد. به منظور محاسبه و تحلیل اطلاعات توانایی مدیران از مدل ارائه شده توسط دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲، ۲۰۱۳) استفاده شده است. آزمون فرضیه پژوهش نیز با استفاده از روش‌های آماری رگرسیون خطی چند متغیره و الگوی تحلیل پوششی داده‌ها صورت گرفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد توانایی مدیریت تأثیر مثبت معناداری بر تقسیم سود شرکت دارد. به عبارت دیگر، مدیران توانا تر سود تقسیمی بیشتری را پرداخت می‌کنند. بر اساس بررسی‌های بیشتر میزان جریان‌های نقدی بر سطح تقسیم سود شرکت تأثیرگذار است. تأثیرگذاری جریان‌های نقدی بر سطح تقسیم سود بیانگر وجود حساسیت سود تقسیمی نسبت به جریان‌های نقدی است.

**واژه‌های کلیدی:** توانایی مدیریت، سیاست تقسیم سود، کارایی شرکت، جریان‌های نقدی و فرصت‌های

رشد.

طبقه بندی موضوعی: G34, G35

کد DOI: 10.22051/jera.2017.12065.1462

\* مربی گروه حسابداری دانشگاه بزرگمهر قانات، قائن، نویسنده مسئول (acc.hasani@gmail.com)

\*\* استادیار گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، (marfoua@gmail.com)

## مقدمه

سیاست تقسیم سود یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در ادبیات مالی مدرن به طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته است؛ چرا که عدم قطعیت نظریه‌هایی که در زمینه درک اهمیت سیاست تقسیم سود در تعیین ارزش شرکت مطرح شدند، آن را به یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات پژوهش تبدیل کرده است (افزا و حسن میرزا، ۲۰۱۰).

می‌توان ریشه این بحث را در مطالعه مودیلیانی و میلر (۱۹۶۱) دانست؛ زیرا آنها باور رایج در زمینه تأثیر تقسیم سود بر افزایش ارزش شرکت را به چالش کشیده و معتقد بودند که در بازار سرمایه کارا، سیاست تقسیم سود شرکت نمی‌تواند ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار دهد (افزا و حسن میرزا، ۲۰۱۰). در مقابل محققانی چون لیتنر (۱۹۶۲) و گوردن (۱۹۶۳) در حمایت از نظریه پرنده در دست، معتقد بودند که در محیطی با عدم قطعیت و اطلاعات ناقص، پرداخت بیشتر سود سهام موجب افزایش ارزش شرکت می‌شود. در حال حاضر این بحث منجر به شکل‌گیری ادبیات مالی گسترده‌ای شده است، اما به نظر می‌رسد که محققان نتوانسته‌اند به نتیجه واحدی در این زمینه دست یابند و تنها موضوعی که بر سر آن یک اجماع کلی وجود دارد، اینکه هیچ عاملی به تنهایی نمی‌تواند رفتار تقسیم سود را توضیح دهد (افزا و حسن میرزا، ۲۰۱۰؛ کامیابی و همکاران، ۱۳۹۳). در اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود صورت گرفته، تأکید بر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بوده است؛ این در حالی است که پژوهش‌های اخیر ویژگی‌های شخصیتی مدیران را به عنوان یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده سیاست تقسیم سود بررسی می‌کند (جیرا پرن و همکاران، ۲۰۱۵). نتایج پژوهش‌های پیشین (جیرا پرن و همکاران، ۲۰۱۵) نشان می‌دهد یکی از عوامل تأثیرگذار بر سیاست تقسیم سود، مفهوم توانایی مدیریت است.

امروزه، دارایی نامشهود به منبعی نیرومند برای بهبود عملکرد کسب و کارها تبدیل شده است. استاندارد شماره ۱۷ حسابداری ایران، دارایی نامشهود را به عنوان یک دارایی پولی قابل تشخیص بدون وجود فیزیکی تعریف می‌کند که برای استفاده در تولید یا عرضه کالاها و خدمات یا اجاره به سایرین و یا برای سایر مقاصد اداری نگهداری می‌شود. دارایی نامشهود را به سه دسته می‌توان تقسیم‌بندی نمود (بلیر و والمن، ۲۰۰۰):

۱) آن دسته از دارایی‌های نامشهود که شرکت به طور شفاف دارای حق مالکیت آنها بوده و دارای بازار خرید و فروش می‌باشند. ۲) دارایی‌های نامشهودی که تحت کنترل شرکت هستند، اما تعریف درستی از آنها در دست نیست و ممکن است حق مالکیت قانونی برای آنها وجود نداشته باشد. همچنین برای آنها یا بازاری وجود ندارد و یا دارای بازار غیرفعال و ضعیف هستند. مخارج تحقیق و توسعه، سیستم‌های مدیریت اموال و فرآیندهای تجاری نمونه‌هایی از این قبیل دارایی‌هاست. ۳) دارایی‌های نامشهودی که شرکت کنترل کمی بر آنها دارد و بازار فعال برای آنها وجود ندارد. این دارایی‌ها به نیروی انسانی شرکت مربوط می‌باشند (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴). یکی از سرمایه‌های انسانی، که نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و خلق ثروت برای سهامداران را دارد، مدیران شرکت‌های تجاری هستند. اطلاعات مرتبط با قابلیت مدیران شرکت‌ها، از قبیل توانایی آنها در استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تأمین منابع، تخصیص بهینه منابع، و دانش و تجربه آنها، یکی از ابعاد مهم و ارزشمند دارایی‌های نامشهود شرکت‌های تجاری محسوب می‌شوند (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴). مدیران باید تصمیم بگیرند چه مقدار از سود را به منزله سود تقسیمی بین سهامداران توزیع کنند و چه مقدار از آن را دوباره در قالب سود انباشته در شرکت سرمایه‌گذاری کنند؛ این تصمیم فرصت‌های رشد شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که تغییرات غیرمنتظره در سود تقسیمی، حاوی اطلاعاتی درباره درآمدها و سایر عوامل مهم شرکت است و به تغییر قیمت سهام منجر می‌شود، این تصمیم اهمیت زیادی دارد (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳).

با توجه به موارد یاد شده، سؤال اصلی که این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ آن می‌باشد، این است که آیا بین توانایی مدیریت و سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود رابطه معنادار، نوع رابطه چگونه می‌باشد؟ در پژوهش حاضر سعی بر آن است که تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود مورد آزمون تجربی قرار گیرد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

میلر و مودیلیانی (۱۹۶۱) در نظریه معروف خود با نام نامربوطی سود تقسیمی ادعا نمودند که در شرایط بازار کامل، تقسیم سود تأثیری بر ارزش شرکت نداشته و در تصمیم‌گیری‌ها عاملی

نامربوط است. با این حال ادعای ایشان به شرط برقراری چندین فرض شامل موارد زیر بوده است: (۱) عدم وجود مالیات، (۲) عدم وجود هزینه‌های معاملات، (۳) عدم تأثیر اهرم مالی بر هزینه سرمایه، (۴) تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران در رابطه با شرایط مورد انتظار آتی شرکت و (۵) عدم تأثیر چگونگی تخصیص سود خالص بین سود تقسیمی و سود انباشته بر هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت (جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵؛ فونگ و همکاران، ۲۰۰۷).

اگر چه تئوری ایشان هر چند با مفروضاتی دور از واقعیت راه را برای شکل‌گیری بسیاری از تئوری‌های مالی باز نموده، لیکن به منظور امکان درک و تشریح آنچه در واقع اتفاق می‌افتد، لازم است مسأله تقسیم سود در شرایطی خارج از مفروضات فوق نیز بررسی گردد. در این راستا بسیاری از پژوهشگران به تشریح سیاست تقسیم سود در شرایط کامل نبودن بازار که یک یا چند مورد از مفروضات پیش گفته برقرار نیست پرداخته و بر این اساس تئوری‌های مختلفی در رابطه با سیاست تقسیم سود ارائه کرده‌اند. برای مثال، با کنارگذاری یکی از مفروضات میلر و مودیلیانی (۱۹۶۱)، در شرایطی که بازار کامل نباشد، عدم تقارن اطلاعاتی به وجود خواهد آمد که خود منشأ شکل‌گیری تئوری‌های علامت‌دهی و نمایندگی در تشریح سیاست تقسیم سود است (اعتمادی و اسماعیلی کجانی، ۱۳۹۵). مالی رفتاری و مصادیق عمده آن، از دیگر نواقص عمده بازار است که بر رخداد نظام‌مند خطای تصمیم‌گیری مدیران و سرمایه‌گذاران متمرکز است. یکی از این مصادیق، مفهوم توانایی مدیریت است. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد توانایی مدیریت یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر سیاست تقسیم سود است (جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵).

در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌هاست که به عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود. به عنوان مثال دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲، ۲۰۱۳) توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت می‌شود (دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲). توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت شود، خصوصاً در دوره‌های بحرانی عملیات، که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد.

افزون بر آن، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌روست، مدیران توانا تر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳). سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در پروژه‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارکنان نیز از ویژگی‌های مدیران توانمند است. در نتیجه در کوتاه‌مدت انتظار می‌رود، مدیران توانا تر بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند، یا با استفاده از منابع کمتر، به سطح معینی از درآمد دست یابند (دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲). و بالعکس، تصمیمات ضعیف و مهارت پایین مدیریت در رهبری می‌تواند شرکت را به سمت ورشکستگی سوق دهد. همچنین مدیران توانمندتر دانش و آگاهی بیشتری در ارتباط با مشتریان و شرایط کلان اقتصادی دارند و قادرند درک بهتری در ارتباط با استانداردهای پیچیده‌تر داشته و آنها را به درستی اجرا کنند (دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۳). این مدیران قادر به انجام قضاوت صحیح و همچنین انجام پیش‌بینی‌های دقیق نسبت به سایر افراد بوده و توانایی ترکیب بهتر اطلاعات را جهت انجام پیش‌بینی‌های قابل اعتمادتر، که منجر به گزارش‌های با کیفیت‌تر می‌شود، دارند (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴).

شاخه‌ای از نظریه‌های تقسیم سود، آن را از منظر رابطه نمایندگی بررسی نموده‌اند که در نتیجه جدایی منافع مدیریت و مالکیت در شرکت‌ها ایجاد شده و به تجزیه تحلیل تضاد منافع موجود بین طرف‌های رابطه نمایندگی که به اصطلاح به آن مسأله نمایندگی اطلاق می‌شود، می‌پردازد (باتاچاریا، ۲۰۰۷). فرض بنیادین این نظریه، عمل افراد در جهت حداکثر کردن منافع شخصی‌شان است و از آنجا که تابع مطلوبیت افراد لزوماً همیشه بر یکدیگر منطبق نیست، مدیران لزوماً همیشه در پی کسب حداکثر منافع برای مالکان نخواهند بود. در این رابطه جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) بیان نمودند که مدیران به واسطه کنترلی که در اختیار دارند، می‌توانند منافع شرکت را به فعالیت‌هایی اختصاص دهند که تنها در جهت منافع شخصی خودشان بوده و لزوماً حداکثر منافع مالکان را به همراه ندارد. طبق تئوری نمایندگی، مالکان با آگاهی از این تضاد منافع و احتمال بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه از سوی مدیریت با استفاده از یک سری ساز و کارهای راهبری شرکتی در صدد کاهش مشکلات نمایندگی و همسو نمودن منافع مدیران و مالکان برمی‌آیند (باتاچاریا، ۲۰۰۷؛ جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵).

جنسن (۱۹۸۶) بیان کرد، مدیران از انگیزه رشد شرکت تحت کنترل‌شان تا حدی بیش از اندازه بهینه برخوردارند، زیرا افزایش اندازه شرکت افزایش منابع تحت کنترل ایشان را به همراه داشته و در کنار ملاحظات شهرت باعث افزایش قدرت مانور آنها نیز می‌گردد. بنابراین انتظار می‌رود مدیران با استفاده از اختیارات خود در مقابل کاهش منابع تحت کنترل‌شان مقاومت نمایند. مسأله دیگر نیز این است که آیا تقسیم سود می‌تواند به حل مشکلات نمایندگی کمک کند یا خیر. طبق نظریه نمایندگی، یکی از ساز و کارهای کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران و مالکان تقسیم سود است (باتاچاریا، ۲۰۰۷؛ جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵؛ اعتمادی و اسماعیلی کجانی، ۱۳۹۵). در باب نقش تقسیم سود در کاهش مشکلات نمایندگی، نظریه‌های مختلفی شامل هزینه نمایندگی، فرضیه حداقل هزینه تقسیم سود، پاداش مدیریت و فرضیه‌های پیامدی و جانیشینی، مطرح شده‌اند.

به طور کلی دو فرضیه در خصوص تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود می‌تواند مطرح شود. نخست، از آنجا که مدیران با توانایی بیشتر می‌توانند به طور کاراتری عملیات روزانه شرکت را مدیریت و اداره کرده و نرخ بازده بالاتری را برای سهامداران و سرمایه‌گذاران به دست آورند، انتظار می‌رود به احتمال زیاد به منظور حفظ روند سودآوری شرکت به جای پرداخت سود سهام بیشتر به سرمایه‌گذاری مجدد آن اقدام نمایند. به عبارت دیگر پیش‌بینی می‌گردد مدیران با توانایی بالاتر، سود تقسیمی کمتری پرداخت نمایند (جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵). علاوه بر این، مدیران توانا تر ممکن است احتمال و بزرگی شوک‌های مثبت جریان‌های نقدی آتی حاصل از این پروژه‌ها را بیشتر برآورد کنند و در مقابل برآورد کمتری از شوک‌های منفی داشته باشند. ممکن است آنها بر این باور باشند که واحد تجاری تحت مدیریتشان در بازار سرمایه کمتر از واقع ارزش‌گذاری شده است و ترجیح دهند از منابع تأمین مالی خارج از سازمان کمتر استفاده کنند. به بیانی، انتظار می‌رود سود نقدی کمتری تقسیم کنند (ایشیکاوا و تاکاهاشی، ۲۰۱۰).

از سوی دیگر، فرضیه دوم بر این واقعیت منطبق است که بسیاری از شرکت‌ها تمایلی به کاهش سود نقدی پرداختی ندارند. بنابراین، مدیران توانا یا سود نقدی پرداخت نمی‌کنند و یا سود نقدی را افزایش نمی‌دهند، مگر اینکه آنها قویاً معتقد باشند که می‌توانند سطح یکسانی از سود نقدی پایدار را حفظ کنند. از این رو احتمال کمتری وجود دارد که شرکت‌های با مدیران

توانا پرداخت سود نقدی را متوقف کنند یا از قلم بیاندازند. مدیران توانا تر به دلیل اعتماد و اطمینانی که به توانایی‌های خود دارند، معتقدند که می‌توانند روند سودآوری شرکت را برای مدت طولانی حفظ کرده و احساس نگرانی کمتری پیرامون پرداخت سود نقدی و یا افزایش آن دارند. از این رو پیش‌بینی می‌گردد که توانایی مدیریت منجر به پرداخت سود نقدی بیشتری گردد (جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵). علاوه بر این، مطابق پژوهش‌های پیشین (نظیر دشماخ و همکاران، ۲۰۱۳؛ جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵) جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت عاملی تأثیرگذار بر پرداخت سود تقسیمی است. با افزایش جریان‌های نقدی عملیاتی، مدیران توانا تر نسبت به سایر مدیران جریان‌های نقدی عملیاتی آتی بیشتری برآورد می‌کنند. لذا به نظر می‌رسد رابطه مثبت قوی‌تری بین سود تقسیمی و جریان‌های عملیاتی در شرکت‌های با مدیران توانا تر وجود دارد.

کوستر و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، مدیران توانمند به دلیل درک بالایی که از محیط عملکردی شرکت‌ها دارند، می‌توانند تصمیمات تجاری را با استراتژی‌های مالیاتی همسو نمایند. آنها به شواهد قابل اعتمادی مبنی بر مشارکت مدیران توانمند در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی (که پرداخت مالیات نقدی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد) دست یافتند.

چن و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیران یکی از اجزای اصلی موفقیت در تصمیم‌گیری‌های نوآوری بوده و دارای ارتباط مثبتی با ارزش بازار شرکت هاست.

جیراپرن و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود پرداختند. نتایج پژوهش آنها بر اساس رسیدگی به نمونه‌ای متشکل از ۲۴,۰۰۰ شرکت - سال طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۱ نشان داد، شرکت‌های با مدیران توانا تر، سود سهام بیشتری پرداخت نمایند.

بنملای (۲۰۱۴) ارتباط سطح افشای مسئولیت اجتماعی با سیاست تقسیم سود را مورد سنجش قرار داد و یافته وی بیانگر وجود رابطه مثبت بود. علاوه بر این، وی به بررسی رابطه اجزای مسئولیت اجتماعی با سیاست تقسیم سود نیز پرداخت. نتایج وی بیانگر وجود رابطه

مثبت بین ابعاد راهبری شرکتی، محیط زیست، کارکنان، تنوع و جامعه با سیاست تقسیم سود بوده است.

مطابق نتایج پژوهش دشماخ و همکاران (۲۰۱۳)، مدیر بیش اطمینان جریان‌های نقدی آتی را بیش از واقع برآورد کرده و نسبت به سودآوری خود سوگیری رو به بالا دارد، لذا بر این باور است که واحد تجاری تحت مدیریتش در بازار سرمایه کمتر از واقع ارزش‌گذاری شده است و تأمین مالی برون سازمانی هزینه زیادی دارد. از سوی دیگر، چنین مدیری در پروژه‌های آتی بیش از حد سرمایه‌گذاری می‌کند؛ چون کیفیت پروژه‌های آتی را نسبت به مدیر منطقی بیش از واقع ارزیابی می‌کند و نیازهای سرمایه‌گذاری آتی را نیز با کاهش تقسیم سود تأمین مالی می‌کند.

آندرو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطه توانایی مدیریت و عملکرد شرکت در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ پرداختند. آنها با بررسی داده‌های مربوط به ۲۳۴۴ شرکت بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مستقیم دارد و در طول بحران ۲۰۰۸ مدیران تواناتر، منابع شرکت، بدهی‌ها و مخارج سرمایه‌ای را نسبت به مدیران دارای توانایی پایین‌تر، به صورت کاراتری مدیریت کرده‌اند.

دیمرجان و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که کیفیت سود شرکت‌ها، رابطه مثبت و معناداری با توانایی مدیریت آن شرکت دارد. مدیران تواناتر منجر به ایجاد درآمدهای بالاتر، کیفیت سود بیشتر، خطای کمتر در تأمین مالی نامناسب از طریق استقراض می‌شوند. مطابق نتایج پژوهش اتینگ و همکاران (۲۰۱۳)، شرکت‌هایی که به مرحله بلوغ رسیده‌اند، برای کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از وجوه نقد آزاد، مبادرت به سود تقسیمی بالاتری می‌نمایند. همچنین، شرکت‌های بالغ با مهارت‌های مدیریت بالا و منابع انبوه، به احتمال بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند. به بیان دیگر، از آنجایی که شرکت‌های قدیمی‌تر تجربه لازم برای عملکرد اجتماعی و همچنین دسترسی بیشتری به وجوه نقد آزاد دارند، نسبت به شرکت‌های جوان‌تر سود تقسیمی بالاتری پرداخت می‌کنند.

وو و لیو (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود پرداختند. آنها نشان دادند سیاست تقسیم سود مدیر بیش اطمینان با مدیر منطقی متفاوت بوده و چنین مدیرانی



تمایل دارند سود تقسیمی کمتری پرداخت کنند. بررسی‌های د شماخ و همکاران (۲۰۱۳) در این خصوص نشان داد، کاهش سود تقسیمی ناشی از بیش‌اطمینانی مدیران در شرکت‌های با رشد پایین‌تر، جریان‌های نقدی کمتر و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، بیشتر است.

دی‌آنجلو و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان نامربوط بودن نظریه بی‌ارتباطی سود تقسیمی، بیان می‌کنند میلر و مودیلیانی فرض نادرستی را مبنای پژوهش خود قرار دادند. آنها فرض کردند شرکت‌ها تمام وجوه نقد خود را برای پرداخت سود سهام صرف می‌کنند. بنابراین، نتیجه‌گیری که در پیامد این فرض حاصل می‌شود درست نیست؛ اما آنها پس از توضیح نواقص نظریه، نظریه چرخه عمر را مطرح کردند که بیان می‌کند شرکت‌ها بر اساس چرخه عمر خود سود پرداخت می‌نمایند.

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور نیز نشان می‌دهد تاکنون هیچ پژوهشی در رابطه با توانایی مدیریت و تأثیر آن بر سیاست تقسیم سود انجام نشده است. در ادامه به بعضی از پژوهش‌های داخلی مربوط اشاره می‌گردد.

فروغی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری و همچنین اثر کیفیت گزارشگری مالی بر شدت این رابطه پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که کیفیت گزارشگری مالی باعث کاهش تأثیر مثبت توانایی مدیریت بر سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود.

برزگر و غواصی‌کناری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی مطالعه ارتباط سطح افشای مسئولیت اجتماعی و سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بین سطح افشای مسئولیت اجتماعی با نسبت تقسیم سود، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، مدیران شرکت‌هایی که سطح بیشتری از مسئولیت اجتماعی را افشا می‌کنند، به منظور جلب رضایت و افزایش علاقه سهامداران، سود بیشتری را نیز بین آنان توزیع می‌نمایند.

سپاسی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر توانایی مدیریت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر انگیزه‌های فرصت‌طلبانه، دریافتند که فقط هنگامی بین توانایی مدیریت با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد که نوع رفتار فرصت‌طلبانه

باشد و در انواع مختلف رفتار غیر فرصت طلبانه (غیر فرصت طلبانه افزایشی و غیر فرصت طلبانه کاهش) رابطه معناداری وجود ندارد.

فرج زاده دهکردی و آقایی (۱۳۹۴) دریافتند شرکت هایی که سود تقسیم می کنند با احتمال کمتری مرتکب گزار شگری مالی متقلبانه می شوند. همچنین، سطح سود تقسیمی نیز رابطه ای منفی با گزار شگری مالی متقلبانه دارد. علاوه بر این، سود تقسیمی حاوی اطلاعاتی در خصوص کیفیت گزار شگری مالی شرکت، به ویژه انگیزه های تجدید ارائه صورت های مالی است.

ملکیان و سلمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه ساختار سرمایه و سیاست تقسیم سود با نگهداشت وجه نقد پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد ارتباط معناداری بین ساختار سرمایه و سیاست تقسیم سود با نگهداشت وجه نقد در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

بزرگ اصل و صالح زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان های نقدی پرداختند. نتایج نشان داد که بین توانایی مدیریت با پایداری سود و پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود رابطه مثبت وجود دارد. همچنین رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی تر است. بر اساس نتایج پژوهش نمازی و غفاری (۱۳۹۴)، اطلاعات مربوط به توانایی مدیران در انتخاب سبد سهام مطلوب تر و بهینه تر تأثیر مثبت معناداری دارد.

بزرگ اصل و صالح زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی دیگر رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی را بررسی کردند. در این پژوهش معیار کیفیت اقلام تعهدی، درجه نقدشوندگی این اقلام و به منظور اندازه گیری توانایی مدیریت از بخش از کارایی شرکت که تحت تأثیر عوامل ذاتی شرکت نباشد، استفاده شد. نتایج به دست آمده حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی بود.

اعتمادی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که سیاست تقسیم سود شرکت های دارای در صد سهامدار نهادی بالا، در مقایسه با شرکت های دارای سهامدار نهادی پایین، حساسیت کمتری به عدم تقارن اطلاعاتی و وابستگی مالی خارجی نشان می دهد. علاوه بر این، رابطه معناداری بین عمر شرکت و سیاست های تقسیم سود وجود ندارد.

ستایش و صادق‌نیا (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر هزینه سرمایه بر سیاست‌های تقسیم سود پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که هزینه سرمایه سهام عادی، هزینه سرمایه سود انباشته و میانگین موزون هزینه سرمایه بر سیاست‌های تقسیم سود شرکت‌ها اثر مثبت معناداری دارند، اما بین هزینه بدهی و سیاست‌های تقسیم سود شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

مرادی و دلدار (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر سهامداران غیر نهادی بر سیاست تقسیم سود دریافتند، بین درصد مالکیت سهامداران غیر نهادی و سیاست تقسیم سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش درصد مالکیت سهامداران غیر نهادی، سود تقسیمی شرکت‌ها کاهش می‌یابد. جهانخانی و قربانی (۱۳۸۴) در پژوهشی به شناسایی و تبیین عوامل تعیین‌کننده سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. اندازه، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، ساختار مالی، ریسک و اهرم مالی از مواردی بودند که در توضیح سیاست تقسیم سود ایفای نقش می‌کنند. با در نظر گرفتن مبانی نظری، پژوهش‌های گذشته و نتایج آنها، فرضیه پژوهش بدین شرح مطرح می‌شود:

۱. توانایی مدیریت تأثیر (مثبت یا منفی) معناداری بر نسبت سود تقسیمی دارد.

۲. تأثیر مثبت جریان‌های نقدی عملیاتی بر سود تقسیمی در شرکت‌های دارای مدیران توانا قوی تر است.

### روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تشکیل داده است. در پژوهش حاضر جامعه آماری بر اساس شروط نظام‌مندی تعدیل شده‌اند. بنابراین، در انتخاب شرکت‌ها ویژگی‌های زیر مورد توجه قرار گرفت:

الف) شرکت مورد نظر جزو بانک‌ها، واسطه‌گری مالی، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشد (به دلیل تفاوت در ترازنامه و ماهیت خاص فعالیت).

ب) سهام شرکت در طول هر یک از سال‌های دوره پژوهش حداقل یک بار در سال معامله شده باشد.

پ) از منظر افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت، منتهی به پایان اسفند ماه باشد.  
 ت) طی سال‌های مورد مطالعه تغییر سال مالی یا فعالیت نداده باشد.  
 ث) شرکت مورد نظر از ابتدا تا انتهای پژوهش در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس باشد.

ج) تمامی داده‌های مورد نیاز آن در طی سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۳ در دسترس باشد.  
 دوره زمانی این تحقیق از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. پس از بررسی شرکت‌ها از لحاظ ویژگی‌های مذکور، در مجموع ۱۰۶ شرکت به عنوان نمونه مورد مطالعه این پژوهش انتخاب شد. در گردآوری داده‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی مرتبط با بورس استفاده شد. آزمون فرضیه‌ها نیز پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز، به کمک نرم‌افزار 6 Eviews انجام گرفت.  
 الگوی رگرسیونی که برای آزمون فرضیه اول پژوهش استفاده شده است، مطابق پژوهش جیراپرن و همکاران (۲۰۱۵) به شرح رابطه (۱) است:

رابطه (۱):

$$\text{Dividend}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Managerial Ability}_{i,t} + \sum_{q=2}^m \beta_q (\text{q}^{\text{th}} \text{Control Variables}_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق  $\text{Dividend}_{i,t}$  نسبت سود تقسیمی و  $\text{Managerial Ability}_{i,t}$  بیانگر توانایی مدیریت است.

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش و لحاظ کردن تأثیر جریان‌های نقدی عملیاتی بر ارتباط بین توانایی مدیریت و تقسیم سود، متغیر تعاملی  $\text{high cash}_{i,t} \times \text{Managerial Ability}_{i,t-1}$  به مدل اصلی پژوهش اضافه شده است.  $\text{high cash}$  متغیر مجازی که اگر شرکت جریان‌های نقدی عملیاتی زیادی داشته باشد (جریان‌های نقدی عملیاتی بیشتر از متوسط جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت‌های نمونه) برابر با یک است و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود. هر یک از متغیرهای پژوهش در ادامه معرفی شده‌اند:

نسبت سود تقسیمی: نسبت سود تقسیمی از محاسبه سود تقسیمی هر سهم به سود هر سهم محاسبه می‌شود (جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵؛ مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳).

توانایی مدیریت: در پژوهش حاضر به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. در این مدل، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌گردد. به منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲) از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده کرده‌اند. مدل تحلیل پوششی داده‌ها، نوعی مدل آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی کاربرد دارد.

رابطه (۲):

$$\max_v \theta = \frac{\text{Sales}}{v_1 \text{CoGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{NetPPE} + v_4 \text{OpsLease} + v_5 \text{R\&D} + v_6 \text{Goodwill} + v_7 \text{Intan}}$$

در این مدل، CoGS: بهای کالای فروش رفته در سال t، SG&A: هزینه‌های عمومی، اداری و فروش در سال t، NetPPE: مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات در ابتدای سال t، OpsLease: هزینه اجاره عملیاتی در سال t، R&D: هزینه تحقیق و توسعه در سال t، Goodwill: سرقفلی خریداری شده در ابتدای سال t، Intan: مانده خالص دارایی نامشهود در ابتدای سال t و Sales: میزان فروش. لازم به ذکر است از آنجایی که هزینه‌های تحقیق و توسعه و اطلاعات مرتبط با اجاره‌ها توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در صورت‌های مالی شناسایی نمی‌گردد، اثر آن از مدل حذف شده است.

در این مدل برای هر یک از متغیرهای ورودی ضریب خاص (v) در نظر گرفته شده است، زیرا اثر همه متغیرهای ورودی بر خروجی (فروش) یکسان نمی‌باشد. مقدار محاسبه شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا ۱ قرار می‌گیرد. شرکت‌های با نمره کارایی یک، شرکت‌هایی هستند که بسیار کارا هستند و شرکت‌هایی که نمره کارایی آنها کمتر از یک است، زیر مرز کارایی قرار دارند و باید با کاهش هزینه‌ها یا با افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند. هدف از محاسبه کارایی شرکت، سنجش توانایی مدیریت است و از آنجا که در محاسبات مربوط به کارایی، ویژگی‌های ذاتی شرکت نیز دخالت دارند، نمی‌توان توانایی

مدیریت را به درستی اندازه‌گیری کرد. زیرا متأثر از این ویژگی‌ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می‌شود.

دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲) به منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در مدل خود کارایی شرکت را به دو بخش جداگانه، یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت تقسیم کرده‌اند. آنها این کار را با استفاده از کنترل پنج ویژگی ذاتی شرکت (اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات)) انجام داده‌اند. هر یک از این پنج متغیر به عنوان ویژگی‌های ذاتی شرکت، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نمایند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کنند. در مدل زیر که توسط دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲) ارائه شده، این پنج ویژگی کنترل شده‌اند. رابطه (۳):

#### *Firm Efficiency*

$$= \alpha_0 + \alpha_1 \text{Size} + \alpha_2 \text{Market Share} \\ + \alpha_3 \text{Free Cash Flow Indicator} + \alpha_4 \text{Age} \\ + \alpha_5 \text{Foreign Currency Indicator} + \tau$$

که در آن؛ *Size*: اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت، *Market Share*: سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت، *operatingCash Flow Indicator*: این متغیر در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی عملیاتی برابر یک و در صورت منفی بودن برابر صفر در نظر گرفته شده است، *Age*: عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است، *Foreign Currency Indicator*: متغیر مجازی است که برای شرکت‌هایی که صادرات (فروش با ارز خارجی) داشته‌اند برابر ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است و باقی مانده مدل نیز نشان دهنده میزان توانایی مدیریت است (دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲؛ بزرگ‌اصل و صالح‌زاده، ۱۳۹۴؛ سپاسی و همکاران، ۱۳۹۴).

متغیرهای کنترلی پژوهش نیز به شرح زیر معرفی شده‌اند:

اندازه شرکت: برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت (حاصل ضرب قیمت سهام در تعداد سهام) در پایان سال استفاده شده است. شرکت‌های کوچک در مقایسه با شرکت‌های بزرگ، در تأمین مالی خود با مشکلات بیشتری مواجه

می‌شوند. بنابراین سود تقسیمی رابطه مثبتی با اندازه شرکت دارد. دیدگاه دیگر این است که شرکت‌های بزرگ‌تر بدهی‌های بیشتری دارند؛ زیرا اعتباردهندگان به شرکت‌های بزرگ‌تر اعتماد بیشتری دارند، بنابراین سود کمتری تقسیم می‌کنند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶؛ جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵).

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام: این متغیر از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری آن در پایان سال مالی محاسبه می‌شود. ارزش بازار حقوق صاحبان سهام از حاصل ضرب تعداد سهام عادی در قیمت سهام در پایان سال مالی به دست می‌آید. ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام نیز از ترازنامه شرکت استخراج می‌شود. هر چه نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری یک شرکت بیشتر باشد، تمایل آن برای توزیع سود کمتر است. با توجه به نظریه فرصت‌های سرمایه‌گذاری هر چه فرصت‌های سرمایه‌گذاری یک شرکت بیشتر باشد، ارزش بازار آن در مقایسه با ارزش دفتری‌اش به طور متوسط بیشتر می‌باشد، زیرا قیمت‌های سهام بر خلاف ترازنامه شرکت، منعکس‌کننده دارایی‌های نامشهود از قبیل فرصت‌های رشد پیش روی شرکت نیز می‌باشد (جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵؛ جهانخانی و قربانی، ۱۳۸۴).

اهرم مالی: از طریق تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌ها به دست می‌آید. شرکت‌های با اهرم مالی بالاتر، برای تأمین وجوه مورد نیاز پرداخت بهره و اصل بدهی در سررسید درصد بالاتری از سود را نگهداری خواهد کرد (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶؛ جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵؛ جهانخانی و قربانی، ۱۳۸۴)؛

فرصت‌های رشد: شرکت‌هایی که در حال رشد می‌باشند (یا برنامه‌ای برای رشد دارند)، به واسطه نیاز مبرم به منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری جدید (چه در حال و چه در آینده) تمایل چندانی به توزیع سود ندارند. این متغیر از طریق رشد فروش سال جاری نسبت به سال قبل تقسیم بر فروش سال جاری به دست می‌آید.

نرخ بازده دارایی‌ها: از تقسیم سود قبل از بهره و مالیات به میانگین دارایی‌ها به دست می‌آید (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶؛ جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵).

جریان های نقدی عملیاتی: جریان های نقدی عملیاتی که بر حسب مجموع دارایی های شرکت استاندارد شده است. جریان های نقدی جاری دورنمایی از جریان های نقدی آتی است، بنابراین با افزایش جریان های نقدی عملیاتی جاری، مدیر جریان های نقدی عملیاتی آتی بالاتری را پیش بینی می کند و سود تقسیمی را افزایش می دهد (جیراپرن و همکاران، ۲۰۱۵؛ مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳؛ جهانخانی و قربانی، ۱۳۹۴).

اقلام تعهدی اختیاری: برای محاسبه ارقام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز استفاده می شود. برای تفکیک ارقام تعهدی اختیاری از غیراختیاری ابتدا باید در یک دوره پیش بینی، مدل ارقام تعهدی را برآورد نمود و سپس براساس داده های واقعی در دوره رویداد به محاسبه ارقام تعهدی اختیاری پرداخت. دلیل استفاده از این متغیر، کنترل اثر رویه های گزارشگری متهورانه شرکت است (دوئل من و همکاران، ۲۰۱۵)؛ مدل تعدیل شده جونز در رابطه ۴ نمایش داده شده است.

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha \left( \frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_1 \left( \frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta Rec_t}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \left( \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_i \quad \text{رابطه (۴)}$$

که در آن؛  $TA_{i,t}$ : برابر است با کل ارقام تعهدی شرکت،  $\Delta REV_{i,t}$ : درآمد سال  $t$  منهای درآمد سال  $t-1$ ؛  $PPE_{i,t}$ : برابر است با اموال ماشین آلات و تجهیزات شرکتها،  $\Delta Rec_t$ : برابر است با تغییرات در حساب های دریافتی در سال  $t$ ،  $A_{i,t-1}$ : برابر است با کل دارایی ها شرکت در سال  $t-1$ .

## یافته های پژوهش آمار توصیفی

نگاره (۱) مقادیر میانگین، میانه و انحراف معیار متغیرهای استفاده شده را نشان می دهد. نتایج نگاره (۱) نشان می دهد میانگین مشاهدات و میانه آنها اختلاف اندکی دارند. نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه مشخص می کند که داده ها از توزیع نرمال برخوردارند. همچنین انحراف معیار متغیرهای استفاده شده صفر نیست، لذا می توان متغیرهای مد نظر را در مدل وارد کرد. علاوه بر این، به منظور اطمینان از نبود همخطی، آزمون ضرایب همبستگی پیرسون برای همه متغیرهای توضیحی مدل های رگرسیونی انجام شد. براساس نتایج حاصل از این آزمون چون تمام ضرایب برآورد شده معنادار و تفکیک پذیر بودند، بین متغیرهای مستقل و تعدیل کننده



خودهمبستگی دیده نشد. همچنین بررسی همبستگی بین متغیرهای توانایی مدیریت و نسبت سود تقسیمی (۰/۰۹۴) نیز حکایت از همبستگی مثبت بین توانایی مدیریت و نسبت سود تقسیمی دارد. همبستگی مثبت بین توانایی مدیریت و نسبت سود تقسیمی می‌تواند بیانگر تأیید تأثیر مثبت توانایی مدیریت بر نسبت سود تقسیمی در محیط ایران باشد.

#### تکرار (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
توانایی مدیریت	Managerial Ability	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۵۴۸	-۰/۷۹۱	۰/۳۱۸
نسبت سود تقسیمی	Dividend	۰/۶۵۲	۰/۷۱۳	۱/۱۲۴	۰	۱/۱۸۴
اندازه شرکت	Size	۱۱/۲۱۶	۱۰/۸۹۲	۱۴/۱۲۰	۱۰/۰۱۳	۰/۶۲۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB	۲/۱۰۵	۱/۸۱۶	۹/۶۱۹	۰/۱۷۵	۰/۸۳۴
اهرم مالی	Lev	۰/۶۰۳	۰/۵۴۲	۰/۹۴۶	۰/۰۷۱	۰/۲۴۹
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۷۴	۰/۱۳۲	۰/۸۶۰	-۰/۲۷۴	۰/۳۱۵
فرصت‌های رشد	Sale.Gr	۰/۱۶۷	۰/۱۴۶	۱/۶۲۹	-۰/۵۴۹	۰/۴۵۲
جریان نقد عملیاتی	CFO	۰/۱۳۳	۰/۱۱۸	۰/۷۵۶	-۰/۴۱۹	۰/۵۸۳
اقلام تعهدی اختیاری	DAcc	۰/۰۶۱	۰/۰۵۲	۰/۱۲۳	-۰/۰۷۳	۰/۲۴۴

#### بررسی ضرایب همبستگی

یکی از مشکلاتی که در تحلیل‌های رگرسیونی بروز می‌کند، مسأله همخطی شدید بین متغیرهای مستقل در مدل‌های رگرسیون است. بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند که برای مسأله همخطی راه‌حلی وجود ندارد و تنها راه اطمینان از نبود همخطی شدید بین متغیرهای توضیحی، بررسی ضرایب همبستگی پیرسون است (گجراتی و پورتر، ۲۰۰۹).

برای اطمینان از نبود همخطی، آزمون ضرایب همبستگی پیرسون برای همه متغیرهای توضیحی مدل رگرسیونی انجام شد. براساس نتایج حاصل از این آزمون چون تمام ضرایب برآورد شده معنادار و تفکیک پذیر بودند بین متغیرهای مستقل و تعدیل کننده خودهمبستگی

دیده نشد. همچنین بررسی همبستگی بین متغیرهای توانایی مدیریت و نسبت سود تقسیمی نیز حکایت از همبستگی مثبت بین توانایی مدیریت و نسبت سود تقسیمی دارد. همبستگی مثبت بین توانایی مدیریت و نسبت سود تقسیمی می‌تواند بیانگر تأیید تأثیر مثبت توانایی مدیریت بر نسبت سود تقسیمی در محیط ایران باشد.

#### تکانه (۲): ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر ۵	متغیر ۴	متغیر ۳	متغیر ۲	متغیر ۱	
				۱	متغیر ۱: اندازه شرکت
			۱	۰/۰۹۴	متغیر ۲: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
		۱	۰/۰۲۶	۰/۳۱۹	متغیر ۳: اهرم مالی
	۱	۰/۱۵۳	-۰/۲۲۹	-۰/۰۵۷	متغیر ۴: نرخ بازده دارایی‌ها
۱	۰/۳۰۱	۰/۴۱۹	-۰/۲۴۱	۰/۱۱۳	متغیر ۴: اندازه شرکت
۰/۱۹۱	-۰/۱۳۶	-۰/۵۱۸	۰/۳۱۱	۰/۰۸۷	متغیر ۵: فرصت‌های رشد
۰/۴۶۱	۰/۱۰۶	-۰/۰۲۸	۰/۰۵۹	۰/۰۳۷	متغیر ۶: جریان نقد عملیاتی
۰/۰۰۵	-۰/۰۷۲	۰/۳۶۸	۰/۰۰۴	-۰/۱۹۲	متغیر ۷: ارقام تعهدی اختیاری
-۰/۰۳۵	۰/۲۱۲	-۰/۰۳۹	-۰/۰۲۱	۰/۲۵۵	متغیر ۸: توانایی مدیریت
۰/۰۷۸	-۰/۱۱۵	-۰/۰۳۴	۰/۱۷۸	-۰/۰۴۱	متغیر ۹: نسبت سود تقسیمی
	متغیر ۹	متغیر ۸	متغیر ۷	متغیر ۶	
					متغیر ۱: اندازه شرکت
					متغیر ۲: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
					متغیر ۳: اهرم مالی
					متغیر ۴: نرخ بازده دارایی‌ها
					متغیر ۴: اندازه شرکت
					متغیر ۵: فرصت‌های رشد
				۱	متغیر ۶: جریان نقد عملیاتی
			۱	-۰/۱۲۷	متغیر ۷: ارقام تعهدی اختیاری
		۱	۰/۰۶۸	۰/۰۷۱	متغیر ۸: توانایی مدیریت
	۱	۰/۰۹۳	-۰/۰۲۲	۰/۰۵۳	متغیر ۹: نسبت سود تقسیمی

### آزمون فرضیه‌های پژوهش

ماهیت داده‌های رگرسیون این پژوهش ترکیبی از داده‌های سری زمانی و مقطعی است که می‌توان آنها را به صورت تلفیقی یا تابلویی برآزش کرد. نتایج آزمون چاو مدل‌های رگرسیونی پژوهش برای تعیین نوع آزمون (تلفیقی یا داده‌های تابلویی) مقدار احتمال آماره اف. لیمر را عدد  $0/032$  (کمتر از ۵ درصد) نشان داد. در نتیجه، اولویت در استفاده از روش داده‌های تابلویی است. همچنین از آزمون هاسمن برای تعیین نوع روش داده‌های تابلویی (اثرات ثابت یا اثرات زمانی) استفاده شد که طبق نتایج، استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در اولویت قرار گرفت.

علاوه بر این، از آزمون جارک - برانیز به منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل استفاده شده است. احتمال آماره جارک - برابر با  $0/425$  محاسبه شده است، از آنجا که این مقدار بیشتر از  $0/05$  به دست آمده است؛ فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای اخلال را نمی‌توان رد کرد؛ لذا توزیع اجزای اخلال نرمال است. با وجود این، براساس قضیه حد مرکزی، ضرایب در داده‌های با تعداد مشاهدات بالا نرمال محسوب می‌شوند، هر چند توزیع اجزا نرمال نباشد (گرین، ۲۰۱۱).

به منظور آزمون فرضیه پژوهش برای مدل رگرسیونی مورد نظر، از نتایج برآورد رگرسیون ارائه شده در نگاره (۳) استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که ضریب متغیر توانایی مدیریت برابر با  $0/472$  است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از  $0/05$  به دست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تأیید نمی‌شود؛ به بیان دیگر این ضریب در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و تأثیر متفاوتی از صفر بر متغیر نسبت سود تقسیمی دارد که با توجه به علامت مثبت آن می‌توان گفت بین توانایی مدیریت و نسبت سود تقسیمی ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر توانایی مدیریت، نسبت سود تقسیمی را  $12/9$  درصد افزایش می‌دهد. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. لذا می‌توان نتیجه گرفت افزایش توانایی مدیران به طور معناداری منجر به افزایش نسبت سود تقسیمی می‌گردد.

## تکانه (۳): نتیجه آزمون فرضیه اول پژوهش

ضرب بتا	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	متغیرها و ضرب تعیین مدل
۰/۴۷۲	۰/۰۹۱	۵/۱۸۲	۰/۰۰۲	توانایی مدیریت
۰/۲۹۹	۰/۱۲۹	۲/۳۱۷	۰/۰۱۵	اندازه شرکت
-۰/۱۰۱	۰/۱۱۴	-۰/۸۹۳	۰/۱۵۲	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
-۰/۳۲۱	۰/۰۶۸	-۴/۷۱۶	۰/۰۰۳	اهرم مالی
۰/۷۸۸	۰/۱۳۱	۶/۰۱۹	۰/۰۰۱	نرخ بازده دارایی‌ها
۰/۲۵۷	۰/۰۶۱	۴/۲۲۲	۰/۰۰۵	فرصت‌های رشد
۰/۵۱۳	۰/۱۴۷	۳/۴۹۱	۰/۰۰۸	جریان نقد عملیاتی
۰/۳۹۲	۱/۱۰۴	۰/۳۵۵	۰/۵۱۴	اقلام تعهدی اختیاری
۱/۲۴۵	۰/۵۱۲	۲/۴۳۳	۰/۰۱۱	مقدار ثابت مدل
۱/۹۱۶	آماره دوربین - واتسون		۰/۰۰۰	سطح معناداری آماره فیشر
۰/۲۹	ضرب تعیین تعدیل یافته		۰/۳۶	ضرب تعیین

همچنین ضریب متغیر نسبت وجوه نقد عملیاتی برابر با ۰/۵۱۳ است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب نیز تأیید نمی‌شود؛ به بیان دیگر این ضریب در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و تأثیر متفاوتی از صفر بر متغیر نسبت سود تقسیمی دارد و می‌توان گفت نسبت وجوه نقد عملیاتی، سطح تقسیم سود شرکت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. تأثیر گذاری جریان‌های نقدی بر سطح سود تقسیمی بیانگر وجود حساسیت سود تقسیمی نسبت به جریان‌های نقدی است. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر اندازه شرکت کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. از سوی دیگر، ضریب برآورد شده برای متغیر اندازه شرکت در سطح خطای ۵ درصد مثبت است؛ یعنی اندازه شرکت بر نسبت سود تقسیمی تأثیر مثبت معناداری دارد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نشان می‌دهد که حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. آماره دوربین - واتسون به میزان ۱/۹۱۶ نشان می‌دهد که خطاها یا تفاوت بین مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده به وسیله مدل رگرسیونی، از

یکدیگر مستقل هستند. احتمال آماره F برای الگو نیز نشان از تأیید الگوی رگرسیونی پژوهش به طور کلی در سطح معناداری ۹۹ درصد دارد.

#### نگاره (۴): نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش

ضریب بتا	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	
۰/۵۵۱	۰/۱۱۰	۴/۹۷۲	۰/۰۰۳	توانایی مدیریت
۰/۳۱۷	۰/۱۳۶	۲/۳۱۷	۰/۰۱۷	اندازه شرکت
-۰/۰۹۴	۰/۱۰۵	-۰/۸۹۳	۰/۱۶۷	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
-۰/۲۶۳	۰/۰۵۶	-۴/۷۱۶	۰/۰۰۴	اهرم مالی
-۰/۷۳۹	۰/۱۲۳	۶/۰۱۹	۰/۰۰۲	نرخ بازده دارایی‌ها
۰/۳۱۲	۰/۰۷۴	۴/۲۲۲	۰/۰۰۸	فرصت‌های رشد
۰/۵۲۵	۰/۱۵۱	۳/۴۹۱	۰/۰۱۳	جریان نقد عملیاتی
۰/۳۱۶	۰/۸۹۱	۰/۳۵۵	۰/۴۹۶	اقدام تعهدی اختیاری
۰/۴۲۱	۰/۱۷۷	۲/۳۸۶	۰/۰۰۵	توانایی مدیریت X جریان‌های نقدی عملیاتی زیاد
۰/۹۲۷	۰/۳۸۲	۲/۴۳۳	۰/۰۱۱	مقدار ثابت مدل
۲/۰۷۷	آماره دوربین - واتسون		۰/۰۰۰	سطح معناداری آماره فیشر
۰/۲۶	ضریب تعیین تعدیل یافته		۰/۳۴	ضریب تعیین

نتایج نگاره ۴ در رابطه با آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد حاصل ضرب متغیر تعاملی توانایی مدیریت در جریان‌های نقدی عملیاتی زیاد، (۰/۰۰۵) مثبت و معنادار است. بدین معنا که رابطه مثبت بین سود تقسیمی و جریان‌های نقدی عملیاتی در شرکت‌های دارای مدیر توانا قوی‌تر است. لذا فرضیه دوم پژوهش (تأثیر مثبت جریان‌های نقدی عملیاتی بر سود تقسیمی در شرکت‌های دارای مدیران توانا، قوی‌تر است) رد نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نشان می‌دهد که حدود ۲۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. آماره دوربین - واتسون به میزان ۲/۰۷۷ نشان می‌دهد که خطاها یا تفاوت بین مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده به وسیله مدل رگرسیونی، از یکدیگر مستقل هستند. احتمال آماره F برای الگو نیز نشان از تأیید الگوی رگرسیونی پژوهش به طور کلی در سطح معناداری ۹۹ درصد دارد.

## نتیجه گیری

سود سهام نقدی و بازده نقدی سهام، به واسطه عینیت و ملموس بودن، از جایگاه ویژه‌ای نزد برخی از ذینفعان شرکت برخوردارند. از این رو بخشی از توان و توجه مدیران شرکت‌ها معطوف به مقوله‌ای است که از آن به عنوان سیاست تقسیم سود یاد می‌شود. در واقع می‌توان گفت سیاست تقسیم سود دارای محتوای اطلاعاتی است. سیاست تقسیم سود و عوامل مؤثر بر آن همواره مورد توجه گروه‌های مختلفی شامل سرمایه‌گذاران، مدیران، کارشناسان، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و تحلیل‌گران مالی و حسابداری بوده است (اعتمادی و اسماعیلی کجانی، ۱۳۹۵). برخی به منظور تصمیم‌گیری و تدوین سیاست تقسیم سود، برخی دیگر به منظور امکان‌پیش‌بینی سود تقسیمی شرکت‌ها و برخی هم برای مقاصد ارزشیابی شرکت‌ها به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود هستند. لذا، شناسایی عوامل اثرگذار و همچنین عواملی که تأثیری بر سیاست تقسیم سود شرکت‌ها ندارند، می‌تواند کمک شایانی به انوان گروه‌های علاقه‌مند به این موضوع نماید.

نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد یکی از عوامل تعیین‌کننده سیاست تقسیم سود، مفهوم توانایی مدیریت است. در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت هاست که به عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود. برخی محققان توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبای در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. در پژوهش حاضر، به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. در این مدل با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه گردید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد، توانایی مدیریت تأثیر مثبت معناداری بر نسبت سود تقسیمی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. به عبارت دیگر، مدیران تواناتر، سود تقسیمی بیشتری پرداخت می‌کنند. نتایج فرضیه دوم پژوهش نیز نشان می‌دهد رابطه مثبت بین سود تقسیمی و جریان‌های نقدی عملیاتی در شرکت‌های دارای مدیر توانا قوی‌تر است. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر نسبت وجوه نقد عملیاتی بر سطح تقسیم سود شرکت راست. تأثیرگذاری جریان‌های نقدی بر سطح سود تقسیمی بیانگر وجود حساسیت سود تقسیمی نسبت به جریان‌های نقدی است.

یافته‌های پژوهش حاضر در مورد رابطه بین توانایی مدیریت و نسبت سود تقسیمی با نتایج پژوهش جیراپرن و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد. همچنین، نتایج پژوهش حاضر در مورد رابطه بین جریان‌های نقدی عملیاتی و نسبت سود تقسیمی در عدم انطباق با نتایج پژوهش جیراپرن و همکاران (۲۰۱۵) و کامیابی و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد.

با توجه به تأثیر مثبت توانایی مدیریت بر نسبت سود تقسیمی، نتیجه این پژوهش می‌تواند شواهدی از تأثیر گذاری توانایی مدیریت را برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان فراهم نماید تا هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری خود به رابطه متغیرهای توانایی مدیریت و نسبت سود تقسیمی توجه نمایند. به سهامداران توصیه می‌گردد در صورت تمایل به دریافت سود سهام بالا، اقدام به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی نمایند که مدیران توانایی دارند. زیرا نتایج این پژوهش بیانگر ارتباط مستقیم بین توانایی مدیریت و سود تقسیمی است. مؤسسات مالی از آن جهت که در قراردادهای اعطای تسهیلات مالی خود بعضاً سیاست تقسیم سود شرکت‌ها را محدود به رعایت شرایطی می‌سازند، می‌توانند از نتایج پژوهش بهره‌مند گردند. زیرا آگاهی از عوامل تعیین‌کننده سیاست تقسیم سود شرکت‌ها در بهینه‌سازی حوزه عمل و نحوه اعمال محدودیت‌های مذکور مفید واقع خواهد شد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند سهامداران و هیأت مدیره شرکت را ترغیب نماید که در انتخاب مدیران، به توانایی مدیران با توجه به سوابق آنها توجه کافی داشته باشند و همچنین به جهت کسب بیشترین بازده که هدف نهایی شرکت می‌باشد، پیشنهاد می‌شود نظارت مستمری بر مدیران نیز وجود داشته باشد. به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود که بانک اطلاعاتی ویژه مدیران شرکت‌ها راه‌اندازی شود تا سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل و همچنین اعتباردهندگان بتوانند از آن در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده کنند. به ویژه آنکه در ایران به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات مربوط به مدیران، پژوهش‌های بسیار کمی در رابطه با این موضوعات صورت گرفته و هنوز مدیران در کشور ما جزئی مبهم از اجزای شرکت‌ها هستند.

با توجه به نتایج پژوهش، موضوعات زیر برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد:

بررسی این رابطه بر اساس نسبت سود تقسیمی مبتنی بر کل دارایی‌ها و فروش خالص به جای نسبت سود پرداخت شده به سود هر سهم.

پژوهش حاضر در مورد صنایع مختلف به تفکیک صنعت خاص انجام شود و نتایج حاصل مقایسه گردد.

هر پژوهشی متأثر از عوامل کلان و محدودیت‌هایی است که قابل کنترل نیستند. برخی از محدودیت‌هایی که باید در تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر به آنها توجه نمود به شرح زیر می‌باشد:

این پژوهش متأثر از برخی عوامل کلان نظیر نرخ تورم، نرخ سود تسهیلات دریافتی و نرخ ارز می‌باشد که فرض شده اثر آن‌ها برای همه شرکت‌ها و مشاهدات یکسان است، در حالی که ممکن است چنین نباشد. بنابراین عواملی از این قبیل می‌تواند نتایج پژوهش حاضر را تحت تأثیر قرار دهد.

تعدیلات سنواتی و برخی از بندهای شرط مندرج در گزارش‌های حسابرسی از جمله عوامل موثر بر اندازه‌گیری سود است. اما به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات لازم، تعدیل بابت این اقلام دشوار بود. لذا این موارد می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد.

### منابع

- Afza, T. & Hassan Mirza, H. (2010). Ownership Structure and Cash Flows As Determinants of Corporate Dividend Policy in Pakistan. *International Business Research*, 3 (3): 210-221.
- Andreou, Panayiotis C., Ehrlich, Daphna, and Christodoulos Louca. (2013). Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis, Available online: <http://www.efmaefm.org>.
- Attig, N., Boubakri, N., El Ghouli, S., Guedhami, O. (2013). International diversification and corporate social responsibility. *Working Paper*, Saint mary's University.
- Barzegar, G., and Ghavasi Kenari, M. (2016). Disclosure Level of Social Responsibility and Dividend Policy in Companies Listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Accounting Knowledge*, 7 (24): 155-180 (in Persian).
- Benlemlih, M. (2014). Why do socially responsible firms pay more dividends? *Thesis, Grenoble University*.
- Bhattacharyya, N.; 2007; "Dividend Policy: a review"; *Journal of Managerial Finance*, 33:4-13.



- Blair, M. M., and S. M. H. Wallman. (2000). Unseen Wealth: Report of the Brookings Task Force on Understanding Intangibles Sources of Value. Washington, DC: *The Brookings Institution Press*.
- Bozorasl, M., and Salehzadeh, B. (2014). Managerial Ability and Accruals Quality, *Journal of Accounting Knowledge*, 5 (17): 119-139 (in Persian).
- Bozorg ASL, Saleh Zadeh, B. (2015). Relationship managerial ability, and stable earnings and cash flows with an emphasis on accrual components in companies listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Audit Science*, Vol 14 (5): 153-170 (in Persian).
- Chen, Yangyang; Podolski, Edward J.; & Madhu Veeraraghavan. (2015). Does Managerial Ability Facilitate Corporate Innovative Success? *Journal of Empirical Finance*, Forthcoming.
- De. Angelo, H, DeAngelo, L, and R. M. Stulz. (2006). Dividend Policy and the Earned/ Contributed Capital Mix: A Test of the Life-Cycle Theory, *Journal of Financial Economics*, 81, Pp 227–254.
- Demerjian P., Lev B, Lewis MF, McVay SE. (2013). Managerial ability and earnings quality. *Accounting Review*, Vol 88 (2) , pp: 463–498.
- Demerjian P., Lev B, McVay S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, Vol 58 (7) , pp: 1229–1248.
- Deshmukh, S., Goel, A. & Howe, K. (2013). CEO Overconfidence and Dividend Policy. *Finance Intermediation*, 22 (3): 440-463.
- Duellman, S., Hurwitz, H., Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11 (2) , pp: 148-165.
- Etemadi, H., and Esmaeili M.K., (2016). A Comprehensive Review of Theories Dividend Policy, *Accounting and Auditing Studies*, 4 (16): 24-41 (in Persian).
- Etemadi, H., Anvari Rostami, A., and Ahmadian, V. (2014). Main Dividend Theories Test Stressing the Role of Institutional Shareholders in Tehran Stock Exchange, *Financial Accounting Researches*, 6 (3): 1-20 (in Persian).
- Farajzadeh D, H., and Aghaei, L. (2015). Dividend Policy and Fraudulent Financial Reporting, *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 12 (45): 97-114 (in Persian).
- Foong, S. S.; Zakaria, N. B.; Tan, H. B. (2007). Firm performance and dividend-related factors: the case of Malaysia; *Labuan Bulletin of International Business & Finance*, Vol (5):597-111.
- Foroghi, D., and Sakiani, A. (2016). Managerial Ability, Investment Efficiency and Financial Reporting Quality, *Journal of Empirical Research in Accounting*, 6 (1): 63-90 (in Persian).

- Greene, W. (2011). *Econometric Analysis*. Seventh ED. United states of America: *Prentice-hall publication*.
- Ishikawa, H. Takahashi, k. (2010). Overconfident managers and external financing choice. *Review of behavioral finance*, 2 (1): 37-58.
- Jahankhani, A., and Ghorbani, S. (2006). Identify and explain the determinants of dividend policy in companies listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Financial Research*, 7 (2): 27-48 (in Persian).
- Jiraporn, P., Leelalai, V., and Tong, Sh. (2015). The effect of managerial ability on dividend policy: how do talented managers view dividend payouts? *Applied Economics Letters*, Taylor & Francis Group, Vol 15, pp: 148-165.
- Kamyabi, Y., Nikravan Frad, B., and Salmani, R. (2014). The relationship between cash flow volatility and cash flow sensitivity of cash with dividend policy in Tehran stock exchange, *Journal of the Accounting and Auditing Review*, 21 (2): 211-228 (in Persian).
- Koester, A., Shevlin, T., and Wangerin, D. (2016). The role of managerial ability in corporate tax avoidance, *working paper*, Available at: [http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=2753152](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2753152).
- Malekian, E., and Salmani, R. (2015). The Relation of Capital Structure and Dividend Policy with Cash Holdings, *Journal of Empirical Research in Accounting*, 5 (2): 55-72 (in Persian).
- Mashayekh, Sh. & Behzadpur, S. (2015). The Effect of Managers' Overconfidence on Dividend Policy in the Firms Listed in Tehran Stock Market, *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (4): 485-504 (in Persian).
- Moradi, M., and Deldar, M. (2012). Investigation of Effect of the Non-institution Shareholders on Dividend Policy, *a Quarterly Journal of Empirical Research of Financial Accounting*, 2 (4): 106-124 (in Persian).
- Namazi, M., and Gaffari, M. (2015). The Importance and Role of Managerial Ability Information and Financial Ratios as a Criterion for the Optimal Stock Portfolio Selection in Tehran Stock Exchange (Via Data Envelope Analysis) , *Quarterly Financial Accounting*, 7 (26): 1-30 (in Persian).
- Sepasi, S., Anvari Rostami, A., and Sayadi Soomar. A. (2016). Investigating the Effect of Managerial Ability on Financial Restatements: with Concentration in Opportunistic Incentives, *a Quarterly Journal of Empirical Research of Financial Accounting*, 2 (4): 89-110 (in Persian).
- Setayesh, M., and Sadeghnia, M. (2012). The Impact of Cost of Capital on Dividend Policies, *a Quarterly Journal of Empirical Research of Financial Accounting*, 2 (6): 90-114 (in Persian).

- Tong, Y.H; Miao, B. (2011). Are Dividends Associated with the Quality of Earnings?. *Accounting horizons*, 25 (1) , 183-205.
- Wu, C., Liu, V. (2010). Payout policy and CEO overconfidence. Working Paper. National sun Yat-sen University. Taiwan. Available at: <http://www.ssrn.com>.



## تأثیر ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات بر واکنش بازار به اعلان سود

شهناز مشایخ\*، فرزانه اکبری\*\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۱/۲۹

### چکیده

هدف این تحقیق، بررسی تأثیر ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات بر واکنش بازار به اعلان سود می‌باشد. نمونه مورد بررسی شامل ۸۲۸ داده شش ماهه-شرکت مربوط به ۶۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی شش ماهه اول سال ۱۳۸۷ تا شش ماهه دوم سال ۱۳۹۲ می‌باشد. فرضیات تحقیق با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته داده‌های تلفیقی پویا بررسی شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در شش ماهه اول، ریسک اطلاعات رابطه معنادار و معکوسی با واکنش بازار به سود غیرمنتظره دارد، ولیکن در دوره سالانه، رابطه معناداری بین این دو متغیر برقرار نمی‌باشد. از طرفی، در دوره سالانه، هزینه‌های معاملات رابطه معنادار و مستقیمی با واکنش بازار به سود غیرمنتظره دارند، ولیکن در شش ماهه اول، رابطه معناداری بین این دو متغیر برقرار نمی‌باشد. به عبارت دیگر، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاران برای فاکتورهای مالی نظیر ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات، کمتر از فاکتورهای غیرمالی، اهمیت قائلند.

**واژه‌های کلیدی:** ریسک اطلاعات، هزینه‌های معاملات، واکنش بازار به اعلان سود، گشتاورهای تعمیم یافته

داده‌های تلفیقی پویا

طبقه بندی موضوعی: G14, G19, G12, M49.

کد DOI: 10.22051/jera.2017.8213.1125

\* دانشیار حسابداری دانشگاه الزهراء (س)، (shahnaz\_mashayekh@yahoo.com)

\*\* کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه الزهراء (س)، نویسنده مسئول، (farzaneh.akbari1990@gmail.com)

### مقدمه

بدلیل پیچیدگی‌های موجود در بورس اوراق بهادار، هر ساله محققان بسیاری جنبه‌های گوناگون این بازار را مورد بررسی قرار می‌دهند. یکی از این جنبه‌ها ریشه در مسأله پیچیده رفتار انسان و اجتماع دارد. این جنبه خود شامل موارد بسیاری است که از جمله آن واکنش در مقابل اطلاعات است. اطلاعاتی‌ها خود موارد مختلفی از جمله سود را در بر دارند. سود خالص از مهمترین اقلام اطلاعاتی حسابداری برای تفسیر وضعیت واحد اقتصادی به شمار می‌رود. از جمله اطلاعاتی که بر قیمت سهام و به تبع آن بر بازده سهام اثر گذار است، انتشار خبر سود خالص می‌باشد. از این رو قابل پیش‌بینی است که اعلان سود موجب واکنش سرمایه‌گذاران گردد.

نخستین بار بال و براون (۱۹۸۶)، نشان دادند که سرمایه‌گذاران تمایل چندانی ندارند تا نسبت به اعلان سود واکنش نشان دهند. شواهد تجربی نیز نشان می‌دهند، عملکرد شرکت‌هایی که به واسطه اخبار خوب، سود غیر منتظره بالایی دارند، بهتر از شرکت‌هایی می‌باشد که به واسطه اخبار بد، سود غیر منتظره پایینی دارند. سرمایه‌گذاران به محتوای اطلاعاتی سود که تداوم بازده غیر عادی را ایجاد می‌کند، واکنش کافی نشان نمی‌دهند و این به عنوان ناهنجاری شناخته شده است (سادکا، ۲۰۰۶). تغییر قیمت سهام پس از اعلان سود<sup>۱</sup>، یکی از قوی‌ترین ناهنجاری‌ها در ادبیات قیمت‌گذاری دارایی‌ها می‌باشد و به تداوم بازده غیر عادی پس از اعلان سود در جهت سودهای غیر منتظره اشاره دارد (کی و همکاران، ۲۰۰۵). عوامل مختلفی وجود دارند که بر واکنش بازار به اعلان سود تأثیر گذار می‌باشند. ریسک اطلاعات که عبارت است از میزان دقت سودهای خالص که توسط سیستم حسابداری شرکت گزارش می‌شود و هزینه‌های معاملات که شامل هزینه‌هایی هستند که در طی خرید و فروش اوراق بهادار اتفاق می‌افتند، می‌توانند از جمله عوامل تأثیر گذار بر واکنش بازار به اعلان سود باشند.

اکثر مطالعات انجام شده پیشین، به بررسی واکنش کمتر از حد انتظار و بیشتر از حد انتظار سرمایه‌گذاران به اعلان سود متمرکز بوده‌اند و پژوهش‌های اندکی به پدیده تغییر قیمت سهام پس از اعلان سود، پرداخته‌اند و تاکنون مطالعه‌ای جهت بررسی تأثیر ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات که از شاخص‌های بااهمیت کیفیت و کارایی بازار هستند، بر واکنش بازار به اعلان سود در بازارهایی نظیر بورس اوراق بهادار تهران صورت نگرفته است. همین دلیل به

وجود آمدن انگیزه‌ای برای باز کردن جستجو در مورد واکنش بازار به اعلان سود از دیدگاه ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات، شده است. شاکله استدلال برای ارتباط بین ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات با واکنش بازار به اعلان سود در این جستجو این است که اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین (ریسک اطلاعات بالا)، مانعی در جهت کشف به هنگام قیمت محسوب شده و منجر به تاخیر بیشتر در تعدیل قیمت سهام می‌گردد. اعلانات سود شرکت‌هایی با ریسک اطلاعات بیشتر، اطلاعات جدید بیشتری را وارد بازار می‌کند. در صورت وجود هزینه معاملات، یک معامله‌گر آگاه، به گونه‌ای معامله می‌کند که اطلاعات خصوصی وی به تدریج وارد قیمت‌ها شود. بنابراین هزینه معاملات بیشتر منجر به پایین آمدن سرعت کشف قیمت می‌شود. از طرفی، هزینه معاملات در شرکت‌هایی با ریسک اطلاعات بیشتر، بالاتر است، زیرا در این شرکت‌ها عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر می‌باشد (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۳).

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

طبق تعریف فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)، ریسک اطلاعات عبارت است از احتمال پایین بودن کیفیت اطلاعات شرکت که توسط سرمایه‌گذاران جهت تصمیمات قیمت‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد (اثنی عشری و همکاران، ۱۳۹۳). پژوهشگران دلایل بروز ریسک اطلاعات را نقش عدم تقارن اطلاعاتی در میان سرمایه‌گذاران در تعیین هزینه سرمایه تعیین کردند. سرمایه‌گذارانی که از اطلاعات کمتری برخوردارند نسبت به سرمایه‌گذارانی که آگاهی بیشتری دارند با سطح بالاتری از ریسک اطلاعات روبرو می‌شوند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲). در تئوری نمایندگی، اطلاعات ناقص بدان معناست که سهامداران قادر به مشاهده تمام فعالیت‌های مدیران نباشند. این موضوع خود منجر به پدیده عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. در این شرایط، ریسک اطلاعات شرکت نیز افزایش یافته و موجب بی‌میلی سرمایه‌گذاران جهت انتقال منابع مالی به شرکت می‌شود و به تبع آن، هزینه سرمایه شرکت افزایش می‌یابد. چراکه سرمایه‌گذاران در شرایط مخاطره‌آمیز، بازده بالاتری را طلب می‌کنند. زمانی که ریسک اطلاعات افزایش یابد، یا به عبارت دیگر کیفیت اطلاعات قبل از اعلان کاهش یابد، اهمیت نسبی یک اعلان برای سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد، بنابراین آنها به شدت به یک اعلان واکنش نشان می‌دهند (کیم و همکاران، ۱۹۹۱).

در اقتصاد و رشته‌های مرتبط، هزینه معاملات، هزینه‌ای است که به واسطه حضور در بازار رخ می‌دهد. از یک سو، هزینه‌های معاملات، طیف وسیعی از هزینه‌ها به شکل هزینه‌های آشکار، مانند هزینه مالیات و کارگزاری و غیر آشکار ناشی از ناکارایی اطلاعاتی را شامل می‌شوند. از سویی دیگر، هزینه معاملات به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم طبقه بندی می‌شود. هزینه معاملات مستقیم، شامل اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش<sup>۲</sup> و کمیسیون‌ها می‌باشد، در حالی که هزینه معاملات غیرمستقیم، شامل فشار قیمت مبالغ بزرگ تجاری و تأخیر در اجرای یک سفارش کامل می‌شود (کی و همکاران، ۲۰۰۵). در فرآیند معاملات، اصطحکاک<sup>۳</sup> می‌تواند منجر به تأخیر در تعدیل قیمت سهام‌هایی شود که به طور سیستماتیک با یکدیگر متفاوت هستند. هزینه معاملات، از جمله اصطحکاک‌های بالقوه بازار است که می‌تواند مانعی در جهت انتقال سریع اطلاعات جدید در قیمت‌ها شود (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۳).

اعلانات سود شرکت‌هایی با ریسک اطلاعات بیشتر، اطلاعات جدید بیشتری را وارد بازار می‌کند. از طرفی، هزینه معاملات در شرکت‌هایی با ریسک اطلاعات بیشتر، بالاتر است، زیرا در این شرکت‌ها عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر می‌باشد (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، هنگامی که اعلان سود توسط شرکت‌ها رخ می‌دهد، اختلاف نظرات کاهش می‌یابد اما واکنش سرمایه‌گذاران به این اعلانات متفاوت می‌باشد. سرمایه‌گذاران به محتوای اطلاعاتی سود که تداوم بازده غیر عادی را ایجاد می‌کند، واکنش کافی نشان نمی‌دهند و این به عنوان ناهنجاری شناخته شده است (سادکا، ۲۰۰۶). تغییر قیمت سهام پس از اعلان سود، به الگوی قابل پیش‌بینی اشاره دارد که بر اساس آن، پس از اعلان سود، قیمت سهام برای یک مدت طولانی همگام با سود غیرمنتظره حرکت می‌کند (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۱). با وجود اینکه تغییر قیمت سهام پس از اعلان سود هم‌سو با تغییر سود غیرمنتظره، امری عادی محسوب می‌شود. یعنی اگر اعلان سود توام با خبر خوب باشد، قیمت سهام افزایش می‌یابد و برعکس. ولی تداوم تغییر قیمت سهام طی روزهای پس از اعلان سود، پدیده‌ای غیر عادی است و جز ناهنجاری‌ها در بازار سرمایه تلقی می‌شود (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۲). از طرفی این ناهنجاری، پدیده‌ای است که تئوری‌های اقتصادی کلاسیک و نئوکلاسیک قادر به توضیح آن نیستند. امروزه تنها مالی رفتاری با کمک عواملی همچون ریسک اطلاعات و ... تا حدودی توانسته ظهور پدیده‌هایی این چنینی را توجیه نماید (اکبرشاهی و همکاران، ۱۳۹۴).



کیم و ورچیا (۱۹۹۱) از نخستین افرادی بودند که به بررسی اثر اعلان سود بر قیمت و حجم معاملات سهام از جنبه تئوری پرداختند. فرض آنها بر این بود که سرمایه‌گذاران به شیوه‌های مختلفی به میزان سوددهی یک شرکت آگاهی داشته و در میزان دقت نیز با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین آنها به شکل‌های گوناگونی به اعلان سود واکنش نشان می‌دهند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تأثیر اعلان سود بر قیمت سهام با دو عامل سود غیرمنتظره و اهمیت نسبی انتظارات سرمایه‌گذاران قبل از اعلان سود و حجم معاملات با دو عامل قدر مطلق تغییر قیمت و میزان اختلاف در دقت سرمایه‌گذاران مرتبط است. از طرفی مطالعات بسیاری نظیر مندنهال (۲۰۰۴)، انجی و همکاران (۲۰۰۸)، چوردیا و همکاران (۲۰۰۹)، به ترتیب به بررسی رابطه ریسک آربیتراژ، هزینه معاملات و نقد شوندگی با پدیده تغییر قیمت سهام پس از اعلان سود پرداختند. مندنهال (۲۰۰۴) به این نتیجه رسید که میزان تغییر قیمت سهام بعد از اعلان سود با ریسک آربیتراژ و هزینه معاملات در ارتباط مثبت می‌باشد. نتایج تحقیق انجی و همکاران (۲۰۰۸) نیز نشان می‌دهد که ضرایب واکنش به سود برای شرکت‌هایی با هزینه معاملات بالاتر، کمتر می‌باشند. در تحقیق چوردیا و همکاران (۲۰۰۹) بیان می‌شود که تغییر قیمت سهام پس از اعلان سود، یک ناهنجاری بلندمدت است که با کارایی بازار در تضاد می‌باشد. نتایج این تحقیق بیان می‌کند که تغییر قیمت سهام پس از اعلان سود، عمدتاً برای سهام‌هایی با نقدشوندگی پایین اتفاق می‌افتد که هزینه تجاری و هزینه تأثیر بازار بالایی دارند و هزینه معاملات مانع از بهره‌برداری از تغییر قیمت سهام بعد از اعلان سود می‌شود. کی و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیق خود به بررسی بهره‌برداری سرمایه‌گذاران نهادی از تغییر قیمت سهام بعد از اعلان سود پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هزینه معاملات، به طور قابل توجهی مانع از بهره‌برداری از تغییر قیمت سهام بعد از اعلان سود می‌شوند. از طرفی، اوهمک (۲۰۱۱) به بررسی آربیتراژ تدریجی پرداخت. وی در این تحقیق بیان کرد که سرمایه اغلب به آرامی از یک بازار به بازاری دیگر در پاسخ به فرصت‌های خرید در گردش است. این تحقیق، ارائه دهنده‌ی یک تئوری بر مبنای نقد شوندگی در پاسخ به پدیده فوق می‌باشد. برای بهره‌برداری از فرصت‌های خرید، آربیتراژرها در یک بازار می‌خرند و در بازاری دیگر می‌فروشند. زمانی که یکی از این بازارها یا هر دوی آنها، غیر نقد شوندند، آربیتراژرها از فرصت‌های آربیتراژ به طور تدریجی بهره می‌برند. مدل تحقیق نشان می‌دهد که سرعت آربیتراژ بستگی به

دو عامل دارد: عدم نقدینگی بازارها که آریترازرها در آنها خرید و فروش می‌کنند و نیز سطح رقابت میان آریترازرها. نتایج تحقیق بیانگر این است که عدم نقدینگی منجر به آریتراز تدریجی می‌شود، به عبارت دیگر باعث می‌شود که تعدیل قیمت گذاری نادرست به آرامی و در طول زمان صورت بگیرد. ژانگ و همکاران (۲۰۱۳)، به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات بر واکنش اولیه و ثانویه بازار به اعلان سود تأثیر می‌گذارند. یافته‌ها نشان دادند که واکنش اولیه بازار در هر واحد از سود غیرمنتظره برای شرکت‌هایی که ریسک اطلاعات بیشتری دارند، بالاتر است. ریسک اطلاعات سبب می‌شود هزینه‌های معاملات، واکنش اولیه بازار را محدود کنند و منجر به افزایش قیمت سهام در بازده‌های بعد از اعلان سود شوند. یافته‌های این تحقیق، اهمیت درک ارتباط بین ریسک اطلاعات و هزینه معاملات را در فرآیند کشف قیمت پیرامون افشای عمومی نشان می‌دهد و بیان می‌کند ریسک اطلاعات عامل تعیین کننده فرآیند کشف قیمت است و محیط‌های اطلاعاتی در سطح شرکت‌ها، عامل مهمی در تعیین واکنش بازار به افشاهای عمومی هستند.

در ایران، مطالعات بسیاری در زمینه واکنش بازار به اعلان سود انجام شده است. به عنوان مثال جلیلی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر هوش هیجانی بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران انفرادی فعال در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیرهای اصلی تحقیق (هوش هیجانی و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران) رابطه مستقیم وجود دارد. خادمی گراشی و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی عوامل موثر بر تصمیم‌گیری سهامداران در بورس اوراق بهادار تهران بر مبنای مدل معاملات ساختاری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که به ترتیب عوامل سیاسی، عوامل روانی بازار، عوامل اقتصادی و عوامل مالی در سطح شرکت، بالاترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری سهامداران در بورس تهران دارند.

در ایران، پژوهشی یافت نشد که به بررسی رابطه بین ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات با واکنش بازار به اعلان سود پردازد، ولیکن برخی تحقیقات به بررسی رابطه میان ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات با عوامل دیگر پرداخته‌اند. به عنوان مثال، آذر و همکاران (۱۳۹۳) رابطه مستقیم و معناداری بین ریسک اطلاعات و صرف ریسک را بیان کردند. از طرفی، اخگر و علیخانی (۱۳۹۳)، رابطه مستقیم و معناداری بین ارائه مجدد و ریسک اطلاعات شرکت‌هایی که ارائه مجدد می‌کنند، نسبت به شرکت‌های بدون ارائه مجدد در صنعت مشابه

را کشف کردند. مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۸۹)، رابطه مستقیم و معناداری بین هزینه‌های معاملات و مدیریت سود را بیان کردند. از طرفی، رحیمیان و همکاران (۱۳۹۱)، رابطه معکوس و معناداری بین هزینه‌های معاملات و کیفیت سود را کشف کردند.

### روش شناسی پژوهش

از آنجایی که این تحقیق به دنبال بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیرها می‌باشد، این تحقیق از نوع همبستگی است و مبتنی بر اطلاعات واقعی تهیه شده توسط بورس اوراق بهادار و شرکت‌ها (صورت‌های مالی) است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و نمونه آماری این تحقیق شامل سودهای میان‌دوره‌ای و سالانه گزارش شده توسط شرکت‌های موجود در جامعه در بازه زمانی شش‌ماهه اول سال ۱۳۸۷ تا شش‌ماهه دوم سال ۱۳۹۲ پس از اعمال محدودیت‌های زیر می‌باشد:

۱. به منظور افزایش قابلیت مقایسه‌ای، شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند نیست، از نمونه خارج می‌شود؛
۲. شرکت‌هایی که سهام آنها در طول دوره مورد بررسی به طور مستمر معامله نشده است، از نمونه کنار گذاشته شده‌اند؛
۳. شرکت‌هایی که در طول دوره مورد بررسی تغییر سال مالی داشته‌اند، از نمونه کنار گذاشته می‌شوند؛
۴. شرکت‌هایی که پس از سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرش شده باشند، از نمونه خارج خواهند شد؛
۵. برخی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس شامل بانک‌ها و موسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ‌ها) که افشای مالی و ساختارهای اصول راهبری شرکت در آنها متفاوت هستند، از نمونه حذف می‌شوند.

پس از اعمال این محدودیت‌ها و حذف داده‌های پرت، ۸۲۸ شش‌ماهه/شرکت، شامل گزارش‌های مالی ۶ و ۱۲ ماهه مربوط به ۶۹ شرکت، نمونه نهایی را برای تجزیه و تحلیل

تشکیل می‌دهد. داده‌های مورد نیاز با بررسی صورت‌های مالی شش ماهه و سالانه شرکت‌ها و از بانک اطلاعاتی جامع ره آورد نوین و سامانه کدال استخراج گردید.

بر این اساس، برای بررسی رابطه میان ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات با واکنش بازار به اعلان سود، دو فرضیه زیر بیان می‌شوند:

فرضیه اول: ریسک اطلاعات با واکنش بازار به سود غیر منتظره ارتباط معناداری دارد.

در این تحقیق، ریسک اطلاعات ( $Factor_{i,t}$ ) با استفاده از متغیرهای اندازه شرکت، عمر شرکت، نوسانات سهام و پراکندگی در پیش‌بینی‌های سود سنجیده می‌شود (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۳).

اندازه شرکت ( $ME_{i,t+1}$ )، لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام عادی است که به صورت حاصل ضرب قیمت پایانی سهام و تعداد سهام در دست سهامداران در یک روز پس از اعلان سود، محاسبه شده است. عمر شرکت ( $Age$ )، عبارت است از تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار فعالیت داشته است. نوسانات سهام ( $SIGMA_{i,t}$ )، انحراف معیار بازده‌های غیرعادی هفتگی بازار در طی سال قبل از اعلان سود می‌باشد و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$SIGMA_{i,t} = \sqrt{\sum_{\theta=1}^{\theta=52} (AR_{i,\theta} - \mu_{i,t})^2 / N}$$

$$\mu_{i,t} = \frac{\sum_{\theta=1}^{\theta=52} AR_{i,\theta}}{N}$$

که در آن:

$\mu_{i,t}$ : میانگین بازده غیرعادی هفتگی سهام شرکت  $i$  طی شش ماهه  $t$

$SIGMA_{i,t}$ : انحراف معیار بازده غیرعادی هفتگی سهام شرکت  $i$  طی شش ماهه  $t$

$AR_{i,\theta}$ : بازده غیرعادی هفتگی سهام شرکت  $i$  طی شش ماهه  $t$

$N$ : تعداد هفته‌هایی که بازده غیرعادی آنها محاسبه شده است؛

$\theta$ : هفته‌های هر شش ماهه.

برای محاسبه بازده غیر عادی هفتگی شرکت‌های مورد مطالعه از الگوی ساده بازار استفاده شده است. یعنی تفاضل بازده واقعی سهام شرکت  $I$  در هر یک از هفته‌های شش ماهه با بازده بازار در همان دوره، نشانگر بازده غیر عادی است:

$$AR_{i,t} = R_{i,t} - R_{m,t}$$

که در آن:

$R_{i,t}$ : بازده واقعی هفتگی سهم  $I$  می‌باشد که به صورت زیر محاسبه شده است:

$$R_{i,t} = \left( \sqrt[n]{\left(1 + \frac{r_1}{100}\right) \left(1 + \frac{r_2}{100}\right) \left(1 + \frac{r_n}{100}\right)} - 1 \right) * 100$$

$r_n$ : میزان بازدهی سهم از ابتدای دوره تا روز مورد نظر می‌باشد.

$R_{m,t}$ : بازده بازار هفتگی سهم  $I$  می‌باشد که به صورت زیر محاسبه شده است:

$$R_{m,t} = \left( \frac{\text{شاخص ابتدای دوره} - \text{شاخص انتهای دوره}}{\text{شاخص ابتدای دوره}} \right)$$

پراکندگی در پیش بینی‌های سود ( $DISP_{i,t}$ )، به عنوان انحراف معیار پیش بینی‌های سود در طی سال قبل از اعلان سود که با تقسیم بر آخرین قیمت معاملاتی سهام شرکت  $I$  در سال گذشته استاندارد شده است، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$DISP_{i,t} = \sqrt{\frac{\sum_{j=0}^N (f_{i,j} - \mu_{i,t})^2}{N}} / P_i$$

که در آن:

$\mu_{i,t}$ : میانگین سودهای خالص پیش بینی شده شرکت  $I$  طی شش ماهه  $t$

$DISP_{i,t}$ : انحراف معیار سودهای خالص پیش بینی شده شرکت  $I$  طی شش ماهه  $t$

$f_{i,j}$ : سود خالص پیش بینی شده شرکت  $I$  طی شش ماهه  $t$

$j$ : تعداد سودهای خالص پیش بینی شده

$P_i$ : آخرین قیمت معاملاتی سهام شرکت  $I$  در پایان سال پیش از اعلان سود

لازم به ذکر است که چهار متغیر معرف ریسک اطلاعات بین صفر و ده نرمال خواهند شد و با جمع این متغیرها و میانگین گیری از آنها شاخص نهادی مورد نظر (که با FACTOR نشان داده خواهد شد) ایجاد می‌شود (هرچه میزان سن و اندازه شرکت بزرگتر باشد، ریسک اطلاعات کمتر است و هرچه میزان نو سانات سهام و پراکندگی در پیش بینی‌های سود بیشتر باشد، ریسک اطلاعات بیشتر است).

برای امکان مقایسه و همسان نمودن، این متغیرها با روش زیر بین صفر و ده نرمال خواهند گردید:

$10 \times (\text{value} - \min) / (\max - \min)$  که value برابر با مقدار هر شاخص برای ریسک اطلاعات است و  $\min$  و  $\max$  به ترتیب حداقل و حداکثر مقادیر مشاهده شده اندازه گیری شده برای متغیرهای نهادی مختلف برای ریسک اطلاعات است (ندیری، محمدی، ۱۳۹۰).

سود غیر منتظره استاندارد شده ( $SUE_{i,t}$ )، به شرح زیر محاسبه شده است:

$$SUE_{i,t} = \frac{e_{i,q} - e_{i,q-2}}{\sigma_{i,t}}$$

که در آن:

$e_{i,q}$ : سود شش ماهه (تحقق یافته) سهم، که به تازگی در ماه اعلام شده است؛

$e_{i,q-2}$ : سود شش ماهه (تحقق یافته) ۲ شش ماهه گذشته سهم،

$\sigma_{i,t}$ : انحراف استاندارد سودهای غیر منتظره در طول ۴ شش ماهه پیش

فرضیه دوم: هزینه‌های معاملات با واکنش بازار به سود غیر منتظره ارتباط معناداری دارند.

بر اساس تحقیق ژانگ و همکاران (۲۰۱۳)، جهت محاسبه هزینه‌های معاملات ( $Cost_{i,t}$ ) از میانگین اختلاف بین قیمت پیشنهادی خرید و فروش در روز اعلان سود و یک روز بعد از آن استفاده می‌شود. برای تعیین اختلاف بین قیمت پیشنهادی خرید و فروش، مدل ارائه شده توسط چیانگ و وینکاتش در سال ۱۹۸۶ به کار گرفته شده است. مدل یاد شده به شرح زیر است:

$$SPREAD_{i,t} = \frac{AP - BP}{(AP + BP) / 2} * 100$$

که در آن:

t: دوره زمانی مورد بررسی

i: نمونه مورد بررسی

SPREAD: اختلاف بین قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

AP (Ask Price): میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در دوره t

BP (Bid Price): میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t

جهت بررسی هر دو فرضیه، الگوی رگرسیون به صورت زیر برآورد می‌شود و برای دوره شش ماهه و سالانه اجرا می‌شود:

$$CAR = \alpha + \beta * SUE + \sum \lambda_i * FACTOR_i * SUE + \kappa * COST * SUE + \sum \eta_i CONTROL_j * SUE + \varepsilon$$

که در آن:

CAR: بازده غیرعادی انباشته در هر شش ماهه می‌باشد که با تقسیم بر اندازه شرکت، استاندارد شده است و به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$CAR_{i,t} = (r_{i,t+1} - r_{i,t}) / \ln ME_{i,t+1}$$

$r_{i,t+1}$ : بازده واقعی سهام شرکت i در یک روز پس از اعلان سود

$r_{i,t}$ : بازده واقعی سهام شرکت i در روز اعلان سود

t: زمان اعلان سود

$\ln ME_{i,t+1}$ : اندازه شرکت

$CONTROL_j$ : عبارت است از سه متغیر کنترلی به شرح زیر:

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار ( $BM_{i,t}$ ) از تقسیم ارزش دفتری هر سهم بر ارزش روز سهام شرکت i در روز t محاسبه می‌شود.

$$BM_{i,t} = \frac{\text{book value}}{\text{market value}}$$

ریسک سیستماتیک ( $Beta_{i,t}$ )، شاخصی است برای تعیین قیمت یک سهم نسبت به شاخص قیمت کل سهام و معیاری است برای اندازه‌گیری ریسک سیستماتیک اوراق بهادار که به عنوان قسمتی از ریسک کلی نمی‌توان آن را از طریق ایجاد تنوع در پرتفوی از بین برد و یا کاهش داد.

$$Beta_{i,t} = \frac{Cov(\text{بازدهی بازار} * \text{بازدهی سهم})}{Var(\text{بازدهی بازار})}$$

LOSS، متغیر مجازی است و در صورتی که سود جاری کمتر از صفر باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌کند.

### یافته‌های پژوهش

توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آنها و پایه‌ای برای تبیین روابط بین متغیرهایی است که در تحقیق به کار می‌رود. بنابراین پیش از آزمون فرضیه‌ها به بررسی آماره‌های توصیفی هر متغیر می‌پردازیم. نخست آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش در جداول (۱) و (۲) ارائه می‌گردد.

#### تکاه (۱): آمار توصیفی در شرکت‌های منتخب شش ماهه اول

نام متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
بازده غیر عادی انباشته	۰/۰۰۸۷	۰/۰۰۰۰	۰/۶۵۸۶	-۵/۰۳۰۳	۷۴/۶۷۹۴
ریسک اطلاعات	۰/۴۴۸۷	۰/۴۵۳۸	۰/۰۹۴۱	۰/۰۳۶۶	۲/۸۱۳۵
هزینه معاملات	۴/۲۹۳۷	۰/۰۰۰۰	۳۳/۸۹۷۴	۰/۹۴۵۰	۲۳/۵۴۶۷
سود غیر منتظره استاندارد شده	۰/۷۰۳۵	۰/۴۹۹۰	۱۴/۲۹۶۴	-۲/۴۳۷۴	۶۳/۳۹۸۱
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	۱/۵۱۵۵	۰/۴۶۶۲	۱۸/۵۴۵۹	۲۰/۲۴۷۹	۴۱۱/۳۲۱۶
ریسک سیستماتیک	۰/۵۰۳۳	۰/۳۱۵۷	۱/۴۳۳۹	۱/۵۸۸۶	۶۵/۱۶۶۸
میزان سود جاری	۰/۰۶۷۶	۰/۰۰۰۰	۰/۲۵۱۴	۳/۴۴۳۵	۱۲/۸۵۸۲



## نگاره (۲): آمار توصیفی در شرکت‌های منتخب سالانه

نام متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
بازده غیر عادی انباشته	۰/۰۲۵۷	۰/۰۰۰۰	۰/۶۸۱۴	-۴/۵۵۸۹	۸۰/۰۶۷۰
ریسک اطلاعات	۰/۴۴۹۳	۰/۴۵۷۴	۰/۰۹۳۱	۰/۰۳۷۸	۲/۸۶۱۲
هزینه معاملات	۰/۱۷۶۱	۰/۰۰۰۰	۳۸/۶۳۸۴	۰/۲۲۴۴	۱۸/۴۱۰۴
سود غیر منتظره استاندارد- شده	۴/۰۱۸۵	۰/۸۹۱۰	۳۶/۹۳۵۵	۱۸/۳۶۸۰	۳۵۸/۵۳۷۹
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	۱/۵۱۵۵	۰/۴۶۶۲	۱۸/۵۴۵۹	۲۰/۲۴۷۹	۴۱۱/۳۲۱۶
ریسک سیستماتیک	۰/۵۰۳۳	۰/۳۱۵۷	۱/۴۳۳۹	۱/۵۸۸۶	۶۵/۱۶۶۸
میزان سود جاری	۰/۰۴۸۳	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۴۶	۴/۲۱۳۱	۱۸/۷۵۰۷

نگاره‌های ۱ و ۲، شاخص‌های مرکزی توزیع شامل میانگین و میانه متغیرها و نیز شاخص‌های پراکندگی توزیع شامل انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرها را به ترتیب در دوره شش ماهه و سالانه نشان می‌دهند. بر اساس نتایج، میانگین هزینه معاملات در دوره شش ماهه و سالانه به ترتیب ۴/۲۹۳۷ و ۰/۱۷۶۱ می‌باشد. میانگین ریسک اطلاعات در دوره شش ماهه و سالانه به ترتیب برابر با ۰/۴۴۸۷ و ۰/۴۴۹۳ است. میانگین بازده غیر عادی انباشته نیز در دوره شش ماهه و سالانه به ترتیب معادل ۰/۰۰۸۷ و ۰/۰۲۷۵ می‌باشد.

از آنجا که روش آزمون مورد استفاده پژوهش، گشتاورهای تعمیم یافته داده‌های تلفیقی پویا است، لذا ابتدا می‌بایست نسبت به مانایی متغیرها اطمینان یافت تا از بروز رگرسیون کاذب اجتناب شود. نتایج حاصل از آزمون مانایی متغیرهای پژوهش در نگاره‌های (۳) و (۴) مشاهده می‌گردد.

## نگاره (۳): نتایج آزمون مانایی در شرکت‌های منتخب شش ماهه اول

آزمون لوین، لین و چو (LLC)		آزمون فیشر-دیکی فولر (ADF)		آزمون فیشر فلیپس پرون (PP)		نام متغیر
آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	
-۷۱/۵۸۵	۰/۰۰۰۰	۷۹۸/۲۳۶	۰/۰۰۰۰	۲۹۰/۵۲۴	۰/۰۰۰۰	بازده غیر عادی انباشته
-۱۹/۸۹۶۱	۰/۰۰۰۰	۲۷۰/۳۵۶	۰/۰۰۰۰	۳۳۷/۴۱۴	۰/۰۰۰۰	ریسک اطلاعات
-۱۰۱۸/۰۴	۰/۰۰۰۰	۳۰۳/۵۹۶	۰/۰۰۰۰	۳۰۹/۲۸۰	۰/۰۰۰۰	هزینه معاملات
-۹۰/۳۱۵۵	۰/۰۰۰۰	۵۰۱/۵۸۹	۰/۰۰۰۰	۵۲۱/۶۳۴	۰/۰۰۰۰	سود غیر منتظره استاندارد شده
-۵۱۲/۶۸۳	۰/۰۰۰۰	۲۰۵/۹۹۸	۰/۰۰۰۰	۲۴۵/۹۵۰	۰/۰۰۰۰	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار
-۳۹/۶۰۱۵	۰/۰۰۰۰	۲۶۹/۴۸۲	۰/۰۰۰۰	۳۴۲/۲۷۴	۰/۰۰۰۰	ریسک سیستماتیک
-۲/۷۱۹۹	۰/۰۰۳۳	۲۷/۷۵۲۵	۰/۰۳۳۸	۲۷/۸۴۸۹	۰/۰۳۳۰	میزان سود جاری

## نگاره (۴): نتایج آزمون مانایی در شرکت‌های منتخب سالانه

آزمون لوین، لین و چو (LLC)		آزمون فیشر-دیکی فولر (ADF)		آزمون فیشر فلیپس پرون (PP)		نام متغیر
آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	
-۶۴۰۲/۷۷	۰/۰۰۰۰	۲۱۱/۵۴۵	۰/۰۰۰۰	۲۴۸/۰۳۷	۰/۰۰۰۰	بازده غیر عادی انباشته
-۱۷/۳۰۲۵	۰/۰۰۰۰	۲۴۵/۳۰۰	۰/۰۰۰۰	۲۸۸/۳۶۰	۰/۰۰۰۰	ریسک اطلاعات
-۲۷۷/۳۱۸	۰/۰۰۰۰	۲۸۸/۹۰۶	۰/۰۰۰۰	۳۳۷/۵۱۳	۰/۰۰۰۰	هزینه معاملات
-۴۲۲/۱۶۵	۰/۰۰۰۰	۳۰۷/۹۵۸	۰/۰۰۰۰	۳۴۷/۵۱۸	۰/۰۰۰۰	سود غیر منتظره استاندارد شده
-۵۱۲/۶۸۳	۰/۰۰۰۰	۲۰۵/۹۹۸	۰/۰۰۰۰	۲۴۵/۹۵۰	۰/۰۰۰۰	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار
-۳۹/۶۰۱۵	۰/۰۰۰۰	۲۶۹/۴۸۲	۰/۰۰۰۰	۳۴۲/۲۷۴	۰/۰۰۰۰	ریسک سیستماتیک
-۷/۶۱۱۰	۰/۰۰۰۰	۱۹/۰۸۷۷	۰.۵۱۶۱	۳۷/۷۰۰۴	۰.۰۰۹۶	میزان سود جاری

همان‌گونه که در نگاره‌های (۳) و (۴) مشاهده می‌شود، جهت آزمون مانایی از آزمون‌های لوین، لین و چو، آزمون دیکی فولر تعمیم یافته و آزمون فیلیپس و پرون استفاده شده است. بر

این مبنا نتایج حاصل از آزمون مانایی متغیرهای پژوهش نشان دهنده آن است که برای تمامی متغیرها، فرضیه وجود ریشه واحد رد می‌شود که به معنای مانایی متغیرهای مزبور است.

پس از حصول اطمینان از مانایی متغیرها، مدل گشتاورهای تعمیم یافته ارتگنال (متعامد) جهت بررسی فرضیات تحقیق برای شش ماهه اول و دوم اجرا می‌شود.

برای برآورد تأثیر شاخص ریسک اطلاعات و هزینه معاملات بر واکنش بازار به اعلانات سود شش ماهه و سالانه از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$CAR_{it} = \alpha + \beta_1 BM_{it} * SUE_{it} + \beta_2 BETA_{it} * SUE_{it} + \beta_3 cost_{it} * SUE_{it} + \beta_4 Factor_{it} * SUE_{it} + \beta_5 Loss_{it} * SUE_{it} + \beta_6 SUE_{it}$$

که در آن  $\beta_1, \beta_2, \beta_3, \dots$  ضرایب معادله هستند.  $U_{it}$  جزء اخلاص بوده و شامل تمام تأثیرات مشاهده نشده اقتصادی و مالی است و  $\mu_i$  نشان دهنده اثرات ثابت برای هر شرکت است. پس از تفاضل‌گیری مرتبه اول از مدل خواهیم داشت:

$$\Delta CAR_{it} = \alpha \Delta CAR_{it-1} + \beta_1 \Delta SUE_{it} + \dots + \Delta U_{it}$$

یکی از نتایج تبدیل مدل آن است که تمام متغیرهایی (همانند تأثیرات ثابت شرکتی) که در طی زمان ثابت هستند در مدل حذف می‌شوند. اما مشکل اصلی در این مدل درون‌زا بودن احتمالی متغیرهای کنترل و نیز همبستگی بین جزء اخلاص  $\beta_{it}$  و متغیر وابسته با وقفه  $\Delta CAR_{it-1}$  است. لذا از آنجا که متغیر وابسته  $CAR$  دارای وقفه مرتبه اول می‌باشد، جهت رفع مشکل از روش GMM داده‌های تلفیقی پویا استفاده می‌گردد. لازم به ذکر است، متغیرهای کنترلی و مستقل برون‌زا (از پیش تعیین شده) می‌باشند و متغیر وابسته، درون‌زا می‌باشد، بدین معنی که مقدار آن تحت تأثیر متغیرها در مدل قرار می‌گیرد.

از جمله روش‌های اقتصادسنجی مناسب برای حل یا کاهش مشکل درون‌زا بودن شاخص‌های نهادی و همبستگی بین متغیرهای نهادی و دیگر متغیرهای توضیحی، تخمین مدل با استفاده از گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) داده‌های تلفیقی پویا است. روش GMM داده‌های تلفیقی پویا هنگامی به کار می‌رود که تعداد متغیرهای برش مقطعی ( $N$ ) بیشتر از تعداد زمان و سالها ( $T$ ) باشد ( $N > T$ ) یعنی تعداد شرکت‌ها بیشتر از تعداد زمان است. به طور کلی دو روش برای برآورد مدل در روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) داده‌های

تلفیقی پویا وجود دارد که عبارتند از روش GMM تفاضلی مرتبه اول (DGMM) و روش GMM متعامد (OGMM). روش OGMM نسبت به روش DGMM دارای مزایایی است که محققان استفاده از آن را ترجیح می‌دهند. از جمله مزایای قابل ذکر آن است که روش OGMM با ارتقاء دقت و کاهش تورش محدودیت حجم نمونه، تخمین‌های کارآمدتر و دقیق‌تری را نسبت به شیوه DGMM ارائه می‌کند. شیوه اصلی برآورد در پژوهش روش GMM متعامد (OGMM) است. برای ایجاد اطمینان در خصوص مناسب بودن استفاده از این روش برای برآورد مدل دو آزمون مطرح است. یکی از این آزمون‌ها، آزمون سارگان می‌باشد و آزمون دوم، آزمون همبستگی پسماندها مرتبه اول (AR (1) و مرتبه دوم (AR (2) است. هر دو آزمون برای بررسی اعتبار و صحت متغیرهای ابزاری به کار می‌روند (ندیری و همکاران، ۱۳۹۰). حال به تخمین مدل اول خواهیم پرداخت، نتایج در نگاره (۵) ارائه شده است.

#### نگاره (۵): نتایج تخمین مدل اول در شرکت‌های منتخب شش ماهه اول

متغیر وابسته: بازده غیر عادی انباشته				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
ریسک اطلاعات	۰/۰۲۹۳	۰/۰۱۲۰	-۲/۴۲۷۶	۰/۰۱۵۹
هزینه معاملات	-۷/۴۹E-۰۵	۹/۳۱E-۰۵	-۰/۸۰۳۸	۰/۴۲۲۲
سود غیرمنتظره استاندارد شده	۰/۰۰۶۹	۰/۰۰۳۸	۱/۸۲۱۴	۰/۰۵
نسبت ارزش دفتری به بازار	۰/۰۱۱۸	۰/۰۰۶۰	۱/۹۵۰۷	۰/۰۵
ریسک سیستماتیک	-۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۰۶	-۱/۸۰۸۳	۰/۰۷۱۷
میزان سود جاری	۰/۱۶۵۰	۰/۰۸۴۹	۱/۹۴۲۹	۰/۰۵
آزمون سارگان		۰/۷۳		
AR (1)	۰/۰۲۴	AR (2)		۰/۶۵

در صورتی که قدر مطلق آماره t بزرگتر از ۲ باشد ضرایب تکی متغیرهای توضیحی از نظر آماری معنادار هستند. بنابراین ضریب متغیر هزینه معاملات معنا دار نمی‌باشد ولی سایر متغیرها همگی از نظر آماری معنادار هستند. برای ایجاد اطمینان در خصوص مناسب بودن استفاده از این روش برای برآورد مدل، دو آزمون مطرح است یکی از این آزمون‌ها، آزمون سارگان می‌باشد، که آماره‌ی آن باید بزرگتر از ۵ درصد باشد. آزمون دوم، آزمون همبستگی پسماندهای مرتبه اول (AR (1) و مرتبه دوم (AR (2) است که باید به ترتیب کوچکتر از ۵

درصد و بزرگتر از ۵ درصد باشند. در مدل برآورد شده آماره آزمون سارگان برابر با  $0/73$  به دست آمده است،  $AR(1)$  برابر با  $0/024$  و  $AR(2)$  برابر با  $0/65$  می‌باشد. بنابراین هر دو آزمون مطرح شده، صحت اعتبار نتایج مدل آزمون شده بر اساس روش  $GMM$  را تایید می‌نمایند.

با توجه به مدل ارائه شده تأثیر ریسک اطلاعات بر بازده غیر عادی انباشته در سطح اطمینان ۹۵ درصد منفی و معنا دار می‌باشد.

نتایج تخمین مدل دوم در دوره سالانه نیز در نگاره (۶) ارائه شده است.

#### تکراه (۶): نتایج تخمین مدل دوم در شرکت‌های منتخب سالانه

متغیر وابسته: بازده غیر عادی انباشته				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
ریسک اطلاعات	$0/0290$	$0/0274$	$1/0595$	$0/2913$
هزینه معاملات	$0/0002$	$3.49E-05$	$5/8052$	$0/0000$
سود غیرمنتظره استاندارد شده	$-0/0163$	$0/0094$	$-1/7180$	$0/0881$
نسبت ارزش دفتری به بازار	$0/0633$	$0/0132$	$4/7945$	$0/0000$
ریسک سیستماتیک	$0/0084$	$0/0034$	$-2/4384$	$0/01$
میزان سود جاری	$-0/3254$	$0/0472$	$-6/8833$	$0/0000$
آزمون سارگان		$0/79$		
$AR(1)$	$0/00$	$AR(2)$		$0/83$

با توجه به آماره t، ضریب متغیر ریسک اطلاعات معنا دار نمی‌باشد ولی سایر متغیرها همگی از نظر آماری معنا دار هستند. در مدل برآورد شده آماره آزمون سارگان برابر با  $0/79$  به دست آمده است،  $AR(1)$  برابر با  $0/00$  و  $AR(2)$  برابر با  $0/83$  می‌باشد. بنابراین هر دو آزمون مطرح شده، صحت اعتبار نتایج مدل آزمون شده بر اساس روش  $GMM$  را تایید می‌نمایند.

با توجه به مدل ارائه شده تأثیر هزینه معاملات بر بازده غیر عادی انباشته در سطح اطمینان ۹۹ درصد مثبت و معنا دار می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل اول و دوم، فرضیه اول در شش ماهه اول تایید و در شش ماهه دوم رد می‌شود. فرضیه دوم نیز در شش ماهه اول رد و در شش ماهه دوم تایید می‌شود.

### نتیجه‌گیری

نتایج بررسی و آزمون فرضیه اول تحقیق در هر دوره با نتایج تحقیقات انجام شده توسط خادمی گراشی و قاضی زاده (۱۳۸۶) و جلیلی و همکاران (۱۳۹۳) از این نظر که بازار سرمایه به فاکتورهای غیرمالی بیشتر از فاکتورهای مالی توجه می‌کند، مطابقت دارد ولی مطابق با نتایج تحقیقات کیم و ورچیا (۱۹۹۱) و ژانگ و همکاران (۲۰۱۳) نمی‌باشد. نتایج بررسی و آزمون فرضیه دوم تحقیق در هر دوره با نتایج تحقیقات انجام شده توسط خادمی گراشی و قاضی زاده (۱۳۸۶) و جلیلی و همکاران (۱۳۹۳) از این نظر که بازار سرمایه به فاکتورهای غیرمالی بیشتر از فاکتورهای مالی توجه می‌کند، مطابقت دارد ولی مطابق با نتایج تحقیقات اوهمک (۲۰۱۱) و ژانگ و همکاران (۲۰۱۳) نمی‌باشد. از جمله دلایلی که می‌توان برای عدم تطابق این تحقیقات ذکر کرد، دوره زمانی تحقیق، تعداد نمونه مورد بررسی و واکنش‌های متفاوت بازارها در کشورهای مختلف می‌باشد. اگر ما در یک بازه زمانی بلندتر از روز اعلان سود و یک روز پس از آن به بررسی واکنش بازار به اعلان سود از دیدگاه ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات می‌پرداختیم، یا ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات را با متغیرهای جانشین دیگری می‌سنجیدیم، ممکن بود نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات ذکر شده مطابقت می‌نمود.

با توجه به نتایج تحقیق در شش ماهه اول، سود شرکت‌هایی که ریسک اطلاعات بالایی دارند، حاوی اطلاعات جدیدتری برای بازار نیستند و واکنش اولیه بازار نسبت به اینگونه شرکت‌ها پایین می‌باشد. از طرفی، هزینه‌های معاملات نیز هیچ ارتباطی با واکنش بازار به اعلان سود ندارند. نتایج تحقیق در دوره سالانه نیز نشان می‌دهد، هزینه‌های معاملات سبب گردش کندتر اطلاعات نمی‌شوند و به عنوان یک اصطکاک در بازار عمل نمی‌کنند. از طرفی، ریسک اطلاعات نیز هیچ ارتباطی با واکنش بازار به اعلان سود ندارد. بنابراین، نتایج در هر دوره برای هر یک از فرضیه‌ها متفاوت است و نتایجی که حاصل شد با تئوری‌های مطرح شده و نیز تحقیقات پیشین در این زمینه در سایر کشورها سازگار است. علت احتمالی این موضوع به

رفتار هیجانی سرمایه‌گذاران اشاره دارد، زیرا در بازار سرمایه ایران، سرمایه‌گذاران بیشتر از آن که به فاکتورهای مالی همچون ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات توجه کنند، به فاکتورهای غیرمالی مانند عوامل سیاسی و اقتصادی اهمیت می‌دهند. بنابراین، سرمایه‌گذاران بر اساس تحلیل‌هایی که بر روی شایعات بنا شده است اقدام به خرید و فروش یک سهم می‌کنند. به عبارت دیگر، ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات بالا، سیگنالی را به بازار ارسال نمی‌کنند. یعنی سرمایه‌گذاران این موارد را امر خوب یا بدی تلقی نمی‌کنند و توجهی به این موضوع ندارند که پایین بودن ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات، باعث افزایش کیفیت و کارایی بازار می‌شود. این موضوع می‌تواند ناشی از نبود درک صحیح نسبت به ماهیت شاخص‌هایی همچون ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات باشد. هر تحقیق دارای محدودیت‌های غیر قابل اجتناب است. این تحقیق نیز از این قاعده مستثنی نیست و دارای محدودیت‌های خاص خود است. ابتدا اینکه برای محاسبه متغیر ریسک اطلاعات، از روش نرمال‌سازی استفاده شده است که این روش میزان دقت در محاسبه متغیر مذکور را پایین آورده است. همچنین برای بررسی فرضیات اول و دوم تحقیق طول دوره در نظر گرفته شده برای تعیین چگونگی واکنش بازار به اعلان سود از دیدگاه ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات، روز اعلان سود و یک روز پس از آن در نظر گرفته شده است، شاید اگر طول این دوره بلندتر از یک روز بود نتایج دیگری حاصل می‌شد. از سوی دیگر، صورت‌های مالی شرکت‌های مورد بررسی در تمام مقاطع سه‌ماهه جهت بررسی دقیق‌تر مدل وجود نداشت.

### پیشنهادات

با توجه به اینکه موضوع این تحقیق در ایران تاکنون انجام نشده است و نیز با توجه به موارد مشابه انجام شده در خارج از کشور، پیشنهاد می‌شود محققان و دانشجویان به بحث و تحقیق درباره موارد زیر پردازند:

۱. تجزیه و تحلیل واکنش اولیه بازار (روز اعلان سود و یک روز پس از آن) به نتایج روشنی درباره تأثیرات ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات بر کشف قیمت منتج نمی‌شود، لذا تجزیه و تحلیل بازده‌های پس از اعلان سود جهت آزمون دقیق‌تر فرضیه ریسک اطلاعات و هزینه‌های معاملات، انجام شود.

۲. متغیر ریسک اطلاعات با متغیرهای جانشین مطرح شده در تحقیقات دیگر همچون مندنهال (۲۰۰۴) و گارفینکل و سوکوبین (۲۰۰۶) سنجیده شود.
۳. متغیر هزینه معاملات با استفاده از متغیر وابسته محدود شده در تحقیق لسموند و همکاران (۱۹۹۹) سنجیده شود.

### پی نوشت

- ۱ Post Earning Announcement Drift      ۲ Bid-Ask Spread  
۳ Friction

### منابع

- Akbarshahi, A., Abbasimehr, M. (2015). Drift and continuation abnormal stock returns after the announcement, the measure SUE and EAR. The first International accounting, auditing, management and Economics Conference, Isfahan, Conference Secretariat. Received from [http://www.civilica.com/Paper-CAAME01-CAAME01\\_017.html](http://www.civilica.com/Paper-CAAME01-CAAME01_017.html) (in Persian).
- Akhgar, M., Alikhani, A. (2014). Impact of restatement of the financial statements on information risk in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Financial accounting journal*, 6 (22) , 88-68 (in Persian).
- Azar, A., Aflatooni, A., Zolghi, H. (2014). The relationship between information risk factors and the risk premium. The third national accounting and management conference, Tehran, *Institute of Information Narkish*. Received from [http://www.civilica.com/Paper-ACCFIN03-ACCFIN03\\_294.html](http://www.civilica.com/Paper-ACCFIN03-ACCFIN03_294.html) (in Persian).
- Chordia, T., Goyal, A., Sadka, R., Sadka, G., Shivakumar, L. (2009). Liquidity and the post-earnings-announcement drift. *Financial Analysts Journal* ,65, 18–32.
- Francis, J., Ryan, L., Per, M., Katherine, S. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal Of Accounting And Economics*, 39, 295-327.
- Hejazi, R., Mujtahedzadeh, V., Asnaashari, H. (2014). Designed to measure the quality of accounting information. PhD thesis, Faculty of Social Sciences and Economics, *Al-Zahra University* (in Persian).
- Jalili, S., Pirayesh, R., Ghasemzadeh, L. (2014). The impact of emotional intelligence on the decisions of individual investors in the Tehran Stock Exchange. *Accounting Research Journal*, 14, 103-81 (in Persian).



- Ke,B.,Rama linge gowda , S. (2005).Do institutional investors exploit the post earnings announcement drift?.*Journal of Accounting and Economics*,39, 25–53.
- Khademigarashi, M., Ghazizadeh. M. (2007). Factors affecting the decision of shareholders at Tehran Stock Exchange based on structural equation modeling. *Behavior Bimonthly*, 14 (23) , 1-12 (in Persian).
- Kim,O.,Verrecchia,R.E.1991. Trading volume and price reactions to public announcements. *Journal of Accounting Research*, 29,302–321.
- Kordestani, G., Sepiddast, S., Larijani, R. (2013). Assessment of Lower than expected market response to accounting earnings news: Stochastic frontier model. *Financial management strategy journal*, 1 (2) , 18-1 (in Persian).
- Mendenhall,R. 2004.Arbitrage risk and post-earnings announcement drift. *Journal of Business*,77, 875–894.
- Moradzadehfard, M., Rezapour, N., Farzani, H. (2010). The Role of accruals management in stock Liquidity of companies listed on the Stock Exchange. *Financial Accounting Journal*, 2 (5) , 116-101 (in Persian).
- Nadiri, M., Mohammadi, T. (2011). The impact of the institutional structure on economic growth, dynamic panel data GMM method. *Economic Modeling Journal*, 5 (3) , 24-1 (in Persian).
- Ng,J.,Rusticus,T.,Verdi,R. (2008).Implications of transaction costs for the post-earnings-announcement drift. *Journal of Accounting Research*, 46, 661–696.
- Oehmke,M. (2011).Gradual Arbitrage"*Working Paper*.Columbia University,NewYork.
- Rahimian, N., Hemmati, H., Soleimanifard, M. (2012). The relationship between earnings quality and information asymmetry in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Accounting Journal*, 3 (10) , 181-157 (in Persian).
- Rezaie, F., Veyssiehesar, S. (2013). Impact of information risk on the gross cost of debt and cost of equity-adjusted data companies. *Financial Knowledge of securities analysis*, 6 (17) , 44-29 (in Persian).
- Rezazadeh, J., Akbarshahi, A. (2013). Identify factors affecting the persistence of stock abnormal returns after the announcement. *Applied Research in the financial reporting Journal*. (2) 2, 23-7 (in Persian).
- Sadka,R. (2006).Momentum and post-earnings-announcement drift anomalies: the role of liquidity risk. *Journal of Financial Economics*, 80, 309–349.
- Zhang,Q.,Cai,C.X.,Keasey,K. (2013).Market Reaction To Earnings News: A Unified Test Of Information Risk And Transaction Costs. *Journal Of Accounting And Economics*, 56, 251-266. www.Elsevier.com



## تأثیر مزایای ایجاد شده در حسابداری بر میزان رضایتمندی با شرط پذیرش سیستم برنامه ریزی منابع سازمانی

سحر یوسفی زاده\*، مهناز ملانظری\*\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۰۳

### چکیده

طی دهه‌های گذشته، در سرتاسر جهان سازمان‌ها سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی (ERP) را پذیرفته‌اند. با این حال، اندک تحقیقاتی در رابطه با مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط پذیرش سیستم ERP وجود دارد. در این تحقیق تلاش شده است، مزایای ایجاد شده در حسابداری متأثر از پذیرش سیستم ERP استخراج شود و آیا در ارزیابی مزایای ایجاد شده در حسابداری و سطح رضایتمندی کاربر ERP بین دو گروه کاربران (حسابداران و متخصصان فناوری اطلاعات) تفاوت معناداری وجود دارد؟ در این مقایسه ۴۶ حسابدار و ۲۵ متخصص فناوری اطلاعات (IT) شرکت‌های ایرانی بررسی شدند. یافته‌های تحقیق ما نشان می‌دهد که مزایای ایجاد شده حاصل از پذیرش سیستم ERP روی فرایند و شیوه‌های حسابداری تأثیر می‌گذارد. همچنین، تفاوت آماری با اهمیتی بین دیدگاه حسابداران و متخصصان IT وجود ندارد. مزایای ایجاد شده در حسابداری و بهای تمام شده ERP که روی سطح رضایتمندی کاربران تأثیر می‌گذارد را تشریح می‌نماید. نتایج حاصل از پژوهش ما برای کسانی که روی مزایای ایجاد شده در حسابداری حاصل از پذیرش ERP و رضایتمندی کاربر ERP تحقیق می‌کنند، مفید می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** سیستم برنامه ریزی منابع انسانی، مزایای ایجاد شده در حسابداری، متخصصان فناوری و اطلاعات، رضایتمندی.

طبقه بندی موضوعی: G30, G39

DOI: 10.22051/jera.2017.7032.1043

\* کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه الزهراء (ع)، نویسنده مسئول. (saharyousefizadeh@yahoo.com)

\*\* دانشیار حسابداری دانشگاه الزهراء (ع). (mahnaznazari@gmail.com)

### مقدمه

سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی (ERP)، سیستم جامعی است که سعی در مدیریت موثرتر تمام منابع و یکپارچه‌سازی همه وظایف و بخش‌های موجود در سازمان با استفاده از یک سیستم کامپیوتری دارد تا بتواند نیازهای خاص و ویژه‌ی این بخش‌ها را برآورده سازد. این کار با استفاده از یک نرم‌افزار کامپیوتری انجام می‌شود. این نرم‌افزار به وسیله‌ی یک پایگاه داده واحد، امکان به اشتراک گذاری اطلاعات و ارتباط بخش‌های مختلف را با یکدیگر برقرار می‌سازد و از تعدادی ماژول نرم‌افزاری تشکیل شده است که هر یک بخشی از وظایف را انجام می‌دهند. اغلب نرم‌افزارهای ERP منعطف هستند و شرکت‌های خریدار قادرند، تعدادی از ماژول‌های موردنیاز یا همه آن‌ها را نصب کرده و به کار گیرند. انگیزه‌های مهم پذیرش ERP، نیاز به اطلاعات به موقع، یکپارچه و صحیح برای فرآیند تصمیم‌گیری می‌باشد (اسپازیس و کنستانتیندز، ۲۰۰۴). پذیرش سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی (ERP) بوسیله شرکتها مزایای فراوانی در حسابداری دارد که روی رضایتمندی کاربر ERP تأثیر می‌گذارد. ساتسیوگلودر سال ۲۰۰۹، سعی در مشخص کردن مزایای رضایتمندی کاربر ERP داشت. نتایج تحقیقات او نشان داد، رضایتمندی کاربر ERP وظایف کنترلی و مدیریت را بهتر می‌نماید، جریان منابع مالی را کنترل می‌کند، توانایی زیرساخت‌های تکنولوژی IT را افزایش می‌دهد و جریان کالاها را کنترل می‌کند. هدف اصلی این تحقیق، بررسی اثر مزایای ایجاد شده در حسابداری با شرط پذیرش سیستم ERP توسط شرکت‌ها، روی میزان رضایتمندی کاربر ERP است و به دنبال جواب این سوال است که آیا در ارزیابی مزایای حسابداری ERP و رضایتمندی کاربر ERP تفاوتی بین متخصصان IT و حسابداران وجود دارد؟ و نیز اثر مزایای حسابداری، مانند تعداد ماژول‌های اجرایی و بهای ERP روی رضایتمندی کاربر ERP بررسی می‌شود. این تحقیق تأثیری که سیستم ERP روی شیوه‌ها و فرایندهای حسابداری دارد را نشان می‌دهد. دستورالعمل‌های جدیدی برای ارتباط بین مزایای حسابداری ERP و رضایتمندی کاربر ERP معرفی می‌کند. برای پاسخگویی به این سؤالات از تعدادی متغیر مستقل مانند مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از ERP از نظر IT، از نظر زمان، از نظر بهای مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی، مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت، ماژول‌های اجرایی از نظر تعداد و نوع، بهای ERP استفاده می‌شود و برای هر یک متغیرها مشخصه‌هایی بیان می‌شود.

مجموع این مزایا، مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از ERP را مشخص می‌کند.

## مروری بر پیشینه

### ۱- مزایای ایجاد شده در حسابداری حاصل از پذیرش سیستم ERP

از مهمترین مزایای حسابداری در نتیجه پذیرش سیستم ERP افزایش انعطاف پذیری در تولید اطلاعات، افزایش یکپارچه سازی برنامه‌های کاربردی، بهبود کیفیت گزارشات و صورت حساب‌ها، بهبود تصمیم‌گیری براساس اطلاعات حسابداری قابل اتکا و به موقع، کاهش زمان برای افشای گزارشات سالانه است. سدرزاده رافعی و همکاران (۲۰۱۳)، مزایای ERP را در صنایع بسته‌بندی مواد خشک معرفی کردند. متدولوژی این تحقیق شامل سه منظر ذیل می‌باشد: تعریف مزایای سیستم ERP، پیاده سازی ERP و طبقه‌بندی مزایای ERP به مزایای عملیاتی، تکنیکی و استراتژیک. محققانی که روی مزایای حاصل از پذیرش ERP تمرکز کرده اند، نشان داده‌اند که پیاده‌سازی این سیستم‌ها معمولاً در بهبود فرایند تصمیم‌گیری و یکپارچگی مؤسسات مؤثر بوده‌اند (کلمنارس، ۲۰۰۹). مزایای دیگر حاصل از پذیرش ERP، گزارشات و صورت حساب‌های صحیح‌تر و بهبود خدمات حسابداری می‌باشد (ولکو، ۲۰۰۷؛ کلمنارس، ۲۰۰۹). برازل و دنگ (۲۰۰۸) در تحقیقاتشان اشاره کرده‌اند که پیاده‌سازی سیستم ERP وقفه‌های گزارش را کاهش می‌دهد. گاتیکر و گودهو (۲۰۰۴)، مزایای حاصل از پیاده‌سازی ERP در مؤسسات را ارزیابی کردند. آنها اشاره کردند: سیستم ERP مزایای فراوانی مثل بهبود هماهنگی داخل سازمان و کاهش گزارشات و ثبت‌های روزانه به همراه دارد. گرنلاند و مالمی (۲۰۰۲)، در تلاش برای نشان دادن اثرات یکپارچه‌سازی سیستم‌های گسترده اطلاعاتی مؤسسات روی حسابداری مدیریت و روی نقش حسابداران مدیریت بودند. یافته‌های آنها، بیشترین و مهم‌ترین مزایای ایجاد شده در حسابداری حاصل از پذیرش سیستم ERP را بهبود فرآیندها و تحلیل حجم بزرگی از اسناد و در نتیجه کمک به حسابداران مدیریت معرفی کردند. یافته‌های آنها با پژوهش‌های اسکاپن و جزایری (۲۰۰۳) که در تلاش برای تغییر پیاده‌سازی ERP از یک نقش سنتی (متمركز روی فعالیت‌های حسابداری) به نقش

تفسیری و تشریحی حسابداری که حسابداران را در موقعیت رایزنی قرار می‌دهد، هماهنگ می‌باشد.

نیکولوا (۲۰۰۴)، عملکردهای مالی بعد از پیاده‌سازی سیستم ERP را اندازه‌گیری کرد. ایشان مجموعه‌ایی از هشتاد شاخص مالی را استفاده کرد، مثل ROA (نرخ بازده دارایی)، ROI (نرخ بازده سرمایه)، ROS (نرخ بازده فروش) و OIS (درآمد عملیاتی بر روی فروش). ایشان همچنین، چهار شاخص پیاده‌سازی که یکی از آنها "انواع ماژول‌های پیاده‌سازی بود" را اندازه‌گیری کرد. نتایج بررسی او نشان داد که نوع ماژول‌های پیاده‌سازی روی عملکرد مالی بعد از پیاده‌سازی ERP تأثیر دارد. در تحقیقی که توسط شنگ و سدون (۲۰۰۲) انجام گرفت، چارچوب جامعی برای ارزیابی مزایای حاصل از سیستم‌های ERP پیشنهاد شد. این چارچوب مزایای ERP را در پنج بعد طبقه‌بندی کرد: عملیاتی، مدیریتی، استراتژیکی، زیر ساخت IT و سازماندهی. اسپازیس (۲۰۰۶) با پذیرفتن طبقه‌بندی شنگ و سدون (۲۰۰۲) مزایای ایجاد شده در حسابداری حاصل پذیرش سیستم ERP را طبقه‌بندی کرد. ایشان مزایای سیستم‌های مؤسسات (ES) را در گروه‌های مزایای سازماندهی، مزایای عملیاتی، مزایای مدیریتی و مزایای IT گنجانده. در این تحلیل، ایشان فرض کردند، که مزایای ایجاد شده در حسابداری بوسیله‌ی متغیرهای زیر می‌تواند توضیح داده شوند: دلایل پیاده‌سازی سیستم‌های بنگاه، ماژول‌های سیستم‌های بنگاه، بهای تمام شده سیستم‌های بنگاه به مانند درصدی از فروش و کل دارایی‌های شرکت. مطابق با این بررسی، مزایای ایجاد شده در حسابداری مانند افزایش انعطاف‌پذیری در تولید اطلاعات، افزایش یکپارچگی برنامه‌های کاربردی، بهبود کیفیت گزارشات و صورت‌حساب‌ها، بهبود تصمیم‌گیری براساس اطلاعات حسابداری به موقع و قابل اتکا، کاهش زمان افشای سالانه حساب‌ها، منجر به پذیرش سیستم‌های حسابداری در شرکت‌ها می‌شود (نگاره ۱).

## نگاره (۱): ERP و مزایای ایجاد شده در حسابداران

نویسندگان	موضوعات / یافته‌های اصلی
اسپازیس و کانتستینایدز، ۲۰۰۴	انگیزه‌های مهم پذیرش ERP: احتیاج به اطلاعات زمان واقعی و یکپارچه، تولید اطلاعات برای تصمیم‌گیری
اسپازیس و آنانیدایز، ۲۰۰۵؛ اسپازیس، ۲۰۰۶؛ کانلیو و اسپازیس، ۲۰۰۷؛ کالمنارس، ۲۰۰۶	سیستم ERP فرایند تصمیم‌گیری و یکپارچگی سازمانی را بهبود می‌بخشد
ولکو، ۲۰۰۷؛ برازل و دنگ، ۲۰۰۸؛ کالمنارس، ۲۰۰۹	سیستم ERP گزارش و صورت‌وضعیت‌های صحیح‌تر تولید می‌کند، خدمات حسابداری را بهبود می‌بخشد و وقفه‌های گزارشات را کاهش می‌دهد
گاتیکار و گودهو، ۲۰۰۴؛ چنگ، ۲۰۰۶	نتایج سیستم ERP تعداد گزارشات و ثبت چندگانه داده‌ها را کاهش می‌دهد
گرنلاند و مالمی، ۲۰۰۰؛ رم و رهد، ۲۰۰۶؛ جارونپا، ۲۰۰۷	سیستم ERP، به حسابداران برای انجام فعالیت‌های روزمره مؤثرتر کمک می‌کند و برای حسابداران زمان تجزیه و تحلیل فرایندهای تجاری می‌دهد
سدرزاده رافعی و همکاران، ۲۰۱۷	متدولوژی این تحقیق شامل سه منظر ذیل می‌باشد: تعریف مزایای سیستم ERP، پیاده‌سازی ERP و طبقه‌بندی مزایای ERP به مزایای عملیاتی، تکنیکی و استراتژیک.
گرابسکی و همکاران، ۲۰۱۱	سیستم ERP نیرویی برای دگرگونی حرفه حسابداری است و نقش حسابداران را، از سنتی به تفسیری تغییر می‌دهد و حسابداران را در موقعیت مشاوره و تجربه و تحلیل قرار می‌دهد
شنگ و سدون، ۲۰۰۲	چارچوب جامعی که مزایای ERP را به عملیاتی، مدیریتی، استراتژیک، زیرساخت IT و عملیاتی طبقه‌بندی می‌کند
استیوز، ۲۰۰۹	محققان بر اساس طبقه‌بندی شنگ و سدون (۲۰۰۲)، مزایای حاصل از سیستم ERP را بررسی کردند
نیکولوا، ۲۰۰۴	محققان برای ارزیابی عملکرد مالی بعد از پذیرش ERP از شاخص‌های مالی (ROA, ROI, ROS, OIS) استفاده می‌کنند
ساتن، ۲۰۰۶	احتیاج به تحقیقات تجربی که اثر ERP را بر حسب مزایا و سودمندی ایجاد شده در حسابداری نشان می‌دهد، وجود دارد

## ۲- تفاوت‌های دو دیدگاه حسابداران و متخصصان IT در محیط ERP

مؤسسه‌ای که یک سیستم طراحی می‌کند برخلاف سیستم‌های اطلاعاتی سنتی با شمار زیادی کاربر و سهامدار که دارای علایق و هدف‌های متعدد هستند مواجه می‌شود. فریمن (۱۹۸۴)، تعریفی از سهامدار را این گونه ارائه داد: گروه‌هایی که می‌توانند از طریق دستیابی به هدف سازمانمند تأثیرگذار باشند یا تأثیر بپذیرند. در تحقیقی همیلتون و چروانی (۱۹۸۱) نشان دادند ارزیابی اثر سیستم‌های اطلاعاتی به خاطر چند بعدی بودن جنبه‌های کیفی و کمیتی آن‌ها و اغلب تنوع دیدگاه‌های ارزیابی کننده‌ها مشکل می‌باشد.

اخیراً، تحقیقاتی برای پایه‌گذاری تئوری بازیگر شبکه<sup>۲</sup> توسط دچو و موریستن (۲۰۰۵) و کواترون و هوپر (۲۰۰۵) انجام شده است، که تنوع استفاده‌کنندگان و در نتیجه روش‌هایی که در پذیرش سیستم ERP وجود دارد را به تصویر می‌کشاند. کواترن و هوپر (۲۰۰۵)، در تلاش برای یافتن این پرسش بودند: چطور ERP وقفه‌ها و ارتباط آن‌ها با مدیریت را حذف می‌کند؟ برای نیل به اهداف مورد نظر، آن‌ها با پرسنل در موقعیت‌های مختلف مصاحبه کردند و اسناد مناسبی را جمع‌آوری کردند. مطابق تحقیقات بالا و در ارتباط با تئوری بازیگر شبکه گرنلاند (۲۰۱۱) بیان کرد: "...با توجه به مفهوم گسترده‌ی کنترل مدیریت، علاوه بر استفاده‌کنندگان معمولی، به استفاده‌کنندگان دیگر اطلاعات حسابداری و علایقش نیازمند می‌باشیم...".

دشماخ و همکاران (۲۰۱۵)، کیفیت مزایای ERP را روی مؤسسات کوچک و متوسط بررسی کردند. نتایج آنان نشان داد سیستم ERP به مانند تکنولوژی اطلاعاتی قوی برای این مؤسسات می‌باشد و برای ماندن در مسیر پیشرفت جهانی و دنیای رقابت در فرایند داخلی و خارجی مفید می‌باشد. در این مقاله تمرکز روی متخصصان IT و حسابداران می‌باشد. مقاله‌ی آنان اثرات آموزش، مدیریت پروژه، سخت افزار، نرم افزار، مهارت‌های نیروی کار، حمایت مدیران سطوح بالا روی کیفیت ERP به صورت سیستماتیک نشان داد.

برخی از مطالعات روی هیبریداسیون<sup>۳</sup> و نقش حسابداران و دیگر گروه‌های حرفه‌ای تمرکز دارد (کاگلیو، ۲۰۰۳؛ اسکاپن و جزایری، ۲۰۰۳؛ نیومن و وستراپ، ۲۰۰۵). در سال ۲۰۱۱ گرنلاند، هیبریداسیون را این چنین تعریف کرد: موقعیتی در گروه‌های حرفه‌ای مثل کارشناسان



IT و افراد غیر حسابداری که به خاطر پذیرش تکنولوژی جدید ERP با فرایند حسابداری رابطه برقرار می‌کنند.

گربسکی و همکاران در سال ۲۰۱۱، حسابداران مدیریت را کاربران مناسبی در ارزیابی منافع و طراحی و فرایند مسیریابی سیستم ERP شناخته‌اند. دومین گروه مورد بررسی متخصصان IT هستند. متخصصان IT در سازمان‌های مدرن به علت رشد سیستم‌های اطلاعاتی و در دنباله آن عملکرد تخصص IT در این سیستم‌های اطلاعاتی، کاربران مهمی محسوب می‌شوند (ایفیندو و ناهار، ۲۰۰۷). چنگ (۲۰۰۶)، یکپارچگی IS را در سازمان‌های فنی مدرن از نظر IT و مدیریت مقایسه کرد. همه‌ی سازمان‌های این تحقیق یک نوع سیستم ERP را پیاده ساخته بودند. این نتایج نشان داد، تصور IT و مدیریت در پیاده‌سازی IS خیلی مشابه است. بعلاوه برآورد کلی سیستم IT از تجارت، به سطح پیاده‌سازی آن‌ها مربوط است و آن به مزایا و قابلیت سیستم در سطح بالاتر نیازمند است. نتایج این مطالعه نشان داد که حسابداران سیستم ERP را، فرصتی برای گسترش مهارت و دانش خودشان تلقی می‌کنند. در تحقیقی دیگر این سؤال مطرح شده بود، آیا تفاوت با اهمیتی از عملکرد ERP بین دو گروه سهامدار سازمان (مدیران تجاری و متخصصان IT) وجود دارد. نتایج تعیین کرد، تفاوت آماری معناداری بین این دو گروه به جز از یک نظر وجود ندارد: موفقیت ERP در موقعیت مشاور به عنوان فروشنده (ایفیندو و ناهار، ۲۰۰۷). خلاصه‌ایی از این تحقیقات در نگاره ۲ جمع‌آوری شده است.

## تکراه (۲): تفاوت در دیدگاه حسابداران و متخصصان IT در محیط ERP

نویسندگان	موضوعات و یافته‌های مهم
دشماخ و همکاران، ۲۰۱۵	مقاله‌ی آنان اثرات آموزش، مدیریت پروژه، سخت افزار، نرم افزار، مهارت‌های نیروی کار، حمایت مدیران سطوح بالا روی کیفیت ERP به صورت سیستماتیک نشان داد.
کاکلیو، ۲۰۰۳؛ اسکاپن و جزایری، ۲۰۰۳؛ نیومن و وستراپ، ۲۰۰۵؛ گرابسکی، ۲۰۱۱	سیستم ERP به حسابداران در گسترده کردن نقششان (گزارش روی اندازه گیری غیرمالی، سیستم اطلاعات حسابرسی) فشار می آورد، بنابراین وظایفشان پیچیده می شود
ساتن، ۲۰۰۹	ارتباط بین IT و حسابداری مدیریت پیچیده و غیرقابل پیش بینی است
دجو و موریستن، ۲۰۰۵	وظایف کنترلی و تجاری باید در ارتباط با تکنولوژی به خاطر فهمیدن زیرساخت‌های اساسی و پتانسیل سیستم ERP، مطالعه شوند
ایفندو و ناهار، ۲۰۰۷	حرفه‌ی IT عامل اساسی در سازمان‌های مدرن محسوب می شود، به دلیل اینکه استفاده از IS روبه رشد است و سازمان‌ها به اهمیت IT بیشتر پی می برند
چنگ، ۲۰۰۶	تصور IT و مدیریت عمومی از پیاده سازی IS و موفقیت ERP یکسان است
هالسپیل و همکاران، ۲۰۰۶	سطح رضایتمندی کاربر در کاربران حسابداری مدیریت از کاربران غیرمدیریت بیشتر است
لانگینیدایز و گوتزمانی، ۲۰۰۹	کاربران دپارتمان شبکه نسبت به دپارتمان‌های دیگر از سیستم ERP کمتر راضی هستند
ایستیوز، ۲۰۰۹	تفاوت آماری با اهمیتی از درک و تصور مزایای حاصل از ERP بین مدیران تجاری و دانشجویان MBA شاغل در سیستم SME وجود ندارد
گرنلاند، ۲۰۱۱	محققان براساس تئوری بازیگر شبکه، انواع گروه‌ها و روش‌هایی که از پذیرش سیستم ERP تأثیر می پذیرند و راهی جدید برای محققین باز کردند را توصیف کردند. لینک مستقیم به شیوه‌ی حسابداری از دو دیدگاه پرسنل حسابداری و پرسنل IT/IS سودمند می باشد.

### ۳- سیستم ERP و رضایتمندی کاربر

راجان و بارال (۲۰۱۵) با ارائه چارچوب مفهومی سعی در بیان اثرات فاکتورهای فردی، سازمانی و تکنولوژی روی مزایای ERP و در نتیجه رضایت کاربران داشتند. نتایج آن‌ها نشان داد که رایانه‌های سودمند با قدرت بالا، حمایت‌های سازمانی، آموزش و همسازی اثر مفید روی سودمندی سیستم ERP دارد. این نیز به نوبه خود در عملکرد فردی و توانایی‌های جمعی تأثیرگذار می‌باشد.

سامرز و همکاران (۲۰۰۳)، رضایتمندی کاربر را به معنای پیش‌بینی نیازهای اطلاعاتی آن کاربر تعریف می‌کنند. آن‌ها رضایتمندی کاربر از سیستم اطلاعاتی را یکی از مهمترین مشخصه‌های موفقیت سیستم‌ها می‌دانند. دلون و مک‌لین (۱۹۹۲) سه دلیل اینکه چرا رضایتمندی کاربر به طور گسترده به عنوان مقیاس موفقیت IS شناخته شده است، به شرح ذیل مطرح کردند: اولاً: رضایتمندی کاربر بالاترین درجه اعتبار محسوب می‌شود. دوماً: مقیاسی قابل اتکا و ابزار اندازه‌گیری مناسب برای این متغیرها است، سوماً: نقاط ضعف ابزارهای جایگزینی موجود است. در سال ۱۹۹۲، دلون و مک‌لین مدل موفقیت IS شامل شش بعد مهم را پیشنهاد دادند. مدل آن‌ها به این نتیجه رسید، کیفیت سیستم و کیفیت اطلاعات روی مفید بودن و رضایتمندی کاربر اثر می‌گذارد. ده سال بعد، دلون و مک‌لین (۲۰۰۳) مدلشان را اصلاح کردند. آن‌ها مدلی با کیفیت اطلاعاتی، کیفیت سیستم و کیفیت خدمات که روی رضایتمندی کاربر اثر می‌گذارد، پیشنهاد دادند. همچنین در مدل جدید، رضایتمندی کاربر روی متغیر سود خالص اثر می‌گذارد.

ساتسیاگلو (۲۰۰۹)، سعی در تشخیص اثر مزایا، موانع و ریسک روی رضایتمندی کاربر در پروژه‌های ERP داشت. او پنج مورد از مهمترین مزایایی که رضایتمندی کاربر را تحت تأثیر قرار می‌دهند به شرح زیر یافت: مدیریت مؤثرتر و عملکرد کنترلی، کنترل جریان‌های مالی، کنترل‌های جریان‌های اطلاعاتی، افزایش قابلیت زیر ساخت‌های IT و کنترل جریان کالاها می‌باشد. نگاره ۳ خلاصه‌ای از یافته‌های گذشتگان که تمرکز روی سیستم ERP و رضایتمندی کاربر دارد را ارائه می‌نماید.

## نگاره (۳): ERP و رضایتمندی کاربر

نویسندگان	موضوعات و یافته‌های مهم
دلون و مک‌لین، ۱۹۹۲؛ سامرز و همکاران، ۲۰۰۳	رضایتمندی کاربر، ابزاری تعیین کننده برای موفقیت IS و ERP است
راجان و بارال، ۲۰۱۵	با ارائه چارچوب مفهومی سعی در بیان اثرات فاکتورهای فردی، سازمانی و تکنولوژی روی مزایای ERP و در نتیجه رضایت کاربران داشتند.
زویران و همکاران، ۲۰۰۵	درک و تصور سودمندی، یکی از فاکتورهای اثرگذار روی رضایتمندی کاربر سیستم ERP است
ویو و ونگ، ۲۰۰۷	بین رضایتمندی کاربر کلیدی و درک و تصور موفقیت سیستم رابطه وجود دارد
بردفورد و فلورین، ۲۰۰۳	رضایتمندی کاربر ارتباط بین فاکتورهای DOI و درک و تصور از عملکرد بنگاه پس از پذیرش ERP متعادل می کند
فلوروپلاس و همکاران، ۲۰۱۰	محققان براساس مدل دلون و مک‌لین (۱۹۹۲، ۲۰۰۳)، رضایتمندی کاربر سیستم، رضایتمندی کاربر سیستم ERP را ارزیابی کردند. کیفیت اطلاعات و کیفیت خدمات، عامل‌های تعیین کننده در ارزیابی رضایتمندی کارکنان محسوب می شود
کوه و همکاران، ۲۰۰۶	در پذیرش سیستم ERP بین کمپانی‌های یونانی و کمپانی‌های کشورهای دیگر بر حسب فرهنگ مؤسسات داخلی، منابع در دسترس، مهارت کارکنان و یکپارچگی ERP تفاوت وجود دارد
ساتسیاگلو، ۲۰۰۶	محققان سعی در تعریف مزایایی که رضایتمندی کاربر ERP را تعیین می کنند ( مثل مدیریت بهتر و وظایف کنترلی، کنترل جریان مالی، افزایش قابلیت زیرساخت IT، کنترل جریان کالا) دارند.

## فرضیه‌های پژوهش

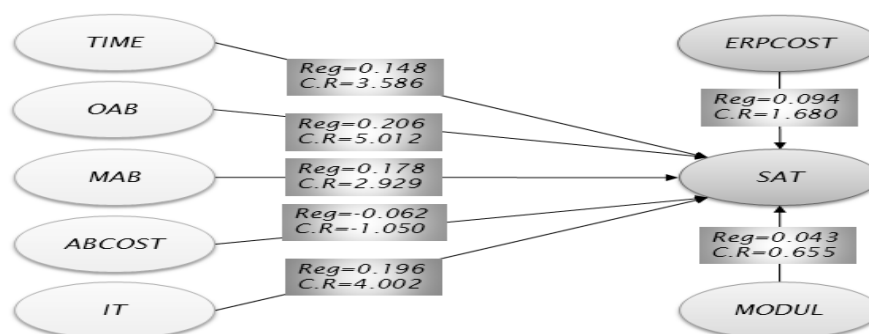
فرضیه اصلی اول: بین دیدگاه متخصصان IT و حسابداران از مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرایط استفاده از سیستم ERP و رضایت آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۱-۱: دیدگاه متخصصان IT و حسابداران در مورد مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر فناوری اطلاعات تفاوت معناداری دارد.

- فرضیه فرعی ۱-۲: دیدگاه متخصصان IT و حسابداران در مورد مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر زمان تفاوت معناداری دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۳: دیدگاه متخصصان IT و حسابداران در مورد مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر بهای تمام شده تفاوت معناداری دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۴: دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات IT و حسابداران در مورد مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی تفاوت معناداری دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۵: دیدگاه متخصصان IT و حسابداران در مورد مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت تفاوت معناداری دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۶: دیدگاه متخصصان IT و حسابداران در مورد رضایت کاربران از سیستم ERP تفاوت معناداری دارد.
- فرضیه اصلی دوم: تأثیر با اهمیتی بین مزایای عملیاتی ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP و رضایتمندی کاربران از ERP وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۲-۱: تأثیر با اهمیتی از مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر IT بر رضایتمندی کاربران از ERP وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۲-۲: تأثیر با اهمیتی از مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر زمان بر رضایتمندی کاربران از ERP وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۲-۳: تأثیر با اهمیتی از مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر بهای تمام شده بر رضایتمندی کاربران از ERP وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۲-۴: تأثیر با اهمیتی از مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی بر رضایتمندی کاربران از ERP وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۲-۵: تأثیر با اهمیتی از مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت بر رضایتمندی کاربران از ERP وجود دارد.

فرضیه اصلی سوم: تأثیر با اهمیتی از بهای سیستم ERP بر رضایتمندی کاربران از ERP وجود دارد.

فرضیه اصلی چهارم: تأثیر با اهمیتی از تعداد مازول‌های اجرایی بر رضایتمندی کاربران از ERP وجود دارد. نمودار ۱ ضریب تأثیر و آمارهای سازه‌های مدل را نشان می‌دهد.



نمودار (۱): ضرایب تأثیر سازه‌های مدل مورد مطالعه تحقیق و آمارهای آزمون مسیرهای تأثیر مدل

### جامعه آماری و قلمرو پژوهش

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های استفاده‌کننده از ERP در شرکت‌های ایرانی می‌باشد. لیست و آدرس شرکت‌های انتخابی، از سایت انجمن انفورماتیک ایران، سربرگ گروه تخصصی حسابداری به آدرس [www.isi.org.ir/introduction/ERP](http://www.isi.org.ir/introduction/ERP) به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند. توزیع پرسشنامه به صورت حضوری و غیرحضوری در شرکت مورد نظر بوده است.

### توصیف پاسخ‌گویی‌های مربوط به سازه‌های تحقیق و توصیف متغیرهای تحقیق:

در این پژوهش شش متغیر: رضایتمندی کاربر از سیستم ERP، مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر فناوری اطلاعات، مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر زمان، مزایای ایجاد شده در حسابداری به

شرط استفاده از سیستم ERP از نظر بهای تمام شده، مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی و مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت به صورت پنهان بوده و با استفاده از بیست و هفت سنجه در یک پیوستار هفت درجه‌ای و دامنه بین "اصلا وجود ندارد" تا "کاملا وجود دارد" سنجش شده است. متغیر ماژول‌های اجرایی از نظر تعداد با یازده سنه و وضعیت دو شقی به صورت وجود یا عدم وجود و متغیر بهای تحصیل و نصب سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی به عنوان درصدی از فروش سالانه سنجش شده است. برای توصیف پاسخ نمونه آماری در مورد هر یک از گویه‌های تحقیق با پیوستار هفت درجه‌ای از شاخص‌های فراوانی، در صد فراوانی، نما، میانه و میانگین استفاده شده است.

در این تحقیق متغیرهای تحقیق از دو طریق استخراج شده است. در روش اول برای هر نمونه آماری، میانگین پاسخ‌های مرتبط با هر متغیر محاسبه شده و در نهایت مقیاس‌سازی شده است. در روش دوم مقادیر هر یک از متغیرها به عنوان سازه از طریق نمرات عاملی استخراج شده است. برای بررسی روابط فرضیه‌های تحقیق از مقیاس عاملی و برای توصیف وضعیت هر یک از متغیرها در نمونه آماری و آزمون آن برای قضاوت در جامعه آماری از مقیاس‌سازی بر مبنای میانگین استفاده شده است.

### ۱) توصیف پاسخ‌گویه‌های رضایتمندی کاربر از سیستم ERP و شاخص‌های توصیفی رضایت کاربران از ERP:

رضایتمندی کاربر از سیستم ERP با استفاده از شش گویه: انعطاف‌پذیری، فراگیر بودن، فراشگرکی، بهترین روش‌های موجود، شبیه‌سازی به واقعیت و سایر ویژگی‌ها و در یک پیوستار هفت درجه‌ای و با نمره‌گذاری یک تا هفت سنجش شده است. نمای پاسخ‌های سه گویه گزینه "زیاد" و سه گویه گزینه "خیلی زیاد" و میانه پاسخ‌های یک گویه گزینه "زیاد" و پنج گویه گزینه "خیلی زیاد" است. میانگین این گویه‌ها بین ۵/۵۵ تا ۶/۰۱ قرار دارد. شاخص‌های نما، میانه و میانگین و همچنین درصد فراوانی پاسخ‌های انتخاب شده توسط نمونه آماری بیانگر این است که رضایتمندی کاربران از سیستم ERP در حد بالای متوسط است (نگاره ۴). رضایت کاربران از ERP با میانگین ۵/۷۰۲ و انحراف معیار ۰/۵۳۵ و واریانس ۰/۲۸۶ دارای چولگی مثبت و کشیدگی منفی است. قدرمطلق انحراف ضرایب چولگی و کشیدگی متغیر

کوچکتر از ۱/۹۶ است، بیانگر عدم انحراف توزیع و منحنی متغیر در مقایسه با توزیع نرمال است. چولگی مثبت توزیع حاکی است که مشاهده دور افتاده از شاخص‌های مرکزی در سمت راست مقیاس قرار دارد و کشیدگی منفی توزیع بیانگر تراکم کم مشاهده‌ها در اطراف شاخص‌های گرایش مرکزی است (نگاره ۵).

نگاره (۴): شاخص‌های آماری پاسخ‌گویه‌های رضایت کاربران از سیستم ERP

نام سنجش	اصلا وجود		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		کاملا زیاد		شاخص‌های		
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	میانگین	میانه	
SAT1	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۰	۵۶/۳	۲۳	۳۲/۴	۸	۱۱/۳	۵	۵	۵/۵۵
SAT2	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲/۸	۲۳	۳۲/۴	۴۰	۵۶/۳	۶	۸/۵	۶	۶	۵/۷۰
SAT3	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱/۴	۳۲	۴۵/۱	۷۸	۳۹/۴	۱۰	۱۴/۱	۶	۶	۵/۶۶
SAT4	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱/۴	۳۲	۴۵/۱	۲۶	۳۶/۶	۱۲	۱۶/۹	۶	۶	۵/۶۹
SAT5	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶	۸/۵	۲۶	۳۶/۶	۳۰	۴۲/۳	۹	۱۲/۷	۶	۶	۵/۵۶
SAT6	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۶	۲۲/۵	۳۸	۵۳/۵	۱۷	۲۳/۹	۶	۶	۶/۰۱

نگاره (۵): شاخص‌های توصیفی متغیر رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی در نمونه

## آماري

متغیر تحقیق	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	انحراف ضریب	
							چولگی	کشیدگی
رضایت کاربر از برنامه‌ریزی منابع سازمانی	۷۱	۵/۷۰۲	۰/۵۳۵	۰/۲۸۶	۰/۵۵۷	-۳/۰۳	۱/۹۵۶	-۰/۵۳۹



مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر فناوری اطلاعات با استفاده از هفت گویه: انعطاف‌پذیری، کاهش زمان برای ثبت معاملات، جمع‌آوری سریع‌تر داده‌ها، برقراری ارتباط آسان در داخل سازمان دیارتمان حسابداری با دیگر دیارتمان‌ها، جمع‌آوری آسان‌تر داده‌ها، پردازش سریع‌تر نتایج سنجش شده است.

مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر زمان با استفاده از چهار گویه: کاهش زمان برای بستن حساب‌های ماهانه، کاهش زمان برای بستن حساب‌های فصلی، کاهش زمان برای بستن حساب‌های سالانه و کاهش زمان برای انتشار صورت وضعیت مالی سنجش شده است.

مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر بهای تمام شده با استفاده از یک گویه: کاهش پرسنل دیارتمان‌های حسابداری سنجش شده است.

مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی با استفاده از شش گویه: بهبود کیفیت صورت وضعیت گزارش‌های حساب، بهبود کارایی حسابرسی داخلی، بهبود تصمیم‌گیری براساس اطلاعات به موقع و قابل اتکا، افزایش یکپارچگی برنامه‌های کاربردی، مشتری‌مداری و افزایش انعطاف‌پذیری در تولید اطلاعات سنجش شده است. مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت با استفاده از سه گویه: افزایش استفاده از تجزیه و تحلیل نرخ‌های مالی، بهبود کار کنترل سرمایه و کاهش زمان برای صدور لیست حقوق سنجش شده است.

### تحلیل‌های استنباطی داده‌های تحقیق

در این پژوهش دو دسته از فرضیه‌ها مطرح است که دسته اول به مقایسه دیدگاه متخصصان IT و حسابداران در ارزیابی مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرایط استفاده از سیستم ERP و رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی و دسته دوم به تاثیر هشت متغیر: مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر فناوری اطلاعات، مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر زمان، مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر بهای تمام شده، مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی، مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت، مازول‌های اجرایی از نظر

تعداد و بهای تحصیل و نصب سیستم ERP به عنوان درصدی از فروش سالانه بر رضایت کاربران از ERP پرداخته است.

### تجزیه و تحلیل مدل‌های تحقیق

برای تجزیه و تحلیل استنباطی و استخراج نتایج تحقیق، ابتدا دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران در مورد پنج متغیر مرتبط با مزایای ایجاد شده در حسابداری با آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل<sup>۴</sup> مقایسه شده و سپس با معادله‌یابی ساختاری با رویکرد کمترین مربعات جزئی<sup>۵</sup>، تأثیر هشت متغیر مستقل بر رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی بررسی شده است.

(۱) مقایسه دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران در مورد مزایای ایجاد شده در حسابداری و رضایت کاربران از اجرای ERP: برای بررسی و مقایسه دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران در مورد مزایای ایجاد شده در حسابداری از طریق اجرای سیستم ERP و رضایت کاربران از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل استفاده شده است. مفروضه بنیادی همسانی واریانس برای پنج متغیر قابل توجه و برای یک متغیر (مزایای ایجاد شده از نظر زمان) قابل توجه نیست. بنابراین از شاخص آزمون در "صورت همسانی واریانس"<sup>۶</sup> استفاده شده است. نتایج مقایسه‌ها نشان داده است که قدر مطلق شاخص آزمون آماری محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای کوچکتر از مقدار بحرانی و به بیان دیگر سطح معنی‌داری محاسبه شده آنها بزرگتر از خطای مجاز ۰/۰۵ است. این نتایج بیانگر این است که دیدگاه دو جامعه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران در مورد پنج مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP و رضایت کاربران از ERP تفاوت معنی‌داری ندارند. به بیان دیگر دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران در مورد متغیرهای آزمون شده به مانند دیگر ارزیابی می‌گردد (نگاره ۶).

## تکانه (۶): نتایج آزمون مقایسه میانگین متغیرهای تحقیق در بین متخصصان فناوری و

## حسابداران

متغیر و شاخص	تعداد		میانگین تجربی		مقایسه واریانس		مقایسه میانگین			
	حسابدار	فناوری	حسابدار	فناوری	آماره f	سطح خطا	آماره t	درجه آزادی	سطح خطا	تفاوت میانگین
رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی	۴۶	۲۵	۵/۷۳۹	۵/۶۳۳۳	۰/۵۵۰	۰/۴۶۱	۰/۷۹۳	۶۹	۰/۴۳۰	۰/۱۰۵۸۰
مزایای ایجاد شده از نظر فناوری اطلاعات	۴۶	۲۵	۵/۴۲۵	۵/۳۸۸۶	۰/۱۴۳	۰/۷۰۶	۰/۲۲۸	۶۹	۰/۸۲۱	۰/۰۳۶۸۹
مزایای ایجاد شده از نظر زمان	۴۶	۲۵	۵/۴۶۲	۵/۶۹	۴/۳۲۸	۰/۰۴۱	-۱/۴۴	۶۴/۷	۰/۱۵۴	-۰/۲۲۸۰۴
مزایای ایجاد شده از نظر بهای تمام شده	۴۶	۲۵	۵/۸۹۱	۵/۸۸	۰/۸۴۰	۰/۳۶۳	۰/۰۵۳	۶۹	۰/۹۵۸	۰/۰۱۱۳۰
مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی	۴۶	۲۵	۵/۲۷۸	۵/۲	۲/۷۱۱	۰/۱۰۴	۰/۵۷۰	۶۹	۰/۵۷۱	۰/۰۷۸۲۶
مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت	۴۶	۲۵	۵/۳۵۵	۵/۳۸۶۷	۱/۲۴۷	۰/۲۶۸	-۰/۱۹۹	۶۹	۰/۸۴۳	-۰/۰۳۱۵۹

(۲) بررسی مدل مفهومی براساس مدل‌یابی ساختاری: برای بررسی تأثیر هشت متغیر ذکر شده بر رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی از مدل‌یابی ساختاری با کمترین مربعات جزئی استفاده است. برای تعیین فاصله اطمینان از ضرایب مسیر و استنباط آماری از روش نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ<sup>۷</sup> با جایگذاری از نمونه اصلی و تعداد نمونه‌های مجدد برابر با صد نمونه استفاده شده و در ادامه به تحلیل نتایج پرداخته شده است.

**تحلیل‌های مرتبط با شاخص‌های برازندگی مدل:** شاخص‌های برازندگی در معادله یابی کمترین مربعات جزئی در مورد توانمندی سازه‌های اثرگذار مدل در پیش‌بینی سازه‌های اثرپذیر و توانمندی گویه‌ها در سنجش معتبر و مناسب سازه‌ها قضاوت می‌کند. در مدل این پژوهش شاخص مطلق<sup>۸</sup> با مقدار ۰/۵۴۸ و شاخص نسبی<sup>۹</sup> با مقدار ۰/۸۱۶ است که از مقادیر معناداری برخوردار هستند. شاخص مدل بیرون<sup>۱۰</sup> با مقدار ۰/۹۹۶ از توانمندی بخش اندازه‌گیری مدل و شاخص مدل درونی<sup>۱۱</sup> با مقدار ۰/۸۲۰ از توانمندی بخش ساختاری مدل پشتیبانی کرده است (نگاره ۷).

**نگاره (۷): نتایج شاخص‌های برازندگی مدل تحقیق با رویکرد کمترین مربعات جزئی**

نتیجه آزمون	دامنه اطمینان		مقادیر بحرانی	خطای معیار	مقادیر	نام شاخص
	دامنه بالا	دامنه پائین				
شاخص برازندگی مطلق قابل قبول است.	۰/۶۲۱	۰/۳۳۳	۷/۲۶۵	۰/۰۶۲	۰/۵۴۸	شاخص مطلق
شاخص برازندگی نسبی قابل قبول است.	۰/۸۹۷	۰/۵۰۲	۹/۹۹	۰/۰۷۲	۰/۸۱۶	شاخص نسبی
شاخص برازندگی مدل بیرونی قابل قبول است.	۰/۹۹۶	۰/۹۳۳	۷۴/۵۹۲	۰/۰۱۳	۰/۹۹۶	مدل بیرونی
شاخص برازندگی مدل درونی قابل قبول است.	۰/۹۰۲	۰/۵۲۶	۱۰/۳۲۸	۰/۰۰۷	۰/۸۲۰	مدل درونی

**نتایج و تحلیل‌های مرتبط با بخش اندازه‌گیری مدل<sup>۱۲</sup>:**

اعتبار ابزار اندازه‌گیری: اعتبار به همسانی درونی پاسخ‌های مرتبط به هر یک از سازه‌ها اشاره دارد. برای قضاوت در مورد اعتبار ابزار سنجش سازه‌های مدل به شاخص‌های: ضرایب "آلفای کرونباخ"، ضرایب "دلون-گلدیستین رو" و "ارزش ویژه"<sup>۱۳</sup> استناد شده است. ضرایب آلفای کرونباخ و دلون-گلدیستین هر پنج سازه مدل بالاتر از ۰/۷۰ است که از اعتبار لازم و کافی آنها پشتیبانی کرده است. همچنین برای هر یک از سازه‌ها تنها یک ارزش ویژه

بالتر از یک وجود دارد که نشان دهنده یک بعدی بودن آنها است. بنابراین شاخص‌های سه روش اشاره شده از اعتبار وسیله اندازه‌گیری حمایت کرده است (نگاره ۸).

**نگاره ۸): شاخص‌های اعتبار سازه‌های مدل مفهومی تحقیق براساس سه شاخص اعتباریابی**

نتیجه	ارزش ویژه		اعتبار ترکیبی	آلفای کرونباخ	تعداد گویه	سازه‌های تحقیق
	عامل اول	عامل دوم				
سازه دارای اعتبار لازم است.	۰/۲۹۷	۲/۰۰۶	۰/۹۲۶	۰/۸۹۱	۴	مزایای ایجاد شده از نظر زمان
سازه دارای اعتبار لازم است.	۰/۶۴۴	۱/۵۴۳	۰/۸۴۱	۰/۷۵۸	۵	مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی
سازه دارای اعتبار لازم است.	۰/۴۳۲	۱/۲۰۱	۰/۸۳۷	۰/۷۰۶	۳	مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت
سازه دارای اعتبار لازم است.	۰/۹۴۷	۲/۹۲۶	۰/۸۸۲	۰/۸۴۲	۷	مزایای ایجاد شده از نظر فناوری اطلاعات
سازه دارای اعتبار لازم است.	۰/۴۲۰	۱/۷۲۲	۰/۸۷۶	۰/۸۲۸	۶	رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی

روایی ابزار اندازه‌گیری: آماره محاسبه شده برای ضرایب عاملی همه گویه‌ها بزرگتر از  $1/96$  مشاهده شده است که نشان می‌دهد ضرایب عاملی هر یک از گویه‌های مورد استفاده به صورت مثبت و معنادار هستند. همچنین بارهای عرضی همه گویه‌های هر سازه با یکدیگر ارتباط قویتری نسبت به رابطه آن‌ها با گویه‌های سازه‌های دیگر دارند. میانگین واریانس استخراج شده<sup>۱۴</sup> هر پنج سازه بزرگتر از  $0/50$  است که بیانگر وجود روایی همگرایی و توان دوم همبستگی بین سازه‌های هر پنج سازه کوچکتر از میانگین واریانس استخراج شده است که بیانگر وجود روایی تشخیصی است (نگاره ۹).

## تکرار (۹): ضرایب روایی تشخیصی و همگرایی سازه‌های مورد مطالعه مدل تحقیق

AVE	SAT	IT	MAB	OAB	TIME	سازه‌ها و علائم اختصاری
۰/۷۵۶	۰/۱۲۱	۰/۳۷۱	۰/۱۶۶	۰/۲۶۱	۱	مزایای ایجاد شده از نظر زمان
۰/۵۲۲	۰/۲۳۲	۰/۲۲۰	۰/۲۷۸	۱	۰/۲۶۱	مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی
۰/۶۳۰	۰/۱۷۴	۰/۱۳۲	۱	۰/۲۷۸	۰/۱۶۶	مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت
۰/۵۲۱	۰/۲۱۱	۱	۰/۱۳۲	۰/۲۲۰	۰/۳۷۱	مزایای ایجاد شده از نظر فناوری اطلاعات
۰/۵۳۵	۱	۰/۲۱۱	۰/۱۷۴	۰/۲۳۲	۰/۱۲۱	رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی
۰	۰/۵۳۵	۰/۵۲۱	۰/۶۳۰	۰/۵۲۲	۰/۷۵۶	میانگین واریانس مشترک

نتایج و تحلیل‌های مرتبط با بخش ساختاری مدل: بخش ساختاری مدل به مسیرهای تأثیر از سازه‌های اثرگذار بر اثرپذیر اختصاص دارد و در مورد شدت ضرایب مسیرهای مفروض مدل قضاوت می‌کند. در بخش ساختاری مدل، شاخص‌های آزمون آماری از مسیرهای: مزایای ایجاد شده از نظر زمان، مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی، مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت و مزایای ایجاد شده از نظر فناوری اطلاعات بر رضایت کاربران از ERP بزرگتر از مقدار بحرانی ۱/۹۶ و ۲/۵۸ است و بیانگر این است که تأثیر چهار سازه: مزایای ایجاد شده از نظر زمان، مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی، مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت و مزایای ایجاد شده از نظر فناوری اطلاعات بر رضایت کاربران از ERP به صورت مستقیم و معنادار است. اما شاخص‌های آزمون آماری از مسیرهای: مزایای ایجاد شده در حسابداری از نظر بهای تمام شده، مازول‌های اجرایی از نظر تعداد و بهای تحصیل و نصب سیستم ERP کوچکتر از مقدار بحرانی ۱/۹۶ است و بیانگر این است که تأثیر سه سازه: مزایای ایجاد شده در حسابداری از نظر بهای تمام شده، مازول‌های اجرایی از نظر تعداد و بهای

تحصیل و نصب سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی بر رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی به صورت معنادار نیست.

ضریب تشخیص مدل بیانگر این است که حدود ۰/۳۵ از تغییرات رضایت کاربران از ERP به وسیله هفت متغیر مدل قابل تبیین است که به ترتیب بالاترین ضریب تشخیص به: مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی با مقدار ۰/۰۹۹، مزایای ایجاد شده از نظر فناوری اطلاعات با مقدار ۰/۰۹۰، مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت با مقدار ۰/۰۷۴، مزایای ایجاد شده از نظر زمان با مقدار ۰/۰۵۲، بهای تحصیل و نصب سیستم ERP با مقدار ۰/۰۲، مزایای ایجاد شده در حسابداری از نظر بهای تمام شده با مقدار ۰/۰۰۹ و تعداد مازول‌های اجرایی با مقدار ۰/۰۰۴ اختصاص دارد.

شاخص افزونگی<sup>۱۵</sup> مدل به مقدار ۰/۲۸۹ است که مقدار مثبت آنها بیانگر کیفیت مناسب و قابل قبول مدل ساختاری و توانایی سازه‌های اثرگذار در پیش‌بینی رضایت کاربران از ERP است.

#### تکانه (۱۰): شاخص‌های آزمون روابط بین سازه‌های مدل مفهومی تحقیق در جامعه آماری

ضریب تشخیص شاخص افزونگی		آزمون ضریب همبستگی		آزمون ضریب تاثیر			سازه‌های مدل و نقش آنها		
شاخص	مقدار	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	آماره آماری	تاریخچه	تاریخچه	تاریخچه	اثرگذار	
۰/۰۵۲	۰/۳۴۹	۰/۲۸۹	۰/۰۰۳	۳/۵۸۶	۰/۰۴۱	۰/۱۴۸	رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع	مزایای زمان	
۰/۰۹۹			۰/۰۰۰	۵/۰۱۲	۰/۰۴۱	۰/۲۰۶		مزایای حسابداری سازمانی	
۰/۰۷۴			۰/۰۰۰	۲/۹۲۹	۰/۰۶۱	۰/۱۷۸		مزایای حسابداری مدیریت	
۰/۰۰۹			۰/۲۲۹	-۱/۱۴۵	-۱/۰۵۰	۰/۰۵۹		-۰/۰۶۲	مزایای بهای تمام شده
۰/۰۹۰			۰/۰۰۰	۰/۴۵۹	۴/۰۰۲	۰/۰۴۹		۰/۱۹۶	مزایای فناوری اطلاعات
۰/۰۲۰			۰/۰۶۶	۰/۲۱۹	۱/۶۸۰	۰/۵۶۰		۰/۰۹۴	بهای برنامه‌ریزی سیستم
۰/۰۰۴			۰/۳۹۹	۰/۱۰۲	۰/۶۵۵	۰/۰۶۶		۰/۰۴۳	تعداد مازول‌های اجرایی

ضرایب اهمیت متغیر در پیش‌بینی<sup>۱۶</sup> برای چهار سازه پیش‌بینی کننده مزایای ایجاد شده از نظر زمان، مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی، مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت و مزایای ایجاد شده از نظر فناوری اطلاعات بزرگتر از ۰/۸۰ است که از اهمیت بالای آنها در پیش‌بینی سازه رضایت کاربران از ERP حمایت کرده است. ضرایب اهمیت سه متغیر مزایای

ایجاد شده در حسابداری از نظر بهای تمام شده، ماژول‌های اجرایی از نظر تعداد و بهای تحصیل و نصب سیستم ERP کوچکتر از ۰/۸۰ است که حاکی از اهمیت پائین آنها در پیش‌بینی سازه رضایت کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی است. شاخص‌های آزمون آماری و ضرایب تاثیر و تشخیص و شاخص افزونگی و ضرایب همبستگی بین مسیرهای مدل در نگاره ۱۰ نشان داده شده است.

### نتایج فرضیه‌های پژوهش

۱) فرضیه اصلی اول: بین دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران از مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرایط استفاده از سیستم ERP و رضایت آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

با استناد به پایه نظری تحقیق، انتظار این است که دیدگاه جامعه آماری متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران در مورد پنج مزایای ایجاد شده حسابداری از اجرای سیستم ERP و رضایت کاربران از سیستم ERP تفاوت داشته باشد. برای تأیید یا رد این ادعاها، فرضیه‌های صفر دال بر: نبود تفاوت در دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران در مورد متغیرهای مورد آزمون در مقابل فرضیه مخالف دال بر وجود تفاوت در دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران در مورد متغیرهای مورد آزمون شده است. بنابراین شش فرضیه صفر و مخالف به صورت زیر طرح و در مورد آنها قضاوت شده است.

$$\begin{cases} H0: X_{Acc} = X_{IT} \\ H1: X_{Acc} \neq X_{IT} \end{cases}$$

بنابراین دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران با شش فرضیه فرعی در مورد متغیرهای: مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر فناوری اطلاعات، مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر زمان، مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر بهای تمام شده، مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی، مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت و رضایت کاربران از سیستم ERP مقایسه شده است.



آزمون این فرضیه‌ها و تصمیم‌گیری در مورد آن براساس نتایج بدست آمده از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل صورت گرفته است. قدر مطلق آماره‌های محاسبه شده برای مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP در دو جامعه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران کوچکتر از مقدار بحرانی ۱/۹۶ و یا سطح معنی‌داری محاسبه شده بزرگتر از ۰/۰۵ است، بنابراین شواهد از توان لازم برای رد فرضیه‌های صفر برخوردار نیست. در نتیجه این فرضیه‌های فرعی رد شده است و می‌توان ادعا کرد که: دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران در مورد مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP تفاوت معناداری ندارد (نگاره ۱۱).

#### نگاره (۱۱): نتایج آزمون مقایسه میانگین متغیرهای تحقیق در بین متخصصان فناوری و

##### حسابداران

فرضیه‌های فرعی	متغیر و شاخص	میانگین تجربی		مقایسه میانگین			
		حسابدار	فناوری	آماره t	درجه آزادی	سطح خطا	تفاوت میانگین
فرصیه فرعی ۱	مزایای ایجاد شده از نظر فناوری اطلاعات	۵/۴۲۵	۵/۳۸۸۶	۰/۲۲۸	۶۹	۰/۸۲۱	۰/۰۳۶۸۹
فرصیه فرعی ۲	مزایای ایجاد شده از نظر زمان	۵/۴۲۶	۵/۶۹	-۱/۴۴	۶۴/۷	۰/۱۵۴	-۰/۲۲۸۰۴
فرصیه فرعی ۳	مزایای ایجاد شده از نظر بهای تمام شده	۵/۸۹۱	۵/۸۸	۰/۰۵۳	۶۹	۰/۹۵۸	۰/۰۱۱۳۰
فرصیه فرعی ۴	مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی	۵/۲۷۸	۵/۲	۰/۵۷۰	۶۹	۰/۵۷۱	۰/۰۷۸۲۶
فرصیه فرعی ۵	مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت	۵/۳۵۵	۵/۳۸۶۷	-۰/۱۹۹	۶۹	۰/۸۴۳	-۰/۰۳۱۵۹
فرصیه فرعی ۶	رضایت کاربران از برنامه ریزی منابع سازمانی	۵/۷۳۹	۵/۶۳۳۳	۰/۷۹۳	۶۹	۰/۴۳۰	۰/۱۰۵۸۰

۲) فرضیه اصلی دوم: تأثیر با اهمیتی بین مزایای عملیاتی ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP و رضایتمندی کاربران از برنامه ریزی منابع سازمانی وجود دارد.

با استناد به پایه نظری تحقیق، انتظار این است که در جامعه آماری مورد مطالعه، مزایای عملیاتی ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از ERP بر رضایتمندی کاربران از برنامه ریزی منابع سازمانی تاثیر داشته باشد. برای تأیید یا رد این ادعاها، فرضیه‌های صفر دال بر: نبود تاثیر از مزایای عملیاتی ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP بر رضایتمندی کاربران از ERP در مقابل فرضیه مخالف دال بر وجود تاثیر از مزایای عملیاتی ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP بر رضایتمندی کاربران از ERP آزمون شده است. بنابراین پنج فرضیه صفر و مخالف به صورت زیر طرح و در مورد آنها قضاوت شده است.

$$\begin{cases} H_0 : \gamma_{Y,X} = 0 \\ H_1 : \gamma_{Y,X} \neq 0 \end{cases}$$

بنابراین با پنج فرضیه فرعی تاثیر متغیرهای: مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر فناوری اطلاعات، مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر زمان، مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر بهای تمام شده، مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی و مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت بر رضایت کاربران از سیستم ERP بررسی شده است.

آزمون این فرضیه و تصمیم‌گیری در مورد آن بر اساس نتایج بدست آمده از مدل معادله‌یابی ساختاری با روش کمترین مربعات جزئی صورت گرفته است. با توجه به اینکه که آماره محاسبه شده از مقدار بحرانی برای مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر فناوری اطلاعات، از نظر زمان، از نظر حسابداری سازمانی، از نظر حسابداری مدیریت از مقدار بحرانی ۱/۹۶ و ۲/۵۸ بزرگتر است، بنابراین فرضیه‌های صفر علاوه بر سطح ۹۵٪ اطمینان در سطح ۹۹٪ اطمینان نیز رد شده و فرضیه‌های مخالف دال بر وجود تاثیر مستقیم از مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP بر رضایتمندی کاربران از ERP پذیرفته شده است. بنابراین با استناد به شاخص‌های محاسبه شده می‌توان ادعا کرد که مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر فناوری اطلاعات، از نظر زمان، از نظر حسابداری سازمانی، از نظر حسابداری مدیریت بر رضایتمندی کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی تاثیر مستقیم دارد. ضریب همبستگی بین سازه‌ها و رضایتمندی

کاربران به صورت مستقیم و معنادار است. اما ضریب تاثیر مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر بهای تمام شده بر رضایتمندی کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی با مقدار ۰/۰۶۲- دارای آماره بحرانی محاسبه شده به مقدار ۱/۰۵۰- است. با توجه به اینکه که آماره محاسبه شده کوچکتر از مقدار بحرانی ۱/۹۶ است، بنابراین شواهد لازم برای رد فرضیه صفر وجود ندارد و در نتیجه فرضیه تحقیق رد شده است. با استناد به شاخص‌های محاسبه شده می‌توان ادعا کرد که مزایای ایجاد شده در حسابداری به شرط استفاده از سیستم ERP از نظر بهای تمام شده بر رضایتمندی کاربران از ERP تاثیر معناداری ندارد. همچنین ضریب همبستگی بین دو سازه با مقدار ۰/۱۴۵ به صورت معکوس است، اما معنادار نیست (نگاره ۱۲).

#### نگاره (۱۲): شاخص‌های روابط بین سازه‌های مدل مفهومی تحقیق در جامعه آماری

فرضیه‌های فرعی	سازه‌های مدل و نقش آنها		آزمون ضریب تاثیر		آزمون ضریب همبستگی
	اثرگذار	اثرپذیر	ضریب تاثیر	آماره بحرانی	ضریب
فرضیه فرعی ۱	مزایای فناوری اطلاعات	رضایت کاربران از سیستم	۰/۱۹۶	۴/۰۰۲	۰/۴۵۹
فرضیه فرعی ۲	مزایای زمان	رضایت کاربران از سیستم	۰/۱۴۸	۳/۵۸۶	۰/۳۴۷
فرضیه فرعی ۳	مزایای بهای تمام شده	رضایت کاربران از سیستم	-۰/۰۶۲	-۱/۰۵۰	-۰/۱۴۵
فرضیه فرعی ۴	مزایای حسابداری سازمانی	رضایت کاربران از سیستم	۰/۲۰۶	۵/۰۱۲	۰/۴۸۱
فرضیه فرعی ۵	مزایای حسابداری مدیریت	رضایت کاربران از سیستم	۰/۱۷۸	۲/۹۲۹	۰/۴۱۷

۳) فرضیه اصلی سوم: تاثیر با اهمیتی از بهای سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی بر رضایتمندی کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی وجود دارد.

ضریب تاثیر بهای سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی بر رضایتمندی کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی با مقدار ۰/۰۹۴ دارای آماره بحرانی محاسبه شده به مقدار ۱/۶۸۰ است. با توجه

به اینکه که آماره محاسبه شده کوچکتر از مقدار بحرانی ۱/۹۶ است، در نتیجه شواهد از توان لازم برای رد فرضیه صفر برخوردار نیست و فرضیه تحقیق رد شده است. با استناد به شاخص‌های محاسبه شده می‌توان ادعا کرد که بهای سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی بر رضایتمندی کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی تأثیر معناداری ندارد. ضریب همبستگی بین دو سازه با مقدار ۰/۲۱۹ به صورت معنادار مشاهده نشده است.

۴) فرضیه اصلی چهارم: تأثیر با اهمیتی از تعداد ماژول‌های اجرایی بر رضایتمندی کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی وجود دارد.

ضریب تأثیر تعداد ماژول‌های اجرایی بر رضایتمندی کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی با مقدار ۰/۰۴۳ دارای آماره بحرانی محاسبه شده به مقدار ۰/۶۵۵ است. با توجه به اینکه که آماره محاسبه شده کوچکتر از مقدار بحرانی ۱/۹۶ است، در نتیجه شواهد از توان لازم برای رد فرضیه صفر برخوردار نیست و فرضیه تحقیق رد شده است. با استناد به شاخص‌های محاسبه شده می‌توان ادعا کرد که تعداد ماژول‌های اجرایی بر رضایتمندی کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی تأثیر معناداری ندارد. همچنین ضریب همبستگی بین دو سازه با مقدار ۰/۱۰۲ به صورت معنادار مشاهده نشده است (نگاره ۱۳).

#### نگاره (۱۳): شاخص‌های روابط بین سازه‌های مدل مفهومی تحقیق در جامعه آماری

فرضیه‌های تحقیق	سازه‌های مدل و نقش آنها		آزمون ضریب تأثیر		آزمون ضریب همبستگی	
	اثر گذار	اثر پذیر	ضریب تأثیر	آماره بحرانی	ضریب	سطح خطا
فرضیه سوم	بهای برنامه‌ریزی سیستم	رضایت کاربران از سیستم	۰/۰۹۴	۱/۶۸۰	۰/۲۱۹	۰/۰۶۶
فرضیه چهارم	تعداد ماژول‌های اجرایی	رضایت کاربران از سیستم	۰/۰۴۳	۰/۶۵۵	۰/۱۰۲	۰/۳۹۹

#### نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

بر اساس اطلاعات گردآوری شده از متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران و با استفاده از مدل معادله‌یابی ساختاری با روش کمترین مربعات جزئی و مقایسه میانگین دو جامعه مستقل تعداد سیزده فرضیه آزمون شده است. شواهد گردآوری شده از طریق نمونه آماری در مورد

موضوع تحقیق بر پایه تئوری احتمالات از صحت چهار فرضیه پشتیبانی کرده است. شواهد گردآوری شده از توان لازم برای تأیید نه فرضیه دیگر برخوردار نیست. در نگاره ۱۴ به طور خلاصه به فرضیه‌ها و نقش سازه‌ها در فرضیه، فرضیه‌های صفر و مخالف و نتایج فرضیه‌ها اشاره شده است.

#### نگاره (۱۴): نگاره فرضیه‌ها و نتایج فرضیه‌های صفر و مخالف و نتیجه آزمون فرضیه

شماره فرضیه	سازه مستقل	سازه وابسته	فرضیه صفر		نتیجه آزمون
			فرضیه مخالف	فرضیه صفر	
			$\gamma > 0$	$\mu 1 = \mu 2$	$\mu 1 \neq \mu 2$
فرضیه اصلی اول	فرضیه فرعی ۱	حسابدارن و متخصصان فناوری	-	✓	رد فرضیه
	فرضیه فرعی ۲	حسابدارن و متخصصان فناوری	-	✓	رد فرضیه
	فرضیه فرعی ۳	حسابدارن و متخصصان فناوری	-	✓	رد فرضیه
	فرضیه فرعی ۴	حسابدارن و متخصصان فناوری	-	✓	رد فرضیه
	فرضیه فرعی ۵	حسابدارن و متخصصان فناوری	-	✓	رد فرضیه
	فرضیه فرعی ۶	حسابدارن و متخصصان فناوری	-	✓	رد فرضیه
فرضیه اصلی دوم	فرضیه فرعی ۱	مزایای فناوری اطلاعات	✓	-	تائید فرضیه
	فرضیه فرعی ۲	مزایای زمان	✓	-	تائید فرضیه
	فرضیه فرعی ۳	مزایای بهای تمام شده	✗	-	رد فرضیه
	فرضیه فرعی ۴	مزایای حسابداری سازمانی	✓	-	تائید فرضیه
	فرضیه فرعی ۵	مزایای حسابداری مدیریت	✓	-	تائید فرضیه
فرضیه اصلی سوم	بهای برنامه‌ریزی سیستم	رضایت کاربران از سیستم	✗	✓	رد فرضیه
فرضیه اصلی چهارم	تعداد ماژول‌های اجرایی	رضایت کاربران از سیستم	✗	✓	رد فرضیه

## نتیجه گیری

هدف از تحقیق موجود، توصیف اثر مزایای ایجاد شده در حسابداری حاصل از پیاده سازی سیستم ERP در دپارتمان‌های حسابداری می‌باشد. مزایایی که بیشتر به فرآیند حسابداری مربوطند را جدا می‌کند و سپس در پنج بعد به شرح زیر طبقه‌بندی می‌کند. مزایای ایجاد شده در حسابداری از نظر فناوری اطلاعات، مزایای ایجاد شده در حسابداری عملیاتی از نظر زمان، مزایای ایجاد شده در حسابداری از نظر بهای تمام شده، مزایای ایجاد شده در حسابداری سازمانی، مزایای ایجاد شده در حسابداری مدیریت. مزایای که در اثر پذیرش سیستم ERP بررسی شده‌اند، در تحقیقات اسپازیس و کانستیتیندایز (۲۰۰۴)، اسپازیس (۲۰۰۶)، کانلیو و اسپازیس (۲۰۰۷) و استیو (۲۰۰۹) استفاده شده است.

مزایای حسابداری و میزان رضایتمندی بین دو کاربر حسابداری و متخصص IT سنجیده می‌شود. در نهایت اثر مزایای ایجاد شده در حسابداری، ماژول‌های به کار برده شده و بهای تمام شده ERP روی میزان رضایتمندی کاربر ERP بررسی می‌شود و یکی از مجموعه تحقیقات در زمینه ERP و شیوه‌های حسابداری است که باعث شده پتانسیل‌های ایجاد شده در نتیجه‌ی پیاده‌سازی ERP نشان داده شوند. همچنین دیدگاه متخصصان فناوری اطلاعات و حسابداران را، در مورد نرم‌افزاری که استفاده می‌کنند، به محققان و دانش‌گاہیان و غیره رونمایی می‌کند.

نتایج پژوهش حاضر در تایید تحقیقات ولکو (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که در نتیجه پیاده سازی سیستم ERP، جمع‌آوری و پردازش داده‌ها آسان‌تر و سریع‌تر می‌شود، بنابراین درجه‌ی انعطاف‌پذیری سازمان، مخصوصاً دپارتمان حسابداری، بالا می‌رود.

سیستم ERP باعث کاهش زمان افشا سازی حساب‌ها و کاهش زمان صدور لیست حقوق می‌شود. نتایج تحقیق ما در تایید یافته‌های برازل و دنگ (۲۰۰۸) می‌باشد که نشان داند، پیاده‌سازی ERP وقفه‌های گزارش را کاهش می‌دهد.

در یک تحقیق مطالعه موردی (کُلمنارس، ۲۰۰۹) نشان داده شد، پیاده‌سازی ERP فرایند تصمیم‌گیری و یکپارچگی سازمان را بهبود می‌بخشد و صورت وضعیت مالی دقیق‌تر و درست‌تر ارائه می‌کند. این یافته‌ها متناسب با نتایج تحقیق ما می‌باشد.

لازم به ذکر است در کاهش پرسنل دپارتمان‌های حسابداری نرخ پایینی بدست آمده است و تنها مزیتی بود که اثر منفی در رضایتمندی کاربر ERP داشت. اولیری در سال ۲۰۰۴ نتایج مشابه یافت. در مقاله‌ی ایشان تنها ۱۲٪ شرکت‌های استفاده‌کننده از سیستم ERP با کاهش پرسنل دپارتمان حسابداری مواجه شدند. گرلانند و مالمی (۲۰۰۲) بیان کردند، حسابداران با پیاده‌سازی سیستم ERP زمان انجام وظایف را کاهش می‌دهند، ولی تعداد پرسنل کاهش نمی‌یابد زیرا حسابداران به جای فعالیت روزمره و ثبت معاملات در موقعیت تجزیه و تحلیل گزارش و رایزنی قرار می‌گیرند.

یافته‌های ما، تفاوت با اهمیتی در مشاهدات حسابداران و متخصصان IT درگیر با مزایای حسابداری ایجاد شده در اثر پذیرش سیستم ERP نیافتند. مشاهدات ما هم ردیف با یافته‌های چنگ (۲۰۰۶) و ایفندو و ناهار (۲۰۰۷) برای متغیرهای بررسی شده تفاوت آماری با اهمیتی پیدا نکردند. تنها تفاوت بررسی ما با محققان ذکر شده، مقایسه دیدگاه مدیریت و متخصصان IT بود، در حالی که ما حسابداران و متخصصان IT را بررسی کرده بودیم.

در این تحقیق نشان داده شده: مزایای حسابداری از نظر IT، مزایای حسابداری از نظر زمان، مزایای حسابداری سازمانی، مزایای حسابداری مدیریت ارتباط مثبت و معنی‌داری با رضایت کاربر ERP دارند و همچنین به نظر نمی‌رسد تعداد ماژول‌های اجرایی، بهای تمام شده ERP و مزایای ایجاد شده در حسابداری از نظر بهای تمام شده اثر با اهمیتی بر میزان رضایت کاربر ERP داشته باشد. یکی از دلایل این نتیجه این است که تعداد و نوع ماژول‌های اجرایی متناسب با نیازها و اولویت‌ها و اهداف سازمان انتخاب می‌شود و سپس برطبق ماژول‌هایی که در ابتدای پیاده‌سازی ERP پذیرفته شده‌اند، سطح رضایت کاربر ERP محاسبه می‌شود. با توجه به ارتباط منفی ذکر شده، نتایج ما متناقض با مطالعات قبلی می‌باشد. یافته‌های قبلی اثر مثبت و معناداری بین تعداد ماژول‌های اجرایی و یکپارچگی با موفقیت سیستم و عملکرد سازمانی پیدا کردند. در مقاله‌ای با عنوان یکپارچگی سازمان (OI) که توسط بارکی و پینسونن آلد در سال ۲۰۰۵ انجام پذیرفت، اثر یکپارچگی و عملکرد سازمانی به تعداد و نوع ماژول‌های اجرایی وابسته می‌باشد.

در این مقاله نشان داده شده است که در دپارتمان‌های حسابداری مزایای ایجاد شده در حسابداری روی سطح رضایتمندی کاربر ERP تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین، در این

تحقیق بهای سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی بر رضایتمندی کاربران از برنامه‌ریزی منابع سازمانی تأثیر معناداری ندارد و نتایج ما متناقض با تحقیقات گذشته در این زمینه می‌باشد که ارتباط مثبت و معنی داری بین این دو متغیر یافتند ( کانلیو و اسپازیس، ۲۰۱۳). شاید یکی از علل نتیجه‌ی گرفته شده، هزینه‌ی هنگفت پیاده‌سازی ERP در ایران باشد که با درآمد موجود هم خوانی ندارد.

### محدودیت‌ها

۱. در این پژوهش از روش میانگین موزون و بیشترین فراوانی برای انتخاب مازول‌های اجرایی استفاده شده است و با توجه به پنج فاکتورهای حسابداری مطرح شده، مزایای ایجاد شده در حسابداری بررسی شده‌اند، دلیل این کار طولی شدن بیش از حد پرسشنامه و کم اهمیت‌تر بودن این مازول‌ها و مزایا از دیدگاه افراد خبره در سیستم ERP بود.
۲. بررسی تعدادی از مزایای ایجاد شده در حسابداری برای متخصصان IT آسان نبود. با توجه به تحصیلات و دانش متخصصان IT، این مشکل بعید نمی‌باشد.
۳. در این تحقیق تعداد حسابداران بیشتر از متخصصان IT بود و این بدلیل ماهیت مالی شرکت‌های دارای سیستم ERP است.

### پیشنهادات برای تحقیقات آتی

۱. معایب ایجاد شده در حسابداری و سطح رضایتمندی در محیط ERP.
۲. مقایسه بین مزایا و معایب ایجاد شده در حسابداری و سطح رضایتمندی در محیط ERP.
۳. مقایسه بین مزایای ایجاد شده در حسابداری و سطح رضایتمندی در میان کاربران در موقعیت‌های مختلف در محیط ERP.



## پی‌نوشت

۱	Enterprise resource planning	۹	Relative
۲	Actor-Network	۱۰	Outer Model
۳	Hybridization	۱۱	Inner Model
۴	Independent Samples Test	۱۲	Measurement Model
۵	Structural Equation Model (Partial Least Squares)	۱۳	Cronbach's Alpha And Dillon Goldstein's Rho and Eigenvalues
۶	Equal variances not assumed	۱۴	AVE
۷	Bootstrap Resamplings	۱۵	Q2 (Redundancies)
۸	Absolute	۱۶	Variable Importance in the Projection (VIP)

## منابع

- Bailey James E., Pearson Sammy W. (1983). Development of a tool for measuring and analyzing computer user satisfaction. *Management Science*, 29 (6), 530-545.
- Barki, Henri & Pinsonneault, Alain. (2005). A model organizational integration, implementation effort, and performance. *Organization science*, 16 (2), 165-179.
- Bradford Mariana, Florin Juan. (2003). Examining the role of innovation diffusion factors on the implementation success of enterprise resource planning systems. *Int J Account Inf Syst*, 4 (3), 205-225.
- Brazel, Joseph F & Dang Li. (2008). The effect of ERP system implementations on the management of earnings and earnings release dates. *Journal of Information Systems*, 22 (2), 1-21.
- Caglio, Ariela. (2003). Enterprise Resource Planning systems and accountants: towards hybridization?. *European Accounting Review*, 12 (1), 123-153.
- Chang Hsin Hsin. (2006). Technical and management perceptions of enterprise information system importance, Implementation and benefits. *Information Systems Journal*, 16 (3), 263-292.
- Colmenares, Leopoldo. (2009). *Benefits of ERP systems for accounting and financial management*. In Allied Academies International Conference. Academy of Information and Management Sciences. Proceedings (Vol. 13, No. 1, p. 3). Jordan Whitney Enterprises, Inc.
- Dechow, Niels & Mouritsen, Jan. (2005). On enterprise wide resource planning systems-the quest for integration and management control. *Accounting, organizations and society*, 30 (7), 8.

- DeLone William, McLean Ebrahim R. (1992). Information system success: the quest for the dependent variable. *Inf Syst Res*, 3 (1), 60-95.
- DeLone, William H., & McLean, Ephraim R. (1992). Information systems success: The quest for the dependent variable. *Information systems research*, 3 (1), 60-95.
- Delone, William H., & McLean, Ephraim R. (2003). The DeLone and McLean model of information systems success: a ten-year update. *Journal of management information systems*, 19 (4), 9-30.
- Deshmukh, prashant D., thampi G.T., Kalamkar V.R. (2015). Investigation of Quality Benefits of ERP Implementation in Indian SMEs. *Procedia Computer Science*. (49).220-228.
- Doll William J., Torkzadeh Gholamreza. (1988). The measurement of end-user computing satisfaction. *MIS Q*, 12 (2), 259-274.
- Doll, William J., Xia, Weidong, & Torkzadeh, Gholamreza. (1994). A confirmatory factor analysis of the end-user computing satisfaction instrument. *Mis Quarterly*, 453-461.
- Esteves, José. (2009). A benefits realisation road-map framework for ERP usage in small and medium-sized enterprises. *Journal of Enterprise Information Management*, 22 (1/2), 25-35.
- Floropoulos Jordan, Spathis Charalambos, Halvatzis Dimitrios, Tsipouridou Maria. (2010) Measuring the success og Greek Taxation System. *Int J Inf Manang*, 30 (1), 47-56.
- Freeman, R. Edward. (2010). Strategic management: A stakeholder approach. *Cambridge University Press*.
- Gattiker, Thomas F., & Goodhue, Dale L. (2004). Understanding the local-level costs and benefits of ERP through organizational information processing theory. *Information & management*, 41 (4), 431-443.
- Grabski, Severin V., Leech, Stewart A. & Schmidt, Pamela J. (2011). A review of ERP research: A future agenda for accounting information systems. *Journal of information systems*, 25 (1), 37-78.
- Granlund, Markus, 0026 Malmi, Teemu (2002). Moderate impact of ERPS on management accounting: a lag or permanent outcome?. *Management accounting research*, 13 (3), 299-321.
- Granlund, Markus. (2011). Extending AIS research to management accounting and control issues: A research note. *International Journal of Accounting Information Systems*, 12 (1), 3-19.
- Hamilton, Scott & Chervany, Norman L. (1981). Evaluating information system effectiveness-Part I: Comparing evaluation approaches. *MIS quarterly*, 55-69.

- Holsapple Clyde W, Wang Yu-Min, Wu Jan-Her. (2006). Empirically testing user characteristics and fitness factors in enterprise resource planning success. *Int J Hum Comput Interact*, 19 (3) , 323–342.
- Ifinedo, Princely, & Nahar, Nazmun. (2007). ERP systems success: an empirical analysis of how two organizational stakeholder groups prioritize and evaluate relevant measures. *Enterprise Information Systems*, 1 (1) , 25-48.
- Järvenpää Marko. (2007). Making Business Partners: a case study on how management accounting culture was changed. *Eur Account Rev*, 16 (1) , 99-142.
- Kanellou, Alexandra, & Spathis, Charalambos. (2007). *ERP systems and Accounting: assessing the benefits*. In Proceedings of the 4th International Conference on Enterprise Systems, Accounting and Logistics–ICESAL, Corfu, Greece (pp. 217-228).
- Kanellou, Alexandra, & Spathis, Charalambos. (2013). Accounting benefits and satisfaction in an ERP environment. *International Journal of Accounting Information Systems*, 14 (3) , 209-234.
- Koh S.C. Lenny, Simpson Mike, Padmore Jo, Dimitriadis N.I. Misopoulos Fotis. (2006). *An exploratory study of enterprise resource planning adoption in Greek companies*. *Ind Manag Data Syst*, 106 (7) , 1033–59.
- Law CHuk C.H., Ngai Erice W.T. (2007). ERP systems adoption: an exploratory study of the organizational factors and impacts of ERP success. *Inf Manage*, 44, 418–432.
- Longinidis Pantelis, Gotzamani Katerina. (2009). ERP user satisfaction issues: insights from a Greek industrial giant. *Ind Manag Data Syst*, 109 (5) , 628–645.
- Myers Barry L., Kappelman Leon A., Prybutok Victor R. (1997). A comprehensive model for assessing the quality and productivity of the information systems functions: toward a theory for information systems assessment. *Inf Resour Manag J*. 10 (1) , 6-25.
- Newman Mike, Westrup Chris. (2005). Making ERPs work: accountants and the introduction of ERP systems. *Eur J Inf Syst*, 14 (3) , 258–272.
- Newman Mikr, Westrup Chris. (2005). Making ERPs work: accountants and the introduction of ERP systems. *Eur J Inf Syst* 2005;14 (3) ,258–272.
- Nicolaou, Andreas I. (2004). Firm performance effects in relation to the implementation and use of enterprise resource planning systems. *Journal of information systems*, 18 (2) , 79-105.
- O'Leary, Daniel E. (2004). Enterprise resource planning (ERP) systems: an empirical analysis of benefits. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, 1 (1) , 63-72.

- Olhager, Jan, & Selldin, Erik. (2003). Enterprise resource planning survey of Swedish manufacturing firms. *European Journal of Operational Research*, 146 (2), 365-373.
- Quattrone, Paolo, & Hopper, Trevor. (2005). A 'time-space odyssey': management control systems in two multinational organisations. *Accounting, Organizations and Society*, 30 (7), 735-764.
- Rajan, Christy, Baral, Rupashree. (2015). Adoption of ERP system: An empirical study of factors influencing the usage of ERP and its impact on end user. *IIMB Management Review*. 27 (2). 105-107.
- Rom Anders, Rohde Carsten. (2006). Enterprise resource planning systems, strategic enterprise management systems and management accounting. A Danish study. *J Enterp Inf Manag*, 19 (1), 50-66.
- Saatçioğlu, Ömür Y. (2009). What determines user satisfaction in ERP projects: benefits, barriers or risks?. *Journal of Enterprise Information Management*, 22 (6), 690-708.
- Sadrzadehrafiei, Samira, Gholamzadeh Chofreh, Abdoulmohammad, Karimi Hosseini Negin. The Benefits of Enterprise Resource Planning (ERP) System Implementation in Dry Food Packaging Industry. *Procedia Technology*. (11), 220-226.
- Scapens, Robert W., & Jazayeri, Mostafa. (2003). ERP systems and management accounting change: opportunities or impacts? *A research note. European accounting review*, 12 (1), 201-233.
- Shang, Shari, & Seddon, Peter B. (2002). Assessing and managing the benefits of enterprise systems: the business manager's perspective. *Information systems journal*, 12 (4), 271-299.
- Somers Toni M., Nelson Klara, Karimi Jahangir. (2003). Confirmatory factor analysis of the end-user computing satisfaction instrument: replication within an ERP domain. *Decis Sci*, 34 (3), 595-621.
- Spathis Charalambos, Ananiadis John. (2005). Assessing the benefits of using an enterprise system in accounting information and management. *J Enterp Inf Manag*, 18 (2), 195-210.
- Spathis, Charalambos, & Constantinides, Sylvia. (2004). Enterprise resource planning systems' impact on accounting processes. *Business Process Management Journal*, 10 (2), 234-247.
- Spathis, Charalambos. (2006). Enterprise systems implementation and accounting benefits. *Journal of Enterprise Information Management*, 19 (1), 67-82.
- Sutton Steve G. (2006). Enterprise systems and the re-shaping of accounting systems: a call of research. *Int J Account Inf Syst*, 7, 1-6.

- Velcu, Oana. (2007). Exploring the effects of ERP systems on organizational performance: Evidence from Finnish companies. *Industrial Management & Data Systems*, 107 (9), 1316-1334.
- Wu Jen-Her, Wang Yu-Min. (2007). Measuring ERP success: the key-users' viewpoint of the ERP to produce a viable IS in the organization. *Comput Hum Behav*, 23, 1582-1596.
- Zviran Moshe, Pliskin Nava, & Levin Ron. (2005). Measuring user satisfaction and perceived usefulness in the ERP context. *J Comput Inf Syst*, 45, 43-52



## بررسی رابطه اندازه، مدیریت سود و زمان بندی بازار با عملکرد شرکت در زمان افزایش سرمایه

مریم دولو\*، افسانه پایسته\*\*

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۴/۱۹

### چکیده

برخی شواهد تجربی حاکی از آن است که شرکت‌ها در زمان افزایش سرمایه نسبت به مدیریت سود و زمان بندی بازار اقدام نموده و به کارگیری هر یک از راهبردهای مذکور تحت تأثیر اندازه آنها است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه اندازه، مدیریت سود و زمان بندی بازار با عملکرد شرکت در زمان افزایش سرمایه است. نمونه این پژوهش متشکل از ۶۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ افزایش سرمایه داشتند. جهت بررسی رابطه اندازه، مدیریت سود و زمان بندی با عملکرد سهام از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه و روش رگرسیون داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از تأثیر مثبت و معنادار مدیریت سود بر عملکرد کوتاه مدت و همچنین تأثیر منفی آن بر عملکرد یک ساله است؛ حال آن که عملکرد کوتاه مدت، یک ساله، دو ساله و سه ساله در اثر زمان بندی بازار تضعیف می‌گردد. همچنین نمی‌توان ادعا کرد تصمیم شرکت جهت اقدام به مدیریت سود و زمان بندی بازار در زمان افزایش سرمایه تحت تأثیر اندازه شرکت است.

**واژه‌های کلیدی:** اندازه شرکت، زمان بندی، مدیریت سود، افزایش سرمایه.

طبقه بندی موضوعی: M41, G32

کد DOI: 10.22051/jera.2017.9233.1218

\* استادیار، گروه مدیریت مالی، دانشگاه شهید بهشتی (ma\_davallou@yahoo.com)

\*\* کارشناس ارشد، مدیریت مالی، دانشگاه البرز، نویسنده مسئول، (Af.payesteh@gmail.com).

### مقدمه

یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی موجود جهت اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، صورت‌های مالی شرکت‌ها است. رقم سود یکی از اصلی‌ترین اجزای صورت‌های مالی است که نقش کلیدی در ارزیابی عملکرد واحد تجاری ایفا می‌کند. اتخاذ تصمیمات اقتصادی توسط سرمایه‌گذاران با ارزیابی توان واحد تجاری در جهت کسب سود صورت می‌گیرد. بنابراین اهمیت سود باعث گردیده تا سرمایه‌گذاران هنگام اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری به رقم سود توجه بیشتری داشته باشند. با جدایی مالکیت از مدیریت، تضاد منافع ایجاد شده بین سهام‌داران و مدیران منجر به عدم تقارن اطلاعاتی میان آن‌ها می‌شود. همین امر سبب می‌شود مدیران در زمان افزایش سرمایه، انگیزه و فرصت مدیریت سود داشته باشند. شرکت‌ها می‌توانند برای نشان دادن تصویری بهینه از آینده شرکت، در زمان افزایش سرمایه اقدام به مدیریت سود نمایند و از این طریق سود گزارش شده را بیش از حد واقعی نشان دهند. برخی مطالعات تجربی نظیر دنک و اونگ (۲۰۱۴) و یون و میلر (۲۰۰۲) شواهدی مبنی بر مدیریت سود در زمان افزایش سرمایه ارائه نمودند. از سوی دیگر، برخی شواهد تجربی نظیر چن و چنگ (۲۰۰۸) و هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) مؤید رخداد زمان‌بندی بازار<sup>۱</sup> در زمان افزایش سرمایه است. طبق نظریه زمان‌بندی بازار، مدیران بر این باورند که می‌توانند بر اساس وضعیت بازار عرضه سهام را زمان‌بندی نمایند. در صورتی که سهام شرکت بیش از واقع ارزش گذاری شده باشد، مدیریت تصمیم به تأمین مالی از محل عرضه سهام می‌گیرد. طبق این نظریه شرکت‌ها در شرایطی اقدام به انتشار سهام می‌کنند که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام شرکت بالا باشد. لو کاس و مک‌دونالد (۱۹۹۰) بر مبنای عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سرمایه‌گذاران الگوی زمان‌بندی انتشار سهام را ارائه کردند. الگوی مذکور مبتنی بر این فرض است که شرکت‌ها پس از تجربه افزایش غیرعادی و با اهمیت قیمت سهام، به انتشار سهام مبادرت می‌نمایند. مدیران سعی می‌کنند بازارهای سهام را بر مبنای اطلاعات محرمانه مرتبط با ارزش آتی شرکت زمان‌بندی کنند. اگر بازار این رفتار مدیر را پیش‌بینی کند، افزایش سرمایه با کاهش بازده همراه است. زیرا قیمت سهام بیش از ارزش واقعی است در نتیجه، با اطلاع بازار از دلیل عرضه سهام توسط شرکت، ارزش آن کاهش می‌یابد. زمان‌بندی بازار اوراق بهادار یکی از جنبه‌های مهم خط‌مشی مالی شرکت‌های سهامی است. اهمیت عامل مزبور به نوسانات



بازار سهام بستگی دارد و هرچه این نوسانات شدیدتر باشد، زمان‌بندی حائز اهمیت بالاتری است. به تعبیر شو و چیانگ (۲۰۱۴) تصمیم برای مدیریت سود و زمان‌بندی بازار تابع اندازه شرکت است. به اعتقاد آنها شرکت‌های بزرگ بیش از شرکت‌های کوچک، اقدام به مدیریت سود می‌نمایند و شرکت‌های کوچک بیش از شرکت‌های بزرگ، بازار را زمان‌بندی می‌کنند. از آنجا که شرکت‌های بزرگ از جریان باثبات سود برخوردارند لذا بیش از شرکت‌های کوچک اقدام به مدیریت سود می‌کنند زیرا این ثبات باعث می‌گردد انتظارات سرمایه‌گذار نسبت به چشم‌انداز رشد شرکت متأثر گردیده و ریسک شرکت از منظر سرمایه‌گذاران کاهش یابد. شرکت‌های کوچک نیز به این دلیل که امکان مدیریت سود ندارند، بیش از شرکت‌های بزرگ، بازار را زمان‌بندی می‌نمایند. با توجه به عملکرد مثبت مشاهده شده در زمان افزایش سرمایه انتظار می‌رود سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد آتی شرکت خوش‌بین گردند. اما از آنجا که ارقام تعهدی به‌عنوان شاخص مدیریت سود مبتنی بر برآوردهایی است که باید در سودهای آتی اصلاح شود و همچنین با توجه به این که در بلندمدت عدم تقارن اطلاعاتی از بین می‌رود، لذا انتظارات خوش‌بینانه تعدیل گردیده و شرکت‌ها در آینده با افت عملکرد بلندمدت مواجه می‌شوند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت و تأثیر اندازه بر رابطه متغیرهای مذکور است. این پژوهش برای نخستین بار به‌طور هم‌زمان به بررسی زمان‌بندی بازار و مدیریت سود در زمان افزایش سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد و در پی پاسخ پرسش‌های ذیل است: آیا شرکت‌هایی که هنگام افزایش سرمایه اقدام به مدیریت سود می‌نمایند در کوتاه‌مدت از عملکرد مثبت برخوردارند و در بلندمدت (به دلیل تعدیل انتظارات خوش‌بینانه) با افت عملکرد مواجه هستند؟ آیا شرکت‌هایی که در هنگام افزایش سرمایه بازار را زمان‌بندی می‌کنند در کوتاه‌مدت بازده غیرعادی مثبت داشته و در بلندمدت (به دلیل کاهش عدم تقارن اطلاعاتی) با افت عملکرد مواجه هستند؟ آیا شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک، بیشتر اقدام به مدیریت سود می‌نمایند؟ آیا شرکت‌های کوچک در مقایسه با شرکت‌های بزرگ بیشتر اقدام به زمان‌بندی بازار می‌نمایند؟

### پیشینه تجربی

هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ دریافتند زمان‌بندی بازار انگیزه مهمی برای افزایش سرمایه شرکت‌های چینی است. شواهد حاصل از این پژوهش نشان داد قیمت سهام در زمان افزایش سرمایه بیش از ارزش واقعی بوده و این شرکت‌ها در بلندمدت با افت عملکرد مواجه است. هوانگ (۲۰۱۶) با بررسی بورس اوراق بهادار کره جنوبی طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۴ شواهدی مبنی بر مدیریت سود قبل از افزایش سرمایه ارائه نمود. شو و چیانگ (۲۰۱۴) تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت سهام و همچنین رابطه مدیریت سود و زمان‌بندی بازار با اندازه شرکت را بررسی کردند. برای این منظور، نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تایوان طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های آنان نشان داد شرکت‌های با اندازه متفاوت، راهکارهای مختلفی در زمان افزایش سرمایه اتخاذ می‌کنند. از آنجا که شرکت‌های بزرگ از جریان باثبات سود برخوردارند، بیش از شرکت‌های کوچک اقدام به مدیریت سود می‌کنند زیرا این ثبات باعث می‌گردد انتظارات سرمایه‌گذار نسبت به چشم‌انداز رشد شرکت متاثر شده و ریسک شرکت از منظر سرمایه‌گذاران کاهش یابد. شرکت‌های کوچک نیز به این دلیل که امکان مدیریت سود ندارند، بیش از شرکت‌های بزرگ، بازار را زمان‌بندی می‌نمایند. مطابق یافته‌های این پژوهش، شرکت‌هایی که اقدام به مدیریت سود و زمان‌بندی بازار می‌نمایند در کوتاه‌مدت، عملکرد مثبت و در بلندمدت عملکرد ضعیفی تجربه کردند. کایا (۲۰۱۴) با انتخاب نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های آمریکایی طی سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ به بررسی ویژگی شرکت‌هایی که در بازار داغ<sup>۲</sup> افزایش سرمایه می‌دهند، پرداخت. یافته‌های وی نشان داد شرکت‌هایی در بازار داغ افزایش سرمایه می‌دهند، در مقایسه با بازار سرد از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بالاتری برخوردارند. در بازار داغ، شرکت‌های کوچک‌تر با دارایی ثابت مشهود کمتر حضور دارند. همچنین تفاوت معناداری بین سودآوری و اهرم قبل از افزایش سرمایه در بازار داغ و سرد وجود ندارد. دنک و اونگ (۲۰۱۴) در بررسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آمریکا و نیویورک طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ دریافتند مدیران شرکت‌ها از طریق مدیریت سود می‌توانند هزینه‌های افزایش سرمایه را کاهش دهند. همچنین مدیریت سود در

زمان افزایش سرمایه منجر به کاهش بازده بلندمدت می‌گردد. یانگ (۲۰۱۳) با بررسی ساختار سرمایه پویا و تئوری زمان‌بندی بازار نشان داد رفتار زمان‌بندی بازار مدیران منجر به کاهش نسبت بدهی شرکت‌ها می‌شود. وی دریافت در بازار داغ شرکت‌هایی با بدهی صفر حضور می‌یابند که در مقایسه با سایر شرکت‌ها سود نقدی بالایی پرداخت می‌کنند؛ وجه نقد بالایی نگه می‌دارند و پس از انتشار سهام دارای بازده غیرعادی بلندمدت منفی هستند. چن و چنگ (۲۰۰۸) رابطه افزایش سرمایه، زمان‌بندی بازار و عملکرد بلندمدت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آمریکا را طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند قیمت سهام شرکت‌هایی که در بازار داغ افزایش سرمایه می‌دهند، بیش از مقدار واقعی تعیین می‌شود و این شرکت‌ها دارای فرصت‌های رشد بالاتری است. عملکرد سهام این شرکت‌ها در بلندمدت تضعیف می‌گردد. آلتی (۲۰۰۶) به بررسی زمان‌بندی بازار سهام در شرکت‌های آمریکایی طی سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۹ پرداخت. وی دریافت شرکت‌ها در بازار داغ تمایل بیشتری به افزایش سرمایه داشته و نسبت اهرمی خود را کاهش می‌دهند اما بلافاصله پس از افزایش سرمایه، سطح اهرم خود را از طریق صدور بدهی افزایش داده و سهام کمتری منتشر می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان داد زمان‌بندی بازار عامل تعیین‌کننده مهم فعالیت‌های تأمین مالی در کوتاه‌مدت است اما اثرات بلندمدت آن محدود است. چینگ و همکاران (۲۰۰۲) عملکرد بلندمدت سهام بازارهای حوزه اقیانوس آرام را طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند شرکت‌هایی که قبل از افزایش سرمایه اقدام به مدیریت سود می‌کنند، با کاهش بازده غیرعادی (خرید و نگهداری) یک ساله مواجه می‌شوند. یون و میلر (۲۰۰۲) با بررسی شرکت‌های بورس اوراق بهادار کره طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ نشان داد شرکت‌ها در سال قبل از افزایش سرمایه و سال افزایش سرمایه اقدام به مدیریت سود می‌کنند. به عقیده آن‌ها در بلندمدت رابطه بین بازده سهام و مدیریت سود، معکوس است.

ماهونکی (۱۳۹۴) به بررسی مدیریت سود در زمان افزایش سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ پرداخت. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد میانگین ارقام تعهدی اختیاری جاری در سال قبل از عرضه و سال عرضه به صورت فزاینده‌ای افزایش یافت که نشان از افزایش دستکاری ارقام تعهدی اختیاری توسط مدیران است. در سال‌های پس از عرضه، ارقام تعهدی اختیاری به شکل فزاینده‌ای کاهش یافت که نشان از کاهش

دستکاری اقلام تعهدی اختیاری بود. ابراهیمی (۱۳۹۱) به بررسی مدیریت سود و عملکرد سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد مدیریت سود قبل از افزایش سرمایه تفاوت معناداری با مدیریت سود پس از افزایش سرمایه ندارد.<sup>۳</sup>

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- شرکت‌هایی که در زمان افزایش سرمایه اقدام به مدیریت سود و زمان‌بندی بازار می‌نمایند، عملکرد کوتاه‌مدت مثبتی دارند.
- ۲- شرکت‌هایی که در زمان افزایش سرمایه اقدام به مدیریت سود و زمان‌بندی بازار می‌نمایند، عملکرد بلندمدت ضعیفی دارند.
- ۳- اندازه بر رابطه مدیریت سود و زمان‌بندی بازار با عملکرد شرکت در زمان افزایش سرمایه موثر است.

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر مشتمل بر کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است؛ نمونه تحقیق شامل تمامی شرکت‌های جامعه است که واجد شرایط ذیل باشد:

۱. بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
  ۲. بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ افزایش سرمایه داده باشد.
  ۳. جزء مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ) نباشد.
- دوره زمانی پژوهش طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ می‌باشد، اما با توجه به اینکه عملکرد بلندمدت (بازده بلندمدت) شرکت‌ها برای سه سال پس از افزایش سرمایه محاسبه می‌شود، داده‌های مورد نیاز از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۲ گردآوری می‌شود.

## گردآوری داده‌ها

داده‌های مورد نیاز پژوهش با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار گردآوری شده است. جهت گردآوری بازده سهام از نرم‌افزار موجود در سایت شرکت مدیریت فناوری بورس تهران استفاده شده است. اطلاعات مالی شرکت‌ها نیز از صورت‌های مالی حسابرسی شده موجود در سایت کدال و همچنین سایر اطلاعات از سایت مرکز پژوهش و مطالعات اسلامی استخراج شده است.

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در دو بخش انجام می‌شود. در بخش نخست تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بر عملکرد کوتاه مدت و بلندمدت آزمون می‌گردد. این مهم به دو طریق انجام می‌شود. نخست، رابطه هر یک از متغیرهای مدیریت سود و زمان‌بندی (به طور مجزا) با عملکرد سهام بر اساس آزمون مقایسه میانگین دو جامعه بررسی می‌گردد. به نحوی که شرکت‌های نمونه حسب مورد بر اساس مدیریت سود و زمان‌بندی بازار به دو گروه تقسیم شده و عملکرد سهام دو نمونه با یکدیگر مقایسه می‌شود. سپس، به منظور بررسی تأثیر همزمان مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد کوتاه مدت و بلندمدت از رگرسیون داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود.

در بخش دوم، جهت بررسی تأثیر اندازه بر رابطه مدیریت سود و زمان‌بندی بازار با عملکرد شرکت در زمان افزایش سرمایه، شرکت‌های نمونه به دو گروه کوچک و بزرگ تقسیم شده و رابطه مدیریت سود و زمان‌بندی بازار با عملکرد کوتاه مدت و بلندمدت سهام در هر یک از نمونه‌های کوچک و بزرگ با استفاده از رگرسیون داده‌های ترکیبی آزمون می‌شود. در ادامه جزئیات روش تحقیق تشریح می‌گردد.

## بررسی تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی (به طور مجزا) بر عملکرد

- آزمون رابطه مدیریت سود با عملکرد کوتاه مدت و بلندمدت. جهت آزمون رابطه مدیریت سود با عملکرد همانند شو و چیانگ (۲۰۱۴)، شرکت‌ها در هر سال بر اساس میانه اقلام تعهدی اختیاری به دو دسته شرکت‌های با مدیریت سود بالا و مدیریت سود پایین تقسیم

می‌شود. شرکت‌هایی که میزان اقلام تعهدی اختیاری آن بیش از میانه آن سال باشد، به‌عنوان شرکت‌های با مدیریت سود بالا و شرکت‌هایی که اقلام تعهدی اختیاری آن‌ها کمتر از میانه باشد، به‌عنوان شرکت‌های با مدیریت سود پایین مشخص گردیده و تفاوت عملکرد شرکت‌های با مدیریت سود بالا و پایین از طریق آزمون مقایسه دو نمونه بررسی می‌گردد.

- آزمون رابطه زمان‌بندی بازار و عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت. به منظور بررسی عملکرد شرکت‌هایی که در بازارهای داغ و سرد افزایش سرمایه می‌دهند، تعداد افزایش سرمایه هر سال تعیین می‌شود سپس میانه افزایش سرمایه سالانه طی دوره زمانی مورد بررسی محاسبه می‌گردد. سال‌هایی که تعداد افزایش سرمایه آن بیش از میانه باشد، بازار داغ و سال‌هایی که تعداد افزایش سرمایه آن پایین‌تر از میانه باشد، بازار سرد خوانده می‌شود. نهایتاً عملکرد آن‌ها با استفاده از آزمون مقایسه دو نمونه با یکدیگر مقایسه می‌شود.

### بررسی تأثیر همزمان مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد

انتظار می‌رود شرکت‌هایی که در زمان افزایش سرمایه اقدام به مدیریت سود و زمان‌بندی بازار می‌نمایند، در کوتاه‌مدت از عملکرد مثبتی برخوردار بوده و سهام آن‌ها بیش از قیمت واقعی مبادله گردد (شو و چیانگ، ۲۰۱۴). به‌منظور بررسی این ادعا، با استفاده از روش رگرسیون داده‌های ترکیبی اثر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار به‌طور همزمان بر عملکرد کوتاه‌مدت آزمون می‌گردد.

$$AR_{it} = C + \alpha_1 DAC_{it} + \alpha_2 Hot\ issue_i + Ln\ size + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که  $AR_{it}$  بازده غیر عادی سهم،  $DAC_{it}$  اقلام تعهدی اختیاری،  $Hot\ issue_i$  بازار داغ و  $Ln\ size$  اندازه است. شرکت‌هایی که در سال افزایش سرمایه از اقلام تعهدی اختیاری مثبتی برخوردارند و یا در بازار داغ اقدام به افزایش سرمایه می‌کنند، در بلندمدت به دلیل رفع عدم تقارن اطلاعاتی بین سهام‌داران و مدیران و تعدیل انتظارات خوش‌بینانه سرمایه‌گذاران از عملکرد ضعیفی برخوردار می‌باشند (یون و میلر، ۲۰۰۲ و چن و چنگ، ۲۰۰۸). جهت آزمون ادعای فوق، تأثیر همزمان مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد بلندمدت طی سه سال پس از افزایش سرمایه بررسی می‌شود (تئو و همکاران، ۱۹۹۸).

$$WR_{12} = C + \alpha_1 DAC_{it} + \alpha_2 Hot\ issue_i + Ln\ size + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$WR_{24} = C + \alpha_1 DAC_{it} + \alpha_2 Hot\ issue_i + Ln\ size + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

$$WR_{36} = C + \alpha_1 DAC_{it} + \alpha_2 Hot\ issue_i + Ln\ size + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۴)}$$

که  $WR_{12}$  ثروت نسبی یک ساله،  $WR_{24}$  ثروت نسبی دو ساله،  $WR_{36}$  ثروت نسبی سه ساله،  $DAC_{it}$  اقلام تعهدی اختیاری،  $Hot\ issue_i$  بازار داغ و  $Ln\ size$  اندازه شرکت است.

### بررسی تأثیر اندازه بر رابطه مدیریت سود و زمان‌بندی با عملکرد

شو و چیانگ (۲۰۱۴) شواهدی ارائه کردند که نشان داد مدیریت سود در شرکت‌های بزرگ بیش از شرکت‌های کوچک است. شرکت‌های بزرگی که اقدام به مدیریت سود می‌نمایند، در بلندمدت قادر به مدیریت سود بوده و لذا از عملکرد ضعیفی برخوردارند. همچنین، آن‌ها نشان دادند زمان‌بندی بازار در شرکت‌های کوچک بیش از شرکت‌های بزرگ است. شرکت‌های کوچکی که اقدام به زمان‌بندی بازار می‌نمایند، در کوتاه‌مدت از عملکرد قوی و در بلندمدت از عملکرد ضعیفی برخوردارند. جهت آزمون اثر اندازه شرکت بر رابطه مدیریت سود و زمان‌بندی با عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت، از دو روش استفاده می‌گردد. نخست، شرکت‌های نمونه یک بار بر حسب مدیریت سود و یک بار بر اساس زمان‌بندی بازار به دو پرتفوی مساوی تقسیم می‌شود. سپس در هر یک از پرتفوی‌های مبتنی بر مدیریت سود یا زمان‌بندی، شرکت‌ها به دو پرتفوی کوچک و بزرگ تقسیم شده و عملکرد سهام آن‌ها با استفاده از آزمون مقایسه میانگین بررسی می‌شود. جهت تفکیک نمونه به دو گروه کوچک و بزرگ، شرکت‌ها در هر سال بر اساس میانه لگاریتم طبیعی دارایی‌های سال قبل از افزایش سرمایه به دو دسته شرکت‌های بزرگ و کوچک تقسیم می‌شود. بدین صورت که شرکت‌هایی که لگاریتم دارایی‌های سال قبل از افزایش سرمایه آن بیش از میانه آن سال باشد، به عنوان شرکت‌های بزرگ و شرکت‌هایی که لگاریتم دارایی‌های سال قبل از افزایش سرمایه آن کمتر از میانه باشد، به عنوان شرکت‌های کوچک مشخص گردیده است.

در روش دوم، شرکت‌های نمونه همانند رویه بالا، بر اساس عامل اندازه به دو نمونه فرعی شرکت‌های کوچک و بزرگ تقسیم شده و رابطه مدیریت سود و زمان‌بندی بازار با عملکرد

کوتاه‌مدت و بلندمدت سهام در هر یک از نمونه‌های کوچک و بزرگ با استفاده از رگرسیون داده‌های ترکیبی آزمون می‌شود.

### اندازه‌گیری متغیرها

متغیرهای پژوهش حاضر به شرح ذیل اندازه‌گیری می‌گردد:

- مدیریت سود<sup>۴</sup>: هیلی و واهلن (۱۹۹۹) معتقدند مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران برای گزارش‌گیری مالی از قضاوت شخصی استفاده می‌کنند و این کار را با هدف گمراه نمودن برخی سهامداران در باره عملکرد واقعی اقتصادی و یا برای تأثیر بر نتایج قراردادهایی انجام می‌دهند که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارد. مدیریت سود به تبعیت از شو و چیانگ (۲۰۱۴) با استفاده از مدل تعدیل شده جونز<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) اندازه‌گیری می‌شود. برای این منظور معادله (۱) به طور سالانه در چارچوب رگرسیون داده‌های مقطعی برآزش می‌شود:

$$\frac{CA_{it}}{A_{i(t-1)}} = \alpha_1 \left( \frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left( \frac{\Delta REV_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left( \frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که  $CA$  مجموع اقلام تعهدی،  $A_{i(t-1)}$  مجموع دارایی‌های شرکت در سال قبل،  $\Delta REV_{it}$  تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل و  $PPE_{it}$ ، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص است. پارامترهای برآوردی  $\alpha_1, \alpha_2$  و  $\alpha_3$  حاصل از معادله (۱) در معادله (۲) جایگزین می‌شود.

$$NDAC_{it} = \alpha_1 + \left( \frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left( \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left( \frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) \quad (2)$$

که  $\Delta REC_{it}$  تغییر خالص حساب‌های دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل و  $NDAC_{it}$  اقلام تعهدی غیراختیاری است. نهایتاً اقلام تعهدی اختیاری (DAC) از مابه‌التفاوت اقلام تعهدی غیراختیاری و اقلام تعهدی کل محاسبه می‌شود:

$$DAC_{it} = \frac{CA_{it}}{A_{i(t-1)}} - NDAC_{it} \quad (3)$$



اقدام تعهدی هر یک از شرکت‌ها بر اساس معادله (۴) محاسبه می‌شود (اسلوان، ۱۹۹۶).

$$CA_{it} = (\Delta CA - \Delta \text{cash}) - (\Delta CL - \Delta DTD) - DEP \quad (۴)$$

که  $\Delta CA$  تغییر دارایی‌های جاری سال جاری نسبت به سال قبل،  $\Delta \text{cash}$  تغییر نقد و معادل نقد سال جاری نسبت به سال قبل،  $\Delta CL$  تغییر بدهی‌های جاری سال جاری نسبت به سال قبل،  $\Delta DTD$  تغییر حصة جاری بدهی‌های بلندمدت سال جاری نسبت به سال قبل،  $DEP$  هزینه استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود در سال جاری است.

- زمان‌بندی بازار: بر اساس تئوری زمان‌بندی بازار شرکت‌ها زمان انتشار سهام را بر اساس قیمت سهام در بازار تعیین می‌کنند. طبق این نظریه شرکت‌ها در مواقعی اقدام به انتشار سهام می‌کنند که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام آن‌ها زیاد باشد. زیرا باور مدیران آن است که در دوره داغ ارزش سهام شرکت‌ها در بازار بیش از واقع تعیین می‌شود (بیکر و ورگلر، ۲۰۰۲). جهت اندازه‌گیری متغیر زمان‌بندی نخست باید بازار داغ و سرد مشخص گردد. برای این منظور، تعداد افزایش سرمایه هر سال تعیین می‌شود سپس میانه افزایش سرمایه سالانه طی دوره زمانی مورد بررسی محاسبه می‌گردد. سال‌هایی که تعداد افزایش سرمایه آن بیش از میانه باشد، بازار داغ<sup>۶</sup> و سال‌هایی که تعداد افزایش سرمایه آن پایین‌تر از میانه باشد، بازار سرد<sup>۷</sup> خوانده می‌شود. اگر افزایش سرمایه شرکت در بازار داغ باشد، مقدار متغیر مجازی برابر یک و اگر در بازار سرد باشد، مقدار آن برابر صفر است (شو و چیانگ، ۲۰۱۴)<sup>۸</sup>.

- عملکرد کوتاه‌مدت: بازده تعدیل شده سهام جدید را نسبت به بازده بازار در دو ماه اول معامله نشان می‌دهد. جهت ارزیابی عملکرد کوتاه‌مدت سهام از نرخ بازده غیرعادی سهام استفاده می‌گردد (اسکوئیت و ماسولیز، ۱۹۸۶). بازده غیرعادی بر اساس مابه‌التفاوت بازده سهام و بازده شاخص بازار از آغاز معامله سهام جدید در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان آخرین روز دومین ماه معامله محاسبه می‌گردد. نرخ بازده سهم بر مبنای رابطه (۵) به دست می‌آید:

$$R_{it} = \ln \left( \frac{P_t}{P_{t-n}} \right) \quad (۵)$$

که  $R_{it}$  بازده سهم  $i$  حدفواصل زمان  $t$  و  $t-n$  (که به تعداد  $n-1$  روز حدفواصل  $t$  و  $t-n$  سهم معامله نشده است)، همچنین  $P_t$  قیمت سهم در روز  $t$ ،  $P_{t-n}$  قیمت سهم در روز  $t-n$  است (قائمی و همکاران، ۱۳۹۰). نرخ بازده بازار بر اساس تغییرات شاخص قیمت و بازده نقدی بورس اوراق بهادار برای مدت مشابه محاسبه می‌شود.

$$R_{mt} = Ln \left( \frac{I_t}{I_{t-1}} \right) \quad (6)$$

که  $I_t$  مقدار شاخص در روز  $t$ ،  $I_{t-1}$  مقدار شاخص در روز  $t-1$  است. نرخ بازده غیرعادی سهم  $i$  در پایان دومین ماه برابر است با:

$$AR_{it} = R_{it} - R_{mt} \quad (7)$$

که  $AR_{it}$  بازده غیرعادی<sup>۹</sup> سهم  $i$ ،  $R_{it}$  نرخ بازده سهم  $i$  و  $R_{mt}$  نرخ بازده بازار است.

- عملکرد بلندمدت سهام: بازده تعدیل شده سهام جدید نسبت به بازده بازار را در یک دوره سه ساله نشان می‌دهد. برای محاسبه عملکرد بلندمدت فرض می‌شود سهام در زمان عرضه خریداری و در طول سه سال پس از آن نگهداری می‌شود (ریتر، ۱۹۹۱).
- ثروت نسبی<sup>۱۰</sup>: معیار اندازه‌گیری عملکرد بلندمدت سهام و نشان‌دهنده تغییر ثروت (دارایی) در طول زمان است. در این روش ابتدا متوسط بازده خرید و نگهداری افزایش سرمایه سهام برای یک دوره ۳۶ ماهه پس از عرضه محاسبه شده و سپس متوسط بازده خرید و نگهداری شاخص برای دوره مشابه محاسبه شده و بازده سهام جدید با بازده شاخص مقایسه می‌شود؛ به عبارت دیگر، ثروت نسبی نشان‌دهنده افزایش (کاهش) بازده سهام جدید طی دوره سه سال پس از زمان افزایش سرمایه، نسبت به بازده شاخص است. اگر این معیار بزرگ‌تر (کوچک‌تر) از یک باشد، بازده سهام جدید طی مدت موردنظر به‌طور متوسط بالاتر (پایین‌تر) از بازده شاخص طی مدت مشابه است. ثروت نسبی بر اساس رابطه (۹) محاسبه می‌گردد (شو و چیانگ، ۲۰۱۴).

$$WR_{12n} = \frac{1 + \left( \prod_{t=1}^{12*n} (1 + r_{i,t}) \right) - 1}{1 + \left( \prod_{t=1}^{12*n} (1 + r_{m,t}) \right) - 1}, n = 1, 2, 3, \quad (9)$$

- اندازه شرکت: اندازه شرکت برابر لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های سال قبل از افزایش سرمایه است (شو و چیانگ، ۲۰۱۴).

### یافته‌ها

آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش حاضر در نگاره (۱) ملاحظه می‌گردد. خاطر نشان می‌سازد تمامی متغیرها به منظور حذف اثر مشاهدات پرت در سطح ۱۰ و ۹۰ درصد به کف و سقف<sup>۱۱</sup> نزدیک شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی

متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
ثروت نسبی یک ساله	WR <sub>12</sub>	۰/۶۸۹	۰/۶۸۴	۱/۱۲۰	۰/۳۰۰	۰/۲۶۴	۰/۱۳۱	-۱/۱۴۶
ثروت نسبی دو ساله	WR <sub>24</sub>	۰/۴۸۹	۰/۴۱۲	۱/۰۹۰	۰/۱۱۰	۰/۳۱۸	۰/۵۸۱	-۰/۸۷۷
ثروت نسبی سه ساله	WR <sub>36</sub>	۰/۳۵۴	۰/۲۵۷	۱/۰۳۰	۰/۰۳۰	۰/۳۱۹	۱/۰۴۸	-۰/۱۳۷
مدیریت سود	EM	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۴	۰/۲۵۰	-۰/۱۹۰	۰/۱۳۹	۰/۲۳۹	-۱/۰۷۱
بازار داغ	Hot issue	۰/۶۹	۱	۱	۰	۰/۴۶	-۰/۸۵	۱/۲۸
بازده غیر عادی	AR <sub>it</sub>	-۰/۴۹۷	-۰/۵۳۰	-۰/۰۱۷	-۰/۹۳۲	۰/۳۰۵	۰/۱۲۲	۱/۷۹۳
اندازه	Size	۱۲/۵۹۵	۱۲/۳۶۷	۱۴/۷۵۰	۱۰/۸۵۰	۱/۲۲۷	۰/۴۶۴	-۰/۸۹۶

همان‌گونه که در نگاره (۱) ملاحظه می‌گردد میانگین بازده غیرعادی برابر ۴۹/۷- درصد است. میانگین مدیریت سود در سال افزایش سرمایه برابر ۰/۴- درصد و انحراف معیار آن برابر ۱۳/۹ درصد است. میانگین ثروت نسبی یک ساله، دو ساله و سه ساله به ترتیب برابر ۶۸/۹ درصد، ۴۸/۹ درصد، ۳۵/۴ درصد است که مؤید کاهش ثروت نسبی است. میانگین ثروت نسبی سال‌های اول، دوم، سوم، بازده غیرعادی و اندازه بیش از میانه است، این امر نشانگر آن است که متغیرهای مذکور به سمت راست چوله است. برابری میانه و میانگین مدیریت سود

نشان می‌دهد متغیر مذکور از توزیع نرمال برخوردار است. کشیدگی همه متغیرها کوچک‌تر از ۳ است که این امر نشانگر کشیدگی منفی متغیرها است.

### بررسی مفروضات مدل رگرسیون

یکی از پیش‌فرض‌های رگرسیون، نرمال بودن داده‌ها می‌باشد. با توجه به این که حجم نمونه بزرگتر از ۳۰ می‌باشد، بر اساس قضیه حد مرکزی توزیع نمونه از تقریب نرمال برخوردار است. از دیگر مفروضات رگرسیون خطی آن است که هم‌خطی بین متغیرهای مدل وجود نداشته باشد. برای بررسی هم‌خطی بین متغیرها از ماتریس همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. چنانچه میزان همبستگی پیرسون بیش از ۰/۸ باشد حاکی از وجود هم‌خطی است (رحمانی و اربابی بهار، ۱۳۹۳). نتایج آزمون در نگاره (۲) قابل مشاهده است.

#### نگاره (۲): ماتریس همبستگی پیرسون

متغیر	نماد متغیر	مدیریت سود	بازار داغ	بازده غیر عادی	ثروت نسبی یک ساله	ثروت نسبی دو ساله	ثروت نسبی سال سوم	اندازه
مدیریت سود	EM	۱/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۱۷۱	-۰/۱۰۱	-۰/۰۰۹	-۰/۰۲۸	-۰/۰۱۹
بازار داغ	Hot issue	۰/۰۲۳	۱/۰۰۰	-۰/۳۲۷	-۰/۲۳۱	-۰/۲۷۸	-۰/۳۳۸	-۰/۱۴۴
بازده غیر عادی	AR <sub>i,t</sub>	۰/۱۷۱	-۰/۳۲۷	۱/۰۰۰	۰/۰۰۸	-۰/۰۲۴	۰/۰۱۹	۰/۱۱۶
ثروت نسبی یک ساله	WR <sub>12</sub>	-۰/۱۰۱	-۰/۲۳۱	۰/۰۰۸	۱/۰۰۰	۰/۶۵۳	۰/۵۱۱	-۰/۰۳۳
ثروت نسبی دو ساله	WR <sub>24</sub>	-۰/۰۰۹	-۰/۲۷۸	-۰/۰۲۴	۰/۶۵۳	۱/۰۰۰	۰/۸۱۶	-۰/۰۲۳
ثروت نسبی سه ساله	WR <sub>36</sub>	-۰/۰۲۸	-۰/۳۳۸	۰/۰۱۹	۰/۵۱۱	۰/۸۱۶	۱/۰۰۰	-۰/۰۵۲
اندازه	size	-۰/۰۱۹	-۰/۱۴۴	۰/۱۱۶	-۰/۰۳۳	-۰/۰۲۳	-۰/۰۵۲	۱/۰۰۰

در نگاره (۲) همبستگی تمامی متغیرها به استثنای ثروت نسبی دو و سه ساله کمتر از ۰/۸ است که به معنای عدم وجود هم‌خطی است. در مورد ثروت نسبی دو ساله و سه ساله، از آنجا که این دو متغیر به صورت همزمان در یک مدل رگرسیون لحاظ نمی‌شود، همبستگی آن‌ها باعث ایجاد هم‌خطی نمی‌شود. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس از تخمین EGLS استفاده می‌شود تا در صورت وجود ناهمسانی واریانس احتمالی، اثر آن مرتفع شود و اگر ناهمسانی وجود نداشته باشد مدل تغییری نخواهد داشت (رحمانی و اربابی بهار ۱۳۹۳).

### بررسی تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت

نخست اثر هر یک از متغیرهای مدیریت سود و زمان‌بندی بازار به طور جداگانه بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت بررسی می‌شود. جهت آزمون تأثیر مدیریت سود بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت سهام در زمان افزایش سرمایه، عملکرد شرکت‌های با مدیریت سود بالا و پایین با استفاده از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه بررسی می‌شود. که نتایج آن در نگاره (۳) ملاحظه می‌گردد.

نگاره (۳): نتایج حاصل از آزمون مقایسه شرکت‌های با مدیریت سود بالا و پایین

متغیر	نماد متغیر	مدیریت سود بالا	مدیریت سود پایین	احتمال آماره t	آماره t
بازار داغ	Hot issue <sub>i</sub>	۰/۶۸۵	۰/۷۰۴	۰/۸۱۳	-۰/۲۳۷
بازده غیرعادی	AR <sub>i,t</sub>	-۰/۴۵۱	-۰/۵۴۲	۰/۰۷۷	۱/۷۸۰
اندازه	Size	۱۲/۶۲۴	۱۲/۵۶۷	۰/۷۸۶	۰/۲۷۲
ثروت نسبی یک ساله	WR <sub>12</sub>	۰/۶۸۵	۰/۶۹۳	۰/۸۴۶	-۰/۱۹۵
ثروت نسبی دو ساله	WR <sub>24</sub>	۰/۵۰۶	۰/۴۷۲	۰/۵۲۸	۰/۶۳۳
ثروت نسبی سه ساله	WR <sub>36</sub>	۰/۳۵۵	۰/۳۵۳	۰/۹۷۱	۰/۰۳۶

دو ستون اول نگاره (۳) بیانگر میانگین متغیرها در شرکت‌های با مدیریت سود بالا و مدیریت سود پایین است. آماره t تفاوت بازده غیرعادی شرکت‌های با مدیریت سود بالا و پایین برابر ۰/۲۳۷ است، بدان مفهوم که میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های با مدیریت سود بالا و شرکت‌های با مدیریت سود پایین تفاوت معناداری ندارد. لذا نمی‌توان گفت شرکت‌هایی حائز مدیریت سود بالا، در کوتاه‌مدت بازده بالاتری نسبت به شرکت‌های با مدیریت سود

پایین دارد. همچنین انتظار می‌رود شرکت‌های دارای مدیریت سود بالا، در بلندمدت بازده کمتری نسبت به شرکت‌های دارای مدیریت سود پایین داشته باشد؛ اما همان گونه که نتایج نگاره (۳) نشان می‌دهد آماره  $t$  ثروت نسبی یک تا سه ساله به ترتیب برابر  $۰/۱۹۵$ ،  $۰/۶۳۳$  و  $۰/۰۳۶$  است بنابراین میانگین ثروت نسبی  $۱$ ،  $۲$  و  $۳$  ساله در شرکت‌های با مدیریت سود بالا تفاوت معناداری با شرکت‌های دارای مدیریت سود پایین ندارد. آماره  $t$  اندازه برابر  $۰/۲۷۲$  است، بدان مفهوم که نمی‌توان استدلال تأثیر اندازه بر مدیریت سود را پذیرفت. بازار داغ با آماره  $t$  تفاوت معادل  $۱/۷۸۰$  در شرکت‌های با مدیریت سود بالا و مدیریت سود پایین تفاوتی با یکدیگر ندارد؛ به عبارت دیگر نمی‌توان ادعا کرد شرکت‌های با مدیریت سود پایین، بیشتر بازار را زمان‌بندی می‌نماید.

نتایج حاصل از آزمون تأثیر زمان‌بندی بازار بر عملکرد سهام با استفاده از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه در نگاره (۴) نشان داده می‌شود.

نگاره (۴): نتایج حاصل از آزمون مقایسه شرکت‌ها در بازار داغ و سرد

متغیر	نماد متغیر	بازار داغ	بازار سرد	احتمال آماره $t$	آماره $t$
مدیریت سود	EM	$-۰/۰۰۲$	$-۰/۰۰۹$	$۰/۷۸۲$	$۰/۲۷۷$
بازده غیرعادی	AR <sub>it</sub>	$-۰/۵۶۳$	$-۰/۳۴۶$	$۰/۰۰۰$	$۴/۰۸۷$ **
اندازه	Size	$۱۲/۴۷۸$	$۱۲/۸۶۳$	$۰/۰۸۶$	$-۱/۷۲۷$
ثروت نسبی یک ساله	WR <sub>12</sub>	$۰/۶۹۲$	$۰/۷۸۱$	$۰/۰۰۲$	$۳/۱۵۶$ **
ثروت نسبی دو ساله	WR <sub>24</sub>	$۰/۴۳۰$	$۰/۶۲۲$	$۰/۰۰۱$	$۳/۴۱۴$ **
ثروت نسبی سه ساله	WR <sub>36</sub>	$۰/۲۸۳$	$۰/۵۱۷$	$۰/۰۰۰$	$۴/۲۴۲$ **

با توجه به نتایج نگاره (۴) ملاحظه می‌گردد، آماره  $t$  بازده غیرعادی برابر  $۴/۰۸۷$  - و میانگین آن در بازار داغ، بالاتر است. انتظار می‌رود شرکت‌هایی که در بازار داغ حضور دارند نسبت به بازار سرد، در بلندمدت و به مرور زمان ثروت نسبی کمتری داشته باشد. نتایج نگاره (۴) بیانگر آن است که این استدلال در مورد ثروت نسبی یک، دو و سه ساله صدق می‌کند؛ به عبارت دیگر، آماره  $t$  ثروت نسبی  $۱$ ،  $۲$  و  $۳$  ساله به ترتیب برابر  $۳/۱۵۶$ ،  $۳/۴۱۴$  - و  $۴/۲۴۲$  - است که نشان می‌دهد میانگین ثروت نسبی متغیرهای مذکور در بازار داغ پایین‌تر از بازار سرد است. آماره  $t$  اندازه برابر  $۱/۷۲۷$  - است، بنابراین میانگین اندازه در بازار سرد و بازار داغ

اختلاف معناداری با یکدیگر ندارد. انتظار می‌رفت شرکت‌هایی که در بازار داغ حضور دارند، میانگین مدیریت سود پایین‌تری داشته باشد اما با توجه به آماره  $t$  برابر  $۰/۲۷۷$  مشاهده می‌گردد میانگین آن در بازار داغ و سرد تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد.

اکنون جهت آزمون تأثیر همزمان مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت از آزمون رگرسیون داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. پیش از برازش رگرسیون داده‌های تابلویی باید پایایی هر یک از سری‌های زمانی بررسی گردد. برای بررسی ریشه واحد داده‌های سری زمانی از آزمون لوین لین و چو (L.L.C) <sup>۱۲</sup> استفاده شده است. در این آزمون اگر احتمال آماره کمتر از سطح  $۰/۰۵$  باشد فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود در نتیجه مانایی سری زمانی تأیید می‌شود (سوری، ۱۳۹۳).

#### تکراه (۵): آزمون پایایی

نتیجه	فرض صفر	آزمون لوین، لین و چو		نماد متغیر	متغیر
		احتمال آماره	آماره آزمون		
مانا	فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.	۰/۰۰	-۶/۳۷۱	EM	مدیریت سود
مانا	فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.	۰/۰۰	-۳/۴۱۰	AR <sub>i,t</sub>	بازده غیرعادی
نامانا	فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود.	۰/۸۴	۰/۹۹	WR <sub>12</sub>	ثروت نسبی یک‌ساله
نامانا	فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در سطح اطمینان ۹۵ پذیرفته می‌شود.	۰/۹۹	۳/۲۳	WR <sub>24</sub>	ثروت نسبی دو ساله
نامانا	فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در سطح اطمینان ۹۵ پذیرفته می‌شود.	۰/۹۸	۲/۲۳	WR <sub>36</sub>	ثروت نسبی سه ساله
مانا	فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در سطح اطمینان ۹۵ رد می‌شود.	۰/۰۲	-۱/۹۹	Size	اندازه

همان گونه که در نگاره (۵) مشاهده می‌گردد، احتمال آماره مدیریت سود، بازده غیرعادی و اندازه کمتر از ۵ درصد است، نتیجتاً سری‌های زمانی مذکور فاقد ریشه واحد بوده و مانا است. اما متغیر ثروت نسبی یک ساله، دو ساله و سه ساله دارای ریشه واحد بوده و مانا نیست که پس از یک بار تفاضل‌گیری مانا گردد. پس از حصول اطمینان از مانایی سری‌های زمانی استفاده‌شده، باید نوع مدل برازش رگرسیون داده‌های ترکیبی مشخص گردد. برای انتخاب روش داده‌های تلفیقی در مقابل روش داده‌های تابلویی از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در این آزمون فرض صفر بیان‌کننده استفاده از مدل داده‌های تلفیقی و فرض مقابل بیانگر استفاده از داده‌های تابلویی است که نتایج آزمون در نگاره (۶) ارائه می‌گردد.

#### نگاره (۶): نتایج آزمون F لیمر

مدل‌ها	احتمال F	مقدار F	نتیجه آزمون F لیمر
مدل (۱)	۰/۰۴	۱/۴۹	روش داده‌های تابلویی
مدل (۲)	۰/۶۱	۰/۸۷	روش داده‌های تلفیقی
مدل (۳)	۰/۰۳	۱/۵۶	روش داده‌های تابلویی
مدل (۴)	۰/۰۰	۴/۵۴	روش داده‌های تابلویی

همان‌طور که در نگاره (۶) مشاهده می‌گردد، مقدار احتمال این آزمون برای مدل‌های (۱)، (۳) و (۴) کمتر از سطح معنی‌داری ۵ درصد است؛ بنابراین مدل‌های (۱)، (۳) و (۴) با استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی آزمون خواهد شد. اما مدل (۲) با استفاده از رگرسیون داده‌های تلفیقی برآورد می‌گردد.

همچنین برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است. که نتایج آزمون در نگاره (۷) قابل ملاحظه است.

#### نگاره (۷): نتایج آزمون هاسمن

مدل‌ها	احتمال	آماره آزمون	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۰/۳۸	۳/۰۴	مدل اثرات تصادفی
مدل (۳)	۰/۴۴	۲/۶۹	مدل اثرات تصادفی
مدل (۴)	۰/۰۱	۱۰/۲۸	مدل اثرات ثابت

با توجه به نتایج نگاره (۷)، مدل‌های (۱) و (۳) دارای اثرات تصادفی است. اما با توجه به این که احتمال مدل (۴) کمتر از ۵ درصد است، لذا دارای اثرات ثابت است.



اکنون جهت بررسی تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار با عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت معادلات (۱) تا (۴) برازش گردیده و نتایج حاصل از آن در نگاره (۸) ملاحظه می‌گردد.

**نگاره (۸): نتایج حاصل از آزمون تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت**

متغیرها	نماد متغیر	بازده غیر عادی (AR <sub>it</sub> )	ثروت نسبی یک ساله (WR <sub>12</sub> )	ثروت نسبی دو ساله (WR <sub>24</sub> )	ثروت نسبی سه ساله (WR <sub>36</sub> )
		مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)
عرض از مبدأ	C	-۰/۵۹۸** -۲/۰۵۷	۰/۸۷۷*** ۳/۰۹۱	۰/۷۲۷** ۲/۳۰۳	-۱/۲۹۴** -۲/۲۸۳
مدیریت سود	EM	۰/۳۸۵** ۲/۲۹۵	-۰/۲۰۲** -۲/۰۸۶	-۰/۰۳۳ -۰/۱۸۸	-۰/۱۴۳ -۰/۷۷۸
بازار داغ	Hot issue <sub>i</sub>	-۰/۲۰۴*** -۴/۰۰۲	-۰/۱۵۹*** -۵/۰۸۱	-۰/۱۷۱*** -۳/۱۳۶	-۰/۱۲۸** -۲/۱۲۹
اندازه	Size	۰/۰۱۸ ۰/۸۱۶	-۰/۰۰۷ -۰/۳۳۴	-۰/۰۰۷ -۰/۳۲۵	۰/۱۳۷*** ۳/۱۸۴
ضریب تعیین	R <sup>2</sup>	۰/۱۴۵	۰/۳۴۹	۰/۰۶۷	۰/۷۲۱
ضریب تعیین تعدیل شده	AR <sup>2</sup>	۰/۱۲۶	۰/۳۳۵	۰/۰۴۷	۰/۴۸۰
احتمال آماره F	Prob F	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰
آماره F	F	۷/۷۷۷	۲۴/۵۵۸	۳/۳۲۱	۲/۹۹۳

\* سطح ۹۰ درصد، \*\* سطح ۹۵ درصد، \*\*\* سطح ۹۹ درصد

طبق نتایج حاصل از آزمون تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بر عملکرد کوتاه‌مدت ذیل مدل (۱)، تأثیر مدیریت سود با آماره t برابر ۲/۲۹۵ از نظر آماری معنادار است. با توجه به ضریب این متغیر که معادل ۰/۳۸۵ است، می‌توان رابطه مثبت مدیریت سود و بازده کوتاه‌مدت را تأیید نمود. همچنین آماره t متغیر بازار داغ معادل ۴/۰۰۲- است که این امر مؤید تأثیر منفی و معنادار این متغیر بر بازده کوتاه‌مدت است. آماره t عامل اندازه نیز برابر ۰/۸۱۶ است که بیانگر عدم رابطه معنادار بین اندازه و بازده کوتاه‌مدت است.

با توجه به نتایج حاصل از مدل (۲) جهت آزمون تأثیر مدیریت سود و اندازه بر عملکرد بلندمدت ملاحظه می‌گردد مدیریت سود با آماره  $t$  معادل  $2/086$  و ضریب  $0/202$  - در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است؛ بنابراین رابطه منفی و معنادار بین مدیریت سود و ثروت نسبی یک ساله تأیید می‌گردد. آماره  $t$  متغیر بازار داغ برابر  $5/081$  - و ضریب آن معادل  $0/159$  - است که بیانگر تأثیر معنادار و منفی بازار داغ بر ثروت نسبی یک ساله در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. عامل اندازه با داشتن آماره  $t$  معادل  $0/334$  - در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. نتایج مدل (۳) مؤید آن است که بازار داغ دارای آماره  $t$  معادل  $3/136$  - و ضریب برابر  $0/171$  - است، لذا توان توضیحی ثروت نسبی دو ساله توسط بازار داغ در سطح اطمینان ۹۹ درصد به تأیید می‌رسد. همچنین آماره  $t$  مدیریت سود معادل  $0/188$  - بیانگر آن است که رابطه معناداری بین مدیریت سود و ثروت نسبی دو ساله وجود ندارد. متغیر اندازه با آماره  $t$  معادل  $0/325$  - کماکان در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. نهایتاً در مدل (۴) مدیریت سود با داشتن آماره  $t$  معادل  $0/143$  - و ضریب  $0/778$  - بیانگر آن است که رابطه معناداری بین مدیریت سود و ثروت نسبی سه ساله وجود ندارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد اثرات مدیریت سود در بلندمدت محدود می‌شود. ضریب عامل اندازه در مدل (۴) برابر  $0/137$  و آماره  $t$  آن معادل  $3/184$  در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. همچنین بازار داغ در مدل (۴) با آماره  $t$  معادل  $2/129$  - و ضریب  $0/128$  - در سطح اطمینان ۹۵ درصد همچنان معنادار است؛ بنابراین رابطه منفی و معنادار بین بازار داغ و ثروت نسبی سه ساله تأیید می‌گردد. نتایج حاصل از برازش مدل‌های (۲)، (۳) و (۴) بر وجود رابطه منفی بازار داغ و عملکرد یک ساله، دو ساله و سه ساله پس از افزایش سرمایه صحه گذاشت. اما رابطه معناداری بین مدیریت سود و ثروت نسبی دو ساله و سه ساله وجود ندارد. بدین معنی که مدیریت سود تنها قادر به توضیح عملکرد یک ساله است.

جهت آزمون تأثیر اندازه بر رابطه مدیریت سود و زمان‌بندی با عملکرد سهام، نخست از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مبتنی بر طبقه‌بندی دو گانه بر اساس مدیریت سود و اندازه شرکت پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از آزمون تأثیر اندازه بر رابطه مدیریت سود و عملکرد در نگاره (۹) ملاحظه می‌گردد.

تکانه (۹): نتایج حاصل از بررسی تأثیر اندازه بر رابطه مدیریت سود و عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت

مدیریت سود پایین				مدیریت سود بالا				نماد متغیر	متغیر
آماره t	احتمال آماره	شرکت کوچک	شرکت بزرگ	آماره t	احتمال آماره	شرکت کوچک	شرکت بزرگ		
-۰/۱۸۱	۰/۸۵۷	۰/۷۱۴	۰/۶۹۴	-۱/۱۸۳	۰/۲۴۱	۰/۷۵۰	۰/۶۱۷	Hot issue	بازار داغ
۰/۹۳۵	۰/۳۵۳	-۰/۵۷۵	-۰/۵۰۹	۱/۲۷۹	۰/۲۰۵	-۰/۴۹۷	-۰/۴۰۲	AR <sub>it</sub>	بازده غیرعادی
-۱/۷۰۸	۰/۰۹۲	۰/۷۴۶	۰/۶۴۳	۰/۷۷۱	۰/۴۴۴	۰/۶۶۰	۰/۷۱۱	WR <sub>12</sub>	ثروت نسبی ۱ ساله
-۱/۷۵۱	۰/۰۸۵	۰/۵۳۷	۰/۴۰۸	۰/۷۷۹	۰/۴۳۹	۰/۴۷۶	۰/۵۳۷	WR <sub>24</sub>	ثروت نسبی ۲ ساله
** -۲/۲۰۵	۰/۰۳۱	۰/۴۳۸	۰/۲۷۲	۰/۴۰۷	۰/۶۸۶	۰/۳۴۰	۰/۳۷۱	WR <sub>36</sub>	ثروت نسبی ۳ ساله

بنابر آنچه بیان شد انتظار می‌رود در شرایط مدیریت سود بالا، شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک در کوتاه‌مدت از عملکرد مثبت و در بلندمدت از عملکرد ضعیفی برخوردار باشد؛ حال آن‌که در شرایط مدیریت سود بالا، آماره t بازده غیرعادی برابر ۱/۲۷۹ نشان می‌دهد میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک حائز تفاوت معناداری نیست. همچنین، آماره t ثروت نسبی یک ساله، دو ساله و سه ساله شرکت‌های کوچک و بزرگ به ترتیب برابر ۰/۷۷۱، ۰/۷۷۹ و ۰/۴۰۷ است، بنابراین نمی‌توان عملکرد بلندمدت ضعیف‌تر شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک را تأیید کرد. آماره t بازده غیرعادی شرکت‌های کوچک و بزرگ دارای مدیریت سود پایین برابر ۰/۹۳۵ است لذا میانگین آن در شرکت‌های کوچک و بزرگ تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد. بنابراین نمی‌توان ادعا کرد شرکت‌های بزرگ‌تر دارای مدیریت سود پایین، در کوتاه‌مدت عملکرد ضعیف‌تری دارد. آماره t ثروت نسبی یک ساله و دو ساله در شرایط مدیریت سود پایین به ترتیب برابر ۱/۷۰۸- و ۱/۷۵۱- است، بدین مفهوم که میانگین متغیرهای مذکور در شرکت‌های کوچک و بزرگ اختلاف معناداری با یکدیگر ندارد. همچنین آماره t ثروت نسبی سه ساله در

شرکت‌های کوچک و بزرگ برابر ۲/۲۰۵- است که نشان می‌دهد میانگین ثروت نسبی سه ساله شرکت‌های کوچک بیش از شرکت‌های بزرگی است که دارای مدیریت سود پایین است. بنابراین برخلاف آنچه انتظار می‌رفت شرکت‌های بزرگ با مدیریت سود پایین در بلندمدت عملکرد مثبتی نسبت به شرکت‌های کوچک ندارد. با توجه به نتایج آزمون‌های مقایسه میانگین دو جامعه مشاهده شد که مدیریت سود در شرکت‌های بزرگ بالاتر از شرکت‌های کوچک نیست و این شرکت‌ها در کوتاه‌مدت عملکرد مثبت و در بلندمدت عملکرد منفی ندارد.

نتایج حاصل از بررسی تأثیر اندازه بر رابطه زمان‌بندی بازار و عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت با استفاده از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه در نگاره (۱۰) ملاحظه می‌گردد.

**نگاره (۱۰): نتایج حاصل از آزمون تأثیر اندازه بر رابطه زمان‌بندی و عملکرد کوتاه‌مدت و**

**بلندمدت**

متغیر	نماد متغیر	بازار داغ			بازار سرد		
		شرکت بزرگ	شرکت کوچک	احتمال آماره t	شرکت بزرگ	شرکت کوچک	احتمال آماره t
مدیریت سود	DAC <sub>it</sub>	-۰/۰۲۳	۰/۰۱۶	۰/۱۶۳	۰/۰۰۶	-۰/۰۲۹	۰/۸۳۷
بازده غیرعادی	AR <sub>it</sub>	-۰/۵۴۹	-۰/۵۷۵	۰/۶۴۸	-۰/۲۸۲	-۰/۴۲۷	۱/۵۷۳
ثروت نسبی یک ساله	WR <sub>12</sub>	۰/۶۲۵	۰/۶۷۰	۰/۴۳۴	۰/۷۷۳	۰/۷۹۲	-۰/۲۹۷
ثروت نسبی دو ساله	WR <sub>24</sub>	۰/۳۸۲	۰/۴۷۳	۰/۱۴۶	۰/۶۴۱	۰/۵۹۸	۰/۴۶۴
ثروت نسبی سه ساله	WR <sub>36</sub>	۰/۲۰۱	۰/۳۵۶	۰/۰۰۵	۰/۵۴۹	۰/۴۷۸	۰/۶۷۴

انتظار می‌رود در بازار داغ میانگین بازده غیرعادی سهام شرکت‌های کوچک نسبت به شرکت‌های بزرگ، بالاتر باشد؛ اما نتایج نگاره (۱۰) نشان می‌دهد بازده غیرعادی با آماره t معادل ۰/۴۵۸ در شرکت‌های کوچک و بزرگ اختلاف معناداری با یکدیگر ندارد. همچنین ثروت نسبی یک ساله و دو ساله در بازار داغ به ترتیب برابر ۰/۷۸۶- و ۱/۴۶۷- است، بنابراین

میانگین متغیرهای مذکور در شرکت‌های کوچک و بزرگ از تفاوت معناداری برخوردار نیست. همچنین آماره  $t$  ثروت نسبی سه ساله در بازار داغ برابر  $۲/۷۸۱-$  است، لذا میانگین ثروت نسبی سه ساله در شرکت‌های کوچک بیش از شرکت‌های بزرگی است که در بازار داغ حضور دارند. آماره  $t$  بازده غیرعادی شرکت‌های کوچک و بزرگ در بازار سرد برابر  $۱/۵۷۳$  است. همچنین آماره  $t$  ثروت نسبی یک ساله، دو ساله و سه ساله شرکت‌های کوچک و بزرگ در بازار سرد به ترتیب برابر  $۰/۲۹۷-$ ،  $۰/۴۶۴$  و  $۰/۶۷۴$  است، بنابراین نمی‌توان عملکرد بلندمدت قوی‌تر شرکت‌های کوچک در مقایسه با شرکت‌های بزرگی که در بازار سرد حضور دارند را تأیید کرد؛ بنابراین با توجه به نتایج مشاهده شده نمی‌توان تأیید کرد شرکت‌های کوچک بیش از شرکت‌های بزرگ، بازار را زمان‌بندی می‌نمایند. همچنین طبق نتایج حاصله نمی‌توان پذیرفت این شرکت‌ها در کوتاه‌مدت از عملکرد قوی و در بلندمدت از عملکرد ضعیفی برخوردارند.

پس از آزمون‌های مقایسه میانگین دو جامعه، جهت بررسی تأثیر اندازه بر رابطه مدیریت سود و زمان‌بندی با عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت با احتساب همزمان اثر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار، مدل‌های (۱) تا (۴) به تفکیک شرکت‌های کوچک و بزرگ با استفاده از رگرسیون داده‌های ترکیبی برازش می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون  $F$  جهت تعیین رگرسیون تلفیقی یا داده‌های تابلویی شرکت‌های بزرگ در نگاره (۱۱) ملاحظه می‌شود.

#### نگاره (۱۱): نتایج آزمون $F$ الیمر

نتیجه آزمون	مقدار $F$	احتمال $F$	مدل‌ها
روش داده‌های تلفیقی	۱/۳۰	۰/۲۲	مدل (۱)
روش داده‌های تلفیقی	۰/۶۹	۰/۷۰	مدل (۲)
روش داده‌های تابلویی	۱/۸۴	۰/۰۴	مدل (۳)
روش داده‌های تابلویی	۳/۵۰	۰/۰۰	مدل (۴)

نتایج آزمون  $F$  نشان داد مدل‌های (۳) و (۴) باید با استفاده از رگرسیون داده‌های ترکیبی برازش گردد. لذا جهت تعیین اثرات ثابت یا تصادفی آن آزمون هاسمن انجام شده و نتایج آن در نگاره (۱۲) ارائه می‌شود.

## نگاره (۱۲): نتایج آزمون هاسمن

مدل‌ها	احتمال	آماره آزمون	نتیجه آزمون
مدل (۳)	۰/۵۵	۲/۰۸	اثرات تصادفی
مدل (۴)	۰/۳۹	۲/۹۷	اثرات تصادفی

نتایج حاصل از آزمون هاسمن مدل‌های (۳) و (۴) در شرکت‌های بزرگ بیانگر وجود اثرات تصادفی است. نگاره (۱۳) نتایج حاصل از بررسی تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت به تفکیک شرکت‌های کوچک و بزرگ را نشان می‌دهد.

## نگاره (۱۳): نتایج حاصل از آزمون تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد کوتاه

## مدت و بلند مدت شرکت‌های بزرگ

متغیر	نماد متغیر	بازده غیر عادی (AR <sub>it</sub> )	ثروت نسبی یک ساله (WR <sub>12</sub> )	ثروت نسبی دو ساله (WR <sub>24</sub> )	ثروت نسبی سه ساله (WR <sub>36</sub> )
		مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)
عرض از مبدأ	C	-۰/۶۸۵**	۰/۸۳۲***	۰/۸۱۲	۰/۱۸۱
مدیریت سود	EM	۰/۳۵۴**	-۰/۰۷۶	۰/۱۰۰	۰/۰۵۰
بازار داغ	Hot issue <sub>i</sub>	-۰/۲۹۸***	-۰/۱۵۹***	-۰/۲۴۰***	-۰/۳۰۸***
اندازه	Size	۰/۰۳۳*	-۰/۰۰۳	-۰/۰۱۰	۰/۰۲۹
ضریب تعیین	R <sup>2</sup>	۰/۶۳۸	۰/۵۲۰	۰/۱۷۱	۰/۳۹۹
ضریب تعیین تعدیل شده	AR <sup>2</sup>	۰/۶۲۸	۰/۴۹۸	۰/۱۳۳	۰/۳۷۲
احتمال آماره F	Prob F	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
آماره F	F	۳۸/۸۳۶	۲۳/۹۰۶	۴/۵۳۸	۱۴/۶۳۸

\* سطح ۹۰ درصد، \*\* سطح ۹۵ درصد، \*\*\* سطح ۹۹ درصد

با توجه نتایج منعکس در نگاره (۱۳) مدیریت سود ذیل مدل (۱) دارای آماره t معادل ۰/۳۵۴ و ضریب ۲/۵۸۹ است، بنابراین وجود رابطه معنادار و مثبت مدیریت سود و بازده

غیرعادی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌گردد. همچنین بازار داغ با آماره  $t$  برابر  $۷/۰۷۷-$  از نظر آماری معنادار است. با توجه به ضریب این متغیر که معادل  $۰/۲۹۸-$  است، می‌توان رابطه منفی بازار داغ و بازده کوتاه‌مدت در شرکت‌های بزرگ را تأیید نمود. در مدل (۲) آماره  $t$  مدیریت سود معادل  $۰/۷۷۰-$  است لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد عدم وجود رابطه معنادار مدیریت سود و بازده غیرعادی تأیید می‌شود. همچنین آماره  $t$  متغیر بازار داغ معادل  $۷/۲۱۷-$  است که این امر مؤید تأثیر منفی و معنادار این متغیر بر ثروت نسبی یک ساله است. آماره  $t$  مدیریت سود در مدل (۳) برابر  $۰/۴۴۵$  نشان می‌دهد رابطه معناداری بین مدیریت سود و ثروت نسبی دو ساله وجود ندارد. در مدل (۳) بازار داغ با آماره  $t$  معادل  $۳/۵۷۸-$  و ضریب برابر  $۰/۲۴۰-$  از نظر آماری معنادار است. نهایتاً در مدل (۴) آماره  $t$  مدیریت سود  $۰/۳۱۱$  است که مؤید عدم وجود رابطه معنادار بین مدیریت سود و ثروت نسبی سه ساله است. بازار داغ نیز با داشتن آماره  $t$  معادل  $۶/۱۲۱-$  نشان می‌دهد کماکان رابطه معناداری بین بازار داغ و ثروت نسبی سه ساله وجود دارد؛ بنابراین با توجه به رابطه معنادار بین مدیریت سود و بازده کوتاه‌مدت و همچنین تأثیر معنادار و منفی بازار داغ بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت در شرکت‌های بزرگ، نمی‌توان این استدلال را پذیرفت که در زمان افزایش سرمایه شرکت‌های بزرگ بیشتر اقدام به مدیریت سود می‌نمایند.

جهت بررسی تأثیر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار بر عملکرد سهام شرکت‌های کوچک، آزمون  $F$  لیمر انجام شده و نتایج آن در نگاره (۱۴) قابل مشاهده است.

نگاره (۱۴): نتایج آزمون  $F$  لیمر

مدل‌ها	احتمال $F$	مقدار $F$	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۰/۲۲	۱/۱۳	روش داده‌های تلفیقی
مدل (۲)	۰/۴۴	۱/۰۷	روش داده‌های تلفیقی
مدل (۳)	۰/۳۶	۱/۱۴	روش داده‌های تلفیقی
مدل (۴)	۰/۲۲	۱/۳۳	روش داده‌های تلفیقی

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد تمامی مدل‌ها می‌بایست با استفاده از روش داده‌های تلفیقی برازش گردد.

نگاره (۱۵) نتایج حاصل از بررسی تأثیر مدیریت سود و زمان بندی بازار بر عملکرد کوتاه مدت و بلندمدت شرکت های کوچک را نشان می دهد.

نگاره (۱۵): نتایج حاصل از آزمون تأثیر مدیریت سود و زمان بندی بازار بر عملکرد کوتاه مدت و بلندمدت شرکت های کوچک

متغیر	نماد متغیر	بازده غیر عادی (AR <sub>it</sub> )	ثروت نسبی یک ساله (WR <sub>12</sub> )	ثروت نسبی دو ساله (WR <sub>24</sub> )	ثروت نسبی سه ساله (WR <sub>36</sub> )
		مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)
عرض از میداً	C	۱/۶۲۶*** ۲/۸۲۷	۰/۳۶۸ ۰/۷۷۸	۰/۰۱۲ ۰/۰۲۷	-۱/۳۹۷ -۱/۰۰۸
مدیریت سود	EM	۰/۴۰۴*** ۲/۸۶۵	-۰/۴۶۵*** -۲/۷۶۶	-۰/۴۵۰** -۲/۵۹۵	-۰/۶۹۹* -۱/۸۶۸
بازار داغ	Hot issue <sub>i</sub>	۱۸ -۰/۲ -۳/۴۳۳	-۰/۱۱۳*** -۲/۰۱۵	-۰/۰۸۰ -۱/۳۱۹	-۰/۱۶۳ -۱/۶۰۸
اندازه	Size	-۰/۱۷۵*** -۳/۶۵۹	۰/۰۳۳ ۰/۸۴۵	۰/۰۴۳ ۱/۱۷۱	۰/۰۱۳ ۰/۱۱۵
ضریب تعیین	R <sup>2</sup>	۰/۲۷۸	۰/۲۲۴	۰/۱۳۳	۰/۰۱۲
ضریب تعیین تعدیل شده	AR <sup>2</sup>	۰/۲۴۶	۰/۱۸۹	۰/۰۹۴	۰/۰۸۴
احتمال آماره F	Prob F	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱	۰/۰۳۰
آماره F	F	۸/۶۲۳	۶/۴۶۰	۳/۴۴۵	۳/۱۶۴

\* سطح ۹۰ درصد، \*\* سطح ۹۵ درصد، \*\*\* سطح ۹۹ درصد

با توجه به نتایج نگاره (۱۵) آماره t بازار داغ در مدل (۱) معادل -۳/۴۳۳ و ضریب آن برابر ۰/۱۸۲- است که بیانگر تأثیر معنادار و منفی بازار داغ بر بازده کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. همچنین متغیر مدیریت سود دارای آماره t برابر ۲/۸۶۵ و ضریب معادل ۰/۴۰۴ است لذا توان توضیحی بازده کوتاه مدت توسط مدیریت سود در سطح اطمینان



۹۹ درصد به تأیید می‌رسد. در مدل (۲)، اثر بازار داغ با آماره  $t$  معادل ۲/۰۱۵- در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. آماره  $t$  مدیریت سود ۲/۷۶۶- نشان می‌دهد تأثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. نتایج مدل (۳) مؤید آن است که متغیر بازار داغ با آماره  $t$  معادل ۱/۳۱۹- در سطح اطمینان ۹۵ درصد از نظر آماری معنادار نیست. آماره  $t$  مدیریت سود برابر ۲/۵۹۵- و ضریب آن معادل ۰/۴۵۰- است لذا می‌توان رابطه مثبت مدیریت سود و ثروت نسبی دو ساله را در شرکت‌های کوچک تأیید نمود. در مدل (۴)، آماره  $t$  بازار داغ معادل ۱/۶۰۸- است که از نظر آماری معنادار نیست. متغیر مدیریت سود با آماره  $t$  معادل ۱/۸۶۸- و ضریب ۰/۶۹۹- کماکان بیانگر تأثیر منفی مدیریت سود بر ثروت نسبی سه ساله است. بنابراین با توجه به تأثیر معنادار مدیریت سود بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت و همچنین تأثیر منفی بازار داغ بر عملکرد کوتاه‌مدت و عملکرد یک ساله شرکت‌های کوچک، نمی‌توان استدلال نمود شرکت‌های کوچک بیشتر بازار را زمان‌بندی می‌نمایند.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر پیرامون رابطه مدیریت سود، زمان‌بندی و اندازه شرکت با عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت در زمان افزایش سرمایه مؤید تأثیر مثبت و معنادار مدیریت سود بر عملکرد کوتاه‌مدت و عدم تحلیل مناسب از کیفیت سود شرکت‌ها توسط سرمایه‌گذاران است. این یافته در تأیید نتایج شو و چیانگ (۲۰۱۴) و دننگ و اونگ (۲۰۱۴) است. همچنین نتایج این پژوهش بیانگر تأثیر معنادار و منفی مدیریت سود بر عملکرد یک ساله پس از افزایش سرمایه است. بنابراین به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران بلافاصله ارزیابی خود را از آینده شرکت اصلاح نموده و در زمینه تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری واکنش مناسبی از خود نشان دادند و در نتیجه بازده سهام شرکت‌هایی که به دستکاری سود پرداختند طی یک سال پس از افزایش سرمایه کاهش یافته است. نتایج این پژوهش از حیث عملکرد بلندمدت در تأیید نتایج چینگ و همکاران (۲۰۰۲) شو و چیانگ (۲۰۱۴) و دننگ و اونگ (۲۰۱۴) مبنی بر افت عملکرد بلندمدت شرکت‌هایی است که در زمان افزایش سرمایه اقدام به مدیریت سود نموده‌اند. به این ترتیب، اصلاح انتظارات خوشبینانه ناشی از مدیریت سود در زمان عرضه و متعاقباً افت عملکرد بلندمدت تأیید می‌شود. همچنین در تأیید یافته هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) مبنی بر افت عملکرد بلندمدت بعد از زمان‌بندی بازار، مشخص گردید زمان‌بندی بازار منجر به

تضعیف عملکرد کوتاه‌مدت و نیز عملکرد ۱، ۲ و ۳ ساله می‌گردد. این در حالی است که یافته بیکر و ورگلر (۲۰۰۲)، شو و چیانگ (۲۰۱۴)، حاکی از تأثیر مثبت زمان‌بندی بازار بر عملکرد کوتاه‌مدت است. بنابراین با توجه به تأثیر منفی زمان‌بندی بازار بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران رفتار منطقی داشته و تحت تأثیر شرایط بازار قرار نگرفته‌اند. نتایج حاصله از این پژوهش بر خلاف شو و چیانگ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد تصمیم شرکت‌ها مبنی بر مدیریت سود و زمان‌بندی بازار در زمان افزایش سرمایه تابع اندازه شرکت نیست. بنابراین با توجه به تأثیر معنادار مدیریت سود بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت و همچنین تأثیر منفی بازار داغ بر عملکرد کوتاه‌مدت و عملکرد یک ساله شرکت‌های کوچک، و همچنین بر اساس رابطه معنادار بین مدیریت سود و بازده کوتاه‌مدت و تأثیر معنادار و منفی بازار داغ بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت‌های بزرگ نمی‌توان استدلال نمود مدیریت سود در شرکت‌های بزرگ‌تر بیش از شرکت‌های کوچک‌تر و زمان‌بندی بازار در شرکت‌های کوچک‌تر بیش از شرکت‌های بزرگ است. یافته‌های این پژوهش نتایج کایا (۲۰۱۴) را به چالش می‌کشد زیرا وی معتقد است شرکت‌های کوچک‌تر معمولاً در زمان افزایش سرمایه بازار را زمان‌بندی می‌کنند. نهایتاً بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، مدیریت سود در زمان افزایش سرمایه و تأثیر مثبت آن بر عملکرد کوتاه‌مدت سهام تأیید می‌گردد اما یافته‌های مذکور جهت توضیح چرایی اقدام به مدیریت سود توسط مدیران در زمان افزایش سرمایه کافی نبوده و انگیزه مدیریت سود در زمان افزایش سرمایه در بازار سرمایه ایران با ابهام مواجه است. لذا پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی این موضوع مدنظر قرار گیرد.

### پی‌نوشت

- ۱ شرکت‌ها زمانی سهام خود را عرضه می‌کنند که بازار داغ است.
- ۲ بازار داغ اشاره به زمانی دارد که بازار از رونق برخوردار است و قیمت‌های سهام در حال افزایش است.
- ۳ سایر پژوهش‌های تجربی مشابه در حوزه عرضه عمومی اولیه است. برای مثال، صادقی شریف و اکبرالسادات (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر مدیریت سود بر بازدهی بلندمدت عرضه‌های عمومی اولیه با استفاده از مدل سه عاملی فاما و فرنچ در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ پرداختند. ابراهیمی کردلر و حسنی آذر داریانی (۱۳۸۵) به بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ پرداختند.
- ۴ Earning Management

- ۵ Modifie Jone's model
- ۶ Hot-market period
- ۷ Cold-market period
- ۸ تعداد افزایش سرمایه صورت گرفته برای هر یک از سال‌های ۸۰ تا ۸۹ استخراج می‌شود. میانه این اعداد جهت تعیین بازار داغ و سرد استفاده می‌شود. به نحوی که اگر تعداد افزایش سرمایه یک سال بیش از میانه مذکور باشد، تحت عنوان بازار داغ و در غیر این صورت، تحت عنوان بازار سرد مشخص می‌شود.
- ۹ بازده ماهانه از حاصل جمع بازده‌های روزانه سهام از اولین روز معامله در بورس تا پایان یک ماه از معامله سهام پس از افزایش سرمایه محاسبه می‌شود.
- ۱۰ Wealth ratio
- ۱۱ Winsorize
- ۱۲ Levin, lin and chu

### منابع

- Alti, A. (2006). How Persistent is the Impact of Market Timing on Capital. Available from <http://www.ssrn.com>.
- Anvary Rostami, Ali Asghar; Tajvidi, Elnaz & Jahangard, Meysam. (2015). Empirical Investigation on the Effect of Capital Structure and Board Compensation on Investment Efficiency. *Journal of Empirical Research in Accounting*, Vol5 (2) , 109-130, in Persian.
- Asquith, P., & Mullins, D. W. (1986). Equity issues and offering dilution. *Journal of Financial Economic*. 15 (1-2) , 61-89.
- Baker, M., & Wurgler, J. (2002). Market Timing and Capital Structure. *Journal of Finance, American Finance Association*, 57 (1) , 1-32.
- Chen, S., & Cheng, L. Y. (2008). Seasoned Equity Offerings, Market Timing and Long-run Performance. Available from <http://www.ssrn.com>.
- Ching, M. L., Michael, F., & Oliver, M. R. (2002). Earnings Management, Corporate Governance and the Market Performanc of Seasoned Equity Offerings. Available from <http://www.ssrn.com>.
- Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *Accounting Review*, 70 (2) , 193-225.
- Deng, X., & Ong, S. E. (2014). Real Earnings Management, Liquidity and REITs SEO dynamics. Available from <http://www.ssrn.com>.
- Ebrahimi Kordlar, Ali and Hassani Azar Dariani, E lham. (2006) The Study of Earning Management durind the Initial Public Offering for Public in Tehran Listed Companies. *Accounting and Auditing Review* , No 45,23-30, in Persian.

- Ebrahimi, Somayeh. (2012). Post Public Offering Operating Performance and Earnings Management. A Thesis for Obtaining MS Degree, *Qazvin Islamic Azad University*, in Persian.
- Healy, P. M. & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13, 365-383.
- Hong, S. (2016). Earning Management By Financing Purposes. *The Journal of Applied Business Research*, 32.
- Huang, Y., Uchida, K., & Zha, D. (2016). Market Timing in Private Placements of Seasoned Equity. Available from <http://www.ssrn.com>.
- Jones, J. (1991). Earningsmanagement during importrelief investigations. *Journal of Accounting Reaserch*, 29, 193-228.
- Kaya, K. D. (2014). The Characteristics of Hot Market Seasoned Equity Issuers. *International Journal of Business and Social Science*, Vol 5 No. 1; January 2014.
- Lucas, D., & McDonald, R. (1990). Equity issues and stock price dynamics. *Journal of Finance* , 45, 1019–1043.
- Mirmohamadi Mahounaki, Sajad. (2015). The Study of Earning Management in Seasond equity offering for the Public in Tehran Listed Companies. A Thesis for Obtaining MS Degree, Management and Accounting College, *Yazd University*, in Persian.
- Rahmani, Ali and Arbabi Bahar, Zahra. (2014). The association Between Book Tax Difference and Earning Management. *Journal of Empirical Research in Accounting*, Vol3 (4) , 61-83, in Persian.
- Ritter, J. (1991). The long run performance of initial public offerings. *Journal of Finance*, 46 (1) , 3–28.
- Sadeghi Sharif, Seyed Jalal and Akbarosadat, Mohamad. (2011). Earning Management and the Long-Run Market Performance of Initial Public Offerings: Evidences from Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Research*, Vol13 (32) , 57-72, in Persian.
- Shu, P. G., & Chiang, S. J. (2014). Firm size, timing, and earnings management of seasoned equity offerings. *International Review of Economics and Finance*, 29 ,177–194.
- Sloan, R. (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings?. *The Accounting Review*, 71, 289-315.
- Souri, Ali. (2014). Preliminary Econometrics as well as Application Eviews8 & Stata12. First Volume, Tehran: *farhangshenasi Publication*, in Persian.
- Teoh, S. H., Welch, I., & Wong, T. J. (1998). Earnings management and the post-issue performance of seasoned equity offerings. *Journal of Financial Economics*, 50, 63-99.

- Yang, B. (2013). Dynamic Capital Structure with Heterogeneous Beliefs and Market Timing. *Journal of Corporate Finance*, Volume 22, 254–277.
- Yoon, S. S., Miller, G. (2002). Earnings management of seasoned equity offering firms in Korea. *The International Journal of Accounting*, 37, 57–78.



## بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت

حسن فرج‌زاده دهکردی\*، ناهید حیدری\*\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۱/۱۸

### چکیده

این پژوهش به بررسی چگونگی ارتباط توانایی مدیریت با حق الزحمه و تعدیل اظهارنظر حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ می‌پردازد. به منظور سنجش توانایی مدیریت از نمره توانایی مدیریت منتج از مدل دومرحله‌ای تحلیل پوششی داده‌های ارائه شده توسط دم‌رجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. ضمن اینکه حق الزحمه و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری به عنوان شاخص‌هایی از ریسک حسابرسی در نظر گرفته شده‌اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش شامل ۹۴ شرکت و ۱۰۳۴ مشاهده سال-شرکت است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که با افزایش میزان توانایی مدیران، حق الزحمه حسابرسی و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی واحد تجاری کاهش می‌یابد. به صورت کلی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که توانایی مدیریت، عاملی تأثیرگذار بر تصمیمات حسابرسان است. این نتایج از آن رو اهمیت دارد که شواهد تجربی چندانی در خصوص رابطه بین خصوصیات مدیریت و تصمیمات حسابرسان وجود ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** تداوم فعالیت، اظهارنظر حسابرسی، توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسی، ریسک

حسابرسی.

طبقه بندی موضوعی: M42; L25

DOI: 10.22051/jera.2017.7911.1098

\* استادیار گروه حسابداری موسسه آموزش عالی رجاء قزوین، نویسنده مسئول، (ha.farajzadeh@yahoo.com).

\*\* کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، (acc.nheydari@gmail.com).

### مقدمه

هدف از حسابرسی صورت‌های مالی واحدهای اقتصادی، اظهارنظر فنی و تخصصی درباره مطلوبیت صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های بااهمیت است. این اظهارنظر یک قضاوت حرفه‌ای بوده لذا همواره با میزانی از ریسک مواجه است که به آن ریسک حسابرسی می‌گویند (حنیفه و محمودی، ۱۳۸۸). به علاوه، بر اساس فرضیه اعتباربخشی، حرفه حسابرسی ممکن است مدعی عدم مسئولیت در خصوص محتوای اطلاعات صورت‌های مالی باشد، اما سرمایه‌گذاران بر این باورند در صورتی که به دلیل استفاده از صورت‌های مالی گمراه‌کننده زانی به آن‌ها برسد، حسابرسان مسئول بوده و باید در صدد جبران برآیند (سایمونیک، ۱۹۸۰). در این میان میزان حق الزحمه دریافتی و تعدیل گزارش حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت صاحب‌کار می‌تواند از جمله راهکارها در راستای پوشش ریسک عملیات حسابرسی به حساب آید (کریشان و وانگ، ۲۰۱۵).

از طرف دیگر، مدیریت شرکت با تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌های کلی، نقش مهمی را در کیفیت و اعتبار اطلاعات ارائه‌شده در گزارش‌های مالی ایفا کرده و در صورت عملکرد ضعیف مدیریت، ممکن است تداوم فعالیت شرکت با ابهام مواجه شده و این خود موجب تعدیل اظهارنظر حسابرسی گردد. به علاوه، انتظار می‌رود که مدیران با توانایی بالاتر، در انتخاب حسابرس و تعیین حق الزحمه خدمات حسابرسی، هوشمندانه‌تر عمل کرده و سبب کاهش حق الزحمه دریافتی حسابرس گردد.

علی‌رغم وجود تحقیقات گسترده پیرامون عوامل تعیین‌کننده حق الزحمه حسابرسی و تمایل حسابرسان به تعدیل اظهارنظر به دلیل ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری (سایمونیک، ۱۹۸۰؛ های و همکاران، ۲۰۰۶ و کارسون و همکاران، ۲۰۱۳)، بسیاری از این تحقیقات، بر عوامل تعیین‌کننده در سطح شرکت تمرکز کرده و در خصوص محتوای اطلاعاتی ویژگی‌های خاص مدیریتی شرکت شواهد تجربی اندکی برای حسابرسان وجود دارد. هدف این پژوهش، آزمون ارتباط بین توانایی‌های مدیریتی (توانایی مدیران در تبدیل منابع شرکت به درآمد) با حق الزحمه حسابرسی و احتمال انتشار گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت است.



### مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

تأثیر مدیریت بر عملکرد شرکت، یکی از سؤالات مهم در تحقیقات اقتصادی، حسابداری، مالی و مدیریتی به حساب می‌آید (مانند برتلند و اسچوئر، ۲۰۰۳ و سیلوا، ۲۰۱۰). در مورد تأثیر مدیران ارشد (CEOs) بر نتایج سازمان، دو دیدگاه متضاد وجود دارد. هانان و فریمن (۱۹۷۷) بر این باورند که تأثیر مدیران ارشد قابل توجه نیست، چراکه سازمان‌های بزرگ اغلب تحت تأثیر نیروهای برون سازمانی قرار می‌گیرند. برای مثال، فرهنگ یک شرکت، ساختار صنعت و دارایی‌های ثابت آن، جزء عوامل تحمیلی هستند که توانایی مدیران در اتخاذ تصمیمات تأثیرگذار بر روی شرکت را کاهش می‌دهند (وا سرمن و همکاران، ۲۰۱۰). در مقابل، دیدگاه دیگری توسط هامبریک و مایسون (۱۹۸۴) ارائه شده که به «دیدگاه مدیریت عالی» مشهور است. بر طبق این دیدگاه، نتایج سازمانی، شامل انتخاب‌های استراتژیک و سطوح عملکردی، از طریق ویژگی‌های مدیریتی قابل پیش‌بینی هستند. هواداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که اهداف و سیاست‌های کلی یک سازمان توسط مدیران ارشد تعیین می‌شود. در واقع، این مدیران هستند که در مورد اقدامات سازمان در مواجهه با تغییرات سریع محیطی و فناوری تصمیم‌گیری می‌کنند (مکی، ۲۰۰۸). در این راستا مطالعات تجربی بسیاری انجام گرفته است.

برای مثال، کارملی و تیشلر (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت در ارتباط است. چمانور و پانگلیس (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که کیفیت و اعتبار مدیریت ارشد می‌تواند روی ارزش شرکت اثر تأییدکنندگی داشته باشد. بایک و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که احتمال و استمرار سودهای پیش‌بینی شده توسط مدیریت، با افزایش توانایی‌های مدیرعامل، افزایش می‌یابد. مطالعه دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که توانایی مدیریتی با واکنش قیمت سهام به خبر تغییر مدیرعامل و تغییرات عملکردی آینده شرکت که ناشی از دیدگاه مدیرعامل جدید است، ارتباط دارد. بررسی‌های آندرتو و همکاران (۲۰۱۶) نیز منعکس‌کننده وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین توانایی مدیریت و عملکرد شرکت است. به‌علاوه، نتایج پژوهش انجام گرفته توسط ممتازیان و کاظم نژاد (۱۳۹۵) مؤید وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار میزان قابلیت مدیران و معیارهای عملکرد شرکت است. به این معنی که با افزایش قابلیت مدیران در استفاده بهتر از منابع و به تبع آن افزایش کارایی کل شرکت، عملکرد شرکت بهبود می‌یابد.

تحقیقات حسابداری همچنین نشان‌دهنده تأثیر توانمندی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی است. بامبر و همکاران (۲۰۱۰)، بیان می‌کنند که مدیران بر سیاست‌های افشای شرکت تأثیر مهمی دارند. ژی و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند که مدیران ارشد مالی روی گزارشگری مالی از جمله ارقام تعهدی اختیاری، حسابداری خارج از ترازنامه و محافظه‌کاری حسابداری، تأثیر گذار هستند. به همین ترتیب، دایرننگ و همکاران (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که مدیران بر استراتژی‌های اجتناب مالیاتی، تأثیر مهمی دارند. به علاوه، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) شواهدی را مبنی بر ارتباط توانایی‌های مدیریتی و کیفیت سود بالاتر مطرح می‌کنند. پیری و همکاران (۱۳۹۳) نشان داده‌اند که در دوران بلوغ، توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی، تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد. منصورفر و همکاران (۱۳۹۴) دریافتند که توانایی مدیریت بر کیفیت و پایداری سود تأثیر گذار است. نتایج پژوهش بزرگ‌اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۴) نیز مؤید تأثیر گذاری توانایی‌های مدیریتی بر پایداری سود است. به این ترتیب، نظریه‌ها و پژوهش‌های تجربی حاکی از تأثیر توانایی مدیریت بر عملکرد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها است.

از سوی دیگر، بر اساس استانداردهای حسابرسی، حسابرسان هنگام ارزیابی ریسک حسابرسی باید نسبت به نگرش و شیوه اجرایی مدیریت آگاهی داشته باشند. به‌منظور شناسایی و برآورد ریسک حسابرسی، ارزیابی مناسب وضعیت کلی شرکت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (کوزو، ۲۰۱۳). حسابرسان به‌منظور کاهش ریسک عدم کشف تحریف‌های بااهمیت، شواهد بیشتری جمع‌آوری می‌کنند که این موضوع سبب افزایش هزینه حسابرسی می‌گردد. درواقع با افزایش ریسک حسابرسی، حسابرسان حق‌الزحمه بیشتری نیز طلب می‌کنند (کریشان و همکاران، ۲۰۱۲).

حسابرسان همچنین موظف هستند مناسب بودن ارزیابی مدیریت از توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت و احتمال وجود ابهام بااهمیت یا اساسی درباره تداوم فعالیت صاحب‌کار که نیاز به افشا در صورت‌های مالی دارد را بررسی کنند. در صورتی که به نظر حسابرس، واحد مورد رسیدگی قادر به ادامه فعالیت نباشد، اما صورت‌های مالی بر مبنای تداوم فعالیت تهیه شده باشد، حسابرس باید با توجه به میزان اهمیت، نظر مشروط یا مردود ارائه کند. در صورت ابهام بااهمیت درباره تداوم فعالیت و افشای کافی در صورت‌های مالی، حسابرس

باید نظر مقبول ارائه کند، اما با افزودن یک بند توضیحی حاوی وجود ابهام بااهمیت درباره رویدادها یا شرایطی که ممکن است به تردیدی عمده در مورد توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت منتج شود و با اشاره به یادداشت توضیحی صورت‌های مالی، گزارش خود را تعدیل کند (استاندارد حسابرسی، بخش ۵۷۰).

در این پژوهش، از دو متغیر حق‌الزحمه حسابرسی و اظهارنظر پیرامون تداوم فعالیت، به‌عنوان شاخص‌های ریسک حسابرسی استفاده می‌شود. این دو متغیر به یکدیگر مربوط بوده و از جمله تصمیمات کلیدی هستند که توسط حسابرسان اتخاذ می‌شود. درحالی که تصمیمات مربوط به تعیین حق‌الزحمه حسابرسی برای همه پروژه‌های حسابرسی وجود دارد، ارزیابی ریسک تداوم فعالیت عمدتاً در شرکت‌هایی که با خطر ورشکستگی مواجه هستند مورد توجه قرار می‌گیرد. تصمیم‌گیری در خصوص این دو عامل مستلزم توجه دقیق حسابرسان به عوامل مختلفی از جمله اطلاعاتی در مورد توانایی مدیریت است. به‌علاوه، ویژگی‌های مدیران ارشد، اغلب در پذیرش و برنامه‌ریزی حسابرسی نیز در نظر گرفته می‌شود (کیزیریان و همکاران، ۲۰۰۵؛ جانسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ کریشان و وانگ، ۲۰۱۴ و گراکس و همکاران، ۲۰۱۵).

مطالعات تجربی قبلی نشان‌دهنده ارتباط بین ریسک تجاری شرکت و ریسک حسابرسی هستند (جانسون، ۲۰۰۰). سایمونیک (۱۹۸۰) نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی، منعکس‌کننده بهای منابع صرف شده در حسابرسی و زیان‌های بالقوه ناشی از دعاوی قضایی و یا آسیب رسیدن به اعتبار حرفه‌ای آن‌هاست. ارتباط مثبت بین حق‌الزحمه و ریسک حسابرسی، در پژوهش‌های قبلی به‌خوبی تبیین شده است (های و همکاران، ۲۰۰۶). تعدادی از مطالعات، به‌طور خاص، نقش ریسک تجاری مشتری بر میزان حق‌الزحمه حسابرسی را موردبررسی قرار داده‌اند (از جمله: پرت و استیس، ۱۹۹۴؛ سایمونیک و استین، ۱۹۹۶ و بل و همکاران، ۲۰۰۸). به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهند که حق‌الزحمه حسابرسی، در صورت وجود ریسک تجاری مشتری، افزایش خواهد یافت. به‌علاوه، پژوهش‌های انجام‌گرفته منعکس‌کننده تأثیرگذاری ویژگی‌های واحد تجاری بر حق‌الزحمه دریافتی بابت خدمات حسابرسی است. برای مثال، نیکبخت و تنانی (۱۳۸۹) نشان می‌دهند که اندازه و پیچیدگی عملیات شرکت با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط معنی‌داری دارد. از جمله موارد دیگر می‌توان به وجود ارتباط معنی‌دار بین جریان‌های نقد آزاد (موسوی و حضرتی، ۱۳۹۰ و علوی و همکاران، ۱۳۹۱)، هزینه نمایندگی

(جعفری و همکاران، ۱۳۹۱) و ساختار مالکیت (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۳) و حق الزحمه حسابرسی اشاره کرد.

از طرفی با افزایش ریسک تجاری و عملکرد ضعیف تر شرکت، احتمال تعدیل گزارش حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت افزایش می‌یابد. فرانسیس و کریشنان (۱۹۹۹) دریافتند که شرکت‌های با حجم ارقام تعهدی بالا، به خصوص ارقام تعهدی منفی، به احتمال بیشتری اظهار نظر مشروط به دلیل ابهام در تداوم فعالیت دریافت خواهند کرد. گیگر و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند که صدور گزارش حسابرسی تعدیل شده به دلیل ابهام در تداوم فعالیت تحت تأثیر عواملی مانند اندازه شرکت، سودآوری، مدت زمان حسابرسی، نوع صنعت، نوع حسابرس و نوع گزارش حسابرسی در سال گذشته است. مطالعه بنی‌مهد (۱۳۹۰) منعکس کننده تأثیر گذاری عملکرد مدیریت بر نوع گزارش حسابرسی است. جامعی و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان دادند که عملکرد مدیریت، اظهار نظر حسابرس مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نهایت، یافته‌های پژوهش مرادی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که بین مدیریت سود و اظهار نظر مشروط حسابرس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت، ارتباط مستقیمی وجود دارد. کریشنان و وانگ (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت و حق الزحمه و اظهار نظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان توانایی مدیریت ارشد شرکت که برابر با نمره توانایی مدیریت منتج از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) است، در تصمیم‌گیری حسابرس دارای محتوای اطلاعاتی است. آن‌ها بر این باورند که پس از کنترل ویژگی‌های واحد تجاری، با افزایش توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسی و احتمال تعدیل اظهار نظر حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری کاهش می‌یابد.

بنا بر آنچه گفته شد می‌توان چنین استنباط کرد که مدیریت با تأثیر گذاری مستقیم بر عملکرد شرکت، موجب تغییر ریسک عملیاتی شرکت شده و از این طریق بر ریسک حسابرسی تأثیر گذار است. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود که به دلیل ارتباط بین توانایی مدیریت و عملکرد جاری و آتی شرکت، توانمند بودن مدیران موجب کاهش ریسک تداوم فعالیت گردد. به علاوه، توانمندی مدیران با تأثیر گذاری بر کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی، می‌تواند ریسک عملیات حسابرسی را کاهش داده و در نهایت موجب تأثیر گذاری بر دو

متغیر مورد استفاده در این پژوهش برای سنجش ریسک حسابداری، یعنی میزان حق الزحمه دریافتی و احتمال تعدیل اظهار نظر حسابداری به دلیل وجود ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری، گردد؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت که بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابداری و صدور اظهار نظر حسابداری با بند تداوم فعالیت ارتباط معکوس وجود داشته باشد. در نتیجه فرضیه‌های اصلی این پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول. بین توانایی‌های مدیریتی و حق الزحمه حسابداری رابطه غیرمستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم. بین توانایی‌های مدیریتی و وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابداری، رابطه غیرمستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی و از حیث هدف، کاربردی است که از تحلیل رگرسیون برای بررسی ارتباط بین متغیرهای وابسته و متغیر مستقل استفاده می‌کند. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین، متن صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آن استخراج گردیده است. برای آزمون فرضیه نخست از روش حداقل مربعات و در آزمون فرضیه دوم از رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

## متغیرهای پژوهش

### متغیر مستقل: توانایی مدیریت

تعیین یک شاخص قابل اطمینان برای توانایی مدیریت، پیچیده است زیرا ارزیابی اعتبار مدیران، یک مسئله چندبعدی است. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) معیاری را برای توانایی مدیریت، بر مبنای کارایی مدیران در ایجاد درآمدها، ارائه کردند که به اندازه‌گیری توانایی مدیریت با استفاده از اطلاعات حسابداری می‌پردازد. این پژوهش به منظور سنجش میزان توانایی مدیران، با انجام برخی تعدیلات، از این رویکرد استفاده کرده است. در این پژوهش مطابق با دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) از یک فرآیند دو مرحله‌ای بهینه‌سازی خطی برای تخمین توانایی مدیریت استفاده شده است. به این منظور، در گام نخست با استفاده از اجرای یک مدل

تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی کل شرکت اندازه‌گیری می‌شود. به این ترتیب، درآمد حاصل از فروش (Sales) به‌عنوان خروجی و پنج متغیر دیگر، شامل خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (PPE)، خالص اجاره عملیاتی (OpsLease)، دارایی‌های نامشهود (Intan)، بهای تمام‌شده کالای فروش رفته (COGS) و هزینه‌های عمومی، اداری و فروش (SG&A)، به‌عنوان ورودی‌های مدل تحلیل پوششی داده‌ها، استفاده شده‌اند. مدل (۱) برای هر صنعت به‌طور جداگانه اجرا می‌گردد تا کارایی شرکت‌ها به دست آید.

$$\max \theta = (\text{Sales})_i \cdot (v_1 \text{COGS} + v_2 \text{SG \& A} + v_3 \text{PPE} + v_4 \text{OpsLease} + v_5 \text{Intan})^{-1} \quad (1)$$

مقدار کارایی محاسبه‌شده توسط این مدل عددی بین صفر و یک است. حداکثر کارایی شرکت برابر با یک بوده و هرچه مقدار به‌دست آمده کمتر باشد، کارایی آن شرکت در صنعت کمتر است. میزان کارایی هر شرکت در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار MAX DEA مورد محاسبه قرار گرفته است.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) بر این باورند که رقم کارایی محاسبه‌شده در بالا، دربرگیرنده دو جزء ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت است؛ بنابراین، در گام دوم، برای کنترل تأثیر ویژگی‌های ذاتی شرکت، اقدام به اجرای یک مدل رگرسیونی نمودند که شش ویژگی خاص شرکت، شامل اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، میزان در دسترس بودن وجه نقد در شرکت، عمر بورسی شرکت، پیچیدگی عملیاتی شرکت و عملیات خارجی شرکت را از رقم کارایی کل شرکت تفکیک نموده و در نهایت مقدار باقیمانده این مدل منعکس‌کننده توانایی مدیریت خواهد بود.

$$\begin{aligned} \text{FirmEfficiency}_i &= \alpha + (\beta_1 \ln(\text{TotalAssets})_i \\ &+ \beta_2 \text{MarketShare}_i + \beta_3 \text{FreeCashFlowIndicator}_i \\ &+ \beta_4 \ln(\text{Age})_i + \beta_5 \text{BusinessSegmentConcentration}_i \\ &+ \beta_6 \text{ForeignCurrencyIndicator}_i + \text{Year}_i + \varepsilon_i \end{aligned} \quad (2)$$

در رابطه بالا:

Firm Efficiency: نشان‌دهنده کارایی شرکت است که از طریق الگوی تحلیل پوششی داده‌ها در گام نخست به دست می‌آید.

Ln (Total Assets): نشان‌دهنده لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت است.

Market Share: نشان‌دهنده سهم بازار هر یک از شرکت‌هاست که برابر است با مقدار فروش شرکت در پایان دوره  $t$  به جمع کل فروش صنعت در پایان دوره  $t$ .

Free Cash Flow Indicator: شاخص جریان نقدی آزاد که برابر با میزان وجه نقد در دسترس به جمع دارایی‌های دوره است.

Ln (Age): نشان‌دهنده لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های حضور شرکت در بورس اوراق بهادار است.

Business segment Concentration: نشان‌دهنده پیچیدگی عملیاتی شرکت است که در صورت ارائه صورت‌های مالی تلفیقی توسط شرکت عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

Foreign Currency Indicator: نمایانگر عملیات خارجی شرکت است؛ که در صورتی که شرکت صادرات داشته باشد برابر یک و در غیر این صورت صفر است.

نمره توانایی مدیریت مستخرج از این مدل منعکس‌کننده توانایی مدیران در تبدیل منابع شرکت به درآمد است. این پژوهش از نمره سال قبل توانایی مدیریت استفاده می‌کند چراکه هنگام تنظیم قرارداد حسابرسی، اطلاعات کامل مربوط به مدیریت سال جاری در دسترس نبوده و قرارداد حسابرسی تحت تأثیر توانایی مدیریت سال قبل قرار خواهد گرفت.

### متغیرهای وابسته

حق‌الزحمه حسابرسی: برابر است با لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی (رقم مربوط به حق‌الزحمه حسابرسی برابر با میزان هزینه حسابرسی افشاشده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی است).

وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی شرکت: این متغیر، یک متغیر مجازی است که در صورت وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی یک و در غیر این صورت صفر است. بند تداوم فعالیت در تمامی حالات (۱) تأکید بر مطلب خاص، (۲) اظهار نظر مشروط و (۳) عدم اظهار نظر تعریف شده است.

### متغیرهای کنترلی

مطابق تحقیق کریشان و وانگ (۲۰۱۵) تأثیر سایر عوامل مؤثر بر ریسک حساسی در قالب متغیرهای کنترلی وارد مدل پژوهش شده‌اند. با این وجود، به منظور افزایش درجه آزادی مدل و کاهش هم خطی احتمالی بین متغیرهای مستقل، با استفاده از روش رگرسیون گام به گام، تنها آن دسته از متغیرهای کنترلی که به شکل معناداری در رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته قرار داشتند، در مدل نهایی آزمون فرضیه‌ها بکار گرفته شده‌اند. از جمله متغیرهای کنترلی حذف شده در این مرحله می‌توان به اندازه، تخصص و دوره تصدی حسابرس، تاخیر گزارش حسابرسی، حسابرسی نخستین، ارزش بازار به ارزش دفتری و همچنین، اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت اقلام تعهدی اشاره نمود.

تعریف عملیاتی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش از جمله متغیرهای کنترلی در قالب نگاره (۱) ارائه شده است.

#### نگاره (۱): تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	تعریف
حق الزحمه حساسی	LNAUD	لگاریتم طبیعی هزینه حساسی
اظهار نظر حساسی	GC	در صورت وجود بند تداوم فعالیت در گزارش حساسی برابر یک و در غیر این صورت صفر
توانایی مدیریت	MA <sub>t-1</sub>	نمره توانایی مدیریت سال قبل محاسبه شده توسط مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)
اندازه	LNTA	لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها
بازده دارایی‌ها	ROA	نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها
سن شرکت	AGE	لگاریتم طبیعی سال‌های حضور شرکت در بورس
تأمین مالی جدید	NEWFIN	در صورت هر نوع تأمین مالی جدید از محل سرمایه یا تسهیلات بلندمدت در طول دوره مالی برابر یک و در غیر این صورت صفر
اهرم مالی	LEV	نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها
گزارش زیان در دوره مالی قبل	PLOSS	در صورت گزارش زیان در دوره مالی قبل برابر یک و در غیر این صورت صفر



متغیر	نماد	تعریف
ریسک ورشکستگی	Bankruptcy	نمره ریسک ورشکستگی محاسبه شده بر اساس جایگذاری نسبت‌های مالی مربوط در مدل اعتمادی و همکاران (۲۰۰۹)
سرمایه گذاری	INVEST	جمع کل سرمایه گذاری‌های به مجموع دارایی‌ها

### شیوه آزمون فرضیه‌ها

به منظور بررسی چگونگی ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و توانایی مدیریت مدل رگرسیونی (۳) اجرا خواهد شد:

$$LNAUD_t = \alpha + \beta_1 MA_{t-1} + \beta_2 LNTA_t + \beta_3 ROA_t + \beta_4 AGE_t + \beta_5 NEWFIN_t \quad (3)$$

همچنین در راستای آزمون ارتباط بین توانایی مدیریت و وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در اظهار نظر حسابرسی، مدل (۴) اجرا می‌گردد:

$$GC_t = \alpha + \beta_1 MA_{t-1} + \beta_2 LEV_t + \beta_3 PLOSS_t + \beta_4 Bankruptcy_{t-1} + \beta_5 INVEST_t + \beta_6 AGE_t \quad (4)$$

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ است.

جهت تعیین نمونه مورد مطالعه در این تحقیق، محدودیت‌های زیر اعمال شده است:

۱. جزء شرکت‌های هلدینگ، سرمایه گذاری مالی، واسطه گری مالی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و سایر نهادهای پولی نباشد.
۲. پایان سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.
۳. در طی دوره این پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
۴. در طی دوره پژوهش توقف عملیاتی بیشتر از شش ماه نداشته باشد.
۵. صورت‌های مالی و گزارش‌های حسابرسی آن‌ها در بازه زمانی پژوهش منتشر شده باشد.
۶. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش، در دسترس باشد.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه نهایی شامل ۹۴ شرکت (۱،۰۳۴) مشاهده شرکت-سال) در بازه زمانی ۱۱ ساله مورد مطالعه این پژوهش است.

## یافته‌های پژوهش آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به نمونه مورد مطالعه این پژوهش در قالب نگاره (۲) ارائه شده است. تعداد نمونه مورد بررسی شامل ۹۴ شرکت است. همان‌طور که مشخص است متوسط نمره توانایی مدیریت نمونه مورد مطالعه برابر ۱۰/۰۳ است. به علاوه، نمره توانایی مدیریت حدود ۵۰ درصد مشاهدات منفی بوده که این مسئله نشان‌دهنده تأثیر منفی مدیران ۵۰ درصد مشاهدات بر کارایی کل شرکت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۴ درصد مشاهدات، دارای بند ابهام در خصوص تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی خود بوده‌اند. همچنین، حدود ۱۰ درصد مشاهدات در دوره مالی قبل زیان گزارش نموده‌اند.

نگاره (۲): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر / شاخص	میانگین	انحراف معیار	میان	حداقل	حداکثر
حق الزحمه	۱۹/۶۸۱	۰/۹۳۶	۱۹/۵۳۹	۱۶/۷۰۳	۲۴/۵۳۵
توانایی مدیریت	۰/۰۰۳	۰/۱۶۸	-۰/۰۰۱	-۰/۷۷۳	۰/۵۵۳
اندازه	۱۲/۸۰۶	۱/۳۱۲	۱۲/۷۲۲	۹/۶۷۵	۱۸/۱۱۶
بازده دارایی‌ها	۰/۱۱۱	۰/۱۴۰	۰/۰۹۶	-۰/۴۸۶	۰/۶۳۱
سن	۲/۳۷۳	۰/۸۲۳	۲/۵۰۵	۰/۰۰۰	۳/۸۲۳
اهرم مالی	۰/۶۷۲	۰/۲۸۲	۰/۶۶۰	۰/۰۰۰	۳/۷۶۰
ریسک ورشکستگی	-۰/۶۹۰	۱/۷۵۵	-۲/۰۰۰	-۲/۰۰۰	۲/۰۰۰
سرمایه گذاری	۰/۰۸۸	۰/۱۱۷	۰/۰۳۸	۰/۰۰۰	۰/۵۷۴

## آزمون فرضیه اول

نتایج حاصل از اجرای مدل رگرسیونی (۳) در نگاره (۳) ارائه شده است. با توجه به معنی‌داری آماره  $F$  می‌توان گفت که مدل رگرسیونی اجرا شده معتبر است. به علاوه، با توجه به مقدار آماره دورین — واتسون (۱/۷۲) می‌توان نتیجه گرفت که بین خطاها همبستگی وجود

ندارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که  $۷۲/۸$  درصد تغییرات متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیر مستقل توضیح داده شود.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضریب توانایی مدیریت، منفی و در سطح  $۹۵$  درصد معنی‌دار است؛ به این معنی که فرضیه وجود ارتباط معکوس بین توانایی مدیریت و میزان حق‌الزحمه خدمات حسابرسی مورد قبول واقع شده و با افزایش توانایی مدیران، میزان حق‌الزحمه دریافتی بابت ارائه خدمات حسابرسی کاهش می‌یابد. به علاوه، کلیه متغیرهای کنترلی دارای تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته این پژوهش هستند؛ به عبارت دیگر، بین حق‌الزحمه حسابرسی و متغیرهای اندازه و سن شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین ارتباط بازده دارایی‌ها و تأمین مالی جدید با حق‌الزحمه حسابرسی، معکوس و معنی‌دار است.

### نگاره (۳): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	آماره t	معنی‌داری
عرض از مبدأ	۱۴/۱۴۷	۱۶/۷۸۸	۰/۰۰۰
توانایی مدیریت	-۰/۳۳۱	-۲/۰۷۹	۰/۰۳۸
اندازه	۰/۴۱۱	۶/۱۵۰	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰/۲۳۴	-۱/۹۶۷	۰/۰۴۹
سن	۰/۱۴۰	۶/۷۸۳	۰/۰۰۰
تأمین مالی جدید	-۰/۰۷۳	-۳/۰۲۴	۰/۰۰۳
ضریب تعیین	۰/۷۶۱	آماره F	۲۲/۸۳۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۲۸	معنی‌داری	۰/۰۰۰
آماره دوربین-واتسون	۱/۷۲۰		

### آزمون فرضیه دوم

نتایج حاصل از اجرای مدل (۴) در قالب نگاره (۴) قابل مشاهده است. همان‌طور که انتظار می‌رفت، ضریب توانایی مدیریت منفی و در سطح  $۹۵$  درصد معنی‌دار است؛ بدین معنی که با افزایش توانمندی مدیران، احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای اهرم مالی، گزارش زیان در دوره مالی قبل، ریسک و شکستگی و سن شرکت و متغیر وابسته این فرضیه است؛ این نتایج نشان می‌دهد که با افزایش ریسک تجاری که شرکت

با آن مواجه است، احتمال دریافت اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده با بند ابهام در تداوم فعالیت افزایش می‌یابد.

#### تکانه (۴): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	آماره t	معنی داری
عرض از مبدأ	-۸/۱۳۱	-۷/۳۷۳	۰/۰۰۰
توانایی مدیریت	-۳/۸۵۳	-۳/۲۶۹	۰/۰۰۱
اهرم مالی	۲/۷۰۴	۴/۳۱۴	۰/۰۰۰
گزارش زیان در دوره مالی قبل	۱/۷۲۴	۴/۴۵۶	۰/۰۰۰
ریسک ورشکستگی	۰/۲۰۷	۲/۶۶۴	۰/۰۰۷
سرمایه گذاری	۲/۷۵۰	۱/۶۶۷	۰/۰۹۶
سن	۰/۸۴۹	۱/۸۸۳	۰/۰۰۶
ضریب تعیین	۰/۲۹۳	آماره LR	۹۷/۵۹۳
		معنی داری	۰/۰۰۰

#### نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی چگونگی تأثیر گذاری میزان توانمندی مدیران بر ریسک حسابرسی پرداخت. مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که با افزایش ریسک ارائه خدمات حسابرسی، میزان حق الزحمه درخواستی توسط حسابرس، به منظور پوشش این خطر، افزایش یافته و حسابرس با احتمال بیشتری در نوع اظهارنظر خود نسبت به صورت‌های مالی محافظه کارانه‌تر عمل می‌کند؛ بنابراین دو متغیر حق الزحمه حسابرسی و وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی به عنوان متغیرهای وابسته این پژوهش در نظر گرفته شدند. به علاوه، مدیریت واحد تجاری از طریق تأثیر گذاری بر سیاست‌های کلی و تصمیم‌گیری‌های کلان، بر عملکرد شرکت تأثیر خواهد گذاشت و در صورت عملکرد ضعیف مدیران، عملکرد کلی شرکت نیز تحت تأثیر قرار گرفته و ممکن است تداوم فعالیت آن با ابهام مواجه شده و از این جهت با ریسک حسابرسی ارتباط داشته باشد. این پژوهش به منظور سنجش توانایی مدیریت از مقیاس معرفی شده توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده کرده است که به کمی کردن توانایی مدیریت در تبدیل منابع به درآمد، با استفاده از ارقام حسابداری می‌پردازد.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که با افزایش توانمندی مدیران، میزان حق‌الزحمه خدمات حسابرسی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که مدیران توانمندتر با تأثیرگذاری بر ریسک شرکت، می‌توانند میزان ریسک حسابرسی را کاهش داده و همچنین با افزایش توانایی‌هایی مانند قدرت چانه‌زنی، قادر خواهد بود تا حق‌الزحمه کمتری را بابت خدمات حسابرسی پرداخت کند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ‌تر و قدیمی‌تر، حق‌الزحمه بالاتری را بابت خدمات حسابرسی پرداخت کرده‌اند. به علاوه، با افزایش بازده دارایی‌ها به عنوان معیاری از عملکرد بهتر شرکت، حق‌الزحمه حسابرسی نیز کاهش می‌یابد؛ اما برخلاف انتظار، متغیر تأمین مالی جدید با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معکوس دارد؛ به این معنی که با افزایش تأمین مالی، حق‌الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد که این مسئله با نتایج پژوهش کریشنان و وانگ (۲۰۱۵) در تضاد است.

از سوی دیگر، افزایش توانایی مدیران موجب کاهش احتمال تعدیل اظهارنظر حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری می‌گردد. این مسئله نیز با توجه به تأثیرگذاری مدیران بر ریسک عملیاتی شرکت قابل توجه است. به علاوه، نتایج نشان داد که افزایش نسبت اهرم مالی، گزارش زیان در دوره مالی قبل و افزایش ریسک ورشکستگی، به عنوان نشانه‌هایی از عملکرد پر ریسک شرکت، احتمال اظهارنظر حسابرسی در خصوص ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری افزایش می‌دهد؛ اما علی‌رغم آنچه انتظار می‌رفت، بین متغیر سرمایه‌گذاری و دریافت بند ابهام در تداوم فعالیت در اظهارنظر حسابرسی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به این معنی که با افزایش میزان سرمایه‌گذاری، احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد که این مسئله نیز با پژوهش کریشنان و وانگ (۲۰۱۵) مطابقت ندارد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که نتایج حاصل از این پژوهش از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست اینکه نتایج این مطالعه شواهدی را مبنی بر اهمیت توانایی و ویژگی‌های خاص مدیریت در تصمیم‌گیری‌های حسابرسان فراهم می‌آورد. دوم اینکه، شواهد این پژوهش نشان می‌دهد که نمره توانایی مدیریت مستخرج از مدل دومرحله‌ای ارائه‌شده توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) در سنجش میزان توانایی مدیریت سودمند بوده و می‌تواند در پژوهش‌های آتی نیز از آن بهره‌برد. نتایج این پژوهش همچنین می‌تواند برای حسابرسان در پذیرش مسئولیت

حسابرسی واحدهای تجاری و تعیین حق الزحمه این خدمات سودمند باشد. به علاوه سرمایه گذاران می توانند از نمره توانایی مدیران به عنوان یکی از شاخص های ارزیابی ریسک عملیاتی واحد تجاری بهره ببرند.

یکی از محدودیت های پیش روی این تحقیق، حق الزحمه حسابرسی است. این رقم تحت عنوان هزینه های حسابرسی در یادداشت های همراه صورت های مالی برخی از شرکت ها افشا نشده است که این مسئله موجب کاهش تعداد شرکت های نمونه فر ضیه اول پژوهش گردید. ضمن اینکه رقم افشاشده شامل کلیه مخارج مرتبط با حسابرس بوده و ممکن است در اثر مخدوش شدن با هزینه هایی مانند ایاب و ذهاب، نتواند منعکس کننده تلاش واقعی صرف شده توسط حسابرسی باشد. همچنین، با توجه به عدم افشای برخی از اطلاعات مانند هزینه های تحقیق و توسعه برای بسیاری از شرکت های نمونه، این متغیرها در محاسبه کارایی شرکت نادیده گرفته شده اند؛ بنابراین ممکن است نمره توانایی مدیریت محاسبه شده با خطای اندازه گیری همراه باشد.

در حالی که تحقیق حاضر به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر ریسک حسابرسی پرداخته است، مبانی نظری بیان شده نشان داد که توانایی مدیریت با تأثیر گذاری بر عملیات و همچنین محیط اطلاعاتی شرکت می تواند نقش با اهمیتی در موفقیت یک شرکت ایفا کند. به منظور ارائه شواهد تجربی در این خصوص پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی تأثیر توانایی مدیریت بر سایر شاخص های کیفیت محیط اطلاعاتی شامل خصوصیات کیفی سود مطالعه شود. همچنین، مطالعه ارتباط بین توانایی مدیریت دیگر انواع اظهار نظر حسابرس، می تواند به ارزیابی اعتبار یافته های تحقیق حاضر کمک کند.

### منابع

- Alavi, H., Robati, M. & yousefiasl, F. (2012). Agency problem and audit pricing based on free cash flows theory. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19 (2): 97-122. (In Persian)
- Andreou, P., Ehrlich, D., & Louca, C. (2016). The Impact of Managerial Ability on Crisis Period Corporate Investment. *Working paper. papers.ssrn.com/?abstract\_id=2633216*.
- Baik, B., D. Farber, & S. Lee. (2011). CEO ability and management earnings forecasts. *contemporary accounting research*, 28 (5): 1645-1668.

- Bamber, L., J. Jiang, & I. Wang. (2010). What's my style? The influence of top managers and their personal backgrounds on voluntary corporate financial disclosure. *The Accounting Review*, 85 (4): 1131-1162.
- Banimahd, B. (2011). Investigating the effective factors on qualified audit opinions. *Quarterly Journal of Securities Exchanges*, 13: 59-83. (In Persian)
- Bell, T., R. Doogar, & I. Solomon. (2008). Audit labor usage and fees under business risk auditing. *Journal of accounting Research*, 46 (4): 729-760.
- Bertland, M., & Schoar, A. (2003). Managing with style: the effect of managers on firm policies. *The Quarterly Journal of Economics* 118 (4): 1169-1208.
- Bozorgasl, M. & Salehzadeh, B. (2015). The relation between managerial ability and profits Sustainability with emphasis on accruals and cash flows in TSE. *Audit Science*, 58. 153-170. (In Persian)
- Carmeli, A., & A. Tishler. (2004). Resources, capabilities, and performance of industrial firms: A multivariate analysis. *Managerial Decision Economics*, 25 (x): 299-315.
- Carson, E., Fargher, N., geiger, M., Lennox, C., & Raghunandan, K. (2013). Audit reporting for going-concern uncertainty: A research synthesis. *A Journal of Practice & Theory*, 32 (August): 353-384.
- Chemmanur, T., & I. Paeglis. (2005). Management quality, certification, and initial public offerings. *Journal of Financial Economics*, 76 (2): 331-368.
- COSO. (2013). *Internal Control – Integrated Framework: Executive summary*. www.coso.org.
- Demerjian, P., B. Lev, & S. McVay. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management science*, 58 (7): 1229-1248.
- Demerjian, P., Lewis, M., & McVay, S. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The accounting Review*, 88 (2): 463-498.
- Dyreg. S., M. Hanlon, & E. Maydew. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85 (4): 1163-1189.
- Etemadi, H., Anvary Rostami. A. A. & Farajzadeh Dehkordi. H. (2009). A genetic programming model for bankruptcy prediction: Empirical evidence from Iran. *Expert Systems with Applications*.
- Francis, J. R., Krishnan, & J. (1999). Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research*, 16 (1): 135-165.
- Ge, W., D. Matsumoto, & J. Zhang. (2011). Do CFOs have styles of their own? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on

- financial reporting practices. *Contemporary Accounting Research*, 28 (4): 1141-1179.
- Geiger Marshal A., K. Raghunandan, & Dasaratha V. Rama. (2005). Recent changes in the association between bankruptcies and prior audit opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24 (1): 21-35.
- Gerakos, J., Hahn, P. R., Kovrijnykh, A., & Zhou, F. (2015). The effect of going concern opinions: Prediction versus inducement. *Working paper. papers.ssrn.com*.
- Hambrick, D., & P. Mason. (1948). upper echelons: The organization as a reflection of its top managers. *The Academy of Management Review*, 9 (April): 193-206.
- Hannan, M., & J. Freeman. (1977). The population ecology of organizations. *American Journal of Sociology*, 82 (5): 929-964.
- Hay, D. C., Knechel, W. R., & Wong, N. (2006). Audit fees: A meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23: 141-191.
- Hnifeh, M. & Mahmoodi, S. (2009). Audit risk and its components. *The Auditor Journal*, 47. 54-59. (In Persian)
- Jafari, A., Jafari, H., Rasaeian, A. & Poorhosseini, R. (2013). The relation between agency cost variables and audit fees. *Audit Science*, 12 (48). 135-146. (In Persian)
- Jameei, R., Halashi, M. & Hajieidi, A. (2013). The effects of managerial performance on audit opinions in TSEs. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19 (4). 1-14. (In Persian)
- Johnson, E, J. Kuhn, B. Apostolou, & J. Hassel. (2013). Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 32: 203-209.
- Johnstone, K. (2000). Client-acceptance decisions: Simultaneous effects of client business risk, audit risk, auditor business risk, and risk adoption. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19 (1): 1-25.
- Khodadadi, V., Ghorbani, R. & Khansari, N. (2014). The effects of ownership structures on audit fees. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (1). 57-72. (In Persian)
- Krishnan, G., & Wang, C. (2015). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, August, Vol. 34, No. 3, pp. 139-160.
- Krishnan, G., Pevzner, M. & Sengupta, P. (2012). How do auditors view managers' voluntary disclosure strategy? The effect of earnings guidance on audit fees. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31 (5): 492-515.
- Mackey, A. (2008). The effect of CEOs on firm performance. *Strategic Management Journal* 29 (12): 1357-1367.



- Mansourfar, GH., Didar, H. & Hosseinpoor, V. (2015). The effects of managerial ability on earnings quality of TSEs. *Financial Accounting Researches*, 23. 37-54. (In Persian)
- Momtazian, A. & Kazemnejad, M. (2016). The relation between managerial ability and performance criteria by DEA. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 5 (20). 65-88. (In Persian)
- Moradi, M., Osulian, M. & Morouzi, M. (2014). The relation between revenue management and going concern opinions. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (3). 313-328. (In Persian)
- Mousavi, A. & Daroughehazrati, F. (2012). The assessment of audit fees and free cash flows. *Management Journal*, 9. 53-65. (In Persian)
- Nikbakht, M. & Tanani, M. (2010). Examination of Factors Affecting Financial Audit Fees. *Financial Accounting Researches*, 2 (2). 111-132. (In Persian)
- Piri, P., Didar, H. & khodayaryegane, S. (2012). The relation between managerial ability and audit reporting quality during TSEs life cycles. *Financial Accounting Researches*, 21. 99-118. (In Persian)
- Pratt, J., & Stice, J. D. (1994). The effect of client characteristics on auditor litigation risk adjustments, required audit evidence, and recommended audit fees. *The Accounting Review*, 69: 639-656.
- Silva, A. (2010). Managerial ability and capital flows. *Journal of Development Economy* 93 (1): 126-136.
- Simonic, D. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, 18: 161-190.
- Simonic, D., & M. T. Stein. (1996). Impact of litigation risk on audit pricing: A review of the economics and the evidence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 15 Supplement: 119-134.
- Wasserman, N., Nohira, N., Anand, B. (2010). When does leadership matter? A contingent opportunities view of CEO leadership: Handbook of leadership theory and practice, *Harvard Business Publishing*, Cambridge, MA.

## The Relation of Managerial Ability to Audit Fees and Going Concern Opinions

Hassan Farajzadeh Dehkordi<sup>1</sup>, Nahid Heydari<sup>2</sup>

Received : 2015/12/25

Approved: 2016/04/06

### Abstract

This paper investigates the relation of managerial ability to audit fees and going concern opinions of some firms listed in Tehran Stock Exchange (TSE) from 1382 to 1392. In order to measure the managerial ability, the management scores defined by the two-stage DEA model of Demerjian et al. (2012) have been used. Moreover, audit fees and going concern opinions have been considered as audit risk. The sample consists of 1,034 firm-year observations from 94 unique firms. OLS and Logistic regressions have been used to test hypotheses. The results show that any increase in managerial ability decreases audit fees and likelihood of going concern opinion. Generally, the findings support the notion that the managerial ability is relevant to auditors' decisions. This evidence is particularly important because there is a paucity of empirical evidence on the relation between managerial characteristics and auditors' decisions.

**Keywords:** going concern, audit opinion, managerial ability, audit Fee, audit risk.

**Jel clacification:** L25, M42

---

DOI: 10.22051/jera.2017.7911.1098

Assistant Prof. of Accounting, Raja University, Qazvin, (ha.farajzadeh@yahoo.com) , corresponding author

MSc. of Accounting, Tarbiat Modares University, Terhan, (acc.nheydari@gmail.com)

## Relation of Size, Earning Management and Market Timing to the Firm Performance in Seasoned Equity Offerings

Maryam Davallou<sup>1</sup>, Afsaneh Payesteh<sup>2</sup>

Received : 2016/04/09

Approved: 2016/07/09

### Abstract

Some empirical evidence indicate that firms during the period of seasoned equity offerings take necessary actions of earning management and market timing and also, applying each of these approaches is affected by their size. The aim of this study is to investigate the relation of size, earning management and market timing to firm performance during the period of seasoned equity offerings. The sample of this study includes 63 firms listed in Tehran Stock Exchange that have experienced seasoned equity offerings from 2001 to 2013. The test of comparing two population means and panel data regression method have been used in order to investigate the relation of size, earning management and market timing to stock performance. Research findings indicate that earning management has a positive significant influence on short term performance, while it has a negative influence on one-year performance; however, market timing weaken the short term, one, two and three-year performances. Also, it cannot be claimed that a firm's decision of earning management and market timing during the period of seasoned equity offerings is affected by its size.

**Keywords:** Firm size, market timing, earnings management, seasoned equity offerings

**Jel clacification:** M41, G32.

## Accounting Benefits and Satisfaction in an ERP Environment

Sahar Yousefizadeh<sup>1</sup>, Mahnaz Molanazari<sup>2</sup>

Received : 2015/10/19

Approved: 2016/01/23

### Abstract

Over the past decades, organizations all over the world have adopted enterprise resource planning (ERP) systems. However, there is few researches regarding the accounting benefits of adopting ERP systems. The principal aim of this study is to investigate the accounting benefits of adopting an ERP system by firms and also to examine whether there are differences between accountants and IT professionals concerning how each group assesses ERP accounting benefits and ERP user satisfaction. The sample consists of 46 accountants and 25 IT professionals from Iranian firms. Findings show that accounting benefits derived from ERP systems have effects on accounting process and methods. Also, statistically, there is no significant difference between the viewpoint of accountants and IT professionals concerning ERP accounting benefits. Furthermore, this research explains accounting benefits and cost of ERP which affect ERP user satisfaction. Furthermore, this study will provide useful results for those who research accounting benefits from ERP system and ERP user satisfaction.

**Keywords:** ERP, accounting benefits, , IT professionals, satisfaction.

**Jel clacification:** G30, G39

---

<sup>1</sup>MSc of Alzahra university, corresponding Author, sahayousefizadeh@yahoo.com

DOI: 10.22051/jera.2017.7032.1043

<sup>2</sup>Associate prof. of Alzahra university, mahnaznazari43@gmail.

## Effects of Information Risk and Transaction Costs on Market Reaction to Earnings Announcement

Shahnaz Mashayekh<sup>1</sup>, Farzaneh Akbari<sup>2</sup>

Received : 2016/01/14

Approved: 2016/04/17

### Abstract

This research examines effects of information risk and transaction costs on market reaction to earnings announcement. The sample includes 828 earnings announcement of 69 firms listed in Tehran Stock Exchange in the period from the first half of the year 2008 to the second half of the year 2013. The research hypotheses are tested using GMM dynamic panel data method. The research findings show that in the first half of the year, information risk has a significant negative relation with the market reaction to unexpected earnings; however, in the whole year period, there is no significant relation between these two variables. On the other hand, in the whole year period, transaction costs have a significant positive relation with the market reaction to unexpected earnings, however; in the first six months, there is no significant relation between these two variables. In other words, findings indicate that investors pay more attention to non-financial factors such as political and economic factors than financial factors such as information risk and transaction costs.

**Keywords:** information risk, transaction costs, market reaction to earnings announcement, GMM

**Jel clacification:** G14 ,G19 ,G12 ,M49

---

DOI: 10.22051/jera.2017.8213.1125

<sup>1</sup> Associate professor of accounting, Alzahra university, (shahnaz\_mashayekh@yahoo.com)

<sup>2</sup> MSc. of accounting, Alzahra university, Corresponding author, (farzaneh.akbari1990@gmail.com)

## Managerial Ability and Dividend Policy

Masoud Hasani Elghar<sup>1</sup>, Mohammad Marfou<sup>2</sup>

Received : 2016/10/07

Approved: 2017/01/14

### Abstract

Dividend policy and factors affecting it are among the important topics widely used in modern financial literature. In most studies in this regard, researchers have pointed out some firms characteristics. The results of recent studies show that Managerial Ability is one of the determinants of dividend policy. In accounting literature, managerial ability is one of the dimensions of human capital, which is classified as an intangible asset. Some researchers define managerial ability as management efficiency for changing the company's resources into revenue, as compared to the competitors. This article is aimed to study the effect of managerial ability on dividend policy. The sample consists of 118 firms listed in Tehran Stock Exchange (TSE) from 2007 to 2014. Managerial ability is a part of firm's performance, which is not affected by the firm's intrinsic factors. In order to calculate and analyze the managerial ability data, the model proposed by Demerjian et al. (2012, 2013) is employed. Hypothesis testing is performed using multivariate linear regression statistical methods and Data Envelopment Analysis model (DEA). The results show that managerial ability has a positive significant effect on dividend policy. In other words, more able managers pay more dividends. Also, according to the findings, cash flow is effective on a firm dividend level, that means dividend is sensitive to cash flows.

**Keywords:** managerial ability, dividend policy, firm's performance, cash flow, growth opportunities.

**Jel clacification:** G34, G35

---

DOI: 10.22051/jera.2017.12065.1462

<sup>1</sup> teacher of accounting, Ghaenat university, Ghaen, corresponding author, (acc.hasani@gmail.com)

<sup>2</sup>Assistant Prof. of accounting, Allameh tabatabae'i university, Tehran, (marfoua@gmail.com)

## **Analysis of the Paradigm in Management Accounting Researchs in Iran: Evidence from the Past Three Decades**

**Mohammad Kashanipour<sup>1</sup>, Davood Mohseni Namaghi<sup>2</sup>**

Received : 2016/03/12

Approved: 2016/06/20

### **Abstract**

This study is aimed to investigate and analyze the paradigm of articles published in the field of management accounting in scientific specialized and non-specialized journals in the past three decades. This research examines the articles paradigm in four areas of subject matter, method, context and theory, by using the quantitative meta-analysis of content technique, statistical analysis and econometric analysis, in twenty accounting and financial Journals in the period from 1992 until the summer of 2015. Time period of this study is classified into two sub-periods of before and after the advent of the Journal of Management Accounting. The results show that specialized and professional journals are significantly different from the non-specialized and academic Journals in terms of research methodology and theory used. The results also confirm a significant difference of theory and context between the two specialized management accounting journals. On the other hand, there is no significant difference between the components of articles paradigm in the first sub-period as compared to the second sub-period. Using the results of this research may help researchers to provide more useful articles being published in each of the four paradigms in future.

**Keywords:** paradigm analysis, specialized journal, non-Specialized journal, professional journal, academic journal.

**Jel clacification:** G30 , G39

---

DOI: 10.22051/jera.2017.9049.1199

<sup>1</sup>Associate Prof of accounting. University of tehran. Iran, (kashanipour@ut.ac.ir)

<sup>2</sup>Ph.D. Student of accounting. University of tehran. Iran, corresponding author, (dmohseni@ut.ac.ir)

## Effects of Audit Reporting Quality and Status on Stock Trading Volume

Mohammad Reza Abbaszadeh<sup>1</sup>, Saeed Samaei Rahni<sup>2</sup>,  
Ali Khalilian Movahed<sup>3</sup>, Fereshteh Moshtagh<sup>4</sup>

Received : 2015/06/02

Approved: 2015/09/05

### Abstract

This study discusses effects of audit reporting status and quality on the behavior of investors in the capital market. For this purpose, type of auditor's opinion, levels of discretionary accruals and stock trading volume are variables used as indicators of report status, audit quality and investors' behavior measurement, respectively. The sample includes 121 firms in an 8 year period (2006 to 2013). To test hypotheses, panel regression model and Eviews8 software are used. Findings show that there is no relation between the quality of audit reports and trading volume but there is a positive relation between the status of audit reports and trading volume. This means that the more number of audit report qualification paragraphs and thus the transparency of the firm, the more willingness to invest in the firm stock.

**Keywords:** status of audit reports, audit quality, trading volume, discretionary accruals

**Jel clacification:** M40, M42, M41, F17

---

DOI: 10.22051/jera.2017.2841.

<sup>1</sup> Associate Professor, Department of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, corresponding author, (abbas33@um.ac.ir)

<sup>2</sup> Msc of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, (saeedsamaei@gmail.com)

<sup>3</sup> Msc of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, (khalilian.movahed@yahoo.com)

<sup>4</sup> Msc of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, (moshtagh\_990@yahoo.com)



## Disclosure Quality and Management Bonus

Ahmad Ahmadpour<sup>1</sup>, Zohreh Hajiha<sup>2</sup>, Hasan Chenari Boket<sup>3</sup>

Received : 2015/11/26

Approved: 2016/03/14

### Abstract

This paper studies management bonus and disclosure quality, using historical data of firms listed in the Tehran Stock Exchange during the period from 2010 to 2014. The empirical evidence from other countries shows a significant positive correlation between management bonus and disclosure quality. To test the hypotheses the multivariate regression with panel data is used. The results of the first hypothesis test suggest that there is a significant negative relation between the cash bonus payment and disclosure quality. The results of the second hypothesis test suggest that there is a significant negative relation between non-cash bonus payment and disclosure quality too. The findings of the research hypotheses confirm moral hazard hypothesis of possibility for mismanagement to get more bonus.

**Keywords:** management bonus, cash bonus, non-cash bonus, moral hazard, disclosure quality.

**JEL Classification:** M41, G32, G19

---

DOI: 10.22051/jera.2017.7534.1073

<sup>1</sup> prof. of accounting, Mazandaran university, corresponding author, (ahmadpour@umz.ac.ir)

<sup>2</sup> Assotiate prof. of accounting, Azad university of east Tehran, (z\_hajiha@yahoo.com)

<sup>3</sup>Msc. of accounting, azad university of south Tehran (khorasegan) , (ha\_chenari@yahoo.com)

## **XBRL Effects on Financial Reporting in Iranian Firms**

**Akbar Aminimehr<sup>1</sup>, Seyedeh Forozan Nabavinezhad<sup>2</sup>**

Received : 2015/11/05

Approved: 2016/02/16

### **Abstract**

Today, great changes have been occurred in information technology of accounting and financial activities area, so that XBRL is more applied. This research is aimed to investigate effects of using XBRL on financial reporting of Iranian firms. The research population includes all managers of firms listed in Tehran stock exchange, academics and certified accountants who are member of Accountant community of Iranian. The study sample is selected according to Cochran method, and a questionnaire including 25 inferential questions and 7 explorative questions is provided. To investigate the relation between XBRL and studied factors, the Chi-square rank correlation is used.

Findings show that the most significant relation is between XBRL and information access time.

Given the research results, one can claim that XBRL can enhance manager's planning capability, speed the implementations, provide the managers with more on time information and decrease final cost of financial reports.

**Keywords:** markup languages, extensible business reporting language, information systems, financial reporting, web-based accounting.

**Jel classification:** G30 , G39

## Effects of Corporate Social Responsibility on Sticky Cost Behavior

Javad Nik Kar<sup>1</sup>, Elham Hamidi<sup>2</sup>, Akram Jalili<sup>3</sup>

Received : 2016/02/09

Approved: 2016/05/10

### Abstract

This study is aimed to investigate effects of corporate social responsibility on sticky cost behavior in firms listed in Tehran Stock Exchange. For this purpose, five hypotheses are developed and data on the 105 firms listed in Tehran Stock Exchange for the period from 2006 to 2015 are analyzed. The hypotheses are tested by regression model using panel data with fixed effects approach. The results show that there is sticky cost phenomenon in firms listed in Tehran Stock Exchange. In addition, the results show that the ratio of employee number to total assets, the ratio of research, development and advertising costs to sales and the ratio of tax to sales, as indicators of corporate social responsibility, have significant positive influence on sticky cost behavior. Also, the results indicate that the ratio of fixed assets to total assets and corporate governance ability, as indicators of corporate social responsibility, have no significant effect on sticky cost behavior of Iranian firms.

**Keywords:** corporate social responsibility, public welfare, sticky cost, the asymmetry of cost behavior

**Jel clacification:** G39.G34

---

DOI: 10.22051/jera.2017.8651.1161

<sup>1</sup>Phd student and Teacher of accounting, Azad University east Tehran, corresponding author, (J.Nickar@gmail.com)

<sup>2</sup>Assistant Prof, university of Khatam, (HAMIDI.ELHAM@GMAIL.COM)

<sup>3</sup>MSc. of Accounting, (AKRAMJALILI7@GMAIL.COM)

## Table of content

<b>Effects of Corporate Social Responsibility on Sticky Cost Behavior .....</b>	<b>1</b>
Javad Nik Kar, Elham Hamidi, Akram Jalili	
<b>XBRL Effects on Financial Reporting in Iranian Firms.....</b>	<b>29</b>
Akbar Aminimehr, Seyedeh Forozan Nabavinezhad	
<b>Disclosure Quality and Management Bonus.....</b>	<b>43</b>
Ahmad Ahmadpour, Zohreh Hajiha, Hasan Chenari Boket	
<b>Effects of Audit Reporting Quality and Status on Stock Trading Volume..</b>	<b>63</b>
Mohammad Reza Abbaszadeh, Saeed Samaei Rahni, Ali Khalilian Movahed, Fereshteh Moshtagh	
<b>Analysis of the Paradigm in Management Accounting Researchs in Iran: Evidence from the Past Three Decades.....</b>	<b>81</b>
Mohammad Kashanipour, Davood Mohseni Namaghi	
<b>Managerial Ability and Dividend Policy.....</b>	<b>103</b>
Masoud Hasani Elghar, Mohammad Marfou	
<b>Effects of Information Risk and Transaction Costs on Market Reaction to Earnings Announcement.....</b>	<b>131</b>
Shahnaz Mashayekh, Farzaneh Akbari	
<b>Accounting Benefits and Satisfaction in an ERP Environment.....</b>	<b>153</b>
Sahar Yousefizadeh, Mahnaz Molanazari	
<b>Relation of Size, Earning Management and Market Timing to the Firm Performance in Seasoned Equity Offerings.....</b>	<b>189</b>
Maryam Davallou, Afsaneh Payesteh	
<b>The Relation of Managerial Ability to Audit Fees and Going Concern Opinions.....</b>	<b>221</b>
Hassan Farajzadeh Dehkordi, Nahid Heydari	

**Licence Holder:** Alzahra University  
**Director:** Hoseini, Seyed Ali (Assist. Prof. Alzahra University)  
**Editor in chief:** Rahmani, Ali (Asso. Prof. Alzahra University)  
**Executive Manager:** Valizadeh Larijani, Azam (Assist. Prof. Alzahra University)  
**Scientific Editor:** Valizadeh Larijani, Azam (Assist. Prof. Alzahra University)  
**Literally editor:** Valizadeh Larijani, Azam (Assist. Prof. Alzahra University)  
**English Editor:** Ebrahimi, Elaheh  
**Cover Designer:** Teymourian, Hedye  
**Lay out editor:** Esfandi, Khadijeh  
**Journal Expert:** Pakkhesal, Azam  
**Print and Binding:** Alzahra University Publishing  
**Editorial Board**  
Ahmadpour, Ahmad, Prof. of Mazandaran University  
Pourheidari, Omid, Professor of Baahonar University  
Hejazi, Rezvan, Prof. of Alzahra University  
Khalifesoltani, seyed ahmad, Asso. Prof. of Alzahra University  
Rahmani, Ali, Asso. Prof. Alzahra University  
Sajadi, Hosein, Prof. of Chamraan University  
Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Prof. of Alzahra University  
Mashayekh, Shahnaz, Asso. Prof. Alzahra University  
Mashayekhi, Bita, Asso. Prof. Tehran University  
Mehrani, Sasan, Asso. Prof. of Tehran University  
**Address:** Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box  
1993891176  
**Tel & Fax:** (+9821) 88212578  
**Website:** <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>  
**Email:** jera@alzahra.ac.ir

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

*Empirical Research in Accounting*

Spring 2017, Vol 6, Number 23